سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

تئوریک (۱)

پیرامون ماهیت جنگ ایران و عراق و برخوردهای انحرافی به آن

فهرست

مقدمه
فصل اول: مبانی تئوریک
فصل دوم: بررسی تاریخی ـ مشخص ماهیت جنگ ایران و عراق
ـ بخش ۱ : اشاره ای به تاریخ
ـ بخش ۲ : روابط ایران و عراق در دوره حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی
ـ بخش ۳ : نتیجه‌گیری: دعوا بر سر چیست ؟ موضوعات واقعی جنگ کدامند؟
توضیحات
فصل سوم: برخوردهای انحرافی به جنگ اخیر
۱ ـ سوسیال شوینیستها چه می گویند؟
۲ ـ دفاع طلبان چه می گویند)
ضمیمه شماره ۱

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

مقدمه

اولین شماره نشریه تئوریک سیاسی ماهم اکنون در اختیار شماست . قبل ازهرچیز لازم است درباره اهداف خود ودرکی که نسبت به وظایف مان باید پرش مسئولیت انتشاراین نشریه داریم مختصرا توضیحی بدهیم .

بدینمنظورلازم است در ابتدا بطوربسیارمختصربه‌بررسی شرایط کنونی جنبش وجامعه ووظایف خطیری که تحت شرایط کنونی در مقابل جنبش کمونیستی ایران قرار دارد بپردازیم.

یکسال ونیم پس ازقیام مسلحانه توده ای خلق وسرنگونی رژیم وابسته ومزدورشاه درشرایطی که علیرغم مبارزات قهرمانانه توده ها بدلیل حاکمیت بورژوازی ارتجاعی انقلاب دمکراتیک و ضدامپریالیستی خلقهای ایران ناتمام مانده است جنبش انقلابی طبقه وتوده ها علیرغم افت نسبی پس ازقیام همچنان در مسیراعتلای خویش به پیش میرود .

بحرانهای اقتصادی ـ اجتماعی وسیاسی جامعه نه تنها فروکش نکرده بلکه بیش ازپیش تشدید شده وبویژه با جنگ ارتجاعی اخیرویی آمدهای آن چشم اندازتشدید بیش ازپیش مبارزه طبقاتی وشرایط بسیارپیچیده ای رانمایان میسازد .در شرایطی که نیازها ومقتضیات جنبش توده ای وپیشرفت انقلاب

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

مستلزم قدرت سیاسی ایدئولوژیک تشکیلاتی ای است که به اتکا انسجام تئوریک ایدئولوژیک مارکسیستی لنینیستی وخط مشی صحیح وخلاقیت رهبری سیاسی اش به این مقتضیات و نیازها و مسائل تئوریک ـ سیاسی تشکیلاتی جنبش پاسخ گوید ، جنبش جوان کمونیستی ما دستخوش پراکندگی وبحران ایدئولوژیک و تشتت تئوریک سیاسی است .

جنبش کمونیستی ما که حتی پس از آغاز اعتلای جنبش توده ها از اواخر سال ۵۵ هنوز در اساس خود دستخوش مشی انحرافی چریکی بود تحت این شرایط وانعکاس برآمد جنبش توده ای و تشدید مبارزه طبقاتی ـ طبقاتی بخش غالب آن موفق به نفی مشی چریکی گردید . توسعه وگسترش جنبش توده ای مقتضیات وشرایط رشد وگسترش وسیع اندیشه های م.ل را ایجاد نمود بطوریکه طی سالهای اخیر ، همراه با برآمد جنبش طبقه کارگر و توده ها و سیر اعتلای آن ما با گسترش فوق العاده وسیع اندیشه های م.ل در میان روشنفکران انقلابی و پیدایش ورشد وسیع محافل و گروههای م.ل روبرو هستیم .

طی این دوره جنبش م.ل جوان ایران علیرغم گسترش وسیع ورشد وانعکاس سریع خود در شرایط بحرانی انقلابی جامعه و نیازها و مقتضیات وسیع و فزاینده جنبش انقلابی توده ای با انبوهی از مسائل ومعضلات تئوریک سیاسی تشکیلاتی ای که جنبش انقلابی در پیش پای آن میگذاشت روبرو گردید .

ضعف وعقب ماندگی شدید جنبش کمونیستی نسبت به بحران انقلابی وسیر پرشتاب جنبش توده ای ، جنبش جوان م.ل ایران را علیرغم توسعه و گسترش وسیع اندیشه های م.ل و رشد سریعش بزودی دستخوش بحران نمود . تداوم و اوجگیری فزاینده مبارزات توده ها و پتانسیل عمیق انقلابی آن در غیاب رهبری کمونیستها با اقیام مسلحانه توده ای رژیم مزدور شاه را سرنگون ساخت بدون اینکه توده ها بقدرت سیاسی دست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

یابند . پس از قیام جنبش توده ای علیرغم افت نسبی تحت حاکمیت بورژوازی ارتجاعی و با مرزبندی های روشن تر طبقاتی تحت شرایط سیاسی جدید در بستر بحران انقلابی جامعه سیر اعتلائی خویش را ادامه داد .

جنبش کمونیستی پس از قیام علیرغم رشد وگسترش خود و توسعه ونفوذ قابل توجه در میان طبقه توده ها وعلیرغم تلاش های کمونیست ها برای پاسخ به مقتضیات و نیاز جنبش توده ها همچنان در بحران شدت یافته اش بسر می برد . چراکه از یک طرف بحران ایدئولوژیکی جنبش کمونیستی جهانی ولنعکاس آن در جنبش جوان کمونیستی ایران و از طرف دیگر جدائی جنبش م.ل از جنبش طبقه توده ها و پراکندگی و تشتت ایدئولوژیک سیاسی جنبش و عملکرد انحرافات اپورتونیستی و گرایشات .ا ت رویزیونستی در شرایط تداوم بحران انقلابی جامعه این بحران رو بزروز تشدید نموده است .

امروز برای تمامی کمونیستها بوضوح روشن است که در شرایط کنونی جنبش جامعه که ما با تداوم بحران انقلابی و چشم انداز اعتلای بیش از پیش توده روبروهستیم پاسخگوئی به وظایف خطیری که جنبش انقلابی طبقه وتوده های زحمتکش تحت ستم در مقابل جنبش کمونیستی قرار میدهد بیش از هروقت نیازمند تلاش متحد ومتشکل همهٔ کمونیستهای راستین است و امر ایجاد حزب کمونیست ایران بمثابه مبرمترین وظیفه بیش از هر وقت وظیفه محوری همه کمونیستهای صادق ایران است .

اما در حال حاضر جنبش کمونیستی جوان ایران با پراکندگی و بحران ایدئولوژیکش بیش از هرزمان بارشد واعتلای جنبش که وحدت بالا تر و یک پارچه کمونیستهای راستین را طلب میکند در تضاد است . در چنین حالتی است که ایفای وظایف کمونیستی ، و تحقق ایجاد حزب کمونیست رهنمود ها و برنامه نقشه مند و روشنی را همثابه مسئله روز از کمونیستها طلب می کند .

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

اما این وحدت اصولی بدون تامین وحدت ایدئولوژیکی خود وفائق آمدن برتشتت تئوریک ایدئولوژیک وسردرگمی های موجود در این زمینه تحقق نخواهد یافت .

بدون شک دیرتوتلاش وکوشش کمونیستها جنبش ما علیرغم لطمات شدید ناشی ازفروانتادن بخش مهمی ازآن بدامن رویزیونیسم ورشد گرایشات رویزیونیستی درمیان برخی دیگر از نیروها به دستاوردها وتجارب گرانقدری نیزدست یافته است .

دستاوردها وتجاربی که بااستحکام بخشی وارتقاء آنها پایه های محکمی برای تحقق امروحدت جنبش کمونیستی خواهد بود .

در درجه اول برای این استحکام مبارزه مستمر علیه اپورتونیسم ورویزیونیسم درتمامی اشکال خود بویژه رویزیونیسم خروشچفی و سوسیال امپریالیسم و گرایشات رویزیونیستی بمثابه دشمن اصلی م.ل و ریشه بحران ایدئولوژیکی جنبش در دستورهمه کمونیستهای راستین است . درهمین رابطه بدون تلاش پیگیربرای انسجام واستحکام تئوریکی مارکسیستی لنینیستی جنبش ومبارزه فعال تئوریک سیاسی انسجام ووحدت سیاسی ایدئولوژیک ضروربرای ایجاد حزب تامین نخواهد شد . درغیراینصورت کمونیستها قادرنخواهند بود باتلاش متحد وپیگیرخود به معضلات تئوریک سیاسی و تشکیلاتی ای که جنبش طبقه وتوده هارامقابل جنبش کمونیستی قرارمیدهد پاسخ داده ودیرتوتئوری انقلابی جنبش طبقه و وتوده های زحمتکش رابسوی پیروزی هدایت نمایند .

ازاینرو یافتن راه حل عملی و تنظیم برنامه ای که بتواند وحدت جنبش کمونیستی راتامین نمایدمسئله محوری و روزهمه کمونیستهاست . درهمین رابطه باتوجه به تشتت تئوریک سیاسی درجنبش وضعف وسردرگمی شدیدآن دراین زمینه تلاش وسیع و گسترده کمونیستهابرای دامن زدن به مبارزه

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

طبقاتی در این عرصه (تئوریک) نیز ضرورت تام دارد.

علاوه بر خطر رویزیونیسم (بمثابه خطر اصلی) انحرافات اکونومیستی، تروتسکیستی ... موجود در جنبش بمثابه عامل بازدارنده رشد جنبش و پاسخگوئی صحیح به معضلات تئوریک سیاسی عمل کرده اند و می کنند و راه را برای رشد بیشتر گرایش رویزیونیستی بازنموده اند (و می نمایند).

بدون مبارزه علیه این انحرافات نمیتوان بوظایف خطیر کنونی پاسخ مساعد گفت و به استقبال آینده ای که بدون شک با پیچیدگی ها و مشکلات ناشناخته ای همراه است شتافت. امری که در طول چند سال اخیر به آن کم بها داده شده و بدلیل انحرافات وضعفهای موجود بطور شایسته ای عملی نشده است.

ما با برخورد انتقادی به مواضع و عملکرد سازمان طی چند سال اخیر و با این ارزیابی که سازمان بدلیل حاکمیت انحراف براست نتوانسته است به وظایف خود بطور همه جانبه و اصولی پاسخ گوید با عطف توجه به وضعیت جنبش کمونیستی که مختصرا در اینجا متذکر شدیم خود را موظف میدانیم تا در حد توان خویش علیرغم تمامی ضعف ها و محدودیت ها در جهت به انتشار یک نشریه تئوریک سیاسی بزنیم.

مضمون و برنامه ای که این ارگان بعهده دارد مستقیما در رابطه با وظایفی است که تحت شرایط مشخص کنونی جنبش و جامعه برای همه کمونیست های راستین و خود قائلیم. این نشریه در اساس خود بنا بر خصلت مطالبی که در آن درج و منتشر میشود به امر ترویج می پردازد. در این ارگان مسائل تئوریک ـ اعم از تئوری عام م.ل و نیز کاربرد و تطبیق خلاق آن در جامعه مان جای مهمی را بخود اختصاص میدهد. ما در این نشریه به مسائل اساسی سیاسی و برنامه ای و خط مشی تاکتیکی و پلمیک حول آنها نیز خواهیم پرداخت. ما در حد توانائی و امکانات تلاش خواهیم کرد که این نشریه بتواند تمامی جوانب جنبش را در خود

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

منعکس نموده و آگاهانه از تبدیل آن به یک نشریه ای که حاوی مطالب تئوریک مربوط به سوسیالیسم و سیاست برای روشنفکران بشود جلوگیری خواهیم کرد .

علاوه براین اطلاعات و مسائل مربوط به جنبش کارگری ـ کمونیستی جهانی و جنبش های انقلابی ضد امپریالیستی خلقهای تحت ستم و مسائل تئوریک و ایدئولوژیک مورد برخورد در سطح جنبش کمونیستی نیزجای شایسته ای در این نشریه خواهند داشت .

ما امیدواریم با بنظریق بتوانیم بسهم خود با مروحدت و انسجام ایدئولوژیکی جنبش م.ل پاسخ گفته وبادامن زدن فعال مبارزه تئوریک سیاسی توسط این ارگان در رفع و دن انحرافات وضعف وتشتت تئوریک سیاسی جنبش بسهم خویش نقش موثری داشته باشیم .شایسته بود ما اولین شماره این نشریه را به انتشار دستاوردهای کنگره دوم سازمانی و ارزیابی از بحران کنونی جنبش کمونیستی وانتقادات مشخصی که نسبت به مواضع وعملکرد مان طی دو ساله گذشته داشتیم اختصاص دهیم ولی نظریه اهمیت مسئله جنگ کنونی واتخاذ تاکتیک نسبت به آن این وظیفه را به شماره دوم نشریه واگذار نمودیم .

درنظر داریم این نشریه را بطور ماهانه منتشر کنیم . ودر مواردی که ضرورت داشته باشد برخی مطالب بصورت ضمیمه نشریه منتشر خواهیم کرد .

نیمه دوم آبان ۵۹

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

فصل اول: مبانی تئوریک

الف: برخورد مارکسیستها نسبت به جنگ

برخورد مارکسیستها نسبت به مسئله جنگ، همچنان که لنین در مورد "سوسیالیسم و جنگ" توضیح میدهد، برخلاف صلح - طلبان بورژوازی و آنارشیست ها یک برخورد تاریخی - طبقاتی است. صلح طلبان بورژوازی هرنوع جنگ را بطور کلی رد کرده و تمام جنگها اعم از عادلانه و غیرعادلانه، مترقی و ارتجاعی، انقلابی و ضدانقلابی را به این عنوان که برای "بشریت" مصیبت زا و بلا فرین هستند مذموم میدانند. این برخورد ضد طبقاتی صلح طلبان بورژوازی، درواقع بخاطر محدوش کردن موزمیان جنگهای انقلابی و ضدانقلابی و بخاطر ترس بورژوازی از انقلاب است. همیشه وقتی که جنگهای ارتجاعی طولانی این "خطر" را پدید آورده که موقعیت انقلابی بوجود آید، جناح دوراندیش بورژوازی، "صلح طلب" شده و از جناحهای ارتجاعی درگیر در جنگ میخواهد که بخاطر جلوگیری از شعله انقلاب، جنگ را خاتمه دهند. کمونیستها برخلاف صلح طلبان، معتقد هستند که "جنگ" یک مقوله طبقاتی است و تنها در جامعه بدون طبقات کمونیستی جائی که طبقات استثمارگر جنگ افروز و بطور کلی طبقه وجود ندارد، میتواند جای خود را به صلح دهد. بعلاوه در جامعه طبقاتی که طبقات استثمارگر با قهر و زور بر توده ها

آرشیو اسناد سازمان "پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"
www.peykar.org

حکومت می کنند و از طریق یک جنگ دائمی گاه پنهان و گاه آشکار مطامع طبقاتی خود را به پیش میبرند، جنگ برده ها علیه برده داران، جنگ دهقانان علیه ملاکین و جنگ کارگر ـ آن علیه سرمایه داران، عادلانه، انقلابی و ترقیخواهانه است و تنها از این طریق جنگ انقلابی است که میتوان به آن جنگ ارتجاعی طبقات استثمارگر جواب داد. کمونیستها برخلاف ملح طلبان بورژوازی و آشتی طلبان که قادر نیستند بیک تحلیل تاریخی ـ طبقاتی مشخص از هر جنگ دست بزنند، در پرتو جهان بینی ما تریالیستی دیالکتیکی خود، برای ارزیابی از خصلت یک جنگ به بررسی شرایط عینی و مقتضیات مشخصی که این جنگ در آن واقع شده و سیاست آن دولتها و طبقاتی که در این جنگ درگیر هستند میپردازند و همواره از متدد یالکتیکی پیروی می نمایند. چه ملح طلبان و چه آشتی طلبانی که هر دو فراکسیونهای مختلف بورژوازی هستند در برخورد به جنگ از تحلیل طبقاتی حرکت نکرده بلکه غالبا از موضع "دفاع از ما و وطن" و گاهی از موضع متخاصمین درجنگ (اینکه چه کسی اول حمله را شروع کرده) عزیمت می نمایند.

از نظر مارکسیستها پرولتاریا "میهن" ندارد، پرولتاریا در اصل یک طبقه جهانی مزد بگیران فاقد وسائل تولید است و هیچ چیز او را از برادران طبقاتی خود در کشورهای دیگر جدا نمی سازد، زیرا آنچه که یک بورژوا با خرده ـ بورژوا را در بند "میهن" گرفتار میسازد، برای بورژوا همان تامین "بازار ملی" و انحصار در "بازار ملی" و برای خرده بورژوا تقدس آن شرایطی است که مالکیت کوچک او میتوانند از گزند دشمنان (یعنی بورژوازی و پرولتاریا) "حفظ" کرده. مارکس و انگلس در بیانیه کمونیست میگویند:

"کارگران میهن ندارند. کسی نمیتواند از آنها چیزی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

که ندارند بگیرد. زیرا پرولتاریا "با بدقبیل از هرچیز" سیادت سیاسی را به کف آورد و بمقام یک طبقه ملی ارتقاء یابد و خود را بصورت ملت درآورد". (ص ۶۴)

ولی اینکه پرولتاریا مبهن ندارد به مفهوم آن نیست که پرولتاریا درحال حاضر جنبه ملی ندارد. در ادامه همان نقل قول میخوانیم:

"وی خودش هنوز جنبه ملی دارد، گرچه این اصلا به "آن "معنائی" نیست که بورژوازی از این کلمه می فهمد."

لنین خود در نامه‌ای که در سال ۱۹۰۶ به "آینه سا آرماند" مینویسد این مطلب را چنین توضیح میدهد:

"در ما نیفست کمونیست گفته شده است که کارگران وطن ندارند. صحیح، اما نه تنها این گفته شده است بلکه این نیز گفته شده است که وقتی دولتهای ملی تشکیل نمی‌شوند، نقش پرولتاریا تا حدی ویژه خواهد بود. چنانچه موضوع اول (کارگران وطن ندارند) را گرفته و رابطه آنرا با موضوع دوم (کارگران از نظر ملی یک طبقه را تشکیل میدهند گرچه نه بهمان مفهومی که بورژوازی می فهمد) فراموش کنیم، امری شدیدا نادرست خواهد بود". (صفحه ۱۱ مجموعه مقالات ـ درباره جنگ ـ لنین)

بدین ترتیب، پرولتاریا فقط از آن دسته جنگهای "ملی" و "میهنی" دفاع خواهد کرد که با جزئی از جنبش انقلابی دمکراتیک بپا شد (مثل جنگهای رهائی بخش و ملی خلقهای تحت سلطه و وابسته علیه امپریالیسم در قرن بیستم و یا جنگهای ملی بورژوازی در قرون هجده و نوزده علیه فئودالیسم) یا جزئی از جنبش سوسیالیستی (مثل جنگ کبیر میهنی شوروی سوسیالیستی علیه متجاوزین فاشیست) و در غیر اینصورت هرگز منافع طبقاتی را فدای وحدت دروغین "ما و وطن" و "ملت که معمولا در هنگام جنگهای

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

ارتجاعی از جانب طلبان و آنارشیستها این فراکسیون ـ های مختلف بورژوازی ساز میشود، نخواهد کرد.

از نظر مارکسیستها، اینکه چه کسی جنگ را اول شروع کرده نمیتواند ماهیت آن جنگ را تعیین کرده و یا به حمله کننده، ملت تجاوزگر و به حمله شونده، ملت مدافع بدهد. ماهیت یک جنگ را سیاست آن دولتها و طبقاتی که این جنگ را به پیش میبرند، تعیین می نماید و اینکه یک رژیم انقلابی تحت شرایط مشخص یک جنگ را اول شروع کند و یا وجود آن که حمله کننده بوده است، حقانیت نیز با او باشد، آیا کسی هست که از اعلان جنگ یک ملت تحت سلطه علیه ملت سلطه گر حتی سرسوزنی هم در حقانیت این جنگ شک و تردید نماید؟ مارکس و انگلس خود در سال ۱۸۴۷ آلمان را ترغیب میکردند که علیه روسیه تزاری قشودالی که بر حیات آلمان چنگ انداخته و مانع رشد و ترقی آن شده بود بورش برند و این جنگ، بنفع رشد نیروهای مولده و انقلاب بود. بدین ترتیب جنگها را نمیتوان به "جنگهای دفاعی" و "جنگهای تهاجمی" یعنی براساس موضع متخاصمین در جنگ تعیین کرد بلکه باید براساس سیاستهای قبلی رژیمهای درگیر در جنگ بمقاومت درباره ماهیت جنگ دست زد. مثلا در جنگ اخیر ایران و عراق، این مسلم است که هواپیماهای عراقی بودند که در روز دوشنبه ۳۱ شهریور اول به ایران حمله کرده و به درگیریهای قبلی خصلت یک جنگ تمام عیار دادند، ولی این موضع نمیتواند سرنخی برای تحلیل از ماهیت جنگ بدست دهد، بلکه سیاستهای قبلی دو رژیم در منطقه، نسبت بیکدیگر و در مرزهای داخلی دو کشور است که تعیین کننده ماهیت جنگ میباشد. از جانب ایران، سیاست حفظ موقعیت سوق الجیشی رژیم سابق در منطقه (که یک سیاست ژاندارمی در خلیج بود) و علاوه بر آن سیاست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

"صدور انقلاب اسلامی" و از جانب عراق سیاست بدست آوردن موقعیت بهتر و یا بدتر در خلیج و همچنین سیاست "پیمان عربیستی" و بالاخره از جانب هر دو رژیم سیاست سرکوب انقلاب داخلی و انحراف مبارزه طبقاتی داخل بسمت یک درگیری خارجی میباشد که علت ارتجاعی، تجاوزگرانه و فریبکارانه این جنگ را هم از لحاظ ماهیت و هم از لحاظ طرفین آن روشن میسازد. آری، جنگ ادامه سیاست است منتها در شکلی قهرآمیز. قهرآمیز شدن این سیاست، فقط تغییر شکل این سیاست را از شکل مسالمت آمیز به قهرآمیز نشان میدهد و نه تغییر محتوا و مضمون طبقاتی این سیاست را. بقول لنین اینکه کدام راهزن اول تیغه چاقویش را بازمیکند تا جنگ را شروع نماید مهم نیست بلکه مهم آن سیاست راهزنانه ای است که دو راهزن را برای رقابت با یکدیگر بجان هم انداخته است.

همین طور که مارکسیستها در مسئله جنگ، از زاویه طبقاتی به آن می نگرند، در مسئله صلح نیز از زاویه پرولتاریا به مسئله نگریسته و هرگز خواستار صلحی نیستند که در آن سودی برای انقلاب وجود نداشته باشد. کمونیستها فقط آن صلحی را طالب هستند که یا خود مستقیما به انقلاب منجر شود و یا آن که اگر هم در اثر فقدان شرایط موقعیت انقلابی خود نمی‌تواند مستقیما به انقلاب و جنگ داخلی منجر گردد حداقل به آن کمک نماید. مثلا لنین در جنگ اول جهانی شعار صلح جداگانه "از جانب بورژوازی "خودی" را رد می نماید و به شعار "تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ داخلی" اصرار می ورزد. از نظر لنین "صلح" خود یک هدف نیست که بعنوان شعار مطرح گردد، بلکه این انقلاب و جنگ داخلی است که باید در مرکز توجه قرار گیرد. "صلح جداگانه"، "آتش بس همراه با بازگشت به مرزهای اولیه" و از این قبیل، هیچکدام

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

نمیتوانند سیاستهای پرولتاریا در یک جنگ ارتجاعی باشند و فقط انقلاب و جنگ داخلی (و در شرایطی که مجموعه عوامل این احتمال را ضعیف میسازد که جنگ ارتجاعی مستقیما به جنگ داخلی تبدیل گردد، شعارهائی که به امر گسترش انقلاب سود مند باشد) اینست که تنها سیاست مارکسیستی و صحیح است. اگر جنگ، ادامه سیاست در شکل قهرآمیز است، صلح نیز نمیتواند ادامه همان سیاست به شکلی دیگر نباشد و بنابراین فقط کسانی که درک طبقاتی ـ تاریخی از جنگ ندارند و آن را بعنوان "تاثره‌ای که ناگهان افروخته شد" میدانند، میتوانند نسبت به صلح نیز بعنوان "موهبتی که عطا شد" بنگرند.

ب: انعکاس نظریات بورژوازی و خرده بورژوازی در مورد جنگ درون جنبش طبقه کارگر

در لحظات جنگ ارتجاعی که شرایط بحرانی تشدید میشود، بورژوازی سعی میکند تا از طریق ایده‌های "دفاع از میهن" و "جنگ تدافعی" و درباره‌ای موارد با ایده‌هائی چون "دفاع از دین" و "گسترش مذهب"، "اشاعه تمدن" و نظایر آن، جنبش کارگری را بدنبال خود کشانده و به این جنبش اجازه ندهد که از موقعیت بحرانی زمان جنگ استفاده کرده و آنرا در خدمت مبارزه طبقاتی پرولتاریا برای سرنگون کردن بورژوازی قرار دهد. دسته‌های رویزیونیست و اپورتونیست در درون جنبش کارگری نیز که دستیاران بورژوازی هستند میکوشند تا با عکس برگردانی ایده‌های

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

شوینیستی بورژوازی، عناصر ناپیگیر جنبش کارگری را در زنجیر ایده‌های بورژوائی، گرفتار کرده و بدین طریق به بورژوازی اجازه داد که در زمان جنگ از کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان بعنوان گوشت دم توپ خود استفاده نماید و همچنان که قبل از جنگ از "شیره جان" آنها سود میبرد اکنون از "جان" آنها سود برد.

این ایده‌های بورژوائی به دو صورت "سوسیال شوینیسم" و "دفاع طلبی" در جنبش کارگری پدیدار میشود که البته در هر شرایط مشخص دارای ویژگیها و سایه روشنهای خاصی است.

سوسیال شوینیسم یعنی سوسیالیسم در گفتار و شوینیسم در کردار. سوسیال شوینیسم یعنی دفاع از "میهن بورژوازی" یا "دفاع از میهن" بدون توجه به اینکه بر این "میهن" چه طبقه‌ای تسلط دارد و سیاست چه طبقه‌ای حاکم است. یعنی سیاست مقدم دانستن میهن بر طبقه و در نتیجه سیاست مقدم دانستن منافع بورژوازی بر منافع پرولتاریا. سوسیال شوینیستها البته میکوشند تا دفاع از بورژوازی "خودی" در جنگ ارتجاعی را تحت پوشش های ظاهرفریب بپوشانند و با "ملی"، "مترقی"، "انقلابی"، "ضد امپریالیست" و ... خواندن بورژوازی خودی خیانت خود را به پرولتاریا و انقلاب بپوشانند. آنها میکوشند تا حتی در شرایطی که ارتجاعی بودن بورژوازی "خودی" امری مسلم است میان سیاست داخلی بورژوازی با سیاست خارجی آن جدائی انداخته و سیاست خارجی او را "مترقی" بخوانند. در واقع سوسیال شوینیستها از سیاست "مبارزه طبقاتی در طول جنگ ممنوع است" پیروی میکنند و منافع پرولتاریا و توده‌های زحمتکش را فدای بورژوازی میسازند. هرچه یک کشور از لحاظ رشد صنعتی عقب مانده‌تر بوده و در نتیجه رخنه عناصر

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

دهقانی وبینشوری درپرولتاریا بیشتر باشد، هرچه یک جنبش پرولتاریائی کمتر مجهز به آگاهی طبقاتی بوده و تحت هدایت سازمان پیشقراول حزبی خودنباشد، امکان نفوذ ایده‌های سوسیال شوینیستی درپرولتاریا نیزبیشتر است ولی نفوذ این ایده‌های بورژوائی درمیان کارگران وتوده‌های تیمه پرولتروکشیده شدن آنها بدنبال بورژوازی نه ناشی از منافع طبقاتی آنها و ازروی "سوء نیت" بلکه ناشی از ناآگاهی آنهاست وبیشترهم بصورت ایده‌های "دفاع طلبانه" پدیدار میشود.

در "دفاع طلبی" ایده‌های سوسیال شوینیستی شکل پوشیده‌تری بخودمی گیرد، دراینجا دیگرحمایت آشکار از مطامع بورژوازی "خودی" وجنگ "تهاجمی" اودرمیان نیست بلکه بجای آن حمایت ازخلق، ازخودوازانقلاب در مقابل "دشمن" مطرح است. بعبارت دیگرکنه سیاست دفاع طلبان، سیاست جداکردن توده ازرژیم بورژوائی حاکم براو، سرباز ازنظام ارتشی حاکم براو، بهوشاندن سیاست حاکم برجنگ وبرتوده‌هائی که درنتیجه ازبورژوازی به جنگ کشیده شده‌اند و... میباشد. لنین درمقاله "جنگ و انقلاب" دراین مورد چنین میگوید:

"هیچوقت سئوالی راکه یکی ازآنها (کارگران دفاع طلب) بعدازپایان جلسه‌ای ازمن کردازیاد نمیبرم اوگفت: "چرا شما همیشه علیه سرمایه‌دارها صحبت می‌کنید؟ من سرمایه‌دار نیستم، اینطورنیست؟ ما کارگریم ما ازآزادیمان دفاع می کنیم". شما اشتباه میکنید. شما می جنگیدزیرا شما دربدولت سرمایه‌داری ما دفاع می کنید، دولتها هستند که خلقها که دارند این جنگها را ازپیش میبرند. من ازیک کارگربا دهقانی که سیاستمداران خودرا نمی شناسند واین فرصت خوب

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

یا بدر انداشته تا به رموز دیپلماسی یا تصویر غارتگری مالی (مثلا ستم روسیه و انگلیس بر ایران) آشنا شود، متعجب نیستم. من از اوکه این تاریخ را فراموش کرده و ساده لوحانه میگوید: "چه کسی از سرمایه داران میتواند وقتی این من هستم که می جنگم "تعجب نمیکنم! او رابطه میان دولت و جنگ را نمی فهمد، او درک نمی‌کند که دولت جنگ برای می اندازد و اینکه او فقط ابزاری در دست دولت است". (مجموعه مقالات ـ در باره جنگ ـ صفحه ۵۳)

درجای دیگری لنین راجع به همین اساس تئوریک "دفاع طلبی" میگوید:

"جدا کردن دولت از مردم یک درهم برهمی تئوریک دردناک، و ابلهانه سیاسی بوده، بمعنی محکوم کردن خود کل سیاست خودی به متزلزل ترین و ناپایدارترین موقعیت وجهت میباشد". (صفحه ۲۷ همان کتاب)

دفاع طلبان ظاهرا جانب سوروازی "خودی" را نمی‌گیرند و دم از "دفاع از انقلاب"، "توده" و "میهن" علیرغم رژیم حاکم برآن میزنند، حال آنکه در واقعیت میان آنچه که آنها بین آن جدائی می اندازند جدائی وجود ندارد و تمایز دولت از مردم فقط در ذهن آنها وجود دارد. لنین می گوید:

"منظور ما از دفاع طلبی انقلابی این است که به بهانه این که ما انقلاب کرده ایم و چون ما مردمی انقلابی و یک دمکراسی انقلابی هستیم، جنگ را توجیه کنیم". (صفحه ۵۲ همان کتاب) و "... ما نیز در اینجا (روسیه) همان دفاع طلبی انقلابی را داریم که تنها توسط توده های ناآگاهی ابراز میگردد که ارتباطی میان جنگ

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

ودولت نمی بینندو نمیدانندکه همان معاهدات ، این سیاستها را تجویزکرده اند ،با نگها باقی مانده اند ، معاهدات باقی مانده اندو امتیازات باقی مانده اند ..." (صفحه ۵۸ همان کتاب)

بنابراین اگرسوسیال شوینیسم علنا وبدون پرده‌پوشی به دفاع ازبورژوازی "خودی" می پردازد ،دفاع طلبی انقلابی ما بریدن رابطه دولت ازمردم همان سیاست دولتی بورژوائی را بصورت پوشیده مورددفاع وحمایت خودقرار داده وهردونقطه نظردرنهایت به یک شعارختم می شوند : "ممنوعیت مبارزه طبقاتی درطول جنگ ! "

امروزه ما نیزدرجنبش کارگری ایران با همین دونوع ایده‌های بورژوائی روبروهستیم :گروهی که مدتهاست از جنبش کمونیستی ایران بریده وبه علمدارروبزیونیسم تبدیل شده اندبه دفاع ازحکومت "ملی وضدامپریالیست" برخاسته ومبلغ سوسیال شوینیسم هستند ،گروه دیگری که دارای گرایشهای روبزیونیستی (بنابموردشدیدیاضعیف) هستندمبلغ تزهای دفاع طلبانه بوده وبه "دفاع ازخلق" ، و"انقلاب واستقلال ایران" که درنهایت همان دفاع از بورژوازی "خودی" است مشغولند .آن دسته" اول بمعنی سوسیال شوینیستها دستاران بورژوازی بوده وایده‌های آن ها عکس برگردان آگاهانه وتمام عیارایده‌های بورژوازی ایران است ،حال آنکه دسته" دوم یعنی دفاع طلبان تبلورافکارتوده‌های ناآگاه که ازرابطه میان دولت وجنگ بی خبرهستندوناتوانه" تا پیگیری اپورتونیستی این حربانات درمقابل بورژوازی وروبزیونیسم هستند .

اگرروبزیونیسم آشکاردرسرخوردبه جنگ اخیربصورت سوسیال شوینیسم وابورتونیسم راست (گرایش روبزیونیستی)بصورت دفاع طلبی پدیدارمی شود .درک "چپ"

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

نیز میتواند بصورت مختلف و از جمله بصورت ندیدن احتمال تبدیل این جنگ ارتجاعی به یک جنگ انقلابی از سوی توده ها علیه هر دو رژیم و عدم استفاده از این جنگ به نفع مبارزه طبقاتی شما رزمیابد. شرایط جنگ در کل، یا در یک منطقه، ممکن است در اثر تغییر شرایط سیاسی- طبقاتی تغییر کرده و خصلت انقلابی پیدا نماید. به عبارت دیگر ممکن است تحت شرایط مشخص توده ها از زیر سیاست ارتجاعی هر دو رژیم خارج شده و در یک موقعیت انقلابی حاضر به کوشش برای اعمال سیاست مستقل خود باشند. واضح است که کمونیستها از هم اکنون باید با انکا لی از مبارزه که با همین سطح از جنبش توده ای وفق میدهد زمینه ذهنی را برای چنان شرائطی آماده سازند. اپورتونیسم "چپ" این شرائط را ندیده و یا به پا سیفیسم در برابر "جنگی که از آن من نیست" کشیده می شود و یا با برخورد آنارشیستی زودرس دست به عمل جدا از توده برای کسب قدرت سیاسی زده و به انزوا از جنبش محکوم می گردد و عملا" همچون دفاع طلبان بدنبال بورژوازی می افتد.

آنچه امروزه ما نمی بزرگ در برابر حفظ سیاست مستقل پرولتری در برابر جنگ فعلی است، همان رویزیونیسم و اپورتونیسم راست در شکل سوسیال شوینیسم و دفاع طلبی است. برای مقابله با این ایده های بورژوائی، باید در ابتدا به توضیح ماهیت جنگ و بررسی تاریخی آن سیاستها و دیپلماسی ای پرداخت که این جنگ ادامه همان سیاست ـ هاست و در همین رابطه بصورت مشخص به طرد و افشای تمامی تزهای انحرافی که از جانب این جریانات اشاعه داده میشود دست زد. واضح است که این تحلیل و بررسی اگر انگیزه ای برای عمل انقلابی ما، یعنی کوشش در جهت ترویج و تبلیغ و سازماندهی توده ها و طبقه کارگر حول

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

ایده‌های انترناسیونالیسم پرولتری و سیاست مستقل پرولتری نگردد. فایده واقعی خود را نخواهد داشت. این ایده‌ها باید فعالانه بمیان خلق برده شود و تبدیل به نیروی مادی گردد و به رزمندگان طبقاتی پرولتاریا و پیشرفت انقلاب یاری رساند.

******

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

فصل دوم
بررسی مختصر تاریخی ـ مشخص
ماهیت جنگ ایران و عراق

مقدمه:

"پس چگونه می‌توانیم "جوهر" یک جنگ را آشکار و تعریف نمائیم؟ جنگ ادامه سیاست است. نتیجتاً باید سیاستی که سیاستی را که پیش از جنگ تعقیب میشده امتحان کنیم. همان سیاستی که منجر به جنگ گردید و آنرا بوجود آورد. اگر که آن یک سیاست امپریالیستی بود ـ یعنی سیاستی که برای حفاظت از منافع سرمایه مالی و چپاول و یوغ بر سلطه در آوردن مستعمره‌ها و کشورهای خارجی طراحی شده بود ـ آنگاه جنگی که از این سیاست ریشه میگیرد امپریالیستی است. اگر که آن یک سیاست آزادیبخش ملی بود ـ یعنی سیاستی که بیانگر حرکت توده‌ای بر علیه ستم ملی است ـ آنگاه جنگی که از این سیاست ریشه میگیرد یک جنگ آزادیبخش ملی است.

شخص عاری از معرفت نمیتواند بفهمد که جنگ "ادامه سیاست" است. در نتیجه او خود را به این فرمول محدود میکند که "دشمن به ما حمله کرده است"، "دشمن بکشور من هجوم آورده است" بدون اینکه بداند که چه موضوعاتی در جنگ مطرح اند، کدام طبقات به این جنگ دست زده اند و با چه

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

منظورهای سیاسی ای :

(و.ا. لنین، کاریکاتوری از مارکسیسم و اکونومیسم امپریالیستی، مجموعه آثار جلد ۲۳)

تضادها و درگیریهای دیرینه رژیم ایران و عراق، در مقطعی از حرکت خود و پس از چندماه جنگ فرسایشی نظامی در مرزهای دو کشور، با تهاجم هوائی رژیم ضدخلقی بعث عراق به پایگاههای هوائی ایران، به یک جنگ تمام عیار نظامی میان دو رژیم تبدیل شد، جنگی که همچنان ادامه دارد.

ظاهر ساده حوادث وقضایا، در وهله اول، این تصویر کاذب و عوامانه را القاء میکند که:

"رژیم بعث عراق به ایران تجاوز کرد و رژیم ایران وادار به دفاع شد. تجاوز عراق، یک تجاوز ارتجاعی و غیرعادلانه بر علیه ایران (؟!) است و دفاع ایران (؟!) یک دفاع عادلانه و برحق. بنابراین، باید در برابر تجاوز رژیم بعث عراق، تنها خواست و از "میهن" به دفاع پرداخت. مرگ بر رژیم تجاوز کار عراق، زنده باد میهن!"

اکنون کلیه تلاشهای بورژوازی و با دوهایش بر این است که این تصویر عوامانه از جنگ میان ایران عراق، در ذهن توده ها فرو نشیند. جناحهای مختلف بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه سنتی، سوسیال شوینیستهای روسیزونیست، (وحتی دفاع طلبان درحنبش کمونیستی علیرغم نیت "خیر" خود) در این راه گام برمیدارند و سمومات زهرآگین سوسیال شوینیسم و "میهن پرستی" بورژوائی را در میان توده ها می پراکنند. یکی در پوشش "دفاع از جمهوری اسلامی و میهن"، دیگری در پوشش "دفاع از میهن، جمهوری اسلامی و انقلاب" و سومی در پوشش "دفاع از انقلاب". آنچه را که دودسته اول آگاهانه، گروه سوم ساده لوحانه، بر آن پرده میکشند از توضیح واقعی آن طفره میروند، با طن واقعی جنگ و مهمتر از آن در مورد ماهیت این جنگ بخصوص، تاریخ گذشته سیاسی آن و پیشینه سیاستی است که

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

درتداوم خودبه‌جنگ کنونی منتهی شده‌است .دسته‌اول و دوم ، که‌تکلیفشان روشن است .آنها نه میخواهند نه‌میتوانند از ماهیت واقعی جنگ و اهداف واقعی نهفته‌درپشت آن پرده برداشتند .اما روی سخن ما بخصوص با دفاع طلبانی است که‌اکنون به‌دامن یک سیاست اپورتونیستی درغلطیده‌وبه میلیتین شرمگین شوینیسم میهن پرستانه تبدیل شده‌اند .چیزی که‌آنها ازتوضیح واقعی آن عاجزمانده‌اند وواقعیت را درپس حاشیه‌پردازی ها و موضوعات جانبی، ازدیدتوده‌ها پنهان نگهداشته‌اند این است که درجنگ کنونی، چه "موضوعاتی" مطرح است ، "کدام طبقات" به‌جنگ برعلیه یکدیگر پرداخته‌اند وچه "مقاصد سیاسی" درپس این جنگ نهفته‌است وبطورکلی آن سیاستی که درگذشته میان دوکشور ، نه تنها دردوران رژیم جمهوری اسلامی، که حتی دردوره رژیم شاه ، جاری بوده‌واکنون به‌جنگ منتهی شده‌است ،کدامست ؟

اینها سئوالاتی است که‌اکنون بورژوازی دوکشورایران و عراق، کلیه تلاشهای خودرا درجهت به‌انحراف کشاندن ذهن توده‌ها ازپاسخ اصولی وواقعی به‌آنها ، معطوف داشته‌اند ،هردو رژیم ،درپس دودهای غلیظ تبلیغات شوینیستی خود، ماهیت واقعی جنگ را می پوشانند .هردورژیم یکدیگررا "مزدور امپریالیسم" و "رژیم نحمیلی" به‌خلقهای دوکشورخطاب میکنند . هردودم از "دفاع ازانقلاب" و "دفاع ازخلق" کشورقسم میزنند . هردوخودرا ناجی "خلقهای مسلمان" کشوردیگرخطاب میکنند و توده‌های کشورمقابل را به "سرنگونی رژیم حاکم" دعوت می‌نمایند .هردو یکدیگررا به "توسعه طلبی" درمنطقه وبه "دست درازی" به "حاکمیت" کشورخودی محکوم میسازندوفریاد برمیآورند که "ما توسعه طلب نیستیم" هردو یکدیگررا به "مداخله" درکشورخود متهم می سازند... اما آنچیزی که‌درپس تمام این گردوغبار تبلیغاتی مکتوم ونا گفته‌باقی میماند ،اهداف واقعی جنگ ومنافعی است که‌بورژوازی دوکشوربرسرآن درحال نزاع وجدالند .

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

رژیم جمهوری اسلامی، اما آنوی تبلیغاتی بیشتری در دست دارد و با توسل به همین وسیله‌ها و زمینه‌هاست که توانسته است توده کثیری را بدنبال مطامع شوینیستی خود بکشاند و نه تنها توده کثیری از مردم ناآگاه را که حتی بخش وسیعی از جنبش کارگری و کمونیستی را بدنبال سیاست شوینیستی خود روان کرده است. این آنوی تبلیغاتی که رژیم اکنون در پس آن تجاوزات متقابل و شمایلات جنگ طلبانه خود را می پوشاند، آغاز جنگ از سوی رژیم بعث عراق، و تجاوز اولیه آن به مرزهای ایران است. رژیم میکوشد که خود را "مدافع" و "مظلوم" در برابر "تجاوز ظالم" نشان دهد.

به تیترا علامت‌های کلیه رویزیونیست های سوسیال شوینیست و نیز دفاع طلبان جنبش کمونیستی نگاه کنید، خواهید دید که همه آنها، یکی عریان و آشکارو دیگری بشکل خجولانه، یک مضمون را بیان میکنند و گاه حتی یک عبارت را بکار میبرند: "در برابر تجاوز رژیم ضدخلقی عراق و نوطئه امپریالیسم آمریکا به دفاع برخیزیم" در شرایطی که با پیشرفت جنگ واقعیت ها بیش از پیش آشکار می شوند و دیگر حتی برای عناصر ناآگاه، نیز این شبهه باقی نمیماند که عملکرد رژیم جمهوری اسلامی در جنگ فعلی هیچ فرق اساسی با عملکرد رژیم عراق ندارد، و هر دو به تجاوز، کشتار و ویرانی در کشور مقابل مشغولند، همه سوسیال شوینیست ها و دفاع طلبان در برابر این واقعیت، که اکنون آتش جنگ نه تنها از جانب رژیم عراق، که از جانب رژیم ایران شعله ور زده میشود، که اکنون هر دو رژیم، سیاست تجاوز آشکار را به مرزهای دو کشور در دستور خود قرار داده است و با حرارت تمام آن را به پیش برند، اکنون که هر دو رژیم، کشتار توده های بیگناه و قربانی جنگ را در دو کشور مورد هدف قرار داده و به نابودی نیروهای مادی در کشور همت گمارده اند یا سکوت اختیار میکنند (مانند دفاع طلبان ما) و یا وقیحانه، همچنان از "تجاوز عراق" سخن میرانند و

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

از تجاوز رژیم جمهوری اسلامی و بمب هائی که همچون حریف مقابل خود بر سر خلقهای کشور عراق می بارانند، مزورانه در می گذرند و عملا بر آن مهر تائید می گذارند.

آنها تلاش میکنند که برای پوشاندن سیاست رویزیونیستی و اپورتونیستی خود، تجاوز عراق را، "توطئه امپریالیسم" و رژیم ضدخلقی عراق را "مزدور امپریالیسم" جلوه دهند، تا سیاست سوسیال شوینیستی و دفاع طلبانه خود را در پوشش عبارات مردم فریب و ظاهرا اصطلاحی چون "دفاع از انقلاب" و "مقابله با امپریالیسم و توطئه های آن"، "مقابله با ضدانقلاب مغلوب"، مستور سازند. آنها تلاش نیروهائی را که میکوشند ماهیت واقعی جنگ را به توده ها توضیح دهند، "ساده گردن قضایای پیچیده" می نامند. اما در واقع امر، آنها برای پوشاندن مواضع و تاکتیک اپورتونیستی و رویزیونیستی خود قضایای ساده را "پیچیده" می نمایانند و مسائل روشن را در پس انبوهی از مسائل فرعی و حاشیه ای پنهان میسازند تا سرانجام، "اصل قضیه" را که درک آن برای همه کسانیکه بدنبال تمایلات شوینیستی برانگیخته شده در توده ها نیستند و از "مستی توده ها" پیروی نمی کنند، چندان دشوار نیست، در پرده ابهام باقی گذارند.

از همین رو، وقتیکه گذشت زمان، هرچه بیشتر پرده کاذبی را که توسط بورژوازی و پادوی آن بروری واقعیات کشیده شده است، می درانند و تناقضات درگفتار و کردار آنها آشکارتر میشود، زمانی که در واقعیت درمی یابند جنگ کنونی اساسا نه "توطئه امپریالیسم آمریکا" بلکه ادامه سیاستی است که در گذشته میان دو رژیم جریان داشته است، به توجیهاتی چون "چرخش سیاست امپریالیسم" در طول جنگ متوسل میشوند، تا از فروریختن تئوریهای انحرافی خود جلوگیرند.

☆ ☆ ☆

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

برای کنار زدن پرده تاریکی که هم اکنون برما هیت جنگ ارتجاعی کنونی کشیده شده است ،ضروری است که تاریخچه این جنگ بطور مختصر مورد بررسی قرار گیرد تا روشن شود که اساسا "کدام سیاست "در ادامه خود به جنگ کنونی منتهی شده است و" چه موضوعاتی" مضمون واقعی منازعات دو دولت را تشکیل میدهد.

بدین منظور ما ضروری می بینیم که ضمن اشاره به ریشه اختلافات و درگیریها در دوره رژیم شاه ،تاریخچه این روابط را پس از قیام و در دوره رژیم جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار دهیم. سپس در انتها ،بر پایه این بررسی تاریخی ـ طبقاتی و پیگیری سیاست جاری در روابط میان رژیمهای دو کشور ،مضمون واقعی خود "جنگ" را مورد ارزیابی قرار خواهیم داد.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بخش ۱: اشاره‌ای به تاریخ

۵. روابط ایران و عراق در دوره رژیم شاه :

با کودتای افسران رادیکال ارتش عراق در سال ۱۹۵۸، که منجر به سرنگونی رژیم پادشاهی ملک فیصل و دولت نوری سعید و استقرار جمهوری تحت رهبری عبدالکریم قاسم گردید، یکی از حلقه‌های اساسی زنجیره استعماری امپریالیسم در خاورمیانه گسسته شده و منجر به از هم پاشیدن پیمان بغداد گردید. هرچند کشورهای باقیمانده عضو این پیمان، یکسال بعد در پیمان جدیدی بنام "سنتو" کوشش نمودند تا این حلقه گسسته را با ردیگر به هم متصل نمایند. لیکن خروج عراق از این پیمان تجاوزکارانه، لطمه بزرگی به کمربند حفاظتی امپریالیسم در منطقه خلیج وارد آورد. پیدایش حکومت جدید عراق، در قلب کشورهای ارتجاعی و عموماً وابسته به امپریالیسم آمریکا در منطقه بمثابه استخوانی در لای زخم، برای امپریالیسم آمریکا و متحدینش این خطر را بوجود می آورد که در تن پرورانیده اش بقیمت سالها غارت و چپاول و مکیدن خون خلقهای این دیار، زخم‌های عمیقی بوجود آورد و آن را هر لحظه عمیقتر نماید. البته سرنوشت نهائی رژیم‌هائی از قبیل رژیم عبدالکریم قاسم، از قبل روشن بود. آنها به لحاظ موقعیت و ماهیت طبقاتی خود، سرانجام را و سرمایه‌داری دولتی را می‌پیمودند و از این لحاظ برای امپریالیسم نمیتوانست خطری در میان باشد، لیکن گرایش استقلال طلبانه سیاسی رژیم حاکم بر این کشور، و سمتگیری آن در جهت ضربه زدن به برخی منافع امپریالیسم در درون کشور و انجام برخی اصلاحات اقتصادی و شاید از همه مهمتر، گرایش این کشور به شوروی (شوروی در این زمان

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

فرا ابتدای تغییر و تحولات و سمتگیری درونی خود بسوی رویزیونیسم بود) وتبدیل آن به سکوی پرشی برای گسترش، توسعه و نفوذ شوروی در منطقه، سلسله فرا ملی بودکه امپریالیسم را به دشمنی با رژیم جدید وجوان عراق، ترغیب میکرد، بخصوص اگر به شرایط و موقعیتی که پس از جنگ جهانی دوم، درکلیه کشورهای مستعمره وتحت سلطه جهان، درحال تکوین بوده چه از لحاظ اوجگیری جنبش های استقلال طلبانه و آزادیبخش در این کشورها وچه از لحاظ گسترش روزافزون به منافع امپریالیسم وپای بندی بیشتر آنها به ذخایر و ارزشهای مادی و انسانی در این کشورها توجه کنیم، آنگاه درخواهیم یافت که امپریالیسم "حق" داشت که نتواند در برابر دگرگونیهای سیاسی عراق، آسوده خاطر باقی نماند. درواقع پس از جنگ جهانی دوم، نه تنها وابستگی امپریالیسم به منابع وذخایر غنی مادی و انسانی کشورهای تحت سلطه، از میان نرفت، بلکه گسترش بیش از حدی یافت. این واقعیت زمانی که درکنار گسترش واعتلای تهدیدجنبش های ضد امپریالیستی در این کشورها وبخصوص درکشورهای این منطقه قرار میگرفت، امپریالیسم را در دور تسلسلی از تناقضات ناشی از تکوین شرایط جدید، گرفتار میساخت، به تناقضی که بهرحال میبایست حل گردد.

ورود رژیم بورژوائی جدید شوروی به عرصه رقابت با امپریالیستهای غربی، بعد جدیدی به رقابت های امپریالیستی در منطقه داد و سیمای نوینی از تضادها و آرایش قوا را در منطقه پدید آورد. شوروی، اگر تا دیروز بمثابه پایگاه سوسیالیسم و پشتیبان انقلاب، منافع اساسی امپریالیسم آمریکا و متحدینش را در منطقه مورد مخاطره قرار میداد، اکنون بمثابه یک قدرت ارتجاعی توسعه طلب و بمثابه یک رقیب جوانتر، وارد عرصه رقابت با امپریالیستهای غربی می گردید. بورژوازی حاکم بر شوروی اکنون با چنین انگیزه ای از رژیم جدید عراق پشتیبانی مینمود.

مجموعه شرایط و عوامل فوق، امپریالیسم آمریکا را ترغیب

www.peykar.org

می نمودتا با تکیه برتمام ابزاروسایل مادی ومعنوی خود در منطقه ،سیاست سرنگونی رژیم جدید عراق را درپیش گیرد .یکی ازمهمین ابزاروسایل رژیم وابسته ومزدورشاه درایران بود. درست به همین دلیل است که بدنبال کودتای ۱۹۵۸ عراق ، تماسها ودرگیریهای خاص میان دوکشورایران وعراق که از سابقه دیرینه ای برخوردار بود ، به عرصه جدیدی کشانده شد .درواقع ازاین دوران ببعدتاریخچه روابط ایران وعراق وتمام فرازو نشیب های بعدی آن،درپیرتومنافع امپریالیستی مشخص قابل تحلیل است که درمنطقه برای امپریالیسم بوجودآمده وسیاست معینی را ایجاب می نمود .سیاستی که براساس آن،رژیم جدید عراق ،درمعرض توطئه امپریالیسم قرارمی گرفت .

درپرتوسیاست نوین امپریالیسم درآسیای جنوب غربی است که درسراسردوران پس ازکودتای ۱۹۵۸ عراق،روابط ایران و عراق ،درحالت بحرانی وتیرگی بسرمیبرد (جزدوره کوتاه حکومت عارف دوم) .درطی این دوران، ایران تحت سیطره رژیم سیاه و دست نشانده پهلوی،به مرکزی برای توطئه چینی وتحریک برعلیه رژیم عراق تبدیل میشود .واین سیاست ،با شکال گوناگون تا کودتای ۱۹۶۸ توسط جناح یا مطلاح چپ حزب بعث برهبری صدام التکریتی،حردان عبدالغفار ادامه پیدا میکند .پس ازکودتای ۱۹۶۸ وبموازات تکوین شرایط جدیدی درآسیای جنوب غربی، حوزه خلیج ومنطقه ،این سیاست امپریالیستی کیفیت وابعاد جدیدتری بخودمی گیرد .

این شرایط نوین درحال تکوین چه بود؟ ازیکسو،امپریالیسم آمریکا ،درآسیای جنوب شرقی،درگیربک جنگ تمام عیار با خلقهای منطقه وبویژه خلق قهرمان ویتنام بودکه لهیب سرکش آتش آن،خرمن منافع آمریکا را هردم بیشتردرخودفرومیبرد .این نبردسراسری که با شکست مفتضحانه امپریالیسم آمریکا وباپیروزی خلق قهرمان ویتنام وبدنبال آن خلقهای لائوس وکامبوج ،

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

بسرانجام خودرسید ،بطورقطع دست امپریالیسم آمریکا را از بخش بزرگی از آسیای جنوب شرقی ومنافع عظیم وغارت سرشار ش دراین منطقه قطع نمود .این شکست درآسیای جنوب شرقی ،بیش ازپیش امپریالیسم آمریکا را به حیاتی بودن منافعی که دردیگر مناطق آسیائی وبویژه آسیای جنوب غربی ،یعنی کرانه غربی اقیانوس هندوحوزه خلیج داشت ،هشیار نمود .امپریالیسم که از شرق آسیا رانده شد ،وتا حدودزیادی ازآن قطع امیدکرده بود ، به کرانه غربی اقیانوس هندوحفظ نفوذوسلطه حیاتکارانه اش برخلقهای این منطقه توجه وتاکید بیشتری نمودوکوشش کردتا برای تداوم حیات کثیف وسراسرننگین خود ،چنگالهای خونینش را با فشار بیشتری برکشورهای این منطقه حساس فروبرد .

اما امپریالیسم آمریکا ،درراه تحقق این اهداف غارتگرانه وارتجاعی اش ، با یک مانع اساسی روبروبود :رشدانقلاب و اعتلای جنبش انقلابی توده ها برای گسستن زنجیر اسارت وبردگی از امپریالیسم وارتجاع ،موج جدیدتری از مبارزه ومقاومت خلقهای منطقه ،برعلیه امپریالیسم وبویژه امپریالیسم آمریکا درحال تکوین وگسترش بود .درخاورمیانه ،جنبش مقاومت فلسطین وسازمانهای مسلح انقلابی فلسطین ،روزبروزرشدوقوام بیشتری میگرفت .احساسات وروحیات ضدآمریکائی درمیان توده اعراب کشورهای منطقه ،هردم عمق وگسترش بیشتری می یافت ، که بویژه پس ازجنگ ژوئن ۶۷ وپیروزی نظامی اسرائیل دراین جنگ ازعمق ودامنه بیشتری برخوردار میشود .علاوه براین ومهمتر ازآن ،امواج مبارزه انقلابی درکشورکوچک عمان ، اوج می گیرد وسنگین وتوفنده برد یوارهای ست ولرزان ارتجاع حاکم حمله میبرد .خلق ظفار ،برای رهائی ازبوغ بردگی وکسب آزادی واستقلال ،درکشورکوچکی که بلحاظ موقعیت استراتژیک خود ،برای امپریالیسم دارای اهمیت حیاتی است ،برمیخیزد و به مبارزه مسلحانه دست میزند .جنبش ظفار ،بدلیل سطح وعمق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

خودنسبت به جنبش انقلابی درکشورهای دیگر منطقه ، وبدلیل جایگاه استراتژیک کشور عمان ، به مهمترین خطر و مانع در برابر حفظ وتحکیم سلطه ونفوذ او در منطقه خلیج تبدیل میگردد . حمایت دولت انقلابی یمن از یکسو و پشتیبانی دولت بعث عراق از آن (بدلیل منافع مشخص برروزوازی بوروکرات حاکم بر عراق بنا برسیاست سوسیال ـ امپریالیسم شوروی در این حمایت) از سوی دیگر ، برابعاد این خطر برای امپریالیسم ، بیش از پیش میافزاید .

درکنار این مانع اساسی ، فاکتور مهم دیگری که بمثابه یکی از عناصر شرایط تکوین یافته نوین ، در سراسر امپریالیسم آمریکا قرار میگیرد ، ورود هرچه فعالتر نوروی به عرصه رقابت امپریالیستی بمنظور توسعه وگسترش حوزه نفوذ خود در منطقه است .

مجموعه این شرایط به امپریالیسم اجازه نمیدهد که برای تحقق اهداف خود ، یعنی تحکیم سلطه وتثبیت پایه های خویش در منطقه ، از طریق مستقیم ، اقدام ورزد . این اقدام مستقیم ، از یکسو جنبش ضد امپریالیستی را در منطقه ، برعلیه امپریالیسم آمریکا ، بطورفزاینده گسترش میداد و "ثبات" مورد نیاز آن را در حوزه خلیج اساسا در معرض خطر قرار میداد . واز سوی دیگر ، اقدام متقابل شوروی را باعث میشد و امپریالیسم آمریکا را وادار به یک نبرد آشکار با سوسیال امپریالیسم شوروی مینمود که سرانجام آن میتوانست نابودی کلیه امپریالیستها در منطقه باشد .

این اوضاع وشرایط ، امپریالیسم آمریکا را مجبور میساخت که دکترین نیکسون را در منطقه خلیج ، نیز پیاده نماید ، دکترینی که آن را یکبار در منطقه آسیای جنوب شرقی آزموده بود .

براساس این "دکترین" امپریالیسم آمریکا ، میبایست ضمن ناشی از عدم حضور مستقیم وفعال خود را با تقویت رژیمهای ارتجاعی منطقه ، بمثابه ژاندارم خلیج ، جبران نماید . در استراتژی منطقه ای نیکسون ، یکی از رژیمهای ارتجاعی منطقه ، که از بهترین شرایط و موقعیت ، برای اجرای اهداف فوق ، یعنی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

سرکوب انقلاب وجنبشهای انقلابی منطقه، مقابله با شوروی و نهایتا تحکیم پایه های سلطه ونفوذ امپریالیسم آمریکا در منطقه برخوردار بود، میبایست عهده دار این وظایف ارتجاعی وخائنانه گردد. درمیان کشورهای منطقه، رژیم شاه، بدلایل متعدد بهترین نامزدهای این نقش ارزیابی میگردد وطوق مزدوری وژاندارمی برگردنش آویخته میشود. رژیم شاه با رغبت تمام، رغبتی که ناشی از سرسپردگی و مزدوری او به امپریالیسم از یکسو وتوسعه طلبی و برزوازی کمپرادور ایران در منطقه از سوی دیگر است، این "طوق" را بگردن می نهد ودر منطقه بحرکت درمی آید. وظایف او نیز روشن است: "رفع مانع اساسی" یعنی سرکوب جنبش انقلابی خلقهای منطقه وبویژه خلق ظفار، با امواج خروشان خویش وتوسعه ودامنه گیری اش منافع وحیات امپریالیسم وارتجاع را در منطقه بشدت تهدید میکرد، از یکسو ومقابله با توسعه ونفوذ سوسیال امپریالیسم شوروی از سوی دیگر، بمنظور تبدیل حوزه خلیج فارس به منطقه "امن" برای سرمایه های کلان امپریالیسم غرب وغارت واستثمار خلقهای منطقه از جانب آنها. رژیم شاه در یک زمان میبایست این وظایف سنگین را برعهده می گشید.

در واقع برای تحقق "دکترین نیکسون" در منطقه باید مهمترین "مانع" یعنی جنبش های انقلابی منطقه ودر راس آنها جنبش انقلاب خلق ظفار سرکوب گردد ودر کنار آن، دیواری در برابر حرکت رقابت طلبانه امپریالیستی شوروی ایجاد گردد.

اما رژیم شاه، در راه رفع این مانع اساسی مقدمتا با موانع دیگری روبرو بود که میبایست از سر راه برداشته میشد. یکی از این موانع "نامطلوب" رژیم بعث عراق بود. رژیم بعث عراق، که بها کودتای ۱۹۶۸ وبس از یک کشتار خونین بر سر کار آمده بود، با سیاستی که در منطقه در پیش گرفته بود، وبا گرایش مشخص وروشن شوروی که به سوسیال امپریالیسم شوروی پیدا کرده بود، در راه حرکت امپریالیسم ورژیم شاه برای سرکوب انقلاب وتحکیم سلطه امپریالیسم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

آمریکا در منطقه ،سدو مانع ایجاد میکرد .به همین دلیل است که با کودتای ۱۹۶۸ عراق،وهمزمانی تقریبی آن با حرکت جدید ی که رژیم دست نشانده شاه براساس "دکترین نیکسون" غاز کرده بود روابط ایران وعراق به مرحله حساس وبحرانی جدیدی وارد می - شود وبه گره گاه پنهانی تضادهای منطقه ،تبدیل میشود .

رژیم شاه هم برای سرکوب جنبش خلق ظفار - بمثابه مهمترین مانع پیشرفت سیاست امپریالیسم در منطقه - وهم برای مقابله با نفوذ وسلطه سوسیال امپریالیسم شوروی - که عراق،میتوانست بمثابه مکوی برشی برای آن بحساب آید - عراق را بمثابه یک عامل "اخلال" کننده در برابر خود میدید .همچنین رژیم شاه در ایفای نقش ژاندارمی خویش درخلیج فارس ،وحراست از منافع حیاتی امپریالیسم ،ناچار بود که تسلط کامل خویش را بر کرانه های شمالی وجنوبی خلیج واز آنجا بر غرب اقیانوس هند ،یعنی منطقه ای که کانون اصلی منافع امپریالیسم آمریکا ومتحدینش را تشکیل میداد ،برقرار سازد .جزایر تنب کوچک ،بزرگ وابوموسی وآبراه شط العرب از آن مناطقی بود که میتوانست امکان این تسلط را برای امپریالیسم آمریکا ورژیم شاه فراهم سازد . درست به همین دلیل است که این جزایر متروک وفراموش شده ،از یکسو آبراه شط العرب از سوی دیگر به مرکز توجه امپریالیسم ورژیم شاه تبدیل میشود .تسلط رژیم شاه براین دو منطقه ،دست امپریالیسم را هم برای اعمال سلطه فائقه خویش بر منطقه وحراست از گلوگاه حیاتی خلیج،وهم برای سرکوب انقلاب در منطقه وبویژه سرکوب جنبش خلق ظفار ،یاری میکرد .درواقع امپریالیسم آمریکا برای فراهم کردن زمینه ژاندارمی رژیم شاه در منطقه وتحکیم تسلطش درحوزه خلیج ،ضروری میدید که مقدمتا پایه های نفوذ وسلطه خویش را بر جزایر استراتژیک سه گانه فوق وآبراه شط العرب استحکام بخشد .اما رژیم شاه ،در این راه نیز با "مانع "عراق روبرو بود .درست بهمین دلیل است که این جزایر وآبراه شط العرب (۱)

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

به‌گره‌گاه‌ها وکانون تضادهای میان دورژیم ایران وعراق‌کنونی که بمرگزتلاقی تضادهای متعددی چون تضادمیان امپریالیسم آمریکا ومتحدین اروپائی اش‌چون انگلیس، امپریالیسم‌شوروی، امپریالیسم‌آمریکا وارتجاع منطقه‌با خلقهای کشورهای منطقه وبورژوازی دوکشورایران وعراق تبدیل میشود.

بدین ترتیب واضح است که‌بحران روابط ایران وعراق، درطی دوران چندساله‌پس ازکودتای ۱۹۶۸ تاقرارداد ۱۹۷۵ در برشوتضادها ومسائل فوق،قابل تحلیل وارزیابی است.

اما ضروری است بدانیم‌که‌طرفین این درگیری درچه‌موقعیت وشرایطی نسبت به‌یکدیگرقرارداشتندوچگونه‌این موقعیت و شرایط ،سرانجام‌طرفین رادربسترسازش وپس ازیکدوره‌نزاع و درگیری به‌یکدیگرنزدیک نمود؟

بطورقطع میتوان گفت که‌رژیم ایران چه‌بلحاظ موقعیت درونی خود(رونق اقتصادی ناشی ازدرآمدهای عظیم‌نفتی ورشد سریع سرمایه‌داری ایران درروابستگی به‌امپریالیسم)ازیکسو وتحکیم‌پایه‌های دیکتاتوری رژیم‌شاه‌ازسوی دیگردرآن دوره و چه‌بلحاظ موقعیت خارجی خوددریک موقعیت کاملا برترنسبت به دیگرکشورهای منطقه‌قرارداشت. درایران هنوزجنبش‌توده‌ای وسیعی وجودنداشت ومبارزات انقلابی بارژیم‌عده‌قلیلی از روشنفکران انقلابی وسازمانهای مسلح چریکی محدود،خلاصه میشد. هم‌بلحاظ این موقعیت وهم‌بلحاظ نقشی که‌رژیم ایران در اجرای "دکترین نیکسون"برای تبدیل شدن به‌ژاندارم خلیج در منطقه برعهده‌گرفته‌بود، رژیم ایران اصولادریک موضع تهاجمی در منطقه‌قرارداشت. تهاجمی که‌ازضروریات نقش ژاندارمی وی در حوزه‌خلیج فارس محسوب میشد. این موضع برتروتهاجمی در روابط دورژیم ایران وعراق نیزدقیقا انعکاس داشت. بویژه آنکه‌رژیم‌عراق، مانعی بودکه‌برسرراه امپریالیسم‌آمریکا ورژیم ایران،قرارگرفته‌بود. مانعی که‌همچون دیگرموانع میبایست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

از سرراه برداشته شود، چه از طریق تا بودی آن وچه از طریق بسازش کشاندن رژیم عراق با امپریالیسم آمریکا و رژیم ایران (تشدید گرایش به امپریالیسم غرب در آن)، بعبارت دیگر رژیم عراق، بواسطه موضع ومکانی که درسطح منطقه اشغال کرده بود، میبایست ازصورت یک مانع، بصورت یک عامل تسهیل کننده تغییر میافت.

اما رژیم عراق درچه موقعیتی قرارداشت؟ رژیم عراق، پس ازکودتای ۱۹۶۸ بطور عمده به مسائل ومشکلات درونی خود مشغول بود. از یکسو، دشواریهای اقتصادی ناشی از سیستم اقتصادی این کشور (عقب ماندگی، وابستگی به امپریالیسم جهانی، اقتصاد تک پایه و...) واز سوی دیگر اوجگیری جنبش توده‌ای، بویژه جنبش خلق کرد، مجموعه‌ای از مسائل و "مشکلات" را برای رژیم بورژوا بوروکرات عراق بوجودآورده بود. مشکلاتی که کشور عراق را از یک وضع باثبات دور میکرد.

جنبش خلق کرد عراق، مهمترین "مشکل" رژیم عراق بود. این جنبش با وسعت وگسترش بیسابقه‌ای که یافته بود رژیم عراق را در معرض خطرات جدی قرار میداد. سرکوب وکشتار ضدخلقی توده‌های کرد توسط رژیم جمهوری ارتجاعی بعث، هیچیک نمیتوانست شعله‌های آتشی را که درکردستان وبخاطر دستیابی به خواست عادلانه حق تعیین سرنوشت، برخاسته بود خاموش نماید. بالعکس آن را فروزانتر میکرد. البته در رهبری جنبش کردستان عراق، در آن دوره نیروهای مرتجع وسازشکاری چون دارودسته بارزانی که عمدتا منافع فئودالهای کردستان را نمایندگی میکردند و چیره خوار رژیمهای ارتجاعی چون ایران وکلا امپریالیسم آمریکا و... بودند، قرار داشتند، اما این امر بهیچوجه از حقانیت آرمان عادلانه ومبارزه خلق کرد، آن دسته از نیروهائی که واقعا خواهان مبارزه در راه اهداف عادلانه خلق کرد بودند، نمیکاست. تمام رفرمها واقدامات اصلاح طلبانه رژیم بعث عراق برای به سازش کشاندن (پس از بی نتیجه ماندن سرکوب وکشتار

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

مداوم) بدون نتیجه باقی ماند. مسئله کردستان مهمترین مسئله موجود برای رژیم عراق بوده، مسئله‌ای که رژیم عراق آینده طویش را در گرو یکسره کردن کار آن می یافت.

خصلت ارتجاعی رهبری غالب بر جنبش کردستان در آن مقطع و وابستگی و سرسپردگی آن به امپریالیسم آمریکا و رژیم شاه، تحت آن شرایط کار را برای رژیم عراق دشوارتر ساخته بود. به عبارت دیگر رژیم عراق تنها با یک جنبش گسترده توده‌ای در کردستان عراق برای کسب حق تعیین سرنوشت روبرو نبود. علاوه بر آن، با یک جنبش ارتجاعی در رهبری جنبش خلق کرد مواجه بود که در وابستگی به امپریالیسم و رژیم شاه، درصدد وجه المصالحه قرار دادن جنبش خلق کرد، در راه سیاست امپریالیستی و توسعه طلبانه امپریالیسم آمریکا و رژیم شاه، برآمده بود. رژیم شاه با گذاشتن طوق مزدوری بر گردن دار و دسته ضد انقلابی بارزانی، عملا جنبش کردستان را بوسیله‌ای برای تحت فشار قرار دادن رژیم بعث عراق، در مسیر تضادهای موجود میان دو رژیم، تبدیل کرده بود. این واقعیت رژیم ارتجاعی عراق را با یک مشکل مضاعف روبرو می ساخت. کمکهای وسیع رژیم شاه به نیروهای بارزانی، تامین سلاحهای مدرن برای آنها و دادن آموزش نظامی به کردهای عراقی، در بایگاه‌های ایرانی و دیگر کمکهای پشت جبهه‌ای رژیم عراق را نسبت به خطرات ناشی از این حرکت رژیم شاه، سخت نگران ساخته بود.

علاوه بر این واقعیتها، رژیم عراق، در قیاس با رژیم ایران فاقد توان و ظرفیت عمومی، سیاسی ـ نظامی ـ اقتصادی برابر با آن بود و از این لحاظ، در موضع ضعیفتری قرار داشت.

مجموعه شرایط و مسائل فوق، رژیم عراق را در عرصه تخاصمات و منازعات میان دو کشور، در یک موضع ضعیفتر و تدافعی نسبت به رژیم شاه، قرار میداد. به همین دلیل، رژیم ایران، در شکل گیری این بحران و گسترش دامنه و فراز و نشیبهای آن، عموما ابتکار

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

عمل را در دست داشت و از هر فرصتی برای پیشبرد اهداف و سیاست امپریالیستی و ارتجاعی ای که مقید به آن بود سود می جست. از شرکت در کودتا بر علیه رژیم بعث گرفته (یکسال پس از کودتای ۱۹۶۸) تا بهره جوئی از رهبران مرتجع و خیانتکار جنبش کردستان عراق، برای تحت فشار قرار دادن رژیم عراق و از تبلیغات توده‌ئی و امپریالیستی گرفته تا دست زدن به تجاوزات نظامی در مرزهای دوکشور.

درست در یکی از همین فرصتهای مناسب بود (سال ۱۹۷۱) که رژیم ایران با یک حمله برق آسا جزایر سه گانه خلیج فارس را به تصرف خود درآورد و عکس العمل عراق نیز از حد اعتراض و اخطار به ایران و سرانجام قطع روابط دیپلماتیک دو کشور فراتر نرفت. هرچند که این حادثه، هر دو رژیم را تا سرحد یک جنگ تمام عیار میان دو کشور سوق داد.

البته رژیم عراق نیز کاملا ساکت نمی نشست و زمینه هائی برای فشار متقابل در دست داشت و از آنها بهره می جست. سوء استفاده از خواست های عادلانه خلق عرب خوزستان و کمک به نیروهای تجزیه طلبی که این خواستها را به انحراف کشانده بودند و نیز کمک به نیروهای انقلابی که بر علیه رژیم شاه مبارزه میکردند (قرار دادن امکانات مختلف و بویژه امکانات تبلیغاتی را در پودر اختیار آنها) از زمینه هائی بود که رژیم عراق در جهت مقابله با رژیم شاه و تحت فشار قرار دادن متقابل او، از آنها بهره گیری میکرد. لیکن طبیعی است که زمینه های فشاری که رژیم عراق بر علیه رژیم شاه در دست داشت، در قیاس با فشارهای رژیم شاه، بخصوص در رابطه با جنبش کردستان عراق، از اهمیت ناچیزی برخوردار بود. اما اگر شرایط درونی کشور عراق، که آنها را برشمردیم، مجموعا رژیم عراق را در موضع ضعیف تری نسبت به رژیم شاه قرار میدهد، همین عناصر و عوامل درونی، در برتو ماهیت طبقاتی رژیم عراق، زمینه های مساعدی را برای رژیم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

ایران و امپریالیسم آمریکا که یک پده وبستان متقابل را نیز فراهم میکرد. درست به همین دلیل بود که امپریالیسم آمریکا و رژیم ایران، روی آلترناتیو سازش نیز حساب میکردند و اتفاقا هرچه از کودتای ۱۹۵۸ دورتر و به قرارداد ۱۹۷۵ نزدیکتر میشویم، به اعتبار همین عوامل و عناصر درونی کشور و رژیم عراق، آلترناتیو سازش برجستگی بیشتری می یابد. و رژیم شاه بیشتر از پیش روی آن حساب میکند تا آنکه سرانجام، این سازش به تحقق می پیوندد.

مسئله کردستان، آنقدر برای رژیم عراق اهمیت داشت که برای خلاصی از آن از نزدیک وارد معامله با رژیم شاه بشود. معامله ای ارتجاعی و ضدانقلابی میان امپریالیسم آمریکا و رژیم شاه با یک رژیم ارتجاعی بورژوا بوروکرات که علیرغم ظاهر چپ نمایانه اش، دشمنی آشتی ناپذیر طبقاتی با توده های خلق عراق داشت.

کشور عراق یک کشور سرمایه داری بود و دولتی کردن اقتصاد در تحت حاکمیت رژیم بعث، علیرغم برخی اطلاعات و رفرمهائی که در هر صه اقتصاد، صورت گرفته بود، نمی توانست و نتوانست ماهیت مناسبات استثماری روابط تولیدی سرمایه داران کشور را دچار دگرگونی نماید. سرمایه داری دولتی در عراق، شکلی از مناسبات سرمایه داری بود که در وابستگی به سرمایه داری جهانی (بویژه سوسیال امپریالیسم شوروی و امپریالیستهای اروپائی) قرار داشت. افسران رادیکالی که در اثر کودتای ۱۹۵۸ علیرغم برخی گرایشات مترقی خود به قدرت رسیدند، نمی توانستند و نمی خواستند کشور عراق را به "شاهراه سوسیالیسم" سوق دهند. "شاهراه واقعی آنها، همان جاده سرمایه داری بود که علیرغم هر نیت خیر و شری در آن گام برمی داشتند. تمام دوره "ماه عسل" حزب بعث عراق و حزب رویزیونیست عراق نیز نمیتوانست برروی این تمایل و قانونمندی پرده ساتر بکشد. رژیم بعث نیز با روی کار آمدن خود، با تمام گرایشات مترقی ضمنی همگی رژیم قاسم با خود حل مسکرد وداع گفت، و از همان ابتدا با به حکومت خویش را

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

مرحمام خون کمونیستها و زحمتکشان بیتمان نهاد (۲) فقط بررسی کارنامه رژیم بعث در سرکوب خلق کرد عراق، و کشتار کمونیستها کافی است تا کینه و ضدیت شدید رژیم بورژوائی بورو کرات بعث با خلقهای زحمتکش عراق، کمونیسم و سوسیالیسم و بطور کلی ماهیت ضدخلقی آن را نمایان سازد.

عمل فوق در واقع آن زمینه‌های درونی مساعدی بود که نطفه‌های هرگونه سازش با رژیم شاه و چرخش به سمت امپریالیستهای غرب و ارتجاع وابسته به آن در منطقه را در دل خود می پرورد. این چرخش، هرچند تغییری در ماهیت طبقاتی و ارتجاعی رژیم بعث عراق نمیداد، اما حداقل موجب میشد پرده فریبنده‌ای که این رژیم، به دلیل موضعی که در برابر اسرائیل، آمریکا، رژیمهای ارتجاعی منطقه و برخی جنبشهای آزادیبخش اتخاذ کرده بود کنار زند و ماهیت واقعی این گونه موضعگیری‌ها را برملا سازد.

باری، امپریالیسم و ارتجاع حاکم بر ایران، با بکار بردن سیاست "چماق و نان شیرینی" در برابر رژیم عراق، تلاش میکردند تا برای رسیدن به اهداف مورد نظر خود در منطقه، رژیم عراق را به دوری بیشتر از سوسیال امپریالیسم شوروی و "چرخش" بسمت سازش با امپریالیسم آمریکا و رژیم ایران وادارند. تمام فشارهای سیاسی ـ نظامی ـ اقتصادی امپریالیسم آمریکا، از مجرای رژیم مزدور شاه، این هدف را دنبال میکرد.

هرچه زمان بیشتر میگذشت و بحران روابط ایران و عراق به پایان مرحله‌ای خود نزدیکتر میشد، امید امپریالیسم و ارتجاع حاکم ایران، به پیروزی آلترناتیو سازش بیشتر میشد. در آن زمان رویزیونیستهای حزب توده، به تبعیت از اربابان روسی شان، این سیاست را چنین تصویر میکردند.

حکومت ایران ناچار در سیاست قهر آمیز خود نسبت به عراق بطلی که ذکر کردیم، تجدید نظر کند و چون از آن راه نتوانست حکومت عراق را و نیز سیاست ضداستعماری و ترقی خواهانه

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

ودوستانه را با اتحاد جماهیر شوروی وکشورهای سوسیالیستی تغییر دهد. لذا حالا این خیال را می پروردکه از راه دوستی تا آنجا که بتواند با حیله وتزویر عراق را از سیاست درستی که درپیش گرفته منحرف سازد". (۳)

درپشت این عبارات وکلمات، ضمن پشتیبانی از عراق و ازسازش میان ایران وعراق (که درچندسطر بالاتر از سطورفوق، در مقاله بصراحت به آن اشاره شده است) میتوان بخوبی ترس ووحشت رویزیونیست ها و اربابان روسی شان را از نقطه های چرخشی که درجریان این "صلح" درسیاست عراق صورت گرفته بود، احساس نمود. رژیمی که بزعم آنها "درراهی غیرازسرمایه داری قدم میگذاشت وبا اتحاد شوروی، هم پیمان و با دیگرکشورهای سوسیالستی روابط گسترده اقتصادی ودوستانه برقرار میکرد". (۴) اکنون نقطه چرخشی را دردل خودمی پروردکه صلح ۱۹۷۵ آبستن آن بود، چرخشی که بصورت دوری از شوروی ونزدیکی بیشتربه آمریکا متجلی میشد. این ترس ووحشت رویزیونیستی را بخوبی میتوان درهشدارتلویحی وغیرمستقیم حزب خائن توده به حکومت عراق، در همین مقاله احساس نمود:

"اما همکارشدن با عضوسنتوو حکومت امپرنشین ها وعمان که بانواع قراردادها به امپریالیست ها وابسته هستند، چیزی جزواردشدن دریک دسته بندی تازه امپریالیستی وبفرض محال(!) که حکومت عراق به چنین امری تن دردهد، صدای او دربین چندین کشوروابسته به امپریالیسم خفه خواهدشد" (۵)

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

۵ قرارداد ۱۹۷۵:
سند سازش دو رژیم ارتجاعی ایران و عراق

سرانجام، بربستر فشارناشی ازنارضایتی توده‌های عراق (وبویژه دردرجه اول فشارناشی ازجنبش کردستان) بوجود آمدن یک سلسله شرایط مساعد اقتصادی براثر افزایش درآمد نفتی، بمثابه عوامل درونی ازیکسو وفشارامپریالیسم آمریکا ورژیم ایران بعنوان عوامل خارجی ازسوی دیگر، نطفه‌های سازش بسته شدوبربایه آن قرارداد ۱۹۷۵ متولدگردید. این چرخش در سیاست عراق، تنها درروابطش با ایران متجلی نمیشد، بلکه در عرصه‌های دیگرنیزخودرانشان میداد. درعرصه اقتصاد، سمتگیری بیشتربسوی مراودات اقتصادی باکشورهای اروپای غربی وحتی آمریکا ودوری بیشتردراین زمینه ازشوروی وبسیارت دیگر افزایش تدریجی حجم واردات ومبادلات بازرگانی عراق وکشورهای اروپائی ومتقابلا کاهش آن دررابطه با شوروی با تکیه بیشترویکجانبه سردرآمدهای نفتی ودرپیش گرفتن سیاست درهای بازدربرابرواردات کالاهای مصرفی، ازبازارامپریالیستی ودر عرصه سیاست خارجی بیشترازشوروی وتمایل به ایجادیک نوع تعادل درسیاست خارجی باگرایش بیشتربه سمت امپریالیست‌های غربی وروابط نزدیکترباارتجاع وابسته به آمریکا در منطقه، سلب حمایت وپشتیبانی ازنیروهای انقلابی عمان (هرچندکه این حمایت ازهمان ابتدا، مزورانه ودررابطه با منافع بورژوازی بوروکرات عراق وبرمبنای سیاست سوسیال امپریالیسم شوروی دررقابت با امپریالیسم آمریکا بود) و ... جلوه‌هائی ازاین چرخش رادرعرصه دیگرنمایان میساخت. لیکن قرارداد ۱۹۷۵ بارزترین نمونه این چرخش درروابط وسیاست عراق بود.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، درواقع سندسازش رژیم ارتجاعی بعث عراق، وتحکیم مواضع امپریالیسم آمریکا درمنطقه وسند رسمیت بخشیدن به وظیفه ژاندارمی رژیم ایران درمنطقه محسوب میشد.

این قرارداد که رژیم الجزایر نیز مخل وملت دو دولت بر اساس آن بود، نه تنها تسلط رژیم ایران برجزایر سه گانه را رسمیت بخشید (چراکه علیرغم اینکه یکی از محورهای اختلاف و درگیری دو رژیم همین جزایر بود، درعهدنامه هیچ سخنی از آن بمیان نیامد) نه تنها با تقسیم آبراه شط العرب براساس خط "تالوگ" میان دو کشور، پای رژیم ایران وطبعا امپریالیسم آمریکا به این نقطه حساس بازمیگردد و زنجیره حفاظت امپریالیسم آمریکا را درسراسر کرانه شمالی وشمال غربی خلیج فارس مستحکم تر می نمود، بلکه دست ایران را درسرکوب مبارزات خلقهای منطقه خلیج وبخصوص خلق عمان، بازمی نمود. متقابلا امتیازاتی که دراین میان نصیب رژیم عراق میکردید، فروکش دامنه بحران میان دوکشور ودفع حرکت تجاوزی رژیم ایران درتمامی عرصه ها ومهمتر از همه رفع فشارهای ایران از طریق جنبش کردستان عراق بررژیم بعث بود. بعبارت دیگر این قرارداد سند آزادی رژیم بعث عراق درسرکوب وحشیانه ترخلق کرد عراق و "آرام کردن اوضاع درونی خود بود. رژیم عراق، درسایه این "آرامش" میتوانست بهتر به تحکیم مواضع جدید خود در عرصه اقتصاد و سیاست بپردازد و با گامهای استوارتری راه جدید سمتگیری بسوی امپریالیستهای غربی را بگشاید و دشمنانهای خام خیالانه وارتجاعی رویزیونیست-های عراقی را که زمانی دردوره "ماه عسل" خود با رژیم بعث چنان به وجد و شوق آمده بودند که پیش بینی میکردند عنقریب رفیق! صدام حسین، کمونیست خواهد شد! به حیاتی تبدیل کند.

درواقع قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر حاصل یک سازش ارتجاعی، درجهت تقویت مواضع ارتجاع و امپریالیسم و فراهم آوردن

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

زمینه مساعدتر برای سرکوب انقلاب در منطقه خلیج و گرایش غربی اقیانوس هند است.

قرارداد ۱۹۷۵ تقویت بیشتر مواضع آمریکا و تضعیف مواضع شوروی، در طی یک دوره رقابت در این مرحله معین بود که طبعا این رقابت در متن شرایط و توازن جدید قوای سیاسی در منطقه، در عرصه های جدیدتری جریان می یافت.

قرارداد ۱۹۷۵ سندسازش بورژوازی دو کشور در یک مقطع تاریخی، برسر میزان توسعه و نفوذ در منطقه و برسر امکان تسلط هرچه بیشتر در حوزه خلیج فارس بود. سازشی که بنفع تحکیم تسلط بورژوازی ایران، و تضعیف بیشتر مواضع بورژوازی عراق در منطقه صورت گرفت و رقابت میان دو بورژوازی را موقتا از شدت خود فروکاست و در نقطه عطف جدیدی قرارداد. درواقع رژیم عراق این عقب نشینی در سطح منطقه را در ازای امتیازاتی که در درون کشور خود و بخصوص در رابطه با جنبش کردستان عراق، بدست میآورد بنفع خود میدانست.

بعبارت دیگر، هم بحران ۷ ساله روابط ایران و عراق، و هم قرارداد سازش ۱۹۷۵، یعنی به فرجام رسیدن این بحران، در طی یک مرحله، حاصل عملکرد سه رشته تضادمعین در منطقه آسیای جنوب غربی و بویژه حوزه خلیج است.

الف: تضاد میان امپریالیسم و ارتجاع و خلقهای کشورهای منطقه و بر این اساس تمایل امپریالیست ها به تحکیم موقعیت سیاسی ـ نظامی خود در این منطقه و سرکوب جنبشهای انقلابی.

ب: تضاد و رقابت میان امپریالیسم آمریکا و متحدین اروپائیش از یکسو و سوسیال امپریالیسم شوروی و اقمارش از سوی دیگر، برسر نفوذ و حفظ موقعیت مسلط و فائقه در این منطقه.

ج: تضاد میان بورژوازی ایران و عراق، برسر مسائل ارضی و برسر کسب موقعیت برتر در منطقه بدلیل خوبینیم توسعه طلبانه هر یک که بدرجات متفاوت بدان گرایش داشتند.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

شکی نیست که عملکرد تمامی تضادهای فوق الذکر در تحلیل نهائی در پرتو تضاد اول، یعنی تضاد میان امپریالیسم و ارتجاع و بورژوازی جهانی، با خلقهای این منطقه و بعبارت دیگر تضاد میان انقلاب در منطقه و ضدانقلاب در عرصه جهانی، قابل تحلیل بوده و موضوعیت پیدا میکردند. بعبارت دیگر آن رشته منظمی که تمامی این حرکات را در منطقه بیکدیگر متصل میکند، تلاش امپریالیسم و ضدانقلاب جهانی و ارتجاع منطقه برای حفظ منافع اساسی خود و سرکوب انقلاب و مبارزات خلقها در این بخش از جهان میباشد. لیکن آن سیاست عمده ای، که در میان مجموعه عوامل و فاکتورهای فوق الذکر، در آن مقطع معین، در پشت تمامی بحران - ها و درگیریهای میان دو رژیم ایران و عراق، نهفته بود کوشش امپریالیسم آمریکا و رژیم سرسپرده اش ایران، برای تسلط همه جانبه بر منطقه و حوزه خلیج، و تحکیم این سلطه بود. امپریالیسم آمریکا در جهت تحقق این هدف بود که "چماق" رژیم شاه را به حرکت درآورد. رژیم عراق اگرچه یک رژیم ارتجاعی بود، اما یک رژیم مطلوب امپریالیسم آمریکا نبود. با روی کار آمدن رژیم بعث، بورژوازی بوروکرات در عراق قدرت را بدست گرفت. طبقه جدید بورژوازی عراق، علیرغم وابستگی اقتصادی اش به سرمایه داری جهانی، دارای استقلال نسبی سیاسی از کشورهای امپریالیستی غرب و آمریکا بود. بعلاوه اینکه این رژیم (علیرغم حفظ استقلال نسبی سیاسی خود) دارای علائق و گرایش معینی به سوسیال - امپریالیسم شوروی بود و این نمیتوانست برای آمریکا قابل تحمل باشد. از دیدگاه امپریالیسم آمریکا رژیم عراق، صرفنظر از اینکه نمیتوانست پایگاه سیاسی مناسبی برای امپریالیسم، در جهت تحقق اهداف ارتجاعی اش باشد و بدین ترتیب در سلطه سیاسی اش در منطقه خلل ایجاد میکرد، میتوانست سرپل مناسبی جهت ورود شوروی به قلب منطقه، و دست یابی به کرانه های خلیج فارس، این نبض حیاتی امپریالیسم غرب و بویژه آمریکا، بشمار

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

آید، به بیان دیگر پیوند نزدیکی که میان منافع بورژوازی توسعه طلب حاکم بر تورو بورژوازی بوروکرات حاکم بر عراق که امنیتهم بنوبه خود دارای گرایش تندتر و بنیستی و توسعه طلبانه بود (هرچند در آن زمان امکان به فعل درآوردن این تمایل برای بورژوازی عراق وجود نداشت) در آن مقطع بوجود آمده بود، نمی‌توانست منافع امپریالیسم آمریکا و متحدینش را در عرصه رقابت ضد انقلاب جهانی، به مخاطره نیاندازد. بر پایه آنکه رژیم عراق با چهره "مبارزه جویانه ای" که بر علیه امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ارتجاع منطقه بخود گرفته بود و با "حمایتی" که از برخی جنبشهای رهائیبخش می نمود، می توانست زمینه مساعدتری برای گسترش نفوذ بورژوازی عراق و لاجرم سوسیال امپریالیسم شوروی، در منطقه بوجود آورد.

همه این عوامل امپریالیسم آمریکا را به اینجا میرساند که برای تحقق هدف مورد نظر خویش میبایست از "شر" رژیم بعث عراق، به هر شکل ممکن، خلاصی یابد. بعبارت دیگر در آن دوره منافع عراق مدوماتع مهمی در برابر به اجرا درآوردن آن سیاست امپریالیستی بشمار میرفت. بحران و درگیری میان دو رژیم ایران و عراق، در وجه عمده خود انعکاس این سیاست امپریالیستی در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس بود و به بیان آخر، آن سیاستی که در پشت درگیری و بحران میان دو رژیم ایران و عراق، خود نمائی میکرد و در نتایج و خود، حتی چندین بار تا آستان جنگ ایران و عراق به پیش رفت، یک سیاست امپریالیستی بود که بر محمل تضادها و درگیریهای دیرینه میان ایران و عراق بر سر مسائل ارضی و دیگر مسائل خاص میان دو کشور، سوار شده و آن را تحت الشعاع خود قرار داده بود.

بحران میان رژیم ایران و عراق، در آن دوره، بحران و درگیری میان امپریالیسم آمریکا و رژیم دست نشانده اش یعنی رژیم شاه، از یکسو و بورژوازی عراق که سوسیال امپریالیسم شوروی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

را نیز در پشت خویش داشت ، از سوی دیگر بود . چنین بود ماهیت واقعی بحرانی که در طی یک دوره نسبتا طولانی میان رژیم ایران و عراق شکل گرفت و در نهایت با قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در یک نقطه و برای یک دوره به پایان رسید .

بر این اساس روشن است ، در این مبارزه ضد انقلابی و ارتجاعی میان دو جناح از ضد انقلاب جهانی ، علیرغم اینکه یک سوی آن رژیم کارگزار امپریالیسم ، و سوی دیگر آن رژیمی بظاهر مترقی اما در واقع ارتجاعی (هرچند که دارای استقلال نسبی سیاسی) بود ، هیچ منافعی برای خلق دو کشور وجود نداشت . اینکه سرانجام این بحران به نفع رژیم ایران و در واقع امپریالیسم آمریکا ، خاتمه می یافت و یا به نفع بورژوازی ارتجاعی عراق ، و طبعا بنفع سوسیال امپریالیسم شوروی ، فاقد هرگونه منافع اساسی برای خلقهای دو کشور بود . از نقطه نظر پرولتاریا آنچه که در آن زمان منافع اساسی خلقهای دو کشور را تشکیل میداد ، سرنگونی دو رژیم ارتجاعی ، علیرغم تمام تفاوتهایشان و کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریا و متحدینش در دو کشور و بیرون راندن تمامی امپریالیستها و ارتجاع منطقه از خلیج فارس و خاور میانه بود . برای خلقهای دو کشور ، هیچ نفعی وجود نداشت که ارتجاع حاکم بر ایران برجزا بیرحمانه تسلط داشته باشد و بدینوسیله تسلط امپریالیسم آمریکا در آنجا را تحکیم بخشد ، یا ارتجاع حاکم بر عراق و احیانا سوسیال امپریالیسم شوروی ، بر سر خلقهای دو کشور ، مهم نبود که آبراه شط العرب بطور دربست در اختیار رژیم ایران قرار گیرد و یا در اختیار رژیم عراق ، چرا که کشتی های نفتی ای که از این آبراه گذر میکردند ، چه حرکت آنها از بندرهای ایران میبود و چه از بندرهای عراق ، هردو بکسر به سوی بندرهائی روانه می شدند که در سواحل آن ، کارتل های نفتی امپریالیستی ، برای استقبال از آن دست تکان میدادند! برای کشتی های نفتی ایرانی ، کارتل های آمریکائی و برای کشتی های عراقی ،

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

کارتلهای نفتی آمریکائی و انگلیسی ! (۶) ودرهردوحسال در خدمت منافع اقتصادی ـ سیاسی ونظامی امپریالیست ها وعلیه منافع خلقها قرار میگرفت .

قرارداد ارتجاعی ـ امپریالیستی ۱۹۷۵ که با ربا طـــــت رژیم "ترقیخواه" !! انجزا برانجام گرفت ،نیزنشان دادکه چگونه دراین سازش خائنانه تاریخی ،منافع خلقها وجه المصالحه دو بلوک ضدانقلاب جهانی قرارگرفت .سازشی که براساس آن ،رژیم ایران جواز سرکوب آزادانه خلقهای ایران (۷) وخلقهای منطقه بخصوص خلق ظفار راکه رژیم عراق تا آنزمان ادعای طرفداری ازآن را داشت ،بدست آوردورژیم عراق جواز سرکوب آزادانـــه وبدون دغدغه خاطرخلق کرد عراق را !

این بود ماهیت سیاستی که هم دربخشت سالها بحران درروابط دورژیم ،درگیریهای نظامی ـ مرزی میان آنها وهم دربخشـــت قرارداد ۱۹۵۷ ،یعنی دربخشت سازش ارتجاعی آنان ،خویشتن را پنهان کرده بود .نه ویژگیهای رژیم عراق ،یعنی استقلال نسبی سیاسی آن ونه ویژگیهای رژیم ایران ،یعنی خصلت کارگزاری و مزدوری آن ،نه موضع برتروتهاجمی رژیم ایران ونه موضع تدافعی رژیم عراق ،نمی توانست پرده ای برروی ماهیت واقعی ایـــن منازعات واشباه حقانیت یکی ازطرفین نزاع (وبویژه رژیـــم عراق) بکشد .خلقهای دوکشوروخلقهای منطقه قربانی ایـــن منازعات بودندوسرانجام نیزمیز مذاکره وسازش ،برروی پشته های اجسادخونین خلقهای دوکشوروسنطقه (خلق کرددرعراق ،خلـــق ظفاردرعمان ،خلق عرب دراهواز و ...) برپاشد .اما موضوع جنگ چیزی جزنزاع برسرحاکمیت این جناح یا آن جناح ازضدانقلاب جهانی ،براین منطقه استراتژیک وبرسرغارت وچپاول ثروتها ی مادی خلقها وشعره استثمارآنها ،نبود .هریک ازآنها ،درپی این تسلط هدفی جزسرکوب انقلاب دردرون کشورخودی ودرمنطقه وبـا حداکثربه انحراف کشاندن مبارزات آنها ،درسرنداشت .ودیدیم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

که چگونه در پی قرارداد صلح دو کشور، رژیم ایران به کشور عمان برای سرکوب توده‌های این کشور، که اکنون جوازرسمی آن را نیز بدست آورده بود، بیش از پیش لشکرکشی کرد. و این در حالی بود که رژیم عراق نیز حمایت خود را از نیروهای انقلابی آن کشور از جا پس گرفت. و با زدیدیم که چگونه رژیم عراق، با دست یازیدن به تدارک سرکوب همه جانبه خلق کرد این کشور پرداخت و بسا استفاده از شرایطی که در پی این سازش ارتجاعی و خیانت سران ارتجاعی کردستان عراق بوجود آمد در جهت از هم پاشیدن کامل جنبش کردستان عراق، بحرکت درآمد.

اکنون آیا کسی هست که تحت پوشش "دفاع از انقلاب" در عراق و منطقه" و یا "تجاوز به عراق" از سوی ایران، و یا "توطئه امپریالیسم بر علیه عراق"، مدد دفاع از میهن عراق را برای کمونیستها خلقهای آن کشور، در منازعات میان دو رژیم صادر کند! دفاع - طلبان کنونی ما، که اکنون به دفاع از "میهن با انقلاب" در برابر "تجاوز عراق" برخاسته اند، بدون شک اگر در آن زمان نیز می بودند، به صدور چنین حکمی در آن مقطع تاریخی میپرداختند چرا که آنها عزم کرده اند که چشمان خویش را بر ماهیت یک جنگ ببندند و به دفاع از میهن بورژوازی - تحت هر عنوان و نامی - برخیزند.

* * *

بدین قرار با قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر منازعات و مناقشات میان رژیم ایران و عراق پس از یک دوره نسبتا طولانی، موقتا به پایان رسید، و دو رژیم دست دوستی بسوی یکدیگر دراز کردند. رژیم ایران سرانجام متوجه نیت رژیم عراق را به "راه راست" فراخوانند او را در عرصه سیاست به چرخشی هرچند تدریجی و کم عمق، به سوی امپریالیستهای غربی وا دارد. چرخشی که به زعم روزی نامه‌های آن زمان ایران، عراق را از "انزوای سیاسی" (۸) خارج میکرد. بزعم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

همان روزنامه‌ها، ایران و عراق میتوانستند در سایه این "دوستی" پیمان دفاعی خلیج فارس را بررسی کنند" (۹)، پیمانی که البته رژیم شاه علیرغم تمایل آتشینش، هیچوقت نتوانست آن را بوجود آورد!

در پی این قرارداد، تضادهای دو رژیم، فروکش نمود و روابط میان دو دولت به گرمی گرائید. هرچند که این روابط نزدیک هیچگاه از حد معینی فراتر نرفت. این دور جدید از روابط دو کشور همچنان ادامه داشت، تا آنکه با بحرکت درآوردن امواج مبارزات خلقهای ایران و سرانجام با سرنگونی رژیم شاه و استقرار رژیم جمهوری اسلامی، وارد مرحله نوینی گشت. مرحله‌ای که آبستن بحرانهای آتی بود. ما می کوشیم تا این دوره را نیز مختصرا مورد بررسی قرار داده و آن رشته‌های مسلطی را که تمامی این حرکات و حوادث را در طی این دوره تا جنگ اخیر را به یکدیگر متصل مینماید و در واقع علل اساسی جنگ کنونی و مضمون واقعی آن را بیان میدارد، مشخص نمائیم.

☆ ☆ ☆

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بخش۲: روابط ایران و عراق
در دوره حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی

I- موضع رژیم بعث، در برابر جنبش انقلابی ایران و رهبران مذهبی آن قبل از قیام

یکی از نتایج تبعی سیاسی قرارداد ۱۹۷۵ عدم دخالت در امور داخلی کشورهای یکدیگر، بمنظور برقراری "امنیت و اعتماد متقابل" (۱۰) میان دو کشور بود. هرچند این بند بطور صریح یکی از موارد قطعنامه نبود، اما بند سوم این قطعنامه که مبتنی بر کنترل دقیق و موثر مرزهای خود "بمنظور قطع هرگونه رخنه و نفوذ که جنبه خرابکارانه از هر سود داشته باشد" (۱۱) بود، تلویحا این عدم دخالت را در نظر داشت. یکی از مسائل مورد اختلاف رژیم شاه و رژیم بعث وجود برخی روحانیون مبارز و مخالف رژیم شاه بخاطر تبعید در عراق بود که آیت الله خمینی در راس آنها قرار داشت. آیت الله خمینی هرچند تا قبل از اوجگیری جنبش در ایران، دارای فعالیت پیگیر و فعال سیاسی نبود و حداکثر فعالیتش به انتشار برخی اعلامیه ها و بیانیه های معدود مخالفت آمیز در مورد برخی مسائل مهم ایران و یا ملاقات با عناصر مخالف ایرانی و برخی اقدامات و حرکات حزبی دیگر قرار نمیگرفت، لیکن به دلیل پایگاه و نفوذی که بمناسبت فعالیتهای مبارزه جویانه اش در ایران، در میان اقشار معینی از توده مردم، و بویژه خرده بورژوازی سنتی و بازار داشت، همواره بمثابه خطری برای رژیم منفور شاه محسوب میشد. قبل از قرارداد ۷۵، رژیم عراق، در رابطه با اختلافاتی که با ایران داشت، تا آنجائیکه مصالح دولت بعث

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

اجازه میداد، محدودیت چندانی برای فعالیتهای آیت الله فراهم نمیکرد و حتی شرایط و زمینه ها و امکاناتی برای این فعالیت فراهم می نمود. (البته این سیاستی بود که رژیم عراق در مورد نیروهای انقلابی مسلح آنزمان، که برای رژیم ایران ازجهاتی بمراتب خطرناکتر بودند، نیز بکار می بست. بند ۴ قرارداد ۷۵ نظارت بر فعالیت همین نیروهای انقلابی دارد). بطور نمونه میتوان از رادیوی میهن پرستان و نیز "صدای روحانیت مبارز" که حجت الاسلام دعائی ـ سفیر سابق ایران در عراق و سرپرست کنونی روزنامه اطلاعات ـ گرداننده آن بود، نام برد.

کمک به مبارزین و مخالفین رژیم ایران از طرف رژیم بعث، یکی از وسایل و زمینه هائی بود که دولت عراق، برای تحت فشار قرار دادن رژیم ایران از آنها سود می جست.

البته ناگفته نماند که رژیم شاه نیز، بطور غیر مستقیم از جریانهای ارتجاعی مذهبی مخالف دولت بعث از قبیل "اخوان المسلمین" حمایت می نمود (همان جریانهائی که هم امروز رژیم جمهوری اسلامی از آنان حمایت میکند!) بعنوان مثال میتوان از پسر آیت الله حکیم نام برد، که از سردمداران جریان فوق الذکر بود و پس از آنکه رژیم عراق قصد دستگیری او را نمود، از عراق فرار کرد و به ایران پناه برد، شد (حدود سال ۵۲) و رژیم شاه در ایران او را مورد حمایت و تکریم خود قرار داد.

رژیم عراق، شاه آنجا برای روحانیت مبارز شیعیدی عراق و بویژه آیت الله خمینی، محدودیتی در فعالیت سیاسی قائل نمیشد که در امور داخلی عراق دخالت نکنند و دامنه فعالیت خود را بمیان شیعیان عراق، که بیش از ۶۰٪ جمعیت عراق را تشکیل میدهند، نگشانند. بعلاوه اینکه تحت شرایط آنروز، حمایت از رهبران روحانی شیعیدی ایران، زمینه ای برای فریب توده های شیعی عراق از جانب حکومت بعث را بوجود می آورد که برای تثبیت

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

سیاسی رژیم بعث میتوانست مورد بهره برداری قرار گیرد.

پس از قرارداد ۱۹۷۵ رژیم بعث بتدریج به ایجاد محدودیت‌ها شی در برابر فعالیتهای سیاسی هرچند ناچیز آیت الله خمینی و روحانیون مواد را اقدام ورزید. اما از آنجا که در آن زمان دامنه فعالیت سیاسی این روحانیون محدود و فاقد خطرات مهمی بود، این محدودیت‌ها و فشارها از اهمیت چندانی برخوردار نبود معذالک درست مقارن شروع مذاکرات دو دولت در الجزایر، رادیوهائی که رژیم عراق در اختیار انقلابیون و مبارزین مذهبی قرار داده بودند (رادیو صدای پرستان و رادیو ندای روحانیت مبارز) تعطیل گردیده و امکانات آن باز پس گرفته شد!

اما این فشارها و محدودیت‌ها، که تا قبل از اوجگیری جنبش انقلابی و توده‌ای در ایران، دامنه چندانی نداشت با گسترش جنبش خلق در ایران و به موازات آن، افزایش دامنه فعالیت سیاسی آیت الله خمینی و روحانیون و مذهبیون دیگر در عراق، در جهت مساعد گرفتن رهبری این جنبش، روز بروز افزایش یافت. و انجام رژیم بعث بدلیل ترس و وحشت فزاینده خود، از اوجگیری جنبش در ایران و نتایج ناشی از آن برای رژیم عراق از یکسو و فشارهای رژیم ایران بر حکومت عراق از سوی دیگر، آیت الله خمینی را مجبور به خروج از کشور عراق نمود. در واقع رژیم بعث عراق، از همین زمان آشکارا پایه‌های سیاست عدیت طبقاتی خود را با جنبش اوجگیرنده خلقهای ایران و مخالفت با جریان مذهبی رهبری کننده آن را پی ریزی نمود.

طبعا روشن است مخالفت رژیم بعث عراق با جنبش انقلابی ایران برعلیه رژیم شاه و ترس و وحشت بی پایان از آن، دلیلی جز تاثیرات احتمالی این جنبش در سطح منطقه و منجمله بر توده‌های ستمدیده عراق، نمیتوانست داشته باشد. معذالک خصوصیات ویژه جریان رهبری کننده جنبش انقلابی ایران، یعنی روحانیون شیعه مذهب دامنه این ترس و وحشت را بیش از

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

بیش افزایش میداد. چرا که صرفنظر از تاثیرات عمومی ناشی از رشد مبارزه طبقاتی و انقلاب در ایران بر توده های خلق عراق، خصلت مذهبی رهبران جنبش در ایران، تاثیرگذاری آن را بر خلق عراق و بویژه بر ۶۰٪ جمعیت شیعی مذهب آن کشور، بمراتب بیشتر میکرد. و این امر نمیتوانست رژیم بعث عراق را در ترس و وحشت فرو نبرد (به این مسئله در سطور بعد بیشتر خواهیم پرداخت).

بدین قرار سطح های اختلاف میان رژیم بعث عراق، با نیروهای رهبری کننده جنبش انقلابی ایران درگذشته و سپس رژیم جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر، بسته شده طبیعی است که اختلاف رژیم بعث عراق با رهبران مذهبی جنبش، با اختلاف میان رژیم عراق با آیت الله خمینی و هوادارانش پس از قیام، تفاوت ماهوی دارد. اختلاف اول در هر حال به تضاد میان یک رژیم ارتجاعی با جنبش انقلابی ایران، و رهبران حرده بورژوازی آن که هنوز در صف انقلاب قرار داشتند، بود اما اختلاف آنها پس از قیام و استقرار رژیم جمهوری اسلامی، تضاد میان دو رژیم ارتجاعی است. اما در عین حال باید توجه کرد که سیر تحولات سیاسی ایران، از یک جهت نیز بنفع رژیم عراق بود. این جنبش در جریان رشد خود، پایه های رژیم منفور شاه را لرزان و ضعیف می نمود و این مسئله در عرصه رقابت رژیم ایران و رژیم عراق در منطقه و حوزه خلیج، تناسب قوای سیاسی را بنفع رژیم عراق بهم میزد و رژیم بعث نمی توانست از این تاثیرات خشنود نباشد. در واقع تضعیف رژیم ایران در منطقه میتوانست فرصتی بدست رژیم بعث دهد تا از آن در جهت باز پس گرفتن امتیازاتی که در دوره گذشته بدلایلی که در قسمت پیشین از آن سخن گفتیم، به رژیم ایران داده بود، بهره برداری نماید. درست بهمین دلیل هم بود که مخالفت رژیم بعث با رشد انقلاب در ایران مانند دیگر کشورهای ارتجاعی منطقه از غلظت زیادی برخوردار بود و حکومت بعث پیوسته میکوشید تا اوضاع جاری در ایران و سمت و سوی تحولات

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

سیاسی درکشوررا به سکوت برگزار نماید واز دخالت فعال در آن پرهیز نماید.

رشد جنبش انقلابی ایران با قیام بهمن ماه منجر به سرنگونی رژیم شاه گردید و بدون اینکه توده ها بقدرت برسند بجای آن رژیم جمهوری اسلامی مستقر گردید. و روابط ایران و عراق با چنین پیشینه ای از رابطه رژیم بعث و رهبران مذهبی جنبش وارد مرحله جدید خود می گردد.

☆ ☆ ☆

با سرنگونی رژیم شاه در استقرار رژیم جمهوری اسلامی، روابط ایران و عراق، وارد مرحله نوینی از حیات خود گشت. مرحله ای که در بستر تغییرات حاصله در آرایش قوای سیاسی در منطقه و توازن قوای میان ایران و عراق پس از سرنگونی رژیم شاه و لزوم ماسیمای جدیدی بخود میگرفت. اما بدلیل کیفیت انتقال قدرت سیاسی در ایران و ماهیت اساسا بورژوائی رژیم ایران، رشته محکمی روابط نوین میان دو کشور را به روابط پیشین و بعبارت دیگر سیاست حاکم بر روابط دو کشور را به سیاست گذشته حاکم بر آن، متصل میکرد. همان رشته ای که تغییر و تحولات حاصله در اوضاع ایران و منطقه، در زمان حاضر غبار تاریکی بگرد آن فرونشانده است. همان رشته ای که با زشناختن و محکم گرفتن آن، شرط اساسی شناخت واقعی مناسبات میان ایران و عراق و سیاست حاکم بر آن در دوره جدید و همچنین ماهیت جنگ ارتجاعی کنونی میباشد. این شرایط نوین که روابط ایران و عراق در مرحله جدید در متن آن جریان داشته و دارد چیست؟ همچنین آن رشته محکمی که این روابط را با روابط گذشته و این سیاست را با سیاست گذشته مرتبط میسازد کدامند؟ پاسخ به این دو سئوال اساسی، ما را به سمت درک واقعی ماهیت جنگ کنونی و پاسخگوئی به آن مسائل اساسی که در ابتدای نوشته مطرح ساختیم، یعنی اینکه "چه موضوعاتی" در جنگ کنونی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

مطرح میباشد، سیاست کدام طبقات بر جنگ حاکم است و چه "مقاصد سیاسی" در پس این جنگ نهفته است، را هنمون میسازد.

برای پاسخ به سئوال اول باید تاثیرات ناشی از تحولات سیاسی ایران در اوضاع منطقه و بطور مشخص در روابط ایران و عراق را مورد بررسی قرار داد و برای پاسخ به سئوال دوم باید نگاهی به تاریخچه این روابط پس از استقرار رژیم جمهوری اسلامی و مسائل مورد مشاجره و اختلاف ایران و عراق را هرچند بطور مختصر مورد ارزیابی قرار داد. ما نیز بهمین ترتیب به توضیح این مسائل می پردازیم و سپس با نتیجه گیری سیاسی از این توضیحات در مورد جنگ ارتجاعی کنونی، سخن را به پایان می بریم.

II - نگاهی به اوضاع منطقه

با سرنگونی رژیم مزدور شاه، ضربه و خلل مهمی به زنجیره استعماری امپریالیسم آمریکا وارد آمد. در واقع به یکی از مهمترین پایگاههای سیاسی امپریالیسم آمریکا در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس ضربه سختی وارد شد. چرا که رژیم جدید ایران اگرچه با ماهیت بورژوائی و ارتجاعی خود اساسا مدافع مناسبات کهنه موجود و مدافع و حافظ سرمایه داری وابسته در ایران بود و در جهت بازسازی نظام اقتصادی پیشین، حرکت میکرد لیکن از لحاظ سیاسی استقلال نسبی سیاسی داشت. رژیم سیاسی جدید ایران برخلاف رژیم شاه که اساسا کارگزار امپریالیسم و در درجه اول تابع مصالح و مقتضیات سیاستهای امپریالیستی امپریالیسم آمریکا بود، اساسا و در درجه اول از مصالح و مقتضیات طبقه بورژوازی ایران تبعیت میکرد. بدین ترتیب با دگرگونی در قدرت سیاسی ایران، امپریالیسم آمریکا یکی از ابزارهای اساسی اعمال سیاست گذشته خویش، یعنی یکی از ابزارهای مهم تسلط سیاسی - نظامی بر منطقه خلیج را از دست داد و در زنجیره

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

حفاظتی وکمربندا یمنی محکمی که درطی سالها تلاش ضدانقلابی درجنوب غربی آسیا بوجودآورده بود،گسیختگی عمیقی پدیدآمد.

رژیم جمهوری اسلامی،اگرچه منافع اساسی اقتصادی گذشته را دروابستگی به امپریالیسم کماکان حفظ می نمود،وبدین جهت ازمنافع اساسی اقتصادی امپریالیسم محافظت میکرد، اما علیرغم اینها امپریالیسم،یک سگ پاسبان وفادار،یک چماق بزرگ سیاسی را درمنطقه ازدست داده بودوباین ترتیب باجرای سیاست جدیدی که درمنطقه براساس استراتژی نیکسون درپیش گرفته بود،سیاستی که براساس آن رژیم شاه میبایست نقش ژاندارم منطقه خلیج را بازی میکرد لطمه سنگینی واردگردید. البته بایدگفت که وجودرژیم مزدورعربستان درمنطقه خلیج و پیوستن قطعی رژیم ارتجاعی سادات درمصر،به بلوک سیاسی امپریالیسم آمریکاوکشورهای ارتجاعی وابسته به اودرخاورمیانه،تاحدودی این کمربندرا ترمیم میکرد.اما طبیعی است که این دورژیم،چه بلحاظ موقعیت جغرافیائی (کشورمصر)و چه بلحاظ شرایط درونی آنها (عربستان ومصر)قادربه ایفای نقشی که رژیم ایران جدازنظرموقعیت کاملا مساعددرونی (امکانات اقتصادی - سیاسی مناسب) وچه بلحاظ موقعیت جغرافیائی (مشرف بودن بدگلوگاه حیاتی خلیج)داشت،نبودند.تحولات سیاسی رژیم خائن سادات،بابکاه امپریالیسم آمریکا را در کشورهای عربی خاورمیانه مستحکم میکرد،اما این تحول مساعد برای آمریکا نمیتوانست ضربه ناشی ازسرنگونی رژیم شاه و از دست رفتن یک رژیم کاملا مطلوب امپریالیسم آمریکا را درحوزه خلیج جبران نماید.وجودیک رژیم مزدوروکارگزاردر ایران، مهمترین ابزاروزمینه ای بودکه امکان تحقق مطلوب استراتژی نیکسون رادرمنطقه خلیج فارس فراهم میکرد.بااز دست رفتن این ابزار هیچ رژیم دیگری که حائزچنین شرایط،موقعیت ومختصاتی باشد، در منطقه موجودنبود.نه رژیم عراق،که دارای یک استقلال نسبی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

سیاسی بود، ترابط ایفای این نقش را داشت و نه عربستان سعودی دارای آنچنان موقعیت و مختصاتی بود که توانائی انجام این "رسالت" را داشته باشد. رژیم وابسته سادات نیز اگرچه می‌توانست تکیه‌گاه مطمئنی برای امپریالیسم باشد، اما موقعیت خاص این کشور، جدا کشر میتوانست او را به چماق رژیم مناسبی در میان کشورهای عربی خاورمیانه تبدیل نماید، نه درکرانه خلیج. آنچه که برای امپریالیسم اهمیت اساسی داشت، تسلط بر گلوگاه حیاتی خلیج یعنی گذرگاه بیش از ۶۰٪ نفت جهان امپریالیستی بود. تنها کشوری که میتوانست تامین کننده ثبات و امنیت و تسلط امپریالیسم در این منطقه حساس باشد، رژیم ایران بود. رژیمی که دیگر اکنون کارگزار و مطلوب امپریالیسم نبود و حتی با آن دارای تضادهای معینی بود که این تضاد، خود به این عدم ثبات و امنیت در منطقه بیش از پیش میافزود.

در دوره رژیم شاه و پس از قرارداد الجزایر، از سه کشور بزرگ کرانه شمالی و غربی و جنوبی خلیج، یعنی ایران و عراق و عربستان دو کشور اول و سوم دست نشانده امریکا و حلقه‌های محکم کمربند ایمنی و حفاظتی امپریالیسم آمریکا بودند و کشور دوم یعنی عراق نیز علیرغم استقلال نسبی سیاسی اش (و حتی گرایش مشخص اش به سوسیال امپریالیسم شوروی) پس از قرارداد ۱۹۷۵، عملا خنثی شده و به نقش ایران در خلیج و تحکیم سلطه امپریالیسم آمریکا بر آن تن داده بود. بدین ترتیب، امپریالیسم آمریکا عملا توانسته بود با حکم کردن یک زنجیره ارتجاعی که وثیقه سیاسی آن هم قرارداد الجزایر بود، سلطه فائقه و برتر خود را نسبت به شوروی در حوزه خلیج تحکیم و محفوظ دارد.

گردتای ارتجاعی پاکستان، برهبری ژنرال ضیاء الحق آمریکائی در سال ۱۹۷۶ نیز که سلطه امپریالیسم آمریکا را در پاکستان کاملا تثبیت می نمود و "آرامش" را در این کشور برقرار میساخت، حلقه‌ای از زنجیر توطئه امپریالیستی آمریکا در منطقه

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بودکه کمربندحفاظتی اورادرخلیج تاکرانه‌های شمال شرقی دریای عمان تحکیم‌می نمود. درواقع امپریالیسم‌توانسته‌بود. دردیوارشمال غربی اقیانوس هندیعنی خلیج فارس ودریای عمان ،سنگرهای پاسدارمنافع امپریالیستی خودرابرپرچم آمریکابرافرازد.اسنگرهائی که براجادپشته‌ـ پشته‌خلقهای کشورهای منطقه استوارگشته‌بود.

اما درشرایط جدید،باسرنگونی رژیم‌شاه این کمربنددچار خلل ولطمه‌جدی گشته‌بود.نه‌تنها ایران بمثابه‌نیرومندترین حلقه‌ازاین زنجیرحفاظتی منطقه‌خارج شده‌بود،بلکه‌درپرتواین خروج وبطورکلی درپرتوتحولات سیاسی ایران ومنطقه ،کشور عراق نیزدیگرآن "بی خطری"سابق رانمیتوانست داشته‌باشد و شرایط وتعادل پیشین برای خنثی کردن گرایشات وتمایلات اودرمنطقه‌ازمیان رفته‌بود.تنها حلقه مطمئن باقیمانده‌درخلیج عربستان بودکه حلقه‌جنوبی راتشکیل میداد.تحت‌آن شرایط عربستان بهمراه یکسری کشورهای کوچک حاشیه‌جنوبی کرانه‌خلیج یعنی شیخ نشین های منطقه‌وکشورعمان،تنها نقطه‌قابل اتکاء برای امپریالیسم‌درمنطقه‌راتشکیل میدادند.با این حلقه‌های ناقص وضعیف ،امپریالیسم‌نمی توانست زنجیرمحکم مطمئنی راکه‌آمال ونقشه‌های اودرتحکیم‌سلطه‌فائقه‌اش درمنطقه‌ایجاب میکرد،بوجودآورد.اما این یکجانب قضیه‌است .لطمات واردبر امپریالیسم‌آمریکا تنها ازاززاویه‌تضعیف کمربندحفاظتی آن وپس ازسرنگونی رژیم‌شاه وروی کارآمدن رژیم‌جمهوری اسلامی،نبود. این لطمه‌همچنین وحتی مهمتراز آن،ازجانب جنبش اوجگیرنده خلقهای ایران بودکه‌ضربات جدی برپیکرامپریالیسم وارد کرده‌بودوسرنگونی رژیم‌شاه‌تنها جلوه‌ای ازپتانسیل وحرکت این جنبش بود.جنبش ضدامپریالیستی خلقهای ایران،بزرگترین درامپریالیسم‌آمریکا درخلیج رابه‌لرزه‌درآورد.وسرانجام رژیم منفورشاه رابه‌زباله‌دان تاریخ فرستاد.هرچندکه تحول سیاسی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

صورت گرفته درقدرت سیاسی ،نه بنفع توده ها بلکه بنفع بورژوازی ایران ورژیم جدید علیرغم تفاوت هایش با رژیم شاه ،اساسا یک رژیم بورژوائی وارتجاعی بود.اما سنت وپتانسیل مبارزاتی ضدامپریالیستی درمیان توده ها آنچنان ریشه دار بودکه پس از قیام ،ما کماکان با گسترش این سنت مبارزه جویانه روبرو هستیم .بحران انقلابی ایران،علیرغم تمام توسانات وفراز و نشیب هایش پس از ضربه ای که دربهمن ماه برپیکر امپریالیسم وارد آوردکماکان ادامه دارد،وهمچنان برپیکر امپریالیسم و ارتجاع ضربه وارد میکند.جنبش ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک ایران،درحال حاضر بزرگترین خطری است که منافع امپریالیسم آمریکا را درمنطقه خلیج تهدید می کند.

بنا بدلایل فوق،امپریالیسم آمریکا ناچار گردیدکه پس از قیام ازیکسوکشورهای ارتجاعی وابسته به خودرا درمنطقه از لحاظ تکاملی بسیار بیشتری نسبت به گذشته تجهیز نماید وازسوی دیگرحضور مستقیم خودرا درخلیج وکشورهای منطقه (درپایگاه های نظامی خوددراین کشورها)بیش ازپیش افزایش دهد.تا این زنجیرگسسته را ازاین طریق ترمیم نماید و خلا موجوددرقدرت استراتژیک سیاسی ـ نظامی خودرا پرنماید. تجهیزنظامی فوق العاده کشورهای ارتجاعی عربستان ،شیخ نشین ها ،کشورعمان،پاکستان ،ایجادوتقویت پایگاههای نظامی درترکیه ،مصروا سرائیل وجزیره "دیه گوگارسیا "در اقیانوس هند،بندرمصیره (عمان)و...ازجمله اقداماتی است که امپریالیسم آمریکا دراین جهت به آن دست زده است (۱۲).

علاوه براینها ، اقداماتی ازقبیل استقرارنیروهای نظامی مصر (حدود۷ هزارنفر)درعمان،پس ازخروج ارتش شاه ازآنجا ، تقویت ناوگان دریائی خوددراقیانوس هندومحاصره گرانه های شمالی خلیج وبندرهای نفتی ایران،دست زدن به مانورهای نظامی درمنطقه و...ازجمله اقداماتی است که حرکات امپریالیسم ـ

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

لیسم را در جهت تقویت و تجهیز موقعیت خود در منطقه نشان میدهد .

گودتای اخیر ترکیه ، نیز نمی تواند بی ارتباط با این سیاست امپریالیسم در منطقه باشد و حلقه ای از حلقه های توطئه ها و سیاست امپریالیسم برای ترمیم زنجیره تسلط اش در منطقه است .

از سوی دیگر اگر به موقعیتی که سوسیال امپریالیسم شوروی در دوره اخیر ، یعنی پس از قرارداد الجزایر بطور اعم و پس از سرنگونی رژیم شاه بطور اخص در آسیا بدست آورده است ، توجه کنیم ، درک این اقدامات و حرکات تهاجمی و تجاوزی امپریالیسم آمریکا در منطقه ، آسانتر میگردد . گودتای آوریل ۱۹۷۸ در افغانستان که منجر به سرنگونی رژیم داودخان و استقرار رژیم دست نشانده "ترهکی" گردید ، سلطه و نفوذ شوروی را در افغانستان و در آسیای مرکزی و جنوبی سخت افزایش داد . بعلاوه اگر به موضع و موقع حکومت هند ، بویژه پس از روی کار آمدن دولت اندیرا گاندی که گرایش مشخصی به شوروی دارد ، توجه نمائیم ، موقعیت نسبتا برتر سوسیال امپریالیسم شوروی ، در قیاس با امپریالیسم آمریکا در شبه جزیره هندو در مرکز گرانه های شمالی اقیانوس هند ، بیش از پیش روشنتر میگردد . البته رژیم حاکم بر هندوستان وابسته به شوروی نیست و دارای استقلال نسبی سیاسی بوده و جزء کشورهای "غیر متعهد" است و از همین رو در هیچیک از نقاط کشور پهناور خود و بویژه در سواحل طولانی اش در اقیانوس هند ، امکانات و پایگاههای نظامی در اختیار شوروی قرار نداده است . لیکن گرایش مشخص این کشور به شوروی از یکسو و همین مسئله که هندوستان از لحاظ سیاسی به امپریالیسم آمریکا و متحدین اروپائی اش مستقیما وابسته نیست و دارای استقلال نسبی است ، از سوی دیگر بزرگترین امتیازی است که شوروی میتواند در منطقه فوق الذکر بدست آورد . (همچنین اگر به مجموعه تضادهای شوروی و چین از یکسو و هندوچین از سوی دیگر و نیز به موقعیت جغرافیائی هندوستان و چین نسبت به یکدیگر توجه

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

کنیم، اهمیت نقش و موقعیت دولت هند برای شوروی بیش از پیش آشکار میشود).

علاوه بر این، سرنگونی رژیم دست نشانده شاه و استقرار رژیم جمهوری اسلامی با مختصاتی که بدان اشاره کردیم، به میزان قابل توجهی تناسب قوای امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم روس را در منطقه بنفع دومی و به زیان اولی برهم زد. این نفع از آن جهت نبود که رژیم جدید حاکم بر ایران وابسته به شوروی یا حداقل دارای گرایش و تمایل به آن بوده و واقعیت نیز نشان میدهد که چنین نیست ـ بلکه از آن جهت بود که یکی از پایه های اساسی تسلط سیاسی امپریالیسم آمریکا در منطقه ضربات سختی وارد آمده بود، تضعیف موقعیت امپریالیسم آمریکا در این منطقه حساس نیز چیزی نبود که شوروی را خشنود نکند.

البته باید توجه کرد که شوروی نیز در منطقه در طی این دوره ضرباتی را متحمل شده بود، گرایش رژیم بعث عراق بسمت غرب، فرورفتن رژیم سادات خائن به آغوش امپریالیسم آمریکا و پذیرش نقش مزدوری آن در منطقه متزلزل شدن اوضاع حکومت افغانستان هم بر اثر رشد جنبش توده ای و هم بدلیل تقویت قطبهای ارتجاعی وابسته به آمریکا در این کشور، و کمی دورتر از منطقه، جرخش کامل حکومت "ریاد بارہ" در سومالی به سمت آمریکا و تقویت موقعیت امپریالیسم آمریکا در خلیج عدن و تنگه "باب المندب" و بالاخره کودتای اخیر ترکیه و بر سر کار آمدن یک حکومت نظامی متمرکز وابسته به آمریکا که میتواند شرایط بهتری برای ایجاد و تقویت پایگاههای نظامی آمریکا در منطقه بوجود آورد، مجموعه تحولاتی است که بنفع آمریکا و به زیان شوروی در منطقه بوقوع پیوسته است.

اما از میان تمامی مولفه های ذکر شده در بالا، آنچیزی که بخصوص به بحث ما ارتباط دارد، افزایش بیتا سیبل و نقش رژیمهای دارای استقلال نسبی سیاسی در منطقه حساس خلیج است، دوری

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بیشتر رژیم عراق از شوروی و تمایل بیشتر به غرب، از یکسو و استقرار رژیم جمهوری اسلامی که در حال حاضر از لحاظ سیاسی موقعیت نسبتا متعادلی را در میان قدرت های امپریالیستی حفظ کرده است، از سوی دیگر، مبین این دگرگونی در منطقه خلیج است.

رژیم بعث عراق، از ابتدای کودتای ۱۹۶۸ علیرغم گرایش سیاسی به شوروی، از نزدیکی زیاد به آن خودداری میکرده است. هرچه از این سال به جلوتر می آئیم، این گرایش ضعیفتر شده و متقابلا گرایش به امپریالیسم غرب در آن افزایش بیشتری یافته است. در حال حاضر کشور عراق از لحاظ اقتصادی تحت سلطه فائقه یک کشور امپریالیستی نمیباشد بلکه به سیستم جهانی امپریالیستی وابسته است و این وابستگی روز بروز بنفع کشورهای امپریالیستی غرب و به زیان سوسیال امپریالیسم شوروی و کشورهای اروپای شرقی افزایش یافته است (۱۳). هم به این دلیل خصوصیت تاریخی - طبقاتی و سیاسی رژیم کنونی عراق، این رژیم، علیرغم تمام گرایشهای اخیرش بسمت امپریالیسم غرب و نزدیکی به دول ارتجاعی دست نشانده آمریکا از قبیل اردن و عربستان و ...، رژیمی است که از لحاظ سیاسی دارای استقلال سیاسی نسبی بوده و در حال حاضر خواهان نوعی تعادل میان قدرتهای امپریالیستی آمریکا و شوروی در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس میباشد. موضع رژیم عراق در برابر مسئله فلسطین و "اسرائیل" شرکت او در کشورهای "جبهه پایداری" و مخالفت با قرارداد کمپ دیوید، مناسبات آن با دولت آمریکا (که هنوز فاقد ارتباط دیپلماتیک با یکدیگر می باشند) موضع آن در برابر کشور عمان، مخالفت با استقرار نیروهای نظامی آمریکا در منطقه اقیانوس هند و خلیج از یکسو، و مخالفت با اشغال نظامی افغانستان از جانب شوروی، قرار ندادن هیچ پایگاه نظامی در کشور خود به شوروی، کاهش تدریجی میزان واردات مواد مصرفی از

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

شوروی و ... از سوی دیگر انعکاس این موضعگیری از جانب رژیم عراق تحت شرایط کنونی است. رژیم عراق، علیرغم نوعی همسوئی سیاسی که در این مقطع با امپریالیسم آمریکا، بویژه در مقابله با ایران پیدا کرده است (که نمونه اش حمایت از باندهای ارتجاعی و مزدور ایرانی مانند بختیار و امثال او است) از لحاظ سیاسی یک رژیم کاملا وابسته نمی باشد و دارای استقلال نسبی سیاسی است. سلسله حرکات و سیاستهای رژیم عراق، عموما و در درجه اول انعکاس منافع طبقه بورژوازی عراق میباشد و از یک کشور امپریالیستی خاص. اما از آنجا که این طبقه از لحاظ اقتصادی به درجات مختلف وابسته به سیستم جهانی سرمایه داری است، این استقلال نسبی سیاسی، در یک چارچوب بعینی وابستگی به ارتجاع امپریالیستی جهانی قابل تحلیل است. طبیعی است که این موقعیت شاید بسیار سیالی، بخصوص با توجه به جهتگیری سیستماتیکی که حکومت عراق آغاز کرده است، نمی تواند زمان درازی ادامه یابد. دیر یا زود ما شاهد خواهیم بود که این موقعیت شکننده بنفع یک طرف و به احتمال بسیار بنفع امپریالیسم آمریکا و یا حداقل اروپا، تغییر خواهد یافت. اما آنچه که اکنون مهم است درک همین موقعیت متعادل و تاثیرات آن در شرایط عمومی منطقه بطور کلی و روابط ایران و عراق بطور خاص است که ما در زیر به آن باز خواهیم گشت.

در مورد رژیم کنونی ایران نیز همانگونه که گفتیم، رژیمی است از لحاظ سیاسی دارای استقلال سیاسی نسبی. رژیم ایران بدلیل ناهمگونی درونی اش، فاقد یکپارچگی سیاسی طبقاتی در کلیت خویش است. و در درون آن گرایشهای متفاوت سیاسی، در چارچوب منافع اساسی کل بورژوازی ایران، بچشم میخورد. برآیند عمومی این تمایلات و گرایشات بر بستر یک خط مشی عمومی بورژوائی، هماناکوشش در جهت حفظ تعادل سیاسی در

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

میان قدرتهای امپریالیستی است، هرچندکه ازلحاظ اقتصادی طبقه بورژوازی ایران عمدتا دروابستگی به امپریالیسم آمریکا بسر می برد.

براین اساس، درمنطقه حساس خلیج، ازمیان رژیمهای کشورهای حاشیه خلیج، یعنی منطقه‌ای که بزرگترین عرصه رقابت کشورهای امپریالیستی است وبکی ازمهمترین مناطق تامین کننده منافع آزمندانه وغارتگرانه امپریالیسم درسطح جهان بودوازلحاظ استراتژیک حائز اهمیت فراوان است، دوتای آن مطلوب امپریالیسم یعنی کارگزارآن نمی باشندودروضعیت کنونی دارای استقلال سیاسی نسبی هستند. کشورسوم (عربستان) هم درقیاس با این دوکشور، ازکارآئی وتوان کمتری برای امپریالیسم برخوردار است. بعبارت دیگر درحال حاضر آرایش نیروهای سیاسی درمنطقه خلیج چنان شکل گرفته است، که تا حدودزیادی استکارعمل را ازامپریالیسم وسوسیال امپریالیسم برای به جریان انداختن اوضاع مطابق آنچه مطلوب آنهاست، سلب کرده است وبدین جهت وضع ناپایداری را دراین منطقه بوجودآورده که نمی توانند برای امپریالیسم مطلوبیت داشته باشد. امپریالیسم اکنون می بیندکه حافظین این گلوگاه استراتژیکی که بیش از ۶۰٪ نفت جهان امپریالیستی غرب را از خودعبور میدهد، نمی توانند پاسداران مطلوبی برای حفظ "امنیت" ومنافع امپریالیسم درمنطقه، آنچنان که آنها میخواهند باشند. امپریالیسم برای پیشبرد مقاصد غارتگرانه و توسعه طلبانه خوددرکشورهای تحت سلطه، نیازمندوخواهان رژیم - های کارگزاردراین کشورهاست. بدون وجودحاکمیت "ارتجاع سیاسی کارگزار" امپریالیسم نمیتواند این نیازها را بشکل مطلوب برآورده سازد. ازهمین روست که با بدگفت وجودرژیمهای دست نشانده وکارگزار (که معمولا ملازم با بسط ارتجاع سیاسی ودیکتاتوری عریان است) ازمقتضیات منافع امپریالیستی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

درکشورهای تحت سلطه است. رژیم‌های ایران و عراق هم اکنون علیرغم خصلت ارتجاعی خود و نقشی که در سرکوب مبارزات توده‌ها در داخل و اعمال فشار و خفقان دارند، فاقد شرایط لازم و ضروری فوق الذکر برای امپریالیسم هستند. امپریالیسم در منطقه نیازمند "چماق"هائی است که بتواند در هر لحظه آنان را "بلند" نماید و رژیمهای ایران و عراق، هنوز به "چماق" تبدیل نشده‌اند.

بنابراین زمانی که سخنگویان امپریالیسم، در رابطه با جنگ ایران و عراق، میگویند که آمریکا، ابتکار عمل خود را در منطقه از دست داده است و هیچ نقش موثری در این جنگ نمیتواند داشته باشد و همچون ناظر بیطرفی شاهد روند ماجرا است (نقل به معنی) شاید چندان دور از واقعیت نباشد و در واقع انعکاس همان وضعیت واوضاعی است که در سطور فوق بدان اشاره کردیم.

بنابر سیمای ترسیم شده فوق، یعنی بحران انقلابی در منطقه وضع ناپایدار و نامطلوب برای امپریالیسم و افزایش پتانسیل نیروهای واجد استقلال نسبی سیاسی در منطقه حساس خلیج، مهمترین ویژگی اوضاع منطقه، شرایط کنونی است که روابط ایران و عراق و جنگ کنونی در برتو آن میبایست مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

رژیم‌های حاکم در ایران و عراق، تحت شرایط حاضر برخلاف یک رژیم کارگزار در درجه اول منافع و تامین کننده منافع طبقه بورژوازی دوکشور، (که از لحاظ اقتصادی خود بدرجات مختلف در وابستگی به امپریالیسم قرار دارند) هستند و تنها از این مجرا، منافع اساسی سیستم سرمایه‌داری جهانی امپریالیستی را تامین می نمایند.

برهمین اساس، سیاست جاری میان دو رژیم ایران و عراق، چه قبل از جنگ و چه بعد از آن، در درجه اول و علیرغم تمام تناقضات و هماهنگی هائی که ممکن است با سیاست امپریالیسم در یک مقطع داشته باشد، تابع منافع و مصالح بورژوازی دوکشور، میباشد و

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

تضادهای میان دورژیم و میان سورژوازی دوکشور، پایه اصلی سیاست خارجی میان آن دو و سرچشمه های محرکه اصلی رشد بحران و درگیری میان دورژیم بوده است. این همان ویژگی اساسی است که دوره کنونی روابط ایران و عراق را از دوره قبلی آن، یعنی در زمان رژیم شاه، متمایز میسازد و با این روابط ابعاد نوینی می بخشد.

اکنون در پرتو این توضیحات می کوشیم تا با دقیق شدن در روابط ایران و عراق در طی دو سال گذشته، و در موضوع اختلافات نقطه نظرفوق را در متن شرایط مشخص تر روابط ایران و عراق، روشن تر نمائیم.

III- مراحل مختلف روابط ایران و عراق در دوره رژیم جمهوری اسلامی:

با نگاهی مختصر به روابط ایران و عراق و سیر حرکت آن پس از قیام، میتوان گفت که بحران میان ایران و عراق، از یک سیر صعودی برخوردار بوده است. لیکن علیرغم این جهت عمومی روابط مراحل مختلفی در این مسیر قابل تشخیص است. مراحلی که در آن بحران دارای نوسان و ویژگیهائی بوده است. ما میکوشیم بطور مختصر این مراحل را مورد ارزیابی قرار داده و از لابلای آن موضوع جنگ را روشن نمائیم.

اما قبلا روشن کردن یک مسئله ضرورت دارد. همانطورکه در سطور قبلی اشاره کردیم، سیاست خارجی رژیم جمهوری اسلامی، همچون سیاست داخلی آن، بدلیل تا همگونی موجود در ترکیب قدرت سیاسی، و نیز بدلایلی دیگر که در اینجا مورد بحث ما نیست، فاقد یک برنامه یکپارچه و همه جانبه و هماهنگ در تمامی عرصه ها بوده است. این سیاست ضمن برخورداری از یک ماهیت و خط مشی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

روشن بورژوائی ـ منطبق با خصوصیات کنونی بورژوازی درقدرت به میزان زیادی پراگماتیستی و بی دورنما و ازیکپارچگی بدور بوده است. تمایلات مختلف موجوددرون قدرت سیاسی، تمایلات جناحهای مختلف بورژوازی متوسط وابسته و خرده‌بورژوازی اجازه نمیداده است که سیاست خارجی شکلی همگون و یکپارچه بخود بگیرد. هریک ازجناحها در محدوده توانائی وظرفیت خود، مهرخویش را براین عرصه ارفعالیت وحرکت هیئت حاکمه میزده است. خرده‌بورژوازی بنوعی وجناحهای مختلف بورژوازی بنوعی دیگر. البته این ویژگی درسیاست خارجی رژیم، دردوره نخست وزیری بازرگان برجستگی چندانی نداشت. دراین دوره، خط مشی سیاست خارجی رژیم، همچون دیگرعرصه‌ها ازهمگونی و انسجام بورژوائی بسیار بیشتری برخوردار بود. ودولت موقت بدون دغدغه خاطر وبطورعریان، به احیاء روابط ومناسبات گذشته درعرصه سیاست خارجی چست می کمارد. اما پس ازحادثه سفارت وبموازات حضور بیشتر جناح حزب جمهوری اسلامی وهمچنین افزایش بیشترحرکات مستقیم جناح خرده‌بورژوائی رژیم، جلسه درون قدرت سیاسی وچه خارج از آن، این صحنه همچون دیگر صحنه‌ها دستخوش تعارضات شدید وتمایلات ناهمگون جناحهای مختلف با هم می گردد.

روابط ایران وعراق نیزطبیعتا تحت تاثیراین ویژگی در حکومت ایران قرارداشته است. اما درعین حال نباید فراموش کردکه علیرغم تمام این ناهمگونی ها، آنچه که دراساس جهت سیاست خارجی ایران را تعیین میکرده است، منافع بورژوازی ایران با خصوصیاتی که ازلحاظ سیاسی، دربطورپیشین به آن اشاره کردیم، می باشد.

مرحله اول روابط ایران وعراق، ماههای پس ازاستقرار جمهوری اسلامی است که تاحدودخرداد ماه سال ۵۸ بطول می انجامد. دراین دوره روابط ایران و عراق، فاقدهرگونه تشنج و

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بحرانی است و علیرغم آنکه هر دو رژیم از نزدیکی بیش از حد به یکدیگر دوری می جویند، و علیرغم آنکه جرقه های اختلاف و تضاد میان دو رژیم با آن پیشینه تاریخی، در زیر خاکستر خویشتن را پنهان کرده است، اما هم ایران و هم عراق، تمایل به برهم زدن روابط و ایجاد بحران در آن مقطع معین ندارند. و هر دو میکوشند تا تعادل و ثبات را در روابط میان دو کشور برقرار سازند. آن دلایلی که رژیم عراق را به اتخاذ چنین خط مشی ای سوق میداد، اوضاع ناشی از تحول سیاسی ایران تحت آن شرایط بود، از یکسو رژیمی در ایران مستقر گشته بود که پایه های اقتدار خویش را بر روی توهم اگر نه نزدیک به اتفاق شوده های مردم بنا نهاده بود. بنابراین رژیم ایران از این جهت دارای امتیازات و توانائی بود که رژیم عراق بسادگی نمی توانست آنرا نادیده گیرد. هر گونه تشنج و درگیری میان دو کشور بخصوص آنکه ابتکار عمل از آن عراق هم باشد، میتوانست توده وسیعی را بر علیه رژیم عراق در ایران بسیج نماید و این مسئله دشواریهای فراوانی برای رژیم عراق، چه در داخل و چه در خارج یعنی در روابط آن با ایران ایجاد می نمود که بهیچ وجه به نفع او نمی بود. از سوی دیگر رژیم عراق، در یک حالت صبر و انتظار نسبت به آینده رژیم ایران بود چرا - که از دیدگاه رژیم بحث رژیم ایران هنوز فاقد یک دورنما و جهت - گیری معین و با ثبات نی بود. عدم ثبات درونی رژیم، نبود یک برنامه و جهت گیری منظم و استوار، کشمکش های درونی آن و .... همه عواملی بودند که رژیم عراق را در این حالت انتظار وا برجا می ساخت.

علاوه بر این، در دوره مورد بحث، که بورژوازی لیبرال، بر دولت تسلط کامل داشت (دوره نخست وزیری بازرگان)، مسئله "صدور انقلاب اسلامی"، از آنچنان اهمیتی که بتواند رژیم عراق را در رابطه با اوضاع درونی اش مورد مخاطره قرار دهد، برخوردار نبود بورژوازی لیبرال ایران، برخلاف خرده بورژوازی مرفه سنتی، و

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

حتی بسنوعی جناحهائی از بورژوازی (چون حزب جمهوری اسلامی) به مسئله "صدور انقلاب اسلامی" تمایل چندانی نداشت. و از این لحاظ، هنوز زمینه هائی برای اختلاف نمی توانست وجود داشته باشد.

از طرف دیگر رژیم جدید ایران، که تازه قدرت را پس از قیام در دست گرفته بود، از لحاظ اوضاع عمومی داخلی، در شرایطی نبود که بتواند، در عرصه روابط خارجی خود با کشورهای همسایه تمایلی به گسترش بحران داشته باشد. آنچه که برای رژیم ایران مطرح بود استقرار کامل رژیم، تحکیم پایه های آن، و غلبه بر مشکلات عظیمی بود که بحران اقتصادی - اجتماعی - سیاسی موجود رقیام بهمن ماه برای او برجای گذاشته بود. بویژه آنکه بورژوازی لیبرال، که قدرت اصلی را در دست خود متمرکز کرده بود همانند حرده بورژوازی، دچار تمایلات و آرمان گرائی های اتوپیستی، نسبت به بررسی "زمین" گام برمیداشت. و مصالح بورژوازی ایران را تحت آن شرایط در پرداختن هرچه سریعتر به اوضاع درونی و جلوگیری از بروز هرگونه شورش در مناسبات با کشورهای دیگر بخصوص با کشور همسایه عراق می دید.

بدین قرار، مجموعه عوامل و تمایلات موجود، رژیم ایران و عراق را به سمت اتخاذ یک خط مشی مسالمت جویانه و "تفاهم" میان دو رژیم می راند.

رژیم عراق، این تمایل خود را از همان ابتدا با فرستادن پیام تبریک و تهنیت به رژیم جدید "جمهوری اسلامی ایران"، به سئوت میرساند. و رژیم ایران نیز گرایش خود به "تفاهم" را در پاسخ متقابل به این پیام، نمایان می سازد.

در طی این دوره مقامات دولتی هر دو کشور، تردیدی در "ضد امپریالیست" و "انقلابی" (۱۴) نامیدن یکدیگر بخود راه نمی دهند! و پیوسته بر این امر تاکید می ورزند (۱۴) نگاهی به این موضع گیری های طرفین در برابر یکدیگر، بخوبی می تواند ما هیت

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

رها کارانه تمام تبلیغاتی را که هم اکنون دو رژیم، برای توده های دو کشور، بر علیه یکدیگر دامن می زنند، تبلیغاتی که نه تنها در توده ها بلکه حتی در میان صفوف جنبش کمونیستی نیز توهماتی را برانگیخته است، رسوا می سازد. کسانی که تا دیروز معتقد بودند که "عراقیها کاملا ماهیت استعماری و امپریالیستی رژیم شاه را می شناختند و آرزوی سرنگونی آنرا داشتند." (۱۵) و رژیم عراق را یک "رژیم انقلابی" (۱۵) خطاب می کردند که باید در کنار رژیم ایران بر علیه "دشمنان مشترک خلقهای ایران و عراق - صهیونیست ها و امپریالیست های جهانی" مبارزه کنند، اکنون در کوس تبلیغات خود، ندای سرنگونی رژیم بعث را بلند میکنند و آن را رژیم مزدور و کارگزار امپریالیسم خطاب می کنند. آنها هم دیروز دروغ می گفتند و هم امروز دروغ می گویند! طبیعت طبقاتی آنها چنین اقتضا می کند.

بهرحال سیمای عمومی روابط ایران و عراق در طی این دوره چندماهه چنین است. اما از همان زمان، نطفه های اختلاف و نطفه های جهت گیریهای آینده دو کشور را در مواضع و حرکات طرفین می توان مشاهده نمود. رژیم عراق، علیرغم آن بیم و امیدی که از آن سخن گفته، خویشتن را برای پرش های آینده و جبران "خسارات" گذشته آماده می نماید. فقط در انتظار فرا رسیدن زمان مناسب است. اما در همان زمان هم زمزمه های اختلافات دیرینه بر سر مسائل ارضی را بندریج می دهد. درست بهمین دلیل است که مقامات ایرانی در آن زمان ضمن تاکید بر "درستی" و "همسایگی" و "همسویی" دو کشور، و ضرورت "تفاهم" میان دو رژیم آنان را به رعایت "اصل اخلاقی" "پای بندی به پیمانها و توافقنامه های مرزی" (۱۶) دعوت می نمایند و به گله گذاری از آنان مشغول می شوند. رژیم ایران، از همان ابتدا هیچ درنگی در دفاع از قراردادهای ارتجاعی گذشته، بخود راه نمی دهد، قراردادهائی که در زمان رژیم شاه بر سر کسب تسلط بیشتر در منطقه میان رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

وبرای تحکیم تسلط امپریالیسم امریکا در منطقه، بسته شده بود.
رژیم ایران اکنون خود را مدافع این قراردادها می دانست.

رژیم بورژوائی ایران نمی توانست مدافع اساسی ترین روابط و نهادهای ارتجاعی بازمانده از نظام پیشین نباشد. رسالت او همین بود. آنها اکنون از امتیازاتی که رژیم ایران در دوره شاه بزرگ استای سیاسی امپریالیستی، در منطقه کسب کرده بود، "قاطعانه" دفاع می کردند و توجیه شان نیز این بود که رژیم شاه یک رژیم ارتجاعی بود اما رژیم کنونی رژیم انقلابی و مدافع "انقلاب مردم ایران":

"مشخصا" معتقدم عراقیها کاملا" ماهیت استعماری و امپریالیستی رژیم شاه را می شناختند و آرزوی سرنگونی آنرا داشتند (!)، اما با اورنمی کردند مبارزات ما به این زودی ها به ثمر برسد، بارها از مسئولین شنیدیم" عالیمقام عراق شنیده بودم که موضع اصولی و استراتژیک حزب حاکم درست درجهت مردم ایران است نه رژیم شاه، اما سیاست مرحله ای دولت عراق اقتضاء می کرده است روش این چنین اتخاذ کند (!) هرچند اصول موافقت نامه الجزایر را شورای مرکزی حزب هم تصویب کرده بود. احترام به تعهد و پیمان و عدم نقض عهد، اصلی اخلاقی و انقلابی بود که عراقیها شدیدا" به آن پایبند بودند. (آیا شاه معدوم از این اظهارات نباید بدخشنود شود!؟) درست است که رعایت این اصل اخلاقی (!) سرانجام رژیم شاه را در آبودگی و امنیت دلخواهش مخصوص در خوزستان و کردستان قرار داد، (آیا این اعترافات ساده لوحانه های تردیدی درباره ماهیت این قراردادها و پیمانها و "اصل اخلاقی" مورد علاقه حجت الاسلام دعائی، باقی می گذارد!) اما اینک که انقلاب مردم ایران به پیروزی رسید... یقینا" رعایت همان اصل اخلاقی و انقلابی (!) (بخوان اصل امپریالیستی و ارتجاعی!) به پیمانها و توافقنامه های مرزی و غیره می تواند بنحو توانه

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

آسودگی خاطر، نسبت به مرزهای مشترکمان با همسایگان ما ن باشد." (۱۷)

بدین ترتیب می بینیم که از همان آغاز اختلافات دیرینه، که ریشه در تضاد طبقاتی شوروی ندارد و توسعه طلبانه بورژوازی دو کشور دارد، در متن اوضاع نوین در دو کشور و در منطقه (که در قسمت های قبلی به آن اشاره کردیم) کماکان بر روابط میان دو کشور، سایه انداخته است. از جانب دیگر باز هم از همان آغاز روشن است که تحت شرایط نوین، رژیم عراق، در یک موضع شها جمی و بورتر برای جبران به اصطلاح مظلومیتهای گذشته در برابر تهاجمات رژیم شاه، قرار گرفته و متقابلا "رژیم ایران موضع دفاعی اتخاذ نموده است و این دو موضع، ارتباط به شرایط مشخص حاکم بر هر دو رژیم و بورژوازی حاکم بر دو کشور و نوع اختلافات دارد. اما همچنان که گفتیم در این مرحله هنوز اختلافات بطور فعال و صریح به میدان گشیده نمی شود، و روابط میان دو کشور فاقد تلاطم و بحران سیاسی است. رژیم عراق در انتظار "فرصت" مناسب است. و رژیم ایران درگیر مسائل درونی خود. فروپاشی اقتدار رژیم شاه و تضعیف پایه های سیاسی ـ نظامی آن، بخصوص ارتش، در جریان تحولات سیاسی ایران، مهمترین عاملی است که رژیم عراق را در تدارک یک تهاجم توسعه طلبانه، در آینده استوار می سازد. و متقابلا "این همان ضعف اساسی است که رژیم جدید ایران در صدد رفع آن می ـ باشد. و موضع دفاعی آن، در برابر رژیم عراق در یکی از علل خود از همین نقطه سرچشمه می گیرد.

علاوه بر این کیفیت در مواضع دو رژیم، به نوع اختلافات نیز بر می گردد. بر اثر قرارداد ۱۹۷۵، رژیم عراق، به ازای کسب امتیازاتی داخل کشور خود (در رابطه با مسئله کردستان و ....)، در سطح منطقه امتیازاتی به رژیم منفور شاه داد (چه در رابطه با جزایر سه گانه و چه در رابطه با شط العرب و ...). اکنون رژیم عراق با تکیه بر موقعیت درونی برتر خود نسبت به رژیم ایران، در پی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

با پس گرفتن امتیازات گذشته در سطح منطقه است. و متقابلا" رژیم ایران در موضع حفظ این امتیازات می باشد. رژیم ایران، در این دوره بدلیل وضعیت درونی خود بهیچ وجه قصد گسترش حوزه نفوذ خود را ندارد. بلکه تنها به دفاع از همان امتیازات گذشته می پردازد.

همین ویژگی طبعا" رژیم عراق را در یک موضع تعرض و رژیم ایران را در یک موضع تدافع قرار می دهد. البته این دو موضع تا آنجا چنین است که مسئله به اختلافات پیشین برمی گردد. چرا که در رابطه با اختلافات جدیدی که پس از استقرار رژیم جمهوری اسلامی در میان دو کشور شکل می گیرد، و مهمترین آن همان مسئله "صدور انقلاب اسلامی" از جانب جناح های معینی در قدرت سیاسی ایران است، مسئله چنین نیست و حتی عکس آن است. در این مورد رژیم ایران در یک موضع تعرض (برای "صدور انقلاب اسلامی" خود و رژیم عراق در یک موضع دفاع قرار دارد.)

با چنین تصویری از تناسب قوا میان دو کشور، روابط دولتین ایران و عراق بتدریج وارد مراحل دیگر، که خصلت اساسی آن تشدید بحران است می گردد. از یکسو رژیم عراق به تدریج مسائل مورد اختلاف بر سر قرارداد الجزایر و جزایر به گانه و اعراب خوزستان را به پیش می کشد و از سوی دیگر جناحهائی از رژیم (بخصوص جناح خرده بورژوازی مرفه سنتی) مسئله "صدور انقلاب" را به میان می کشند و شروع به دخالت در اوضاع داخلی عراق، و تحریک شیعیان این کشور می نمایند. زمینه های تیرگی روابط بتدریج برجسته می شود.

به موازات این روابط، رژیم عراق و سوریه، پس از یکدوره اختلافات و درگیریها روی به "وحدت" با یکدیگر می آورند. و راه نزدیکی دو کشور را در پیش می گیرند در اواسط خرداد ماه، مذاکراتی در این جهت میان "خدام" وزیر امور خارجه سوریه و "طارق عزیز" عضو شورای انقلاب عراق، صورت می گیرد. (۱۸) و در اواخر خرداد ماه،

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

حافظ اسدوحسن البکر، درپیشنهاد، برای تشکیل یک "اتحادیه فدرال" به مذاکره می نشینند. (۱۹) ودر ۳۰ خرداد ماه دورژیم تصمیم می گیرند که "اتحاد" دوکشور را به مرحله عمل درآورند: یک دولت واحد، یک ارتش واحد و یک رئیس کشور واحد. (۲۰) تصمیمی که هیچگاه به مرحله عمل درنیامد!

علل اصلی این نزدیکی و حرکت "وحدت طلبانه" را باید در ضرورت های سیاسی اوضاع منطقه و تغییر و تحولات ناشی از قرارداد "کمپ دیوید" درآرایش قوای سیاسی منطقه، جستجو نمود. چراکه - با چرخش کامل مصر به سمت "اسرائیل" و امپریالیسم امریکا، فضای دفاعی منطقه دچار یک خلاء نظامی گشته بود که برای پرکردن آن، چنین "وحدتی" را ضروری می نمایاند. طبعاً" روشن است که این "اتحاد" نه از موضع منافع خلقهای فلسطینی و عراب بلکه از موضع منافع و دسته بندیهای ارتجاعی در منطقه و تضادهائی بود که میان رژیم های ارتجاعی عراق و سوریه (و دیگر نیروهای ارتجاعی منطقه) با "اسرائیل" وجود داشت.)

اما نمی توان کتمان کرد، که حرکت رژیم عراق در این جهت، درعین حال بی ارتباط به خط مشی ای که در برابر ایران در پیش گرفته بود، نبود. رژیم بعث عراق، در تدارک موضع تهاجمی خود، نسبت به رژیم ایران، و برای مقابله با بحران سیاسی آتیه در روابط دوکشور، ضروری می دید که "پشت جبهه" خود را محکمتر نماید تا بتواند با خاطر آسوده ای نیروو توان خود را در جبهه جدید، متمرکز نماید. اما سیر تحولات بعدی در منطقه، نزدیکی سوریه به ایران و عمق تضادهای سوریه و عراق، هرگز، چنین فرصتی را برای رژیم عراق فراهم نیاورد.

گفتیم که از خرداد ماه به بعد روابط ایران و عراق روبه بحران می رود. رژیم عراق، عملیات فرسایشی خود را در منطقه - هرچند بطور محدود - آغاز می نماید و در اندیشه آن تهاجمات تبلیغاتی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

خودرا نیزشروع می کند. تبلیغاتی که متقابلا" از جانب ایران نیز بی پاسخ نمی ماند. با این حرکات، مرحله دوم روابط ایران و عراق که ویژگی آن تشدید بحران است آغاز میگردد. اولین عملیات تجاوزی عراق به مرزهای ایران، در واسط خرداد ماه با اعتراض رسمی رژیم ایران روبرو میشود. رژیم بعث عراق، از طریق ارگان رسمی حزبی خود (الثوره)، برای اولین بار و بطور رسمی و علنی، اختلافات فی مابین را به پیش می کشد و خواست توسعه طلبانه خودرا مطرح می سازد. این روزنامه در مقاله ای (۲۱) که به همین منظور نوشته است، برای اولین بار زمینه های اساسی اختلافات را به تمامی منعکس می سازد. رژیم عراق در پوشش حمله به حرکت توسعه طلبانه و امپریالیستی رژیم شاه، درگذشته، رژیم ایران را که به دفاع از آن حرکات و روابط دوره شاه برخاسته است، متهم به تمایل به "ژاندارمی منطقه" می کند. و خواستار آن می شود که اولا" جزایر سه گانه را به اعراب بازگرداند و ثانیا" رژیم ایران "در سیاست خارجی راه شاه سابق را دنبال نکنند". ثالثا" به "اتحاد اعراب" لطمه وارد نیاورد. رابعا" به تحریک رهبران مذهبی عراق بر علیه رژیم عراق نپردازد.

در این جا، اگرچه موضوع قرارداد ۱۹۷۵ و آبراه شط العرب مطرح نمی گردد، اما این مسئله یکی از محورهای اختلاف است، که در ماه های بعد بعنوان یکی از موارد اختلاف از جانب عراق می گردد.

خواست های اول و دوم، در واقع نظارت بر همان اختلافات دیرینه بر سر مسائل ارضی، میان دو کشور دارد. عراق خواهان باز گرداندن امتیازاتی است که در دوره گذشته، رژیم شاه در سطح منطقه کسب کرده بود.

خواست های سوم و چهارم، یعنی عدم تحریک رهبران مذهبی و برهم نزدن "اتحاد اعراب" از جانب رژیم ایران، در واقع اشاره به همان سیاست "صدور انقلاب اسلامی" است که بسیاری از رهبران

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

مذهبی ایران وجناح هایی معینی از هیئت حاکمه، به مثابه یک خط مشی درسیاست خارجی خوددرپیش گرفته اند. این اختلاف که بصورت تبلیغات "پان اسلامیسم" و "پان عربیسم" در رابطه با رژیمهای ایران و عراق نیز تبارز یافته است سالهاست که در منطقه علیرغم مضمون ایدئولوژیک مختلف و طبقاتی متفاوت قالب اختلافات و درگیریهای بسیار بوده است که در صفحات بعد بطور مختصر به آن اشاره خواهیم کرد.

به موازات تشدید بحران، فشارهای رژیم عراق بر نیروهای مذهبی و روحانیت شیعه کشور عراق، که ابزار تحریکات و مداخلات رژیم ایران در عراق هستند، بیشتر می شود.

در درون رژیم ایران، بر سر بحران کنونی یکپارچگی وجود ندارد. بورژوازی بیش از هرچیز از موضع دفاع از قراردادهای گذشته و امتیازات توسعه طلبانه ای که رژیم شاه بدست آورده بود، به مقابله برمی خیزد:

"یک وجب و یا سانتیمتر از خاک مقدس سرزمینمان را به احدی در روی کره زمین نخواهیم داد." (۲۲)

بورژوازی، تمام تلاش خود است از میهن بورژوازی است، حمایت از قراردادها و پیمانهای ارتجاعی گذشته است. وجز این نیز چاره ای ندارد. ماهیت او چنین حکم می کند. آنچیزی که برای بورژوازی مطرح میباشد، حفظ بهر قیمت امتیازات گذشته است، حتی اگر در این راه مجبور به جنگ شود، و خلقهای ایران را وشیفته شمایلات شوینیستی و مطامع توسعه طلبانه بورژوائی قرار دهد. کاری که اکنون به آن اقدام و روزیده است.

در برابر این خط، خط دیگری وجود دارد که عمدتا" متعلق به جناح خرده بورژوازی رژیم است (هرچند که جناح بورژوائی حزب جمهوری اسلامی نیز، در قالب همین خط، تمایلات بورژوائی خود را پنهان می سازد). این "خط" اگرچه قاطعانه از میهن بورژوازی دفاع می کند، و تجاوزات و ادعاوی ارضی عراق را به ایران "بهر

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

دلیل" "محکوم" می نماید. (۲۳) لیکن آنچه که بطور عمده او را به عرصه این تضاد و درگیری می کشاند، و به شوونیسم بورژوائی آن رنگ "مکتبی" می دهد، اصل مکتبی "صدور انقلاب اسلامی" و ایجاد "اتحاد جماهیر اسلامی" و "حکومت جهانی اسلامی" است. او می خواهد که در عراق، یک "حکومت اسلامی" بر سر کار آید تا پایه های "حکومت جهانی اسلام" مستحکم تر شود. هرچند که این آرمانهای اتوپیائی و خرده بورژوائی عملا" به خدمت بورژوازی رومی آورد و رنگ تقدس به تمایلات آزمندانه بورژوازی ایران می دهد، لیکن این آرمانها بخودی خود ویژگی های این جناح است و پایه اصلی احتلافات آن را با رژیم عراق تشکیل می دهد:

"مسئله ما ادعای ارضی عراق یا مالکیت سه جریره نیست، گفته ایم که اگر حاکمیت عراق اسلامی و اصیل شود ما مرزها - یمان را بررسی یکدیگر را خواهیم کرد. عراق و ایران را کشور مردم مسلمان همه نقاط جهان می دانیم. ولی اکنون در برابر مردور ی چون صدام از یک وجب کشور اسلامی خود نمی گذریم" و "باید قاطعانه تا سقوط یکدا و استقرار جمهوری اسلامی در عراق و اتحاد اسلامی ایران و عراق به پیش رفت و این خود گامی در راه هدف غیرقابل گذشت انقلاب اسلامی یعنی گسترش جهانی آن است." (به نقل از بیانیه "مجاهدین انقلاب اسلامی درباره جنگ ایران و عراق).

بر راستای همین خط مشی است که این جناحها، به تشکیل و تقویت و تحریک دستجات ارتجاعی "پان اسلامی" در عراق از قبیل "حزب الدعوه" و "پیکار اسلامی عراق" که کپیه حزب اخوان - المسلمین در عراق است، می پردازند و تلاش می کنند تا تحت رهبری این حزبانها، مسلمانان عراق و بویژه جمعیت کثیر شیعیان عراقی را بر علیه رژیم کنونی مشورانند. و این همان چیزی - است که رژیم عراق، و نه تنها رژیم عراق، که رژیمهای عربی دیگر نیز، از آن در بیم و وحشت بسر می برند. تشکیل "پان عربیسم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

و"پان اسلامیسم" بامضمون طبقاتی خاص خودیکی از ریشه‌های درگیری وتضاد میان رژیم ایران وعراق است که از ویژگی های این روابط دردوره جمهوری اسلامی است .تضادی که دردوره رژیم شاه بدین شکل بهیچ وجه مطرح نبود (هرچندکه رژیم شاه از رهبران مذهبی عراق،همان رهبرانی که اکنون مورددفاع رژیم جمهوری اسلامی وتا مزدهای آینده ،رهبری "حکومت اسلامی" درعراقند !، درجهت تضادش با رژیم عراق،حمایت وبهره گیری می کرد.)

بورژوازی لیبرال،با این ایده های خرده بورژوازی،ایده "صدور انقلاب اسلامی" چندان موافق نیست .درحالی که جناح دیگر بورژوازی (حزب جمهوری اسلامی) با این ایده تا حدودی توافق و همراهی نشان میدهد.

درست بهمین دلیل است که پس از عملیات تجاوز عراق،به مرزهای ایران وشدت گیری تبلیغات ایران برعلیه رژیم عراق، اولین نیروئی که بلافاصله عکس العمل نشان می دهد،"سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" است که تظاهراتی برای محکوم کردن دولت عراق،(در ۱۹ خرداد) برپا می کندودرقطعنامه ای (۲۴) که بهمین منظورصادرمی کند،ایده های فوق را درآن می گنجاند. این قطعنامه بخوبی می تواندخطوط فکری خرده بورژوازی مرفه سنتی را دراین عرصه نمایان سازد.

بورژوازی لیبرال با این ایده های خرده بورژوازی،ایده "صدور انقلاب اسلامی" چندان موافق نیست وآن را سدوما نعی در برابر اعمال وسیاست های خودمی یابد.اودلش برای برقراری "حکومت اسلامی" درعراق نمی سوزد،هرچندکه گاه بناچار از آن دم می زند،اوخواهان حفظ امتیازات گذشته است .واین مهمترین پایه تضاد وبا بورژوازی عراق را تشکیل می دهد اومعتقداست که:

"دولت ایران وانقلاب ایران هیچ گونه دخالتی درهیچ کشوری ومنجمله عراق نکرده (!) ونخواهدکرد." (۲۴) (مصاحبه دکتر بزدی کیهان ۲۷ شهریور ۵۸)

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

آنچه که برای او مهم است این است که رژیم عراق از "دعاوی" خود دست بردارد و او با "امتیازات" گذشته اش تنها بگذارد.

بدین ترتیب، علیرغم ناهمگونی در رژیم جمهوری اسلامی، بر سر سیاست خارجی، هر یک از آنان با به عینی یکی از تضادهای موجود با بورژوازی عراق را تشکیل می دهد و هر دو در مخالفت با رژیم عراق، با یکدیگر وحدت دارند. اما بورژوازی ایران، علیرغم این تضاد، بهیچ وجه وضعیت خود در رژیم جمهوری را در مرحله مورد بحث برای وارد شدن در این درگیری مساعد نمی بیند. وضعیتی که به نوعی مشابه وضعیت درونی رژیم عراق در دوره ۷ ساله درگیری با رژیم شاه بود. بورژوازی ایران فاقد آن توان و ظرفیت لازم برای وارد شدن در این درگیری و مبارزه، فعال در جهت حفظ امتیازات خود، از یک موضع تهاجمی بود. این مسئله ای بود که بویژه جناح خرده بورژوائی قادر به درک آن نبود.

درست به همین دلیل بود که در حالیکه جناح خرده بورژوائی رژیم به تبلیغات وسیع خود بر علیه عراق ادامه می داد، و به دامن زدن به بحران میان دو کشور، بر پایه توهم های خرده بورژوائی خود مشغول بود، سران دولت موقت، یعنی سران بورژوازی ایران، در پی چاره جوئی های سیاسی برای کاهش دامنه بحران، و وادار کردن رژیم عراق به دست کشیدن از دعاوی خود، از طریق دیپلماتیک بودند.

به همین جهت در حالی که رژیم عراق، همچنان بر دعاوی ارضی خود پای می فشرد و به عملیات تجاوزی خود در مرزها ادامه می داد، سران رژیم جمهوری بدنبال راه حل های دیپلماتیک بودند. البته رژیم عراق نیز در این مقطع خواهان یک درگیری گسترده نبود. او از این حرکات برای اعمال فشار بر رژیم ایران استفاده می کرد و بهمین جهت از اقدامات دیپلماتیک بر هیز نمی کرد بلکه از آن استقبال نیز می نمود، حتی در عرصه تبلیغات نیز این سیاست از جانب حکومت عراق پی گیری می شد. در حالیکه روزنامه

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

ـ های "الثوره" و "الجمهوریه"، یعنی ارگانهای رسمی عراق، به رهبران ایران حمله می کردکه "سعی دارند امپراطوری کهنه را احیاء کنند" (۲۵) ودرحالیکه بعضی روزنامه ها، سران رژیم ایران را تهدید می کردندکه "با آنها آنطورکه شاه رفتار خواهیم کرد وحتی با اسلحه وآتش" (۲۵)، درهمان جا رژیم عراق، بطوررسمی واز زبان صدام حسین، اظهار می داشت که:

"بحفظ مناسبات حسن همجواری با ایران علاقمندیم." و:

"رهبران جدید ایران قصد دارند روابط ایران با کشورهای عربی را بهبود بخشند وبه اسلام روح وتوان تازه ای بدهند" (۲۶)

وباسفیر عراق در ایران دریک گفتگو با نمایندگان رسانه های گروهی اظهار داشت:

"موضع انقلاب اسلامی ایران را درقبال مسئله فلسطین تائید می کنیم ودرقبال مسئله کشورهای غیرمتعهد ومبارزه علیه امپریالیسم درکنار انقلاب ایران هستیم."! (کیهان ۲۵ شهریور)

اما علیرغم این سیاست دوگانه، رژیم عراق، هنوز مایل به تداوم بحران دریک ابعاد گسترده نبود. واز بیشتر تلاش می کردکه با تکیه برسیاست "تهدید وتحبیب"، ازطریق دیپلماتیک، رژیم ایران را به سازش بکشاند.

بدین ترتیب فعالیت های دیپلماتیک، طرفین، بحران ایران و عراق را وارد سومین مرحله هرچندبسیار کوتاه مدت خود نمود. هر دو طرف، ازطریق دیپلماتیک درصدد کاهش بحران برآمدند. هردوطرف، درگفتار توافق کردندکه "برای بهبود بخشیدن به روابط ایران و عراق درنخستین مرحله حملات تبلیغاتی بین دوکشور قطع شود" (۲۷). حتی این تمایل به بهبودی تا بدانجا رسیدکه رژیم ایران درصدد توجیه حرکات تجاوزی عراق، برآمد واین عملیات را "مانورهای" دولت عراق در "خاک خود"، که "اشتباها"! تواهی مرزی ایران را مورد تجاوز قرار داده است، تلقی نمود (۲۷). ومتقابلا" رژیم عراق نیز این عملیات را یک "پیش آمد" اتفاقی تلقی نمود. که به علت

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

"مرزهای طولانی" دوکشور کاملا ممکن است "رخ دهد"! (۲۸)

اما این دوران "خوش" روابط دوستانه، زمان کوتاهی بیش پا برجا نمی ماند. با شروع تغییر و تحولاتی در حکومت عراق که در نتیجه آن، بخش های وسیعی از سردمداران رژیم بعث مورد تصفیه قرار می گیرند، (از جمله حسن البکر)، بحران ایران و عراق راه شدت گیری بیشتر را می پیماید. در این تغییر و تحولات، ابتدا "حسن البکر" رئیس جمهور عراق از کنار رفته می گیرد و صدام حسین ریاست جمهوری را در دست می گیرد. اندکی بعد و طی هرا "پس از کشف یک "توطئه کمونیستی" در عراق تعداد وسیعی از سردمداران رژیم عراق و گویا ۲۲ نفر از اعضای شورای انقلاب عراق در این رابطه دستگیر و پس از محاکمه به اعدام محکوم می شوند! دار و دسته صدام حسین، که تبلور شوینیسم رژیم بعث و دارای گرایش بیشتری به اعمال دیکتاتوری آشکار و سرکوب در عراق است، بر قدرت سیاسی عراق بطور کامل مسلط می شوند. در پی این تغییرات، دگرگونی هائی در سیاست خارجی عراق نیز صورت می گیرد که در شکل نزدیکی بیشتر به غرب، و دوری بیشتر از شوروی، تبلور می یابد. شکی نیست که این دگرگونی و شکاف ها در رژیم عراق صرفنظر از تضادهای درونی خود رژیم بعث، در اساس خود نمی توانست بیا ریشه مبارزه طبقاتی و شدت گیری اعتراضات درونی عراق نیز بی ارتباط باشد (هرچند ما اطلاع زیاد و همه جانبه ای از وضعیت جنبش خلق در عراق در دست نداریم). تبلور این تغییرات در روابط سوریه و عراق و روابط ایران و عراق نیز خود را نشان می دهد. در پی این تغییرات روابط سوریه و عراق نیز رو به تیرگی می رود و مستند "وحدت" میان دو کشور به تاریخ سپرده می شود! البته از پیش هم عاقبت چنین "اتحاد"هائی معلوم بوده تا بحال کشورهای عربی، چندین بار به پای چنین "وحدت"هائی رفته بودند اما هر بار ناکام باز می گشتند. تبلیغات وسیع بر سر اتحاد لیبی و مصر و سوریه، در اوایل دهه ۷۰ میلادی هنوز زبانمان نرفته است!

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

در این مورد بخصوص نیز میزان تضادها و درگیریهای بورژوازی دو کشور عراق و سوریه آنقدر عمیق بود که چنین "اتحاد" را به یک اتوپی و آرمان خیالی تبدیل کند. اما در عین حال نباید از یاد برد که یکی از علل برهم خوردن این حرکت روبه "وحدت" نزدیکی سوریه به ایران درست در همان زمانی که بحران دو کشور ایران و عراق روبه اوج می گذاشت، بود. گفتیم که روابط ایران و عراق نیز در پی تغییرات ایجاد شده در قدرت سیاسی در عراق وارد مرحله بحران زای جدیدی شد. تمایلات توسعه طلبانه بورژوازی عراق، بدنبال این تغییرات، برجستگی بیشتری یافت. رژیم صدام حسین به سمت تشدید بحران میان دو کشور و طرح مرتب تر و معرانه تر خواسته های توسعه طلبانه بورژوازی عراق حرکت نمود. در همین رابطه اقدامات ایذائی رژیم عراق در مرزهای ایران افزایش یافت و تبلیغات برعلیه رژیم ایران شدت گرفت.

رژیم عراق در این مرحله بُعد جدیدی به اختلافات میان دو رژیم داد و کوشش نمود تا اختلاف را بصورت اختلاف میان رژیم ایران و اعراب، مطرح سازد. رژیم عراق، خواسته های خود را خواسته اعراب قلمداد می کرد و خود را سخنگوی اعراب می پنداشت که درصدد است از "منافع اعراب" حمایت نماید. او خواستار آن شد که جزایر سه گانه به اعراب باز گردد. در عرصه تبلیغات، رژیم عراق، رژیم ایران را "شوفانیست" و "توسعه طلب" خطاب می کرد، و به ایران هشدار می داد که "اگر انقلابی قرار است اسلامی باشد بایستی در ابتدا دوستی برای انقلاب اعراب باشد." (۲۹). رژیم عراق در حقیقت با این گفته، این ایده را بیان می داشت، اگر رژیم ایران به خواهد ایده "حکومت اسلامی" در کشورهای مسلمان را دنبال کند، اگر بخواهد بیش از این برچم "پان اسلامیسم" خود را در صدر بت و در برابر "پان عربیسم" بلند نماید، "انقلاب اسلامی" ایران قابل تحمل نمی باشد. او تنها در صورتی "انقلاب اسلامی" و به عبارت دیگر اسلامیت "انقلاب" ایران را برسمیت می شناخت که از

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

در "دوستی" با "پان عربیسم" و یا "انقلاب اعراب" درآید.

ازسوی دیگر رژیم عراق فشار برجریانهای مخالف مذهبی عراق را، که تمایل به رژیم ایران داشته و در پی استقرار "حکومت اسلامی" بودند، بیشتر نمود، موج تبعید، دستگیری و کشتار فزونی گرفت. همین سیاست خود در افزایش بحران در روابط ایران و عراق، اثر مهمی بخشید. در راستای همین سیاست، کمک های مادی و معنوی رژیم عراق به تشکلات ارتجاعی و تجزیه طلب که مخفیانه در میان خلق عرب ایران به فعالیت مشغول بوده و به فعالیت های تروریستی و خرابکاری مشغول بودند، فزونی گرفت. رژیم عراق درصدد بود تا با سوء استفاده از ناآگاهی توده های عرب، و با سوء اردن برخواست های عادلانه ملی آنها، از تضاد میان رژیم ایران و خلق عرب بنفع خود و برای تحت فشار قرار دادن رژیم ایران بهره گیری نماید. رژیم عراق همین سیاست ارتجاعی را عینا" در رابطه با جنبش کردستان و کمک به دار و دسته های ارتجاعی وابسته به آن از قبیل "سپاه رزگاری" و حمایت رباکارانه از خلق کرد، پیاده می کرد.

رژیم ایران، که بهیچ روی آمادگی درونی وارد شدن به این عرصه درگیری را نداشت، آخرین تلاش های دیپلماتیک خود را انجام داد اما موفقیتی کسب نکرد. در برابر دعاوی رژیم عراق، رژیم ایران متقابلا" به دولت بعث هشدار می داد که "دولت عراق قیم و وکیل و وصی اعراب نیست و اعراب نیز چنین حقی را به آن نداده اند و مسئله به جزیره خلیج فارس هیچ ارتباطی به دولت عراق ندارد... اگر دولت عراق هر مسئله عربی را مسئله خود عنوان کند، ایران نیز به خود حق خواهد داد که تا هر مسئله اسلامی را مسئله خود دانسته و علیه آن جبهه فعالی بگشاید و اگر عراق بخواهد این سازی را شروع کند باید بداند که دو چنین کاری قبل از همه به چشم خود او خواهد رفت.... عراق مسئول خلیج فارس نیست" (۳۰) در عالم واقعیت هم رژیم ایران و بخصوص جناح "مکتبی" آن، این "جبهه فعال"

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

را گشوده بودند. تبلیغات شدید بر علیه رژیم صدام، از طریق وسائل ارتباط جمعی، در شعارجمعه ها و روزنامه ها، از یکسو، و حمایت فعال از نیروهای مذهبی کشور عراق (از قماش همانهائی که از آن نام بردیم) از سوی دیگر، هیچ مضائی جز گشایش این "جبهه فعال" نمی‌توانست داشته باشد.

تحولاتی که در آبان ماه و پس از اشغال سفارت، در قدرت سیاسی ایران صورت گرفت، ابعاد جدیدی به بحران روابط دو کشور بخشید. این تحولات منجربه، تقویت بیشتر موقعیت جناح پورژوائی حزب جمهوری اسلامی و شیرخرده بورژوازی مرفه پنتی، و متقابلا" تضعیف جناح "لیبرال" ها گردید. با تقویت این جناحها، قدرت با رژیم عراق، در ارتکاب جنایت آمیز خود آن فزونی گرفت و مسئله "صدور انقلاب" و سرنگونی رژیم صدام حسین برای تشکیل "حکومت اسلامی" در عراق، به یکی از مسائل مهم سیاست رژیم تبدیل گردید. این تغییرات، بحران سیاسی ایران و عراق را عمیق تر و گسترده‌تر نمود و در پی همین تغییرات است که ما می بینیم رژیم عراق، آشکارا به حمایت از ارتجاع مزدور امریکا (دار و دسته بختیار و اویسی...) می پردازد و بطور فعال به کمک و یاری آنها برمی خیزد و امکانات زیادی در داخل کشور خود در اختیار آنان برای توطئه - چینی قرار می دهد. رژیم عراق می کوشد تا این باندهای ارتجاعی را به وسیله‌ای برای تحت فشار قرار دادن و تضعیف حکومت ایران در رابطه با اختلافات فی مابین تبدیل کند. سیاست رژیم عراق و سیاست امپریالیسم امریکا، در برابر حکومت ایران بطور تاکتیکی در نوعی همسوئی با یکدیگر قرار می گیرد. و امپریالیسم امریکا می کوشد تا از اختلافات و تضادهای میان ایران و عراق از طرق مختلف به نفع خود بهره‌گیری نماید.

از این پس، روابط میان دو رژیم، پیوسته رو به تیرگی بیشتر می رود و دامنه بحران میان دو کشور، "مدام" افزایش می یابد. عملیات خرابکارانه رژیم عراق بر علیه ایران، (بصورت انفجارات

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

مشروطه‌ها و مؤسسات تفنی و ...) ایران می باشد و متقابلاً [illegible] حیات خود را نه در رشد [illegible] می بیند. در برون کشور عراق، از طریق ایادی "مکتبی" وابسته به آن در عراق، نیز شدت می گیرد که یکی از مهمترین نمونه آنها را میتوان طرح سوء قصد به جان "طارق عزیز"، عضو شورای انقلاب عراق، در ضمن یک سخنرانی دانست. سوء قصد کننده یک ایرانی الاصل بوده است که خود او در این حادثه بدقتل می رسد. در پی همین حادثه بود که صدام حسین در طی یک سخنرانی در همان دانشگاه بغداد ایران متهم کرد که "خون ریخته شده بدون قصاص نخواهد ماند." و "ما از تروریسم وحشتی نداریم." دولت سوسیالیستی [illegible] عراق و سترا از هر کشور دیگری از خاور میانه مورد تهدید فرمان آیت [illegible] خمینی برای صدور انقلاب ایران قرار دارد" (۳۱). ایران یک کشور شیعه است و نیمی از جمعیت ۱۳ میلیونی عراق را نیز شیعیان تشکیل می دهند." (۳۲) این گفته بخوبی هراس رژیم عراق را از مسئله "صدور انقلاب اسلامی" به نمایش یکی از پدیده های اساسی اختلافات و بحران دو کشور نمایش می گذارد و در عین حال ترس رژیم عراق را از رشد و توسعه جریان "پان اسلامیک" در عراق نشان می دهد.

در پی این حادثه، رژیم عراق، دست به اخراج وسیع ایرانیان مقیم عراق از این کشور، می زند. یکی از اخراج در واقع چیزی جز مقابله با جریان مداخلات رژیم ایران و خطر بالاگرفتن مخالفت شیعیان در آنجا نمی باشد. ایرانیان شیعی مذهب مقیم عراق، یکی از مناسب ترین زمینه های ایجاد تشکلاتی و تبلیغاتی برای رژیم ایران و جریان وابسته به آن در عراق، در میان شیعیان این کشور بود. با این "پاکسازی" رژیم عراق می توانست ضربه بزرگی بر این شبکه وارد آورد و زمینه های مادی آنرا بشدت تضعیف کند.

بهرحال در امتداد این حرکات متقابل، بحران روابط میان دو رژیم اوج بیشتری می گیرد. از این پس، تبلیغات رژیم ایران

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

رژیم عراق، بصورت ابزاری در دست امپریالیسم امریکا برای توطئه بر علیه "انقلاب اسلامی ایران" تصویر می شود. هیئت حاکمه از واقعیت دمسوئی تاکتیکی سیاست عراق و امریکا در قبال ایران، نیز در این جهت بهره گیری می کند. در تبلیغات رژیم ایران، رژیم "ضد امپریالیست" و "انقلابی" عراق دیروز به رژیم "مزدور امپریالیسم" استحاله میبابد و تلاش می شود که ماهیت واقعی تضادهای ایران و عراق، در پس تضادهای امپریالیسم امریکا و رژیم ایران پوشانده شود. بورژوازی ایران تضادهای واقعی خود با بورژوازی عراق را لاپوشانی نماید، و با بهره گیری از تمایلات ضد امپریالیستی توده ها و استفاده از جوی که پس از حادثه اشغال سفارت امریکا در فضای سیاسی ایران شکل گرفته بود، اذهان را از درک واقعی قضایا منحرف سازد، و حرکت خویش را در برابر رژیم عراق، "دفاع از انقلاب" و "مبارزه بر علیه امپریالیسم" جلوه دهد. (درست همان سیاست فریبکارانه ای که در داخل پس از حادثه اشغال سفارت، در پیش گرفته بود.) رهبران رژیم، شوینیسم توطئه طلبانه بورژوازی عراق را دامن زده و آنرا بر گرداندن جزایر سه گانه به اعراب، توطئه امپریالیسم و کارتر تصویر می کنند و متقابلا "شوینیسم بورژوازی خود را در دفاع از این جزایر، مقابله با امپریالیسم قلمداد می نمایند: "حجت الاسلام رفسنجانی، درخواست رژیم بعثی عراق از ایران مبنی بر تخلیه فوری سه جزیره ایرانی تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی را حلقه ای از زنجیر توطئه امریکا دانست و گفت: "کارتر خیال می کند با این چیزها می تواند ما را وادار به عقب نشینی کند." (کیهان سه شنبه ۱۹ فروردین ۵۸) حتی نمایندگان راستین بورژوازی لیبرال ایران، که در "ملی گرائی" شهره خاص و عام اند، وقیحانه به دفاع از سیاست تجاوزکارانه و اشغالگرانه رژیم شاه برمی خیزند و شوینیسم بورژوازی خود را در پس حملات توخالی و دروغین به اصطلاح "استعمار" و "استثمار" و (جاری شدن این کلمات بر زبان "حبیبه ملی" پیش از آنکه شگفت آور باشد، خنده آور است)

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

درپوشش دفاع از "انقلاب شکوهمند" ایران مستور می سازند:

"(اظهارات دولت بعثی عراق نشانه آنست که این دولت آلت دست استعمار و استثمار (!) است و بخاطر ضربه زدن به انقلاب شکوهمند ملت ایران است

(انقلاب شکوهمند ایران چه عاشقان سینه چاکی پیدا کرده ـ است. چه وجه اشتراکی میان "دفاع از انقلاب" بورژوازی، و "دفاع از انقلاب" سوسیال ـ شوینیستها و دفاع طلبان ما در این جنگ می یابید؟!)

...دنیا می داند این جز ایراز اول (!) متعلق به ایران بود و مسئله اشغال نظامی نبود (!) فقط دولت ایران حاکمیت مجدد خود را در آنجا اعمال کرد!" (سخنان سخنگوی جبهه ملی کیهان ۱۹ فروردین ۵۹)

و همین موضع را به زبانی دیگر از زبان "روحانیت مبارز" نیز می شنویم:

"یک وجب از خاک کشور خود را به هیچ کشوری نخواهیم داد.... اظهارات وزیر خارجه عراق را تحریکات امپریالیسم امریکا (!) دانسته که بصورت ظاهر (!) از طرف صدام حسین و انور سادات اعمال می شود... ضمن محکوم کردن ادعای ارضی عراق تجاوز حکومت این کشور را به شیعیان و آزار شاگردان مدارس ایرانی تقبیح کرد." (کیهان ۱۹ فروردین ۵۹)

بدین ترتیب نمایندگان بورژوازی ایران، علیرغم آنکه می کوشیدند در پس کارگزار خواندن رژیم عراق وابستگی اش به امپریالیسم امریکا، و طرح وابستگی اقدامات و سیاست های او به توطئه های امپریالیسم امریکا در ایران، تمایلات بورژوائی و شوینیستی خود را بپوشانند، برماهیت تفاوت دو بحران موجود میان بورژوازی ایران و عراق سرپوش بگذارند، اما در پس تمام کلمات و عبارات آنها، بوی گندشوینیسم بورژوازی، مشام را می آزارد. هر ـ یک از آنها به نحوی موضوع واقعی مورد مشاجره و درگیری را به

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

میان می کشند: جزا برسد گانه و ... تمام منطق های آتشین "میهن پرستان" آنها نمی تواند پرده بر روی این موضوعات عینی و واقعی فروکشد. شعار "دفاع از انقلاب" آنها در عرصه واقعیت جز به معنای دفاع از میهن سرمایه داری، دفاع از امتیازات و قراردادهای ارتجاعی گذشته و ... نیست باشد. همان شعارهائی که رژیم ارتجاعی عراق هم در پوشش آنها، تمایلات و مطامع آزمندانه و شوونیستی خود را لاپوشانی می کند: دفاع از "انقلاب اعراب" "دفاع از خلق عرب خوزستان" و حتی "دفاع از انقلاب ایران!"

رژیم عراق نیز در مبارزه بر علیه امپریالیسم از سردمداران رژیم ایران کم نمی آورد و برای "عادلانه" جلوه دادن موضع شوونیستی و توسعه طلبانه خود، رژیم ایران را مدافع امپریالیسم، خطاب می کند "... رهبران جدید ایران با ابداع دشمنی خیالی در صدد انحراف اذهان از بحران داخلی هستند و بدین ترتیب عراق را سرکوب مسائل ناچیزی میکنند و این کشور را از مبارزه (!) با مهیب ترین مبارزی دارند ..." (خبرگزاری فرانسه، به نقل از روزنامه الثوره والجمهوریه) این خبرگزاری سپس می افزاید که روزنامه های فوق "رهبران ایران را متهم به ادامه حمایت از منافع امریکا تحویل سفت به این کشور و حفظ قراردادهای محرمانه منعقده با شکستن کرده است (رژیم های ارتجاعی چه خوب دست یکدیگر را رو می کنند!). الثوره معتقد است که رهبران جدید ایران سیاست اختناق، سرکوبی و شوونیست شاه را نسبت به اقلیت ها بخصوص در منطقه عرب زبان اعمال می کنند." (کیهان ۳۰ خرداد ۵۸) به موضوع اصلی بازگردیم. گفتیم که در اثر موضع گیری طرفین بسر علیه یکدیگر، بحران میان دو رژیم بیش از پیش افزایش می یابد. عملیات ایذائی نظامی در مرزهای دو کشور گسترش می یابد و این ها با این فقط عراق نیست که به اقدامات تجاوزکارانه مبادرت می ورزد. هر چند که شواهد حاکی از وابستگی و عمل نیز در دست او - بلکه رژیم ایران نیز متقابلا به اقدامات نظامی در خاک

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

کشورعراق دست می زند (۳۳).

دراواسط فروردین ماه، رژیم عراق، طی یک نامه رسمی از سوی سعدون حمادی وزیرامورخارجه آن کشور به "کورت والدهایم" دبیر کل سازمان ملل، "مستدحواستهای رژیم عراق را مطرح می سازد: سعدون حمادی دراین نامه با اشاره به "توسعه طلبی" رژیم ایران در منطقه خواستار خروج نیروهای ایرانی از این جزایر سه گانه می شود. دراین نامه همچنین از "دخالت" ایران در امور داخلی کشورهای ساحل خلیج فارس (بخوان کشور عراق)، و "بخطر افتادن استقلال" این کشورها، اظهار نگرانی می شود (۳۴).

قطب زاده وزیرخارجه جمهوری اسلامی، درپاسخ به این دعاوی سمج حمله به رژیم عراق، وعلم داد کردن حرکت رژیم عراق بعنوان "توطئه های امپریالیستی و ارتجاع" اعلام می کند که:

"یک وجب یک سانتیمتر از خاک مقدس سرزمین ما را که امروز متعلق به جمهوری اسلامی ماست و پرچم اسلام و ایران برفراز آن در اهتزاز است، به احدی در روی کره زمین نخواهیم داد."

(کیهان ۱۸ فروردین ۵۹)

موج حملات تبلیغاتی، به موازات حملات نظامی در مرزها، بالا می گیرد و سران سیاسی ایران و عراق به اوج خود صعود می کنند.

دوکشور ارابط خود را برای حل مسئله روابط دوکشور اعلام می کنند: قطب زاده، عضو شورای انقلاب و وزیرامورخارجه ارابط ایران را چنین اعلام می کند:

"۱ - ما سودی رژیم امپریالیستی صدام حسین

۲ - پیوستن عراق به کشورهای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی (بطور رژیم ایران!)

۳ - آزادی تمام زندانیان سیاسی عراق و مردم این کشور و در راس آنها آزادی حضرت آیت الله العظمی صدر."

عراق نیز شرایط خود را چنین اعلام می دارد:

۱ - خروج بی قید و شرط از سه جزیره.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

۲ ـ بازگرداندن دنباله شط العرب به قبل از قرارداد ۱۹۷۵.
۳ ـ برسمیت شناختن عرب بودن مردم عربستان (خوزستان)"
(کیهان ۳۱ فروردین)

این شرایط بخوبی میتواند مضامین واقعی اختلاف و بحران و درگیری دو رژیم را نشان دهد.

اوایل اردیبهشت ماه رژیم عراق، آیت الله محمد باقر صدر را به قتل می رساند. این اقدام رژیم عراق دامنه بحران میان دو کشور را باز هم گسترش می دهد. خشم رژیم ایران برانگیخته می شود. در شهرهای مختلف ایران تظاهرات و اکسیون های مختلف بر علیه رژیم عراق برپا می شود و موج تبلیغاتی بر علیه آن دامن می گیرد. عراق نیز متقابلا "دامنه تبلیغات ضد رژیمی خود را افزایش می دهد. درگیری در مرزهای دو کشور نیز تدریجا" بالا می گیرد و از قرارداد ۱۹۷۵ ماه این درگیریهای پراکنده، منظم تر می گردد و نیروهای زرهی دو طرف وارد نبرد با یکدیگر می شوند. هر دو رژیم در مرزهای خود، دست به نقل و انتقالات نظامی می زنند و نیروهای نظامی بزرگی در پشت مرزها بسیج می کنند. سرانجام این درگیریهای فرسایشی، در اوج خود، به حمله هوائی رژیم تجاوزگر عراق به فرودگاه ها و پایگاه های نظامی در چند شهر ایران و منجمله تهران، وارد یک جنگ تمام عیار نظامی، در زمین و هوا و دریا می گردد. جنگی که همچنان ادامه دارد.

بدین ترتیب، سناریوئی که در طی سالها، در میان دو کشور همسایه، در حال فراهم شدن بود، به جنگ کنونی انجامید. این جنگ نه یک "توطئه" نه یک حرکت اتفاقی، و برخاسته از تمایلات این یا آن فرد در رژیمهای دو کشور، بلکه ادامه سیاستی بود که قبل از جنگ توسط رژیمهای دو کشور، رژیمهائی که مدافع منافع طبقه بورژوازی دو کشور هستند، دنبال می شد. این جنگ را طبقات بورژوازی ایران و عراق، طبقاتی که هر دو ارتجاعی هستند، بر پایه تضادهای دیرینه

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

خودبراه انداختندوبرخلق های دوکشورتحمیل گردند .همچنان که سیروقایع نیزنشان می دهد .درجنگ کنونی،برخلاف منازعات پیشین میان رژیم عراق ورژیم شاه ،آن سیاستی که بطورعمده این جنگ را بوجودآوردوبرآن پایه انداخته است بطورمشخص نه سیاست امپریالیستی ،بلکه سیاست بورژوازی دوکشور ،باخصوصیاتی که ازآن سخن گفتیم ،می باشد .ادامه جنگ وموضع گیری دول امپریالیستی دربرابراین جنگ نیزتاکنون بخوبی صحت این ادعا را به اثبات رسانده است .البته همچنان که درگذشته نیزگفته ایم ، حرکت رژیم عراق،در همسوئی تاکتیکی با امپریالیسم امریکا ،دربرابررژیم ایران،قراردارد.وامپریالیسم امریکا بخصوص ازهمان ابتدا تلاش نموده ومی نمایدتا ازاین میان به نفع خودبهره گیری نماید .این همسوئی تاکتیکی درجنگ کنونی ، درواقع چیزی نیست جزتمایل دوطرف به تحت فشارقراردادن رژیم ایران بمنظورتقویت جناح های بورژوازی لیبرال وابسته در مجموعه قدرت حاکمه ومتقابلا"تضعیف وازقدرت راندن جناح خمینی وحتی حزب جمهوری اسلامی است .اما این همسوئی تاکتیکی نمی تواندپوششی برای لاپوشانی ماهیت واقعی جنگ قرارگیرد .نگاهی به پس وقایع تاریخی که دراین نوشته ،بطورمختصربه آن اشاره کردیم،بخوبی سیرتکوین تضادها واختلافات میان دورژیم را آشکار می سازدوموضوعات واقعی موردمشاجره را برملامی سازد.ما سعی کوشیم تادرآخرین قسمت این مقاله ،بطورکاملا"مختصر،وباتکیه برقسمت های پیشین این نوشته ،موضوعات مورداختلاف راشرازبندی نمائیم .

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بخش ۳: نتیجه‌گیری

دعوا بر سر چیست؟
موضوعات واقعی جنگ کدامند؟

با تکیه بر تئوریهای قسمت های پیشین، زمینه های درگیری موضوعات واقعی جنگ را چنین می توان ارزیابی نمود:

۱- تمایلات توسعه طلبانه بورژوازی دو کشور و بویژه در این مقطع، بورژوازی عراق و اختلافات ارضی

الف: اختلاف بر سر تسلط بر جزایر به گانه: در قسمت های گذشته گفتیم که جزایر به گانه ای که در تنگه بکی گرانه های شمالی و مشرف بر گلوگاه خلیج فارس واقع شده اند، از اهمیت استراتژیک فراوانی بر- خوردارند. این جزایر، در پی سیاست امپریالیستی امپریالیسم امریکا و تجاوزات توسعه طلبانه بورژوازی وابسته ایران در زمان شاه، توسط دولت ایران تصرف گردید. قرارداد ۱۹۷۵ عملاً به این تصرف، رسمیت بخشید و رژیم عراق، تحت شرایط آنزمان، به این عقب نشینی تن در داد و مدتها ترتیب بورژوازی وابسته ایران و لاجرم امپریالیسم امریکا، گامی فراتر بسوی تسلط بر حوزه خلیج برداشت. این جزایر خشک و بی آب و علف، که تنها "گناه" آن قرار- گرفتن در یکی از نقاط حساس و رفت و آمد جهانی است، قبل از آن در اختیار امپریالیسم انگلستان قرار داشت. و پیش از آنکه انگلیس بر آن تسلط یابد، و آنرا به قلمرو استعماری ضمیمه کند، جزایر بی اهمیت و خالی از سکنه ای بودکه توجه هیچکس را به خود جلب نمی کرد. اکنون بورژوازی دو کشور، هریک مزورانه می‌کوشند

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

تا این جزایر را جزء "میهن" خود بحساب آورند. و هردو آنها در پی اثبات "حقانیت" خود، اسنادو مدارک گذشته را زیر و رو می کنند و به شواهد تاریخی متوسل می جویند. و جالب آنکه هردو آنها به اندازه کافی از این دلایل و شواهد تاریخی در آستین دارند! چنانکه قبلاً "ذکر شد جزایر سه گانه تا لشکرکشی رژیم شاه، جمعاً کشور ایران شد، و بسا انتقال قدرت به رژیم جمهوری اسلامی، این جزایر به ملحقات ارضی رژیم جدید تبدیل گردید. و اکنون رژیم ایران خود را صاحب "برحق" و واقعی این جزایر می داند. و از این "حق طبیعی" خویش در برابر هرگونه "تجاوزی" دفاع می نماید.

رژیم عراق در حالی که هیچ گاه نگاه حسرت آمیز خود را از امتیازات از دست داده برنگرفته بود، در شرایط کنونی، و در برابر رژیم جدید ایران، اوضاع را برای رفع "مظلومیت" گذشته خویش و باز پس گرفتن "حقوق" از دست رفته خود مساعد می بیند. رژیم عراق، هم اکنون خواهان آن است که این جزایر به "صاحبان واقعی" آن یعنی به اعراب باز گردانده شود. موضوع بر سر الحاق طلبی است. موضوع بر سر این است که بورژوازی گدام کشور بر این جزایر مشرف بر کلوگاه حیاتی خلیج فارس، تسلط داشته باشد. کلوگاهی که هر روزه میلیونها بشکه نفت، بوسیله کمپانیهای امپریالیستی از بنادر نفتی خلیج فارس، بسوی کشورهای امپریالیستی سرازیر می شود! آیا خلق های دو کشور، نفعی در این نزاع و جدال ارضی دارند؟!

ب: اختلاف بر سر آبراه شط العرب (اروندرود): اهمیت این آبراه را در گذشته، در رابطه با موقعیت حساس سیاسی آن (صرفنظر از اهمیت اقتصادی آن) توضیح دادیم. همانطور که دیدیم این آبراه، در سال 1975، براساس خط تالوگ، مطابق "موازین" حقوق بین الملل میان دو کشور تقسیم شد. قبل از آن، رژیم عراق بر سراسر این آبراه، مطابق قرارداد 1937 تسلط داشت. در واقع رژیم ایران در دوره شاه، از موضع قدرت و تکیه بر موقعیت برتر خود در برابر رژیم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

عراق توانست ، این اختلاف را به نفع خود حل نماید. رژیم جمهوری اسلامی، کماکان، موافق اجرای همان ماده قرارداد ۱۹۷۵ برسر آبراه فوق است. لیکن رژیم عراق، پس از استقرار رژیم جمهوری اسلامی، بازگشت به قرارداد ۱۹۳۷ را طلب می کند، یعنی خواهان تسلط برسواحل شرقی آبراه "که اکنون در اختیار ایران است ، می باشد. شط العرب یکی از نقاط حساس وحیاتی برای امپریالیسم ورژیم‌های ارتجاعی ایران وعراق است. از این آبراه روزانه میلیونها بشکه نفت، عبور می کند و از طریق خلیج فارس به سوی کشورهای مختلف جهان ودرنهایت به جیب کمپانی های نفتی امپریالیستی سرازیر می شود. از این رو این آبراه از چنین اهمیت زیادی برخوردار است و به همین دلیل است که مشاجره برسر تسلط برآن ، میان دو رژیم ایران وعراق، چنین بالا گرفته است. اینکه با کدام یک از این مشاجره برنده شود، تغییر چندانی در مسیر حرکت نفتکش های بزرگ در حال عبور از این آبراه نمی دهد. قدر مسلم اینکه این مسیر ، به سمت منافع توده‌های زحمتکش دو کشور نخواهد بود!

ج: اختلاف برسر خلق عرب خوزستان: خلق عرب ، یکی از ملیت‌های کشور کثیرالملل ایران را تشکیل می دهد، که بدلایل تاریخی وملی، در طول سالها ، در زیر یوغ ستم مضاعف ملی وطبقاتی قرار داشته است. خلق عرب دارای برخی پیوندها ومشترکات فرهنگی، اقتصادی، وتاریخی با خلقهای عرب در دیگر کشورهای منطقه است. و این زمینه‌ای است برای مشاجره بورژوازی عراق با بورژوازی ایران برسر "اشعات" "حقانیت" سلطه خود برای خلق ستمکش! در ایکه تحت شرایط مشخص جهانی ومنطقه‌ای کنونی خوزستان و خلق عرب ، از موضع منافع پرولتاریا و انقلاب ، باید در اتحاد و یگانگی با خلق های دیگر ایران قرار داشته باشد تکی نیست. لیکن نه بورژوازی ایران دایه مهربانتر از مادر برای این خلق ستمکش است و نه رژیم عراق، مدافع واقعی منافع آنها . دعوای

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

هردو اینها برسرخلق عرب دعوای دوارتجاع است برای سلطه بر مقدرات یک خلق تحت ستم. السته بورژوازی عراق، تاکنون این جرئت را بخود نداده است که آشکارا خواهان پیوستن خلق عرب خوزستان به کشورخود گردد. هرچندکه بارها تلویحا" اظهار داشته است که خلق عرب خوزستان، جزء خلق های عرب در منطقه می باشد. اما ریاکارانه، خویشتن را مدافع حقوق ملی خلق عرب ورفع ستم ملی برآنها از جانب رژیم ایران، قلمداد می کند. واین درحالی است که خود، خلقهای عرب وکرد را درکشور عراق بخاطر همان خواسته های ملی، وحشیانه سرکوب می کند. علاوه براین، وخود برخی جریانهای سیاسی تجزیه طلب درخوزستان، که در ادامه حرکت خود به زوایدرژیم عراق تبدیل شده اند، این امکان را به رژیم عراق می دهدکه با استفاده از این "زواید" وبا تکیه برناآگاهی و تمایلات ملی خلق عرب، ازجنبش عادلانه آن به نفع خودوبه زیان رژیم ایران بهره گیری نماید. وازآن به مثابه وسیله ای برای تحت فشارقراردادن رژیم ایران استفاده جوید. عملیات خرابکاران رژیم عراق، ازطریق همین جریانهای ارتجاعی تجزیه طلب، نمونه ای ازاین حرکات وسیاست های رژیم عراق است.

موضوعات مورد اختلاف دربالا، درواقع گوشه ای ازتمایلات توسعه طلبانه بورژوازی عراق وایران را درسطح منطقه، به منصه ظهور می گذارد. تمایلاتی که با به طبقاتی سیاست هردو رژیم را در سطح منطقه دررابطه میان دوکشورمتشکل می دهد. سیاستی که در مقطعی ازروندخوددرعالی ترین شکل خویش یعنی درشکل جنگ نیزخودرا متجلی می سازد.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

۲ـ مسئله‌ای بنام "صدور انقلاب"

همانطور که گفتیم یکی از ویژگی های اختلافات رژیم ایران و عراق، نسبت به گذشته سیاست پان اسلامیستی "صدور انقلاب اسلامی" است که از جانب جناحهای مختلفی از قدرت سیاسی ایران دنبال می شود.

مقدمتا باید توضیح داد که "پان اسلامیسم" و "پان عربیسم" قالبهای ایدئولوژیک ـ سیاسی ـ معینی هستند که علیرغم تاریخ تکوین معینی که هریک از آنها دارند، همگی دارای مضامین طبقاتی واحدی شده اند و همواره پوششی برای پنهان شدن تمایلات مختلف طبقاتی بوده اند، بعنوان مثال، در طول تاریخ جدید عرب، رژیمهای زیادی علیرغم تفاوت های طبقاتی خود، می ـ کوشیده اند، تا در زیر پرچم "پان عربیسم" سیاست های دلخواه خویش را جاری سازند. هم رژیم ناصر در مصر پان عربیسم را پرچم ایدئولوژیک خویش کرده بود و هم رژیمی مانند عربستان، در مقاطع مختلف خود را پرچمدار پان عربیسم قلمداد می کند! رژیم لیبی، رژیم عراق، رژیم سادات و سوریه هریک بنحوی در زیر علم "پان عربیسم" سعی می کنند و خویش را مدافع "ثروت عربی" می ـ دانند. پان عربیسم گاه به قالبی برای بیان تمایلات خرده بور ـ ژوازی و بورژوازی ملی کشورهای عربی تبدیل می شد (و می شود) و گاه قالبی برای پوشاندن تمایلات ارتجاعی ترین رژیمهای عربی چون رژیم مرد و در مصر. در مورد "پان اسلامیسم" نیز همواره چنین بوده است. پان اسلامیسم در کشورهای مختلف و در دوره های مختلف، ابزار ایدئولوژیک نیروهای طبقاتی متفاوت بوده است. هم رژیم ارتجاعی ضیاء الحق ـ یعنی یک رژیم فئودالی ـ پرچم پان اسلامیسم را برافراشته بود و در سایه آن در اتحاد با بورژوازی امپریالیستی آلمان اهداف ارتجاعی و ضد انسانی خود را به پیش می برد.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

وهم جریان خرده بورژوازی ضد امپریالیست از آن به عنوان پوششی برای ابراز تمایلات ضد امپریالیستی و انقلابی های خرده بورژوائی خود بهره می جویند. وهم جریانهای ارتجاعی چون اخوان المسلمین که همواره و به انحاء گوناگون ابزار و آلت دست استعمار امپریالیسم و جریان های ارتجاعی بوده اند، خویشتن را پرچمدار این قالب ایدئولوژیک قلمداد می کرده اند. بنابراین قائل شدن به تفاوت میان "پان اسلامیسم" و "پان عربیسم" اگر مضامین طبقاتی پشت هریک از آنها بطور مشخص، روشن نشود، ارتجاعی جلوه دادن به ورطه ایده آلیستی و همان تفکراتی که بورژوازی "پان عربیک" و "پان اسلامیک" در میان توده ها می پراکند، دریی ندارد (۳۵). درشرایط کنونی ایران، دو نیروی طبقاتی، قالب ایدئولوژیک "پان اسلامیسم" را لفاظه تمایلات و خواسته های خودکرده اند و ایده ضدورانقلاب را تبلیغ می کنند. این دو جناح خرده بورژوازی مرفه سنتی، که تیلور خود را در سیروهائی چون مجاهدین انقلاب اسلامی، و جناحی مغلوب در حزب جمهوری اسلامی در هیئت حاکمه است، که هرچند نه مانند جناح اول، اما در مجموع مسلمین چنین ایده هائی هستند، ایده اصلی همه آنها "تشکیل حکومت جهانی واحد اسلامی" برپایه "ضدورانقلاب اسلامی" است. اما روشن است که هریک از آنها درک های طبقاتی خاص خود را از این "حکومت جهانی" افاده میکنند. درحال حاضر، جناح خرده بورژوائی قدرت سیاسی با حرارت و پیگیری بیشتری از این ایده دفاع نموده و در عمل نیز پیاده می کند. این سیاست در سطح منطقه، بصورت حمایت از جریان اخوان المسلمین که کارنامه و ماهیت آن در غالب کشورها برهمه روشن است، تجلی می کند. برای مدافعین "ضدورانقلاب اسلامی" این مسئله فرقی نمی کند، که در پشت این جریانات چه نیروهای طبقاتی نهفته است. "ضدورانقلاب اسلامی" در رابطه با کشور عراق هم بشکل تحریک و تقویت جریانهای منتسب به اخوان المسلمین، منتهی تحت نام های

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

گوناگون،صورت می گیرد.رژیم ایران بطوروسیع،این جریانهای "اسلامی"را درکشور عراق،که درمخالفت شدیدبا رژیم بعث عراق سر- می برندتقویت وتجهیزمی کندوآنها را برعلیه رژیم عراق به تحریک وا میدارد.وجودجمعیت کثیرشیعیان درعراق،بهترین زمینه این تحریکات را برای رژیم ایران فراهم می سازد.درست به همین دلیل است که رژیم عراق این چنین از"صدورانقلاب اسلامی"هراسان است ودراختلافات خودبا ایران روی آن تکیه می ورزد.به عبارت دیگررژیم عراق،با به های حکومت خودرا درمعرض خطر،بروزیک شورش "اسلامی"،تحت رهبری جریان "پان اسلامی"که رژیم ایران مشوق ومحرک کنونی آنهاست،می بیند.خطری که برایش قابل تحمل نمی باشدبدین ترتیب تضادمیان "پان عربیسم"عراق و پان اسلامیسم"ایران،حیزی نیست جزتضادمیان بورژوازی بورو- کرات عراق با خرده بورژوازی مرفه سنتی و جناح معینی از بورژوازی ایران برسرشکل حکومت درعراق،بورژوازی عراق در برابراین موضع تعرضی رژیم ایران (جناحهای معینی ازآن) خواهان رفع حمایت وپشتیبانی رژیم ایران ازجریانهای مذهبی "پان اسلامیستی"درآن کشور،ودست برداشتن ازسیاست "صدورانقلاب اسلامی"به عراق ازجانب رژیم ایران است.

این موردا ختلاف بعدجدیدی ازاختلافات ایران وعراق نسبت به دوره های گذشته است وطبعا" سیمای جدیدتری به این روابط می- دهد،که درگذشته ازآن یادکردیم.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

۳ـ به‌انحراف کشاندن مبارزه طبقاتی در داخل هر کشور

ایجاد بحران و تشنج در مرزها و کشورهای دیگر، یکی از شگردهای رژیم بعث عراق در به انحراف کشاندن مبارزه طبقاتی توده‌های عراق، از سیر واقعی خود و بسیج آنان به حول شوینیسم کاذب بورژوازی می باشد. رژیم عراق در این زمینه به‌طولانی دارد! هم‌اکنون، با گسترش موج سرکوب و فشار خفقان در کشور عراق، رشد نارضایتی در آنجا شدت بسیار گرفته است. فقر و فلاکت توده‌های عراقی و فشارهای اقتصادی بر آنها، (۳۶) و گسترش دیکتاتوری و خفقان، زمینه‌ای عینی گسترش نارضایتی در میان توده‌های عراقی را گسترش بیشتری می بخشد. بعلاوه اینکه جمعیت کثیر شیعیان این کشور، بدلایل شرایط ذهنی و فرهنگی و مذهبی خود در حال حاضر آمادگی بالقوه بیشتری برای مبارزه جوئی بر علیه رژیم بعث را دارا هستند. (رژیم ایران نیز درست به همین زمینه است که انگشت می گذارد و قصد به انحراف کشاندن این مبارزه را دارد.) به همین جهت مسئله شیعیان عراق، همواره یکی از مهمترین مشکلات و دردسرهای رژیم بعث عراق در طول حیات سیاسی خود بوده است. بنابراین دامن‌زدن به تضادهای خارجی و گسترش بحران و درگیری با کشورهای دیگر، تحت عناوین و پوشش در ظاهر اصلاح همواره ابزاری برای به انحراف کشاندن این مبارزه در دست رژیم بعث بوده است. بعلاوه اینکه رشد مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک خلق‌های ایران در طول چند سال گذشته، و تحولات سیاسی ناشی از آن همواره یکی از منابع خطر برای رژیم‌های منطقه و منجمله رژیم عراق را تشکیل می داده است. بحران انقلابی و سرازیر شدن مبارزات توده‌ای در ایران، در شرایط کنونی نمی تواند، زنگ خطر را برای رژیم ضدا[illegible] حسین، بلحاظ تاثیرات آن بر [illegible] منطقه [illegible]

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

همین دلیل نمی توان عامل فوق را در رابطه با گسترش بحران و درگیری با ایران و شروع جنگ از جانب عراق نادیده گرفت.

از طرف دیگر رژیم ایران نیز در طول درگیریهای گذشته با عراق همواره از بحران دو کشور به مثابه عاملی جهت به انحراف کشاندن مبارزه توده ها، تثبیت پایه های خود و سرکوب جنبش کردستان سود می جسته است. رژیم ایران، با گسترش تبلیغات خود بر علیه رژیم عراق در طول دو سال گذشته، همواره زمینه ای برای جلب اذهان توده ها به عامل خارجی و منحرف کردن آن از مسائل داخلی جستجو می کرده است. هم اکنون نیز رژیم ایران در متن جنگ کنونی، تا حدود زیادی توانسته است با پراکندن وسیع سمومات شوینیستی خود در میان مردم، ذهن آنان را موقتاً از مسائل داخلی منحرف سازد. و با افزایش تلفات توده ها، پایه های لرزان خود را موقتاً استحکام بخشد. هرچند که با آشکار شدن نوار ضد جنگ حبیب هسته های شوینیستی نشسته بر ذهنیت توده ها، خواهد ترکید، و فقر و فلاکت و ستم ناشی از جنگ آنها را مجدداً به عصیان در خواهد آورد.

تداوم جنگ کنونی، به لحاظ استراتژیک، به نفع هیچیک از طرفین جنگ نیست. اما در کوتاه مدت هر دو رژیم ارتجاعی، از آن به نفع تحکیم پایه های خود و به انحراف کشاندن اذهان توده های دو کشور بهره گیری می نمایند.

☆ ☆ ☆

اکنون جنگ ارتجاعی، با شدت تمام در جبهه های دو طرف جریان است. توده های خلق که با راه حلی این جنگ را بر دوش می کشند، سنگ آسیاب این جنگ ارتجاعی گشته اند. اما هرچه زمان بیشتر میگذرد و هرچه دامنه تجاوزات متقابل هر دو رژیم بیشتر میشود، هر چه قتل عام وکشتار وحشیانه توده های دو کشور از جانب هر دو رژیم فزونی می گیرد، بیش از پیش ماهیت غیر عادلانه و ارتجاعی این جنگ آشکارتر می گردد. اکنون دیگر تئوری "تجاوز عراق" و "دفاع رژیم" که زمینه فریب و انحراف توده های گسترخلق را بوجود

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

آورده است ،با ادامه جنگ وشدت گرفتن تجاوزات رژیم ایران بر علیه عراق وکشتار توده های ستمدیده این کشور ،توسط بمب های امریکائی رژیم ،بیش از پیش عمق انحراف خویش را نشان می دهد. اکنون هردوکشور ،تمام ملاحظات "دیپلماتیک" را به زیر پا گذاشته وبا شدت هرچه تمام به ویرانی وکشتار خلق های دوطرف مشغولند . واین حوادث جائی برای تئوری مستقل "جنگ عادلانه" یا تحلیت دوگانه "جنگ باقی نمی گذارد .اکنون هرتلاشی برای به اصطلاح "مقابله با تجاوز عراق" بمعنای سرپوش گذاشتن برتجاوز ومتقابلا بر رژیم ایران وهمدستی عملی با رژیم ضدخلقی حاکم می باشد .دیگر تئوری سوسیال شوینیستی ودفاع طلبانه شرکت در جنگ بخاطر پوشش "دفاع از انقلاب" و دفاع از میهن ارمغان توده ها را بیش از پیش عمق رویزیونیستی خودرا نشان می دهد .جنگ کنونی سرشت واحدی دارد (همچنان که تمام جنگ ها سرشت واحدی دارند) .آنهم سرشت ارتجاعی وطبیعت غیر عادلانه وضد مردمی این جنگ است . این جنگ درتداوم سیاست گذشته طبقات حاکم بردوکشور وبرپایه رشد تضادهای بورژوازی دوکشور شکل گرفته وادامه دارد .جدا گردن این جنگ از سیاست طبقاتی حاکم برآن ،جدا گردن سیاست هریک از دورژیم در این جنگ از سیاست داخلی آنها ،چیزی جز بعد انحراف کشاندن افکار توده ها از ماهیت این جنگ وخدمت به بورژوازی نیست .باید به توده ها توضیح داد که این "سیاست" کدام است ،موضوع واقعی جنگ چیست ؟وچه عوامل عینی وذهنی منجر به تکامل این سیاست تا حد جنگ گردیده است .باید به توده ها توضیح داد که چه موضعی باید در برابر این جنگ داشته باشند وچگونه از آن به نفع انقلاب ومصالح توده ها بهره گیری نمایند .این است تنها شیوه صحیح برخورد به جنگ کنونی برای بازشناختن ماهیت واقعی آن.

اکنون برپایه ارزیابی از ریشه های جنگ کنونی میکوشیم تا مواضع نیروهای دیگردربرخورد به این جنگ را مورد ارزیابی و تحلیل قرار دهیم □

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

توضیحات

(۱) ــ آبراه شط العرب، تنها راه ارتباطی قابل استفاده کشور عراق با خلیج است. کشور عراق بخش اعظم نفت خود را از این آبراه، صادر میکند. و این آبراه شاهرگ واردات و صادرات عراق است. بنابراین میتوان دریافت که این آبراه چه اهمیت اقتصادی (صرفنظر از اهمیت سیاسی آن) برای دولت عراق دارد.

(۲) ــ توضیحات بیشتر در این مورد را میتوانید در مقاله "مشتی از خروار: اشاره‌ای به جنایات بعثی ها در عراق" پیکار ۷۶ مطالعه کنید.

(۳) و (۴) و (۵) ــ مجله دنیا، شماره ۲، اردیبهشت ۵۴ صفحات ۴۲ و ۳۸ و ۴۳.

(۶) ــ پس از کودتای ۱۹۵۸ و تا پس از کودتای ۱۹۶۸، هیچ تغییر اساسی در صنایع نفتی عراق حاصل نشد. کمپانیهلای انگلیسی (بطور عمده) و آمریکا و بعد آلمه میزان کمتری شوروی، بر این منابع و صنایع تسلط داشتند. و از آن سود سرشاری را به جیب خود سرازیر می کردند.

(۷) ــ حجت الاسلام دعائی سفیر ایران در عراق پس از استقرار رژیم جمهوری اسلامی، چند ماه پس از قیام، در طی مصاحبه‌ای در مورد قرارداد الجزایر ضمن توجیه موضع عراق در آن زمان گفت": "رعایت این اصل اخلاقی (منظور رعایت قرارداد ۱۹۷۵ از سوی رژیم عراق) سرانجام رژیم شاه را در آسودگی و امنیت دلخواهش بخصوص در خوزستان و کردستان قرارداد" (کیهان ۳ خرداد ۵۸)

(۸) و (۹) ــ کیهان ــ ۱۶ فروردین ۵۴

(۱۰) و (۱۱) ــ قطعنامه اصلی موافقتنامه الجزایر.

(۱۲) ــ توضیحات بیشتر در این مورد را میتوانید در رد و مقاله در باره اوضاع منطقه و خلیج ــ اسرار تسلیم آمریکا در ویتنام ۵۰ و ۴۷

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

مطالعه کنید.

(۱۳) ــ توضیحات بیشتروروشن کننده ترد رمورد اوضاع اقتصادی عراق و کیفیت وابستگی اقتصادی آن رامیتوانید در پیکار ۷۵، مقاله، نگاهی به موقعیت اقتصادی و وضعیت زندگی زحمتکشان عراق " مطالعه نمائید.

(۱۴) ــ نگاه کنید به ضمیمه ۱، سخنان حجت الاسلام دعائی، سفیرورژیم ایران درعراق، کیهان ۳ خرداد.

(۱۵) ــ همان مصاحبه.

(۱۶) ــ همان مصاحبه.

(۱۷) ــ همان مصاحبه.

(۱۸) و(۱۹) و(۲۰) ــ به ضمیمه مراجعه کنید.

(۲۱) ــ به ضمیمه مراجعه شود.

(۲۲) ــ سخنان قطب زاده، کیهان ۱۸ فروردین ۵۸.

(۲۳) ــ بنقل از قطعنامه مجاهدین انقلاب اسلامی در تظاهراتی که برای محکوم کردن رژیم عراق در ۱۹ خرداد ترتیب داده شد. به ضمیمه مراجعه شود.

(۲۳) ــ ضمیمه آ.

(۲۴) ــ دکتربزدی، وزیرخارجه وقت، درست می گوید! آخر دولت بورژوائی با ارگان هیچ "دخالتی" درعراق، بدان مفهوم که منظوراوست، نمیکرد ودرفکراین "دخالت" برای "صدور انقلاب" به عراق هم نبود. این دخالت ها در آن زمان عموما ازمجرای شبکه های روحانیون و بشکل نیمه رسمی! صورت می گرفت.

(۲۵) ــ کیهان ۳۰ خرداد ۵۸

(۲۶) ــ مصاحبه صدام حسین با مجله "اسپیگل"، کیهان ۱۲ تیرماه ۵۸

(۲۷) ــ مصاحبه دکتربزدی ــ کیهان ۲۵ تیرماه ۵۸.

(۲۷) ــ همان مصاحبه دکتربزدی ــ ضمیمه ۱

(۲۸) ــ گفته های سفیرعراق درایران، کیهان ۲۵ تیرماه.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

(۲۹) ــ خنان صدام حسین ــ کیهان ۲۲ مهرماه ۵۸.
(۳۰) ــ خنان دکتر یزدی پس از ملاقات با رئیس جمهوری و وزیر خارجه سوریه ــ کیهان ۱۲ آبان ۵۸.
(۳۱) ــ .....
(۳۲) ــ .....
(۳۳) ــ به ضمیمه مراجعه شود.
(۳۴) ــ کیهان ۱۸ فروردین ــ ضمیمه (۱)
(۳۵) ــ برای درک نمونه ای از این تحلیلهای انحرافی به شماره ۲۵ "رزمندگان" سرمقاله "صد و انقلاب اسلامی" رجوع نمائید. این سرمقاله در واقع با یک برخورد غیرطبقاتی عملا به "راه سوم" معتقد می شود.
(۳۶) ــ به مقاله "نگاهی به وضعیت اقتصادی... کشور عراق" پیکار ۷۴ رجوع شود.

*****

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

فصل سوم

برخوردهای انحرافی به جنگ

۱ـ سوسیال شوینیستها چه می‌گویند؟

جنگ ایران و عراق نه‌فقط به بالا آمدن یک موج شوینیسم بورژوائی و خرده‌بورژوائی در میان توده‌های خلق دامن زده‌است بلکه علاوه بر آن در جنبش کارگری ایران نیز به رشد و تکامل اپورتونیسم و گرایشات رویزیونیستی منجر شده‌است.

می گوئیم به رشد و تکامل اپورتونیسم منجر شده، نه آن که خود مبنا و مبداء اپورتونیسم بوده باشد. گرایشات رویزیونیستی در جنبش کمونیستی میهن ما دارای ریشه‌های عمیق عینی و ذهنی است و بخصوص در دوره پس از قیام بهمن بدلیل حدت یافتن مبارزه طبقاتی (و همزمان با رشد گرایشات انقلابی پرولتری) از رشد سریع‌تری برخوردار بوده‌است. نقطه عطف اول این دوران را می‌توان در زمان اشغال سفارت امریکا بوسیله دانشجویان پیرو خط امام دانست. در این دوران، تغییر تاکتیک هیئت حاکمه از سرکوب به‌سوی "لیبرالیسم" و نظایر هر "دمکراسی امپریالیستی"، موجب انعکاسهای یک جانبه رویزیونیستی ـ ترونسکیستی در جنبش کمونیستی ما شد. در تسریع رشد گرایشات رویزیونیستی، قطب‌های رویزیونیستی "توده‌ای" و "سه‌جهانی" "کمک کردند و مثل همیشه به وظیفه خدمتگزاری برای بورژوازی در درون جنبش کارگری گردن گذارند. رشد این گرایشات در درون عمده‌ترین جریان کمونیستی میهن ما، یعنی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران جنان سریع بود که در مدت زمانی کوتاه به تسلط تشکیلاتی مارکسیست ـ لنینیستها

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

از رویزیونیستها انتقاد میکند. در درون جریانات دیگری نیز که نتوانستند نسبت به این واقعه موضع مارکسیستی بگیرند، موضع چند آن بهتر نمود. "راه کارگر" علی رغم اینکه در ابتدا موضعی در مجموع صحیح داشت آخر الامر به این موضع افتاد که در صورت حمله امپریالیسم به ایران، در کنار همین رژیم قرار گیرد! در "رزمندگان" نیز که از همان ابتدا گرایشی وجود داشت که عمل اشغال سفارت را یک "اقدام ضد امپریالیستی" به حساب می آورد به تز رویزیونیستی - ترتسکیستی "خرده بورژوازی ضد خلق - ضد امپریالیسم" رسید.

تعادلی نیست که امروزه همین تزلزلات ایدئولوژیک - طبقاتی تعمیق یافته و بصورت سوسیال شوینیسم و دفاع طلبی درآمده است. ما عین همین روند را در تمام تاریخ جنبش بین الملل کمونیستی می یابیم. لنین در رابطه با مکانیسم اپورتونیسم در احزاب بین الملل دوم به سوسیال شوینیسم در آمدن به جنگ اول جهانی نوشت:

"در تمام طول حیات بین الملل دوم مبارزه ای در درون تمام احزاب سوسیال دموکرات بین جناح های انقلابی و اپورتونیست جریان داشت. در یک عده از کشورها در این زمینه، انشعاب صورت گرفت. (پرتقال، ایتالیا، هلند، بلغارستان) هیچ مارکسیستی تاکنون تردید نداشته است که اپورتونیسم بیان سیاستهای بورژوازی در جنبش کارگری، بیان منافع خرده بورژوازی و اتحاد قشر کوچکی از کارگران بورژوا شده با بورژوازی "خود" بر علیه منافع توده های زحمتکش می باشد. اشتباه است تنها بورژوازی را به - کرشن در مقابل آن تبدیل نموده لایه کوچکی از رهبران سوسیال شوینیست طبقه کارگر بوجود آورده و تعداد وسیعی از همراهان خرده بورژوائی را به احزاب سوسیال دموکرات جذب کرده - بود. جنگ، موجب تسریع این تکامل گردید، اپورتونیسم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

را به سوسیال شوینیسم تبدیل کرده وحدت بنیادی اپورتونیستها و بورژوازی را به وحدت علنی مبدل نموده است."
(امپریالیسم وجنگ ـ ص. ۱۲ تاکید از ماست)

جنگ اخیر ایران وعراق، اگرچه از لحاظ کیفیت وعمق دامنه آن قابل مقایسه با جنگ اول جهانی نیست، ولی بی گمان در تسریع تکامل مواضع اپورتونیستی گذشته همین گروهها به مواضع کاملا" دفاع طلبانه وبورژوائی کمک کرده است. این تکامل همان تزلزلات تدیمی است که اکنون "راه کارگر" "رزمندگان" و دیگر جریانات تا پیکیر درون جنبش کمونیستی به اتخاذ چنین مواضع دفاع طلبانه ای در قبال جنگ اخیر و بورژوازی "خودی" انداخته است.

نظاهر سوسیال شوینیسم و دفاع طلبی در متن حاضر در واقع در ادامه تمام آن گرایشات رویزیونیستی ـ اپورتونیستی است که بر سر اصلی ترین مباحث مورد مشاجره در جنبش کمونیستی ما وجود آمده است. در واقع این سئوالات که: "موضع کمونیستی در جنگ حاضر چیست؟"، "آیا این جنگ عادلانه است یا غیر عادلانه؟"، "آیا تحت عنوان دفاع از توده ها، انقلاب و ما نند آن می توان در جنگ علیه عراق شرکت کرد؟" و غیره، همی توانند پاسخ گفته شود مگر آن که به مجموعه مشاجراتی که تاکنون میان مارکسیست ـ لنینیستها و اپورتونیستها، میان گرایشات مارکسیست ـ لنینیستی و گرایشات رویزیونیستی ـ اپورتونیستی بر سر عمده ترین مسائل جنبش خلق و پرولتاریا جریان داشته توجه شود. آیا کسی هست که رابطه میان این سئوالات را به مسایل مورد مشاجره ای از قبیل "آیا شوروی یک دولت واحد امپریالیستی هست یا نه؟" و "آیا مرزبندی با رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم عین وحدت جنبش کمونیستی هست یا نه؟" و "آیا سرمایه داری ایران یک سرمایه داری وابسته هست یا نه؟" و "آیا هیئت حاکمه ایران می تواند ضد امپریالیست باشد یا نه؟" و "آیا جنگ ایران و عراق جنگی عادلانه است یا نه؟" و "آیا جنگ ایران و عراق جنگی ارتجاعی است یا نه؟" و "آیا ما در جنگ ایران و عراق از هیچ یک از طرفین جنگ حمایت نمی کنیم یا از هر دو طرف جنگ؟" و "آیا ما از هر دو طرف جنگ حمایت می کنیم یا از هیچ یک از طرفین

می دهد یا افت انقلاب ؟" وده ها سئوال مانند این مسائل، نظیر
وردکند؟ هرخواننده ای که اندکی با ادبیات کمونیستی ایران
آشنائی داشته باشد، می داند که برای درک مواضع مختلف وتکنونی
در پاسخ به مسائل مربوط به جنگ اخیر، نمی توان تمام تاریخ
مبارزه طبقاتی وتمام تاریخ سیروتکوین جنبش کمونیستی ایران
را در مرحله پس از قیام وحتی جلوتر از آن نادیده گرفت.

مسلماً" پی آمدهای جنگ ایران وعراق، وحدت یافتن بیشتر
مبارزه طبقاتی اجازه نخواهد داد که تزلزلات ایدئولوژیک ـ
سیاسی وجا خوش کردنهای میان دوصندلی بیش از این ادامه یابد.
استالین می گوید:

"جنگ وفروپاشی اقتصادی حاصل از آن به تشدید هرچه بیشتر
خصومتهای طبقاتی می انجامد. سیاست سازش با بورژوازی،
سیاست زیگزاگ زدن میان انقلاب وضد انقلاب بوضوح امکان
ناپذیر میگردد."

("دیروز وامروز" به نقل از پیکار ضمیمه ۷۵)

قطب های رویزیونیست چه می گویند؟

گرایشات اپورتونیستی درون جنبش کمونیستی ایران، نه ـ
تنها در نتیجه رشد مبارزه طبقاتی وعمیق ترشدن مرزبندی ها،
اجبارا" به سمت تئوریزه کردن ضعف ها وانحرافات خود پیش می ـ
روند، بلکه بعلاوه در اثر چشمک زدن "هائی که از جانب مزدوران بورژوازی
درون جنبش کارگری ایران یعنی اجزبان رویزیونیستهای
توده ای، رویزیونیستهای "سه جهانی" ورویزیونیستهای ضد انقلابی
(اکثریت) نسبت به آنها صورت می گیرد بیشتر به سمت تعمیق این
انحرافات تشویق وترغیب می شوند. درواقع این سه جریان
رویزیونیستی، با تئوریزه کردن انحرافات رویزیونیستی به این ـ
جریانات نا پیگیر درون جنبش کمونیستی "خط" داده واز هر واقعه ـ

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

ای برای حمله ارتجاعی خود به جنبش کمونیستی جلب و جذب عناصر و جریانات تا پیگیر درون آن (یعنی جریاناتی که با رویزیونیسم دارای یک مرزبندی قاطع و صریح نیستند) استفاده می کنند. در نتیجه لازم است که ما در ابتدا برای شناخت از سرچشمه ـ های این گرایشات انحرافی به نوشته های این سه جریان سوسیال شوینیست رجوع به جنگ اخیر مختصرا مراجعه کنیم.

الف: "سه جهانی ها" در غم "ارتش جمهوری اسلامی"!

"سه جهانی ها" دوران ما را دوران جنگ می دانند نه دوران انقلاب. آنها معتقدند که "سوسیال فاشیسم روسیه" که را هزن جوان و تازه نفسی است کانون جنگ و هژمونیسم است و با بدنام نیروها و از جمله حتی واهرن پیروزکا را فتاده ای چون امپریالیسم امریکا برای غلبه بر این جنگ افروزی "متحد" شوند. این "اتحاد" در درجه اول بمفهوم سازش میان پرولتاریا و بورژوازی هر کشور و سازش طبقاتی ها با نیروهای امپریالیست و ارتجاعی می باشد. از ـ اینرو رویزیونیستهای سه جهانی در همه جا به پرولتاریا و زحمتکشان درس صلح اجتماعی با بورژوازی و امپریالیست ها را داده و با نفی حرکت از موضع پرولتاریا و انقلاب، از موضع جناح ـ های مختلف ارتجاع و امپریالیسم علیه جناحهای دیگر آن حرکت می نمایند. آنها همچنان که در عمل به پرولتاریا و زحمتکشان درس خدمتگزاری به بورژوازی و امپریالیسم میدهند، در برخورد به حوادث اجتماعی نیز جزء سازش و نفاق امپریالیستها علیه یکدیگر، چیزی ندیده و حتی پریدن پشه ای را هم کار آنها می دانند! بدین ـ صورت آنها خاشاننه نیروی تاریخ ساز پرولتاریا، زحمتکشان و انقلاب را تحقیر کرده و آنها را با زیچه دست ابرقدرتها می دانند.

همین زاویه فکری، راهنمای نشریه "رنجبر" در تحلیل از جنگ اخیر ایران و عراق است. نشریه "رنجبر" در شماره ۱۰۸ خود پس از آنکه جنگ ایران و عراق را اولا "بدلیل آنکه رژیم ایران به اصطلاح "ملی" و "ضد امپریالیست" و رژیم عراق به اصطلاح "فاشیست" و

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

"عامل دوابرقدرت" می باشد و نیا" عراق "تجاوز" به ایران را شروع کرده و ایران در مقام "دفاع" از تمامیت ارضی خویش است به اینجا می رسد که: "ثالثا" تجاوز نظامی عراق به ایران تنها ناشی از خواستهای شوینیستی دار و دسته صدام حسین نبوده، بلکه اساسا" به تحریک دوابرقدرت جهانخوار امریکا و روسیه که می کوشند از این جنگ برای باز کردن بیشتر جا پای خود در عراق و منطقه بهره برداری کنند صورت گرفته است" (ص. ۲)

گرا اینکه "سه جهانی"های خائن در حرف دم از "دوابرقدرت"می زنند! ولی آنها در واقع فقط ابرقدرت روسیه را "عمده" می بینند و در "مبارزه" با این ابرقدرت نیز به ابرقدرت دیگر تکیه می زنند، این تاکتیک خائنانه و ضدانقلابی که همان سیاست خدمت به امپریالیسم امریکا، چین رویزیونیست و بورژوازی خودی است در برخورد آنها به مسئله جنگ ایران و عراق نیز تجلی می کند. آنها از اینکه این جنگ باعث "محبوبیت" بیشتر جناح بورژوا لیبرالهای هیئت حاکمه شده است بسیار خشنود بوده و از اینکه ارتش شاهنشاهی در این جریان تبدیل به "قهرمان ملی" شده است از شادی در پوست نمی گنجد. سیاستی که در واقع همان تاکتیک همیشگی جداکردن جناحهای هیئت حاکمه و ندیدن وحدت درونی آنها و "حمایت از یکی و مبارزه با دیگری"، یا به عبارت دیگر نفی تز مارکسیستی "دولت بعنوان ابزار ستمگری یک طبقه" و پذیرش تز رویزیونیستی "دولت بعنوان ابزار حاکمیت یک باند" می باشد.

نمونه روشن تجلی این تاکتیک رویزیونیستی را در جنگ اخیر، می توان در توضیحی یافت که "سه جهانی"های مرتد در همان شماره رنجبر راجع به موضع گیری جریان رویزیونیستی دیگری همچون فدائی (اکثریت) نسبت به جنگ نوشته اند: "سازمان چریکهای فدائی (اکثریت) با تشدید جنگ ایران و عراق دست به تبلیغاتی مبنی بر همکاری با سپاه پاسداران و کمیته ها به راه انداخته و در همان حال به سمپاشی رایجارانگ وشیعه (!!) علیه ارتش برداخته و

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

در بیانیه اش راجع به ارتش سکوت کرده است."

تمام هم و غم این بانده رویزیونیست به تقویت "جناح بنی صدر" و تضعیف "جناح حزب" محدود می شود! براستی که بقول لنین رویزیونیستها بیشتر از خود بورژوازی به بورژوازی خدمت می کنند.

ب: چگونه مرتد توده ای در "مانیفست تاریخی" مبدهد!

مواضع حزب توده در رابطه با جنگ ایران و عراق، "تجاوز رژیم صدام حسین" به "میهن اسلامی"، و نقشی که رویزیونیستها باید در این زمینه به عهده بگیرند و غیره... از همان روز اول روشن بود. ما این مواضع را می توانیم از طریق شعارهائی که در پاشین صفحات نشریه "مردم" چاپ می شود دریابیم!

۱- در جنگ عادلانه برضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم!

۲- طبقه کارگر ایران در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

۳- دهقانان ایران برای دفاع از میهن خود زیر فرمان سپاه پاسداران مسلح شوند و آمادگی خود را برای شرکت در نبرد به نهادهای انقلابی اعلام کنند!

۴- برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا تمام خلق باید از تمرین نظامی تجهیز شود!

رویزیونیستهای حزب توده ای و همپالگیشان فدائی های اکثریت برخلاف رویزیونیستها "سه جهانی" می کوشند تا بجای حمایت از جناح بورژوا لیبرالها، بیشتر به حمایت از جناح "حزب جمهوری اسلامی" بلندند و بهر نحوکه هست خطر ضد انقلابیون فراری (اویسی، پالیزبان، بختیار) خطر کودتا از درون ارتش و مانند آن را از آنچه که در واقعیت وجود دارد (و تردیدی بر آن نیست) برجسته تر کرده در عوض جناح حزب جمهوری اسلامی را که برای راه رشد

www.peykar.org

غیر سرمایه‌داری" و برای نفوذ و منافع بیشتر سوسیال امپریالیسم شوروی مستعدتر می‌بینند تقویت نمایند. (در این رابطه غیبت ملاقات سفیر شوروی در ایران با رجائی و هاشمی رفسنجانی و قول حمایت تجهیزاتی شوروی به ایران نیز قابل توجه می‌باشد.)

آری، یک جناح رویزیونیست بدنبال یک جناح از بورژوازی و جناح دیگر رویزیونیست بدنبال جناح دیگر بورژوازی روان است و از منافع آن "خالصانه" دفاع می‌کند. این در واقع دنباله همان سیاستی است که حزب توده از دیرباز در پیش گرفته، در زمان شاه از "جناح دوراندیش" علیه "جناح فاشیست گرا" و در دوره جمهوری اسلامی بیشتر از "جناح حزب" در مقابل "جناح بورژوا سیبرال ها" حمایت می‌نماید. یکی از تناقضاتی که در مواضع برخی از جریانات و از جمله رویزیونیستهای حزب توده‌ای در مورد جنگ ایران و عراق وارد شدند این است که چگونه رژیم عراق که کارگزار امپریالیسم امریکا نیست، می‌تواند بدستور آروپا نقشه اردوگاه "تجاوز" علیه ایران بزند. آیا یعنی از زنبورها نیز می‌گوشند با جانشین کردن فرمول "اتحاد، مقدس امریکا و عراق" بجای فرمول "عراق قرمول کرا امپریالیسم" این مسئله را بنحوی رفع و رجوع کنند، در مقابل حزب توده مجبور است نه تنها دست به چنین ماستمالی هائی بزند بلکه علاوه بر آن موضع خود را که برضدیت با عراق به سود بورژوازی ایران اتخاذ شده، با موضع ارباب روسی خود که هر دو طرف جنگ را "ضد امپریالیست" خوانده "هم آهنگ سازد! آخر چطور می‌شود "اردوگاه سوسیالیسم" رژیمی را که "متجاوز" و "عامل امپریالیسم امریکا" می‌باشد، "ضد امپریالیست" و "مترقی" میخواند؟! این سئوالی است که نه فقط حزب توده خائن، بلکه تمام گمونیستهای نا پیگیر و متزلزلی که دارای مواضع قاطع و صریحی در مقابل سوسیال امپریالیسم نیستند، باید جواب دهند. "فرمول" حزب توده بقدری جالب و در نوع خود "استادانه" است که در بندبازی های رویزیونیستی "نظیر" ندارد. ما در زیر قطعه‌ای از سخنرانی مرتد

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org

"توده‌ای" کیانوری را که در مورد این مطلب گفته می آوریم:

"اینجا به‌حق این سئوال پیش می آید که آیا کشور عـــراق در مجموعه، خودش مثل کشور عربستان سعودی است؟ آیا کشور عراق در مجموع خودش، یعنی با تمام مناسبات سیاسی، اقتصادی، نظامی که با کشورهای جهان دارد مثل سادات است؟ نه، حتماً" ضروری نیست که "عیناً" چنین باشد.....عراق از هنگامی که حکومت بعث در حدود ۲۰ سال پیش قدرت را بدست گرفت بطور نسبـــی مناسبات خود را با کشورهای سوسیالیستی بمیزان زیادی زیاد کرد، تجارت خارجی خودش را، مناسبات نظامی خودش را روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی خودش را با دنیای امپریالیستـــی محدود کرد. رژیم عراق در دوران اول که سیاست جبهه متحـــد خلق، سیاست جبهه واحد، واحد در داخل عراق می‌باشد، در دوره‌ای که هنوز حمله برای از بین بردن آزادیهای ملی خلق کرد شروع نشده بود.....دارای خصلت ضد امپریالیستی بود و ما در آن زمان بدون تردید اعلام می کردیم که نظام اجتماعـــی عراق، سیاست خارجی آن، محتوای ضد امپریالیستی دارد، ولو اینکه آقای صدام از همان روز هم عامل امپریالیسم بوده باشد. مثل حفیظ الله امین در افغانستان....پس بدیـــن ترتیب بطور موقت چنین پدیده‌هائی می توانند بوجود آید کـــه نظام اجتماعی یک کشور هنوز عیناً" منطبق نشده باشد ما سیاستی که رهبری سیاسی آن کشور در پیش می گیرد.

.....به این ترتیب ما تناقض(!) در این مسئله نمی بینیم که نظام اجتماعی عراق هنوز هم علی رغم رهبری جناحش یک نظام ضد امپریالیستی باشد، یعنی مردم عراق الان به هیچ وجه نمی خواهند با امپریالیسم سازش کنند و تابع سازش با امپریالیسم باشند. آنها حاضر و آماده هستند با امپریالیسم بجنگند. خود دولت کنونی عراق هم الان لفظ ضد امپریالیسم نیست. شعبدات جنبی زیادی دارد نسبت به کشورهای مترقی، عربی....

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

ما در این مسئله تناقض جدی نمی بینیم ... (عراق) هنوز زمینه دارد که بتوان آن را در جبهه ضد امپریالیستی نگاه داشت" (مردم شماره ۲۵۲ ص ۲۰)

آنچه که در این نسخه طولانی ولی "درخشان" رویزیونیستی (به تمام معنای "شاکار" رویزیونیستی) این مرتد "توده ای" دیده می شود، به نظر ما فرموله شده برجسته بسیاری از گرایشات، تزلزلات و جریانات رویزیونیستی است که امروزه در جنبش کارگری ایران رواج دارد. براساس همین "تحلیل" است که سیاست از اقتصاد، روبنا از زیربنا، سیاست خارجی از سیاست داخلی، فردا از طبقه، جناح از هیئت حاکمه، "انگیزه" از عمل، و خلاصه ... تنگ از روی سنگ برداشته می شود تا واقعیت های انکارناپذیر جهان معاصر ما، یعنی احیاء سرمایه داری در کشورهای رویزیونیستی، امپریالیستی بودن سیاست خارجی شوروی، کودتا و خرابکاری ایادی شوروی در کشورهای تحت سلطه و وابسته و آنتاگونیسم طبقاتی بورژوازی و بورژوازی و پرولتاریا و ... انکار شده و به جای آن ترهات و اباطیل سوسیال امپریالیستی جای گزین گردد. یک ذهن رویزیونیست، تمام واقعیتهای مادی جهان را وارونه کرده و آن را بهمان نحوکه بورژوازی امپریالیستی میخواهد میسازد.

بدین ترتیب کیانوری "رژیم صدام" (والبته نه دولت "ضدامپریالیست "عراق) را نیروئی می داند که با امپریالیسم آمریکا سازش کرده و بعنوان عامل او توطئه تجاوز به ایران را که هدف آن سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و سرکوب انقلاب ایران می باشد پیاده کرده است. کیانوری معتقد است که این توطئه اگر هم منجر به سرنگونی رژیم نگردد، می تواند با تقویت سوبژکتیو و جناح های "بختیار مانند" هیئت حاکمه گردیده و بطور غیرمستقیم زمینه را برای استحاله رژیم ایران به رژیمی وابسته به آمریکا فراهم سازد و این اشکال مستقیم (جنگ، کودتا) و اشکال غیرمستقیم (تقویت جناح بختیار مانند) سرنگونی یا استحاله رژیم ایران را

www.peykar.org

توسط امپریالیسم امریکا طرح ریزی شده چنین توضیح میدهد:

"بدین ترتیب توطئه هدفش معلوم میشود. توطئه عبارت میشود از براندا ختن رژیم جمهوری اسلامی ایران که بطور مسلم برای امپریالیسم امریکا به چنان عاملی تبدیل شده که حاکمیت امپریالیسم را در منطقه ای که برایش حیاتی دارد متزلزل کرده است. بقای رژیم جمهوری اسلامی ایران در بین چهارچوب خودش و این سمت گیری ضد امپریالیستی و بویژه ضد امریکائی خودش، با تمام آن خصوصیاتی که دارد، با تمام کمبودها و نواقص و ناراسائی هایش برای امپریالیسم غیر قابل تحمل است و امپریالیسم خواهد کوشید از هر راهی که هست جمهوری اسلامی ایران را تضعیف کند تا حدی که بتواند وابستگان بخود یعنی بختیار و اویسی را به نکلی از اشکال بطور مستقیم یا غیر مستقیم به ایران برگرداند. بطور مستقیم یعنی این که آنقدر اینجا سمیف شود که آنها بتوانند بیایند و بتوانند در ایران آنطور که نقشه آنها بود ایران را "تخلیص" کنند... و بطور غیر مستقیم یعنی اینکه شرائطی بوجود آید که بتدریج حکومت بختیار ما نندی در ایران برقرار شود. این هدفی است که امریکا با تمام قوا دنبال میکند." (همانجا)

اینکه امپریالیسم امریکا چه از طریق اقدام مستقیم برای سرنگونی این رژیم سیاسی (مثل کودتا) که امکان آن هست یا از طریق اعمال فشار به رژیم و متوسل شدن جناحهای هوادار سرمایه داری غرب که محتمل تر است شدتهای وابستگی آنرا بخود محکمتر نماید امری است که (نیز فعلا از درجه موفقیت شکست آن که اکنون مورد بحث ما نیست و ما بدیا توجه به اعتلای انقلابی جامعه و درمتن این روند روبه اعتلا مورد مطالعه قرار گیرد) مورد تردید ما نیست. ولی نکته مهمی که ما بدیه آن توجه شود این است که چگونه این "مدل" استراتژی امریکا برای تحلیل از تمام حوادث ایران سکا رگرفته میشود و مبنای آن که در تحلیل از این رویدادها و روسیت آرا

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

طبقاتی جامعه و موضع انقلاب و پرولتاریا حرکت شود، برعکس از موضع تضادهای درونی ارتجاع و دعواهای جناحهای مختلف آن حرکت می گردد. (البته از مرتدین حزب توده‌ای و تمامی رویزیونیست ها نیز جز این انتظاری نباید داشت زیرا آن ها خادمین بورژوازی بوده و لازم است که از موضع بورژوازی و منافع آن و یا جناحهائی از آن به پدیده ها بنگرند، منظور ما بیشتر چپا و چوب این تحلیل رویزیونیستی است که توسط بسیاری از نیروهای ناپیگیر درون جنبش کمونیستی نیز کم و بیش بکار گرفته می شود.) بنابراین شعجبی ندارد اگر در تحلیل از جنگ ایران و عراق نیز بجای آن که از ماهیت این جنگ و سیاستهای دو رژیم و طبقاتی که این رژیم ها نماینده آنها هستند حرکت شود، از همین "مدل" استفاده شده و بدین طریق جنگ ایران و عراق "توطئه امریکا" از آب درمی آید.

۵ ـ رویزیونیستهای فدائی (اکثریت)

درغم "سادیاران" و "کمنه ها"!

زمانی بود که آقایان رویزیونیستهای فدائی (اکثریت) دم از مرزبندی با "اپورتونیسم راست" حزب توده می زدند و به اصطلاح تفاوت خود را با اپورتونیسم راست در این می دانستند که حزب توده در عین حال که وحدت با خرده بورژوازی حاکم را می بیند ولی جنبه تضاد را فراموش می نماید! از مقصودشان از جنبه تضاد هم عبارت بود از یک سری استدلالات نرم و یا یک سری افشاگری های شنود و نیز از عناصر متکوک. البته این "مرزبندی کاذب" صبح بهره ـ ای از واقعیت نداشت، چرا که حزب توده نیز در عین آستان بوسی هیئت حاکمه، دست به افشای "خط برژنفسکی" و تقویت "خط امام" آن می زد. و پس از استقرار به امام جمعه تهران، به افشای قطب ـ زاده و یزدی و بازرگان نیز می پرداخت. آن به اصطلاح "جنبه تضاد را دیدن" که این آقایان رویزیونیست نو ولاده از آن صحبت میکردند نیز چیزی نبود جز همین گونه "افشاگری ها"، بخصوص امروزه که

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

نگاه داشته بودند "معرف" کرده اند، ما بخوبی شاهد آن هستیم که چگونه ندائی های اکثریت جا درجا پای حزب توده گذاشته و علاوه بر آن گذا زهواداران خود میخواهد که درستا دمستعفین اسم بویسی کنند و به جبهه جنگ بروند. درضمن از هیئت حاکمه نیز میخواهد که به سپاه پاسداران "سلاح سنگین" بدهند و بدین وسیله میخواهد او را در مقابل "ارتش" تقویت نماید!

این آقایان خیانت پیشه، در اعلامیه سنگینی که بمناسبت جنگ اخیر منتشر کرده اند می نویسند:

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) از همه نیروهای مبارز و انقلابی و قبل از همه از عموم هواداران سازمان میخواهد که در صف به سرعت بسیج شده و در عملی کردن سه شعار فدائی که برای مقابله با توطئه های امپریالیسم و در شعار سنگین تجاوزات رژیم جنایتکار عراق تهیه دیده می شود فعالانه شرکت نمایند.

"همه هواداران سازمان باید با سپاه پاسداران و کمیته ها که نیروهای ضد امپریالیست هستند در مقابله با توطئه های امپریالیسم و در دفاع از میهن در برابر تجاوزات رژیم سرکوبگر عراق پی گیرانه همکاری کنند و هر نوع خبر یا اطلاعی که از فعالیت نیروهای ضد انقلاب بدست می آورند بدون درنگ به این مراکز برسانند." (اکثریت شماره ۲۷ ص ۲۰)

آیا رویزیونیستهای فدائی (اکثریت) از تجربه ای که حزب رویزیونیست عراق در دوران همکاری رویزیونیستی خود با رژیم های "ضد امپریالیست" کرفت و موجب قتل عام هزاران انقلابی و کمونیست شد درس عبرت نمیگیرد؟ آیا خود تجربه ای که تا هم اکنون "هواداران" این گوشت دم توپ از ارتش به سپاه و... گرفته اند نمی تواند درس آموز باشد؟ لیسته که برای رویزیونیستی که منافع توده ها و پرولتاریا را پشت کرده است، این درس ها اگر هم آموزنده باشد چه در حد ناچیزی خواهد بود.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

رویزیونیستهای فدائی (اکثریت) تقریبا" به آخرین درجـــات استحاله کامل خویش رسیده اند، کافی است که علنا" وآشکارا آن "حلقه مفقوده ای" که آنان را با رویزیونیستهای حزب توده ای از هر جهت نزدیک می سازد، دراغوش خود کشند یعنی، تز راه رشد غیـــر سرمایه داری را، گواین که با توجه به فعل وانفعالاتی که اینک درمیان باندهای مختلف رویزیونیست درون حزب رویزیونیست شوروی وجوددارد وگویا یک جناح از این باندها به رهبری "بوریس پونا ماریف" درصدد دراز تجاعی تز "راه رشد غیرسرمایه داری" هستند! ارتجاعی زیرا این به اصطلاح ردکردن درخدمت رنگ ولعاب دادن به چهره ورنگسته سوسیال امپریالیسم روس است) بعید نیست کـــه رویزیونیستهای فدائی (اکثریت) نیز به صورت دستیاران این جناح درآمده ودرمقابل حزب توده که نوکر جناح دیگر رویزیـــونیستی است به اصطلاح ازپذیرش این "تز "سرباززنند! درهرحـــال چه این تز را بپذیرند وچه ردکنند، سرنوشت هردوجناح رویزیـــونیستی وتمام رویزیونیستهای جهان روشن است، طبقه کارگـــر بدون شک تمام آن ها را به گورستان تاریخ خواهد ریخت وسـزای خیانت آن ها را کف دستشان خواهد گذاشت به امید آن روز!

☆ ☆ ☆

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

۲ـ دفاع طلبان چه می گویند؟

اکنون که نقطه نظرات قطبهای رویزیونیستی و سوسیال شوینیسم آنها را ملاحظه کردیم، بجاست که نقطه نظرات دفاع طلبانه را که در واقع جلوه‌ای از همین رویزیونیسم و بشکل ملایمتر و پوشیده‌تری از همان سوسیال شوینیسم میباشد بنحو مشروحتری مطالعه کرده و نشان دهیم که چگونه جنگ اخیر به تشدید گرایشات رویزیونیستی دامن زده و چه مضامینی این گرایشها را به آن جریانات کامل العیار رویزیونیستی پیوند میدهد.

الف: "رزمندگان در غم "فدائی نقلاب حاکم"!

مواضع اخیر سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر در مورد جنگ اخیر ایران و عراق که بخصوص در بیانیه شماره ۲ این سازمان "درباره جنگ تجاوزکارانه عراق با ایران" مورخ ۵۹/۷/۶ انعکاس یافته است، در واقع جلوه بسیار برجسته‌ای است از تکامل گرایش رویزیونیستی درون این سازمان که ظاهرا از طریق یک خط با لنینیست منحرف رویزیونیستی ـ تروتسکیستی درون این رفقا دنبال میشود، ما قبلا جلوه‌های دیگری از همین خط رویزیونیستی ـ تروتسکیستی را (رجوع شود به مقالات "تئوری رزمندگان راجع به ساخت جامعه" و "رزمندگان و رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم" در شماره‌های گذشته پیکار) مورد نقد قرار دادیم که بخصوص در مواضع بغایت انحرافی "رزمندگان" پیرامون سوسیال امپریالیسم روسیه جلوه گر شد و اکنون تکامل ناگزیر همان مواضع را در این مقطع مشاهده می کنیم.

البته از آنجا که این موضع گیری ها هنوز شکل کاملا منسجم و یکدست بخود نگرفته و خوشبختانه درون سازمان رزمندگان جا نیفتاده است، ما شاهد تناقض گوئی ها، مبهم گوئی ها و حتی گاهی تخلی مواضع کاملا نادرست و ما می بینیم که هنگامیکه

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

از آشتی و یکجا نشینی تمایلات و گرایشات مختلف در کنار یکدیگر میکند و تجلی خود را به روشنترین وجهی در این بیانیه نشان میدهد. طبق یک تحلیل که بخش اعظم بیانیه را بخود اختصاص داده این جنگ در ماهیت خود تجاوزی است از سوی امپریالیسم، ارتجاع منطقه و "ضدانقلاب منقلب" که هدف آن سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و سرکوب توامان انقلاب است و از اینرو از جانب "خلق ایران" سرشت تدافعی دارد. حال آنکه در تحلیل دوم که در پاراگراف های آخر بیانیه منعکس گردیده است جنگی است "بین دو ضد انقلاب" و باید با هرگونه توطئه ای که از هر سو صورت میگیرد مبارزه کرد و آن را افشا نمود. هم باید در جنگ ضد انقلابی شرکت کرد و هم باید از ادامه آن جلوگیری نمود و وجود این تناقض گوئی ها و تناقضات در عین حال که نشانه عجز و سردگمی آنان را در ارائه منسجم و یکدست این خط دفاع طلبانه، است ولی با این حال نشان میدهد که هنوز گرایشهای رویزیونیستی - تروتسکیستی نمی - توانند بیطرفی خود را در مواضع رفقا تحمیل نمایند و چنانچه به مبارزه ای پی امان و مارکسیستی لنینیستی دامن زده شود طبعاً امید عقب نشینی این گرایش ها بیشتر خواهد بود.

اکنون پس از ذکر این مقدمه، به بررسی "بیانیه" فوق می پردازیم:

اولین نکته ای که در "بیانیه" فوق جلب نظر می نماید آن است که "ارزمندگان" اساس تحلیل خود را برخواستها و تمایلات و تضادهای درونی ارتجاع گذارده و بجای آنکه در تحلیل یک واقعه سیاسی - اجتماعی از مرتجع پرولتاریا و جنبش توده ای شروع کرده و آنگاه به عکس العمل ارتجاع و راه و روشهای جناحهای مختلف آن نسبت به انقلاب بپردازد، برعکس مبداء حرکت خود را از تضاد ضدانقلاب منقلب + امپریالیسم آمریکا + ارتجاع منطقه و رژیم یعنی عراق با ضدانقلاب حاکم بر ایران و بویژه "سرکرده" این ضدانقلاب یعنی حزب جمهوری اسلامی شروع نموده و میشوید:

www.peykar.org

"از چند ماه پیش به این سو که امید و انتظار امپریالیسم ، ارتجاع منطقه‌ای و ضدانقلاب مطلوب مبنی بر روی کار آوردن، یا تبدیل حکومت فعلی به یک رژیم وابسته و طرفدار غرب ، به تحقق نپیوست ، تلاشهای این مجموعه ارتجاعی یعنی امپریالیسم ،نیروهای ارتجاعی خلیج فارس و ضدانقلاب مطلوب برای حاکم ساختن حکومتی مطلوب و موافق شتاب آمان شکل جدید و ابعاد وسیعتر بخود گرفت" (صفحه ۱)

آنکادر در بیانیه این مقدمه به هدف امپریالیسم آمریکا برای روی کار آوردن یک "رژیم وابسته به امپریالیسم" (زیرا ما معتقد هستیم که این رژیم وابسته به امپریالیسم است) اشاره نموده که به دو شکل متفاوت - یعنی سرنگونی این رژیم و جایگزین شدن یک رژیم وابسته و یا شکل غیر مستقیم - یعنی شکل استحاله درونی این رژیم از طریق رشد "بورژوازی لیبرال" و تبدیل تدریجی آن به یک رژیم وابسته طرحریزی شده است ،تصور می کنیم رفقائی که "شاهکار" بورژوازی کبیر را در بخشهای قبلی این مقاله خوانده باشند بسادگی در خواهند یافت که تحلیل در واقع کپیه و رونوشت همان "شاهکار" رویزیونیستی است که منتها اسامی بعضی از ظرفین ماجرا در آن تغییر و تبدیلاتی یافته ،در یکی رگ و ریشه امپریالیسم آمریکا و بادی او مانند نخستین رویه اشاره میشود و در تحلیل دیگر بنام "ضد انقلاب مطلوب" ،در یکی رژیم حمایت اصلاحی رژیمی قلمداد می شود که "با همه تواقص و معایبش" نخاطر آن که "ضد امپریالیست" و بویژه "ضد آمریکائی" است مورد حمایت امپریالیسم قرار گرفته و باید سرنگون گردد و در تحلیل دیگر چون این رژیم "مطلوب" ، "وابسته به امپریالیسم" ، "ابزار مناسب و ضمنی بورژوازی وابسته" و غیره نیست باید سرنگون گردد . ما در ابتدا نقل قول کبانوری را می آوریم و سپس از زوایای مختلف به نقد آن خواهیم پرداخت .کبانوری

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

می گوید:

"بقاء رژیم جمهوری اسلامی ایران در همین چارچوب خودش، با این سمتگیری ضد امپریالیستی و مبارزه ضد آمریکائی خودش با تمام آن خصوصیتی که دارد، با تمام کمبودها و نارسائیها و نواقصش برای امپریالیسم غیرقابل تحمل است و امپریالیسم خواهد کوشید از هر راهی که هست جمهوری اسلامی ایران را تضعیف کند تا حدی که بتواند وابستگان به خود یعنی بختیار و اویسی را بشکلی از اشکال بطور مستقیم یا غیر مستقیم به ایران باز گرداند. بطور مستقیم یعنی اینکه آنقدر اینجا تضعیف شود که آنها بتوانند با پیاده شدن در ایران همانطور که نقشه آنها بود ایران را "تسخیر" کنند. البته اگر کلمه "تسخیر" را به مفهوم سیاسی اش تلقی کنیم و اما بطور غیر مستقیم یعنی اینکه شرایطی بوجود آید که بتدریج حکومت بختیار مانندی در ایران تشکیل شود... این هدفی است که آمریکا دنبال میکند و یک لحظه هم از این هدف غافل نیست".

(مردم شماره ۳۵۲)

اما رفقای رزمندگان چه می گویند؟ آیا نیه آنها "تشکل مستقیم" با ده کردن هدف امپریالیسم آمریکا را چنین توضیح میدهد:

"این مجموعه ارتجاعی - امپریالیستی از مدتها پیش در جستجوی راههای مناسبتر درهم شکستن، سرنگونی جناح حزب جمهوری اسلامی، روی کار آوردن یک رژیم وابسته به امپریالیسم و بویژه سرکوب انقلاب ایران بودند. زیرا که اوضاع بسی شبات و متشنج ایران تحت حکومت رژیم جمهوری اسلامی که امواج انقلاب در زیر حکومت آن در تلاطم است برای رژیمهای ارتجاعی عرب و از جمله عراق بسیار خطرناک و تحمل ناپذیر میباشد. پس از آنکه مشاهده کردند که سکوک حاکم ایران تحت سرکردگی حزب جمهوری اسلامی در

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

مجموع پایه‌های خودرا با برپائی ارگانهای قانونی محکم گردند درصدد برآمدند که به راههای خشونت آمیز و مسلحانه برای نیل به مقصود خویش و درهم شکستن بلوک حاکم بر ایران متوسل شوند" (صفحه ۱)

آنگاه در صفحه دوم بیانیه "شکل غیر مستقیم" پیاده شدن هدف آمریکا را که از سوی جریانات مختلف به اسامی مختلف "روی کار آمدن حکومت بختیار مانند" یا "بنی صدریسم" یا "بورژوالیبرالها" از آن اسم برده میشود بیان میکند:

"بهرحال اگر امپریالیسم در واردگردن ضربه غافلگیرانه به ایران و روی کار آمدن حکومت مطلوب خویش از طریق تجاوز عراق موفق از آب درنیامد، اما قدرت یابی ارتش و بنی‌صدر در اثر جنگ که در حکم تقویت توان و امکانات بورژوازی در ایران میباشد در واقع در رحمت دیگری برای آن گشوده است و به این ترتیب توطئه‌های سرمایه‌داری جهانی از درون ارتش و با اتکاء به بورژوازی برای قبضه کردن قدرت فزون یافته است".

تا اینجا نقاط تشابه در تحلیل "رزمندگان" و "حزب توده" است ولی اگر بهمین نقاط اشتراک اکتفا کرده و نقاط افتراق را نیاوریم، قادر نخواهیم بود که تفاوت سوسیال شوینیسم و دفاع طلبی را ـ که یکی از زاویه دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی و دیگری از زاویه دفاع از انقلاب و ظاهرا (میگوئیم ظاهرا چون عملا اینطور نیست) علیرغم جمهوری اسلامی به دفاع از میهن بورژوازی بلند میشوند ـ بازگو کنیم و به ساده نگری خواهیم افتاد.

حزب توده رژیم جمهوری اسلامی ایران و بویژه جناح حزب جمهوری اسلامی آنرا مترقی، ضد امپریالیست و نماینده و رهبر انقلاب توده‌های ما میداند در واقع از زاویه دفاع از "خلق" است (حال اگر این "خلق" رژیم سوسیال امپریالیستی شوروی است بماند!) که به دفاع از این "رژیم خلقی" می پردازد. به عبارت دیگر

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

میکوبیدکه آمریکا برای سرکوب انقلاب ایران دست به سرنگونی رژیم حاکم بر ایران میزند که یک رژیم ضدانقلابی است. تحلیل رزمندگان از زاویه عکس این تحلیل، به همین نتیجه میرسد: رژیم ایران یک رژیم ضدانقلابی است که چون نمیتواند انقلاب مردم را بنحو مطلوب سرکوب کند، امپریالیسم آنرا سرنگون میسازد. از دو تحلیل متفاوت بیک نتیجه واحد میرسند: ساقط شدن رژیم جمهوری اسلامی و سرکوب انقلاب. این دو هدف بصورت توام با هم وجدائی ناپذیر با هم می آیند، مشخصی در یکی (حزب توده) رژیم ضدانقلابی و نماینده انقلاب است و در دیگری رژیم ضدانقلابی و خود سرکوبگر انقلاب. ما برای آنکه نشان دهیم چگونه رزمندگان این دو حکم را مترادف هم می آورد مثال هائی از همین بیانیه می آوریم:

۱ ـ صفحه اول سطر هشتم "... سرنگونی جناح حزب جمهوری اسلامی و ... سرکوب انقلاب ایران".

۲ ـ صفحه اول سطر بیست و دوم: "... برای ساقط کردن رژیم کنونی و سرکوب انقلابیون از طریق کودتا".

۳ ـ صفحه اول سطر بیست و ششم: "... رژیم کنونی را سرنگون کرده و جنبش انقلابی خلق را درهم بکوبند". (رجوع به ضمیمه صفحه ۵ شماره ۱)

البته (همانطورکه در بخش مربوط به حزب توده نیز تذکر دادیم) جای شک و شبهه وجود ندارد که امپریالیسم آمریکا از تمام اشکال مستقیم و غیرمستقیم برای اعمال فشار به رژیم جمهوری اسلامی و تحکیم بندهای سست شده وابستگی رژیم اقتصادی ـ سیاسی ایران به امپریالیسم آمریکا سکوت و نفی چنین توطئه ها و اعمالی فاصله زمانی از جانب امپریالیسم آمریکا در بهترین حالت خود یک خوش خیالی محض خواهد بود ولی این تحلیل صحیح یک چیز و "مدل" قرار دادن آن برای تجزیه و تحلیل تمام حوادث سیاسی ـ اجتماعی ایران و از جمله مسئله جنگ ایران و عراق چیز دیگر است. مارکسیستها در برخورد به مسائل انقلاب

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

همیشه از موضع پرولتاریا، انقلاب و موقعیت آرایش نیروهای طبقاتی حرکت کرده و هرگز مبدأ عزیمت خود را تضادهای درونی جناحهای بحنت ارتجاع (مثلا تضادهای امپریالیسم آمریکا با رژیم ارتجاعی حاکم) قرار نمیدهند و دقیقا با توجه به همین موضع پرولتری ـ انقلابی است که میتوانند جایگاه واقعی تضادهای درونی ارتجاع را در مبارزه طبقاتی جاری درجامعه دریابند و حتی بتوانند در صورت امکان از این تضادها بسفع مبارزه طبقاتی پرولتاریا و زحمتکشان با بورژوازی و امپریالیسم بهره برداری صحیح نمایند. نشان دادن تضادهای درونی جناحهای ارتجاع بجای تضاد پرولتاریا و زحمتکشان با بورژوازی و امپریالیسم یا به عبارت دیگر نشان دادن تضادهای ضد انقلاب حاکم "با" ضد انقلاب مغلوب بجای تضاد اساسی ضد انقلاب با ضد انقلاب حاصل در تسلط دن به روسیه بورژوازی و امپریالیسم و اسکان نقش پرولتاریا، زحمتکشان و انقلاب بعنوان موتور محرکه تاریخ جامعه طبقاتی و همان دنباله روی از یک جناح بورژوازی علیه جناح دیگر آن است. آیا برای اثبات این امر که رفقای رزمندگان به چنین ورطه هولناکی پا گذاشته اند کافی نیست که به دفاع طلبی آنان در این جنگ اشاره شود که نتیجه ناگزیر و محتوم آن دنباله روی از بورژوازی "خودی" علیه بورژوازی "بیگانه" است؟ حال اگر این دنباله روی از "ضد انقلاب حاکم" علیه "ضد انقلاب مغلوب" باسم دفاع از انقلاب توده ها و استقلال ایران عنوان شود، مسلماً قادر نخواهد بود که جوهر ارتجاعی مواضع دفاع طلبانه را بپوشاند و بی "شک" خود در جنگ و مبارزه طبقاتی این پوشش کاذب را از هم خواهد درید و چهره ضد انقلابی آنرا به انقلاب و پرولتاریا را نشان خواهد داد (۱).

همین زاویه دفاع طلبی را رزمندگان در سطور دیگری به وضوح نشان میدهند، در آنجا که میگویند تا وقتیکه این جنگ از جانب ایران جنبه "دفاعی" داشته و جنبه تجاوزی ندارد از آن

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

حمایت می کنیم:

"جنگ حاضر تا زمانی که جنگی است دفاعی میباید مورد حمایت ما قرار گرفته با صف مستقل خویش در آن شرکت جوئیم".

(صفحه ۲)

اما به جز این سطور و بعضی جاهای دیگر که صریحا بمفهوم حمایت از رژیم جمهوری اسلامی در جنگ علیه "عراق تجاوزگر" است، در موارد دیگر رفقای رزمندگان یک سرشت دوگانه برای جنگ قائل میشوند، یکی آن که جنگی است بین دو ضد انقلاب و دیگری آنکه جنگی میان انقلاب ایران با ضد انقلاب عراقی و مدعی میشوند که صحبت از شرکت در جنگ میکنند از زاویه انقلاب ایران میباشد که طبعا اگر چه ضد انقلاب ایران هم در آن شرکت دارد از زاویه منافع خود می باشد و بین انقلاب ایران با ضد انقلاب ایران علیه ضد انقلاب عراق یک همسوئی و ائتلاف وجود دارد. از همان نوع "ائتلافی" که سابقا رزمندگان در شماره ۱۳ نشریه خود به اینصورت مطرح کرده بود:

"در چنان وضعیتی است که امپریالیسم برای تقویت پایگاه طبیعی خود (یعنی بورژوازی لیبرال) حتی به دخالت نظامی بصورت کمک به جناحی از طرفین درگیری و متخاصم مبادرت خواهد نمود. در این حالت امپریالیسم با داشتن پایگاه نیرومندی که بخشهائی از بورژوازی لیبرال، ارتش و احیانا بخشهائی از تودههای فریب خورده که بخشهای عقب مانده عشایر باشد خواهد توانست هم با تجزیه ایران و دفاع از منطقه نفوذ و قدرت جناح متمایل بخود که قطعا جنوب ایران و منطقه نفتخیز باشد منافع حیاتی خود را در سطح خلیج فارس را با سداری کند و هم فضای جنگی مطلوب مورد نیازش را بوجود آورد... در چنین اوضاعی طبیعی است که آماج حمله کمونیستها و انقلابیون در درجه اول و عمدتا با پاسداران طبیعی و عمده نظام سرمایه داری وابسته یعنی بورژوازی لیبرال و

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

متحد آن امپریالیسم باشد. کمونیستها و انقلابیون باید بتوانند از تضاد خرده بورژوازی حاکم با امپریالیسم در مبارزه علیه امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته استفاده نموده و حتی در صورت مقتضی و در جهت نابودی بقایای سرمایه داری وابسته، خرده بورژوازی حاکم را که مهر ضد انقلابی بر پیشانی دارد به ائتلاف با خویش بکشانند و ضدیت آنرا با امپریالیسم نثار راه نابودی سیستم سرمایه داری وابسته نمایند". (صفحه ۷)

آنچه که اینجا مورد بحث ماست، البته مسئله ائتلاف، سازش موقتی یا همسوئی با جناحهائی از ضد انقلاب بشرط آنکه تحت شرایط مشخص و آرایش طبقاتی معین مصلحت پرولتاریا اقتضاء کند نیست، چرا که ائتلافهای بورژوازی از ابتدائی ترین اصول تاکتیک مبارزه طبقاتی پرولتاریا میباشد و اما ساکت ماندن بحث به اینجا که پس از یک کودتا با تهاجم امپریالیستی به ایران ما با کدام جناح از ضد انقلاب ائتلاف خواهیم کرد بحثی مجرد و روشنفکرانه خواهد بود چرا که در صورت چنان حمله ای وضعیت آرایش نیروهای طبقاتی و از جمله ترکیب جناحهای هیئت حاکمه چنان تغییر خواهد کرد که پیش بینی تاکتیکهای ائتلاف نیروها قبل از اینکه شرایط عینی و ذهنی چنان ائتلافاتی آماده کرده باشد ناممکن خواهد بود. اما نکته ای که در اینجا باید روی آن انگشت گذارد (همچنان که قبلا نیز تذکر دادیم) نقطه حرکت رفقا در تحلیل است. آنها بازهم بجای حرکت از موضع انقلاب پرولتاریا و وضعیت آرایش نیروهای طبقاتی، از تضادهای درونی ارتجاع، از ائتلاف امپریالیسم با جناح حزب رنزدیکی آن با جناح لیبرالها حرکت کرده و دقیقا بهمین خاطر میباشد که جناح خرده بورژوازی موجود در هیئت حاکمه کنونی را (که از نظر رزمندگان سرکرده رژیم است) بدون توجه به شرایط خاص آرایش نیروهای طبقاتی که پس از هر یک کودتای احتمالی شکل خواهد گرفت، از هم اکنون قابل

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

ائتلاف در مبارزه با امپریالیسم میدانند، برعکس اگر مبنای حرکت ما وضعیت آرایش نیروهای طبقاتی و موضع پرولتاریا باشد، واضح است که بهیچ عنوان از قبل نسبت به چنین ائتلافاتی با بخشهائی از هیئت حاکمه پیشگوئی نخواهیم کرد (البته "اشکال" رزمندگان در اتخاذ چنین تاکتیکهای رویزیونیستی فقط ناشی از نقطه عزیمت سورژوائی ـ رویزیونیستی آنها در تحلیل از پدیده های اجتماعی نیست بلکه مهمتر از آن به تحلیل آنها از هیئت حاکمه و تز رویزیونیستی ـ ترتسکیستی "خرده بورژوازی ضدخلق ـ ضد امپریالیست" میاندیشد که ما در ادامه این بحث بدان خواهیم پرداخت).

از نظر رزمندگان مقاومت پرسنل جزء، سربازان و توده های ایرانی در قبال "تجاوز عراق" نشان دهنده روحیه استقلال طلبی این مردم است و ربطی به رژیم حاکم بر آنها و سیاست ضد انقلابی آن (که قاعدتا باید نافی استقلال طلبی باشد) ندارد. توجه کنید:

"بنظر میرسد که عراق، امپریالیسم و ارتجاع منطقه در تجاوز به ایران طرح واردکردن ضربه غافلگیرانه ای را بمنظور تضعیف و تا توان ساختن نیروهای نظامی ایران در سرمی ـ پرورانندتا براساس آن ضدانقلاب مغلوب و عوامل و دستیاران و شرکای امپریالیسم در داخل کشور بتوانند بر علیه رژیم جمهوری اسلامی فعال شوند و سپس بکمک نارضایتی توده ها از حکومت کنونی زمینه قدرت یابی خود را فراهم سازند، غافل از آنکه نیرومندبودن روحیه استقلال طلبانه ضد امپریالیستی مردم ایران در توده های وسیع و سربرآورده ضد و ستیزه بودن شعله های انقلاب آب سردی بر آتش نقشه های آنها در جهت روی کار آوردن حکومت مطلوبشان ریخت." (صفحه ۲)

و همینطور:

"... ولی آنها (یعنی امپریالیستها ـ پیکار) در دیدن چیز

www.peykar.org

دیگری گوربودندوآن روحیه استقلال طلبانه و انقلابی توده ها و ارتشیان جزء برعلیه امپریالیسم وتجاوزکاران به ایران" بود" (صفحه ۲)

بعبارت دیگراین شعیرهائی که توده های مردم، پاسداران و ارتشیان (البته منهای امرای آن که شرکتشان درجنگ از زاویه ضدانقلاب حاکم است!) برای بورژوازی ایران میزنندناشی از اغفال آنها توسط شوینیسم بورژوازی خودی نیست بلکه از روحیه استقلال طلبی وضدامپریالیستی خودشان افراد ناشی میشود. بعبارت روشن تر، توده از رژیمی که برا وحکم میراند وبه او توهم دارد، بریا از نظام ارتشی که درآن خدمت میکند وتحت سیاست و به فرمان بورژوازی مسلط حمله میکند در مسیر "طبقه ای که حاکم برا یی میهن است حداکثر میتوند تا بدین طریق بتحریف کشیده شود- یعنی تحت عنوان "پاسداران حفظ صف مستقل" - توده ها و سربازان به دفاع از رژیم بورژوائی وطبقه بورژوازی بلندشوند وتا برنگردند که بطور واقعی (وبه درخیالپردازی های رویزیونیستی) از سیستمهای ارتجاعی مسلط برخوردا قعاً جدا میشوند. اگر این رویزیونیسم نیست پس چیست؟! اگر این تکه تکه کردن مفاهیم مارکسیستی نیست پس چیست؟! اگر این مخدوش کردن وابستگی ارگانیک (هرچندتلخ ولی واقعی) توده های سربازا زنظام ارتشی، میهن از طبقه و رژیم حاکم بر میهن و توده از رژیم و سیاست حاکم بر توده نیست؟ پس چیست؟ برای بورژوازی شعیرمیزن، ولی به اسم صف مستقل!

آیا براستی بحث بر سر "حفظ صف مستقل" است که "رزمندگان" آن را معمار و مرز خود با "اپورتونیسم راست" می شناسد که گویا این "صف" را منحل میکند و به دام انحلال طلبی می افتد؟ آن که بحث - آنچنان که ما اعتقاد داریم - بر سر ماهیت جنگ و غیرعادلانه بودن آن (یعنی همان چیزی که رزمندگان با اصطلاح "اپورتونیسم چپ" را بخاطر آن سرزنش میکند) و برخورد مارکسیستی لنینیستی با اپورتونیستی با آن است؟ رزمندگان می نویسد:

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

"اپورتونیسم راست از موضعی انحلال طلبانه، با تکیه یک جانبه (!؟) برتجاوز عراق ولزوم مبارزه با آن به پرده پوشی ماهیت ضدانقلاب رژیم حاکم بر ایران پرداخته و با دامن زدن به توهم توده‌ها و تطهیر حاکمیت ضدانقلابی عملا به ضد انقلاب خدمت مینمایند. اینان که تاحال سازش طبقاتی را تبلیغ میکردند، درلحظه بحرانی تاحد سربازان بی جیره و مواجب خرده بورژوازی حاکم تبدیل گشته اند." (صفحه ۲)

آیا ایجاد صف مستقل و مرزبندی با انحلال طلبی با هیاهو و عبارت پردازی های پوچ منشویکی بی معنا و مفهوم بدست میآید یا با حرکت از موضع طبقاتی "مستقل"؟ قبل از اینکه بخواهی دم از ایجاد صف مستقل بزنی، باید روشن کنی که آیا جنگ عادلانه هست یا نه؟ ورزمندگان با تاکتیک اپورتونیستی خود، با سرشت دوگانه قائل شدن برای این جنگ، با جداکردن توده های شرکت کننده درجنگ از سیاست حاکم برآن در این جنگ، و مبهم از طبقه حاکم، و توده های سربازاز نظام ارتشی درواقع میخواهد به نوعی - یعنی همان نوع رویزیونیستی وضدمارکسیستی - یک سرشت عادلانه برای جنگ قائل شود. تاسف بارتر از همه اینجاست که رزمندگان حتی برای آنکه با اصطلاح "اپورتونیسم چپ" (یعنی همان مارکسیسم اصل و انقلابی که معمولا ازطرف اپورتونیستها و رویزیونیستها به این اسم کوبیده میشود) که جنگ اخیررا "غیر عادلانه" میدانند مرزبندی نمایند به تحریف آشکار وقایع و جعل حقایق زده ودرشرایطی که رژیم سفاک جمهوری اسلامی خون کمونیستها را که در این جنگ ازبرادری خلقها و مبارزه رحمتکشان علیه استثمارگران حرف میزند برزمین میریزد به چنین اکاذیب رویزیونیستی متشبث میشوند:

"هم اکنون نیروهای کمونیست با تشخیص صحیح موقعیت دوش بدوش توده های مردم درمناطق جنگی جبهه ای مستقل در

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

مقابل تجاوزات عراق به‌جان ومال مردم‌کشوده‌اند".
(صفحه ۳ بنیانیه)

به‌این ترتیب ما به‌وجوه افتراقی که‌بین تحلیل رزمندگان وتحلیل حزب توده‌وجوددارد میرسیم: اولی (موضوع شوونیستهای رسوا) آشکارا ماهیت جنگ را از جانب رژیم جمهوری اسلامی عادلانه میداند، دومی (دفاع طلبان) اگرچه گاهی همین حکم را میدهد ولی ظاهرا برشتی دوگانه‌برای طرف ایرانی قائل بوده‌وجنگ را از جانب رژیم ایران "تدافعی" ولی از جانب توده‌های ایران عادلانه میداند، اولی درتاکتیک "صف مستقل" را رعایت نکرده واز هواداران خودمیخواهدکه درستادبسیج مستضعفین برای جنگ اسم‌نویسی کنند، دومی با اصطلاح "صف مستقل" میازدوبرای اینکه ادعایش درعمل هم‌مصداقی پیداکند دست بیک دروغ آشکار، یک تحریف رویزیونیستی وجعل حقایق میزند، یکی تاکتیکش حمایت بی قیدوشرط ازرژیم‌جمهوری اسلامی است، دیگری همسوئی و ائتلاف با این رژیم‌را علیه امپریالیسم مطرح میکند:

"آنها پیش بینی نمیکردندکه‌توده‌های قهرمان ایران هرگز اجازه‌نمیدهندکه‌امپریالیستها ازمبارزه‌انقلابی شما علیه‌رژیم‌جمهوری اسلامی استفاده‌کنند". (صفحه ۲) (وهمینطور مراجعه‌شودبه‌نقل قولی که‌قبلا ازنشریه‌رزمندگان شماره ۱۲ نقل کردیم).

اینها تفاوتهائی ظاهری است واگرقرارباشدکه‌درعمل بیگمرانه‌وطبق تئوری پیاده‌شود بیگمان شبیه‌به‌هم‌خواهندشد، مگرآنکه‌نسخه دوم‌بخواهد التقاطات خودرا تکندوسنگ تحلیل وتاکتیک واقعا مارکسیستی یعنی عبرتا دلالت‌دانستن ماهیت جنگ وعدم‌شرکت درآن روی آورد.

★ ★ ★

اینک این سئوال مطرح میشودکه‌چرا تحلیلها وتاکتیکهای

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

رزمندگان و حزب توده علیرغم تفاوت هائی که با یکدیگر دارند در عمل نیکدیگر نزدیک می شوند؟ لنین می گوید:

"برای یک مارکسیست، روشن کردن سرشت جنگ پیش شرط لازمی برای اتخاذ تصمیم در مسئله برداشتن از جنگ است. برای چنین روشن کردنی، حیاتی است که ابتدا و مهمتر از همه شرایط عینی و مقتضیات مشخص جنگ مورد بحث را روشن کرد. لازم است که جنگ را در محیط تاریخی ای که در آن جریان می یابد در نظر گرفت. تنها آن موقع است که شخص میتواند رویه خود را نسبت به آن تعیین کند. در غیر اینصورت سهمین نتیجه ندا تروریالیستی بلکه التقاطی خواهد بود. بسته به مقتضیات تاریخی، رابطه طبقات و غیره، رویه نسبت به جنگ در مواقع مختلف بایستی متفاوت باشد. حقیقت است که همیشه و در هر حال جنگ را در اصل نفی کرد. از سوی دیگر نیز حقیقت است که جنگها را نه دفاعی و تهاجمی تقسیم نمود". (صحبت درباره پرولتاریا و جنگ ـ به نقل از "تقسیل قولهائی از لنین درباره جنگ" صفحه ۱۰)

تحلیل رویزیونیستی و موضع سوسیال شوینیستی حزب توده از این جنگ روشن است:

اولا، رژیم ایران یک رژیم ضد امپریالیست و از اینرو برای امپریالیسم آمریکا غیرقابل تحمل است و باید سرنگون شود یا استحاله یابد.

ثانیا، رژیم ضد امپریالیست "عراق!؟) گرایش به امپریالیسم آمریکا داشته و در اتحاد با او دست به جنگ تجاوزکارانه علیه رژیم ایران زده است.

ثالثا، جنگ از جانب ایران عادلانه و بمفهوم دفاع از میهن انقلابی است.

اما تحلیل "رزمندگان" چطور:

اولا، رژیم ایران یک رژیم سرمایه داری ضد انقلابی است ولی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

وابسته به امپریالیسم نیست وحتی دولت ضد امپریالیست است بنابراین برای امپریالیسم آمریکا غیرقابل تحمل بوده و باید سرنگون شود یا استحاله یابد.

ثانیا، رژیم عراق ضد انقلابی است که اخیرا "گرایش براست" (این عین اصطلاحی است که رزمندگان بکار برده، گویا از وقتیکه رزمندگان سوسیال امپریالیسم شوروی را مورد سئوال قرار داده دیگر فقط این آمریکاست که "راست" است ولابد شوروی "چپ" است!) پیدا کرده و در اتحاد با آمریکا دست به این جنگ تجاوزکارانه زده است.

ثالثا، جنگ از جانب ایران ("خلق ایران"!) عادلانه است و باید با حفظ "صف مستقل" در آن شرکت کرد.

نقطه کلیدی در تحلیل دوم که آنرا به تحلیل رل سوپر بلک میکند، دقیقا در برداشت رزمندگان از ماهیت ایران، نظام اقتصادی ـ اجتماعی و سیستم سیاسی حاکم بر ایران، از طبقه حاکم ایران و سنتور کلی رابطه سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم ایران با سیستم جهانی سرمایه داری امپریالیستی و بالاخره تئوری معروف "ضدخلق ـ ضد امپریالیست" نهفته است. دقیقا این تحلیل طبقاتی خاص است که رزمندگان را به تحلیل کاملا بظاهر متضاد با آن نزدیک می سازد.

در نظر رزمندگان سرمایه داری ایران، یک سرمایه داری "خودپو" و مستقل است که نه در اثر نیازهای سرمایه امپریالیستی بلکه در اثر حرکت "خودپوئی" خود در ایران مستقر شده و امپریالیسم بعنوان یک "عامل خارجی" فقط در این استقرار سرمایه داری به بورژوازی ایران کمک کرد: در نتیجه سرمایه داری وابسته ایران نوعی از سرمایه داری در جوامع وابسته به امپریالیسم نیست که در آن قانون سود ما فوق انحصاری حاکم باشد، بلکه در واقع یک جامعه سرمایه داری است که دارای یک رشته وابستگی های اقتصادی سیاسی، فرهنگی، نظامی و ... به امپریالیسم است، بنظر رزمندگان

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

پس از سرنگونی شاه، رژیم جمهوری اسلامی مستقر شد که در آن ترکیبی از دو طبقه وجود دارند: جناح خرده بورژوازی مرفه سنتی که از بقایا رت به اسنطرف سرکردگی را در دست دارد و در عین حال که ضد خلق است یعنی کارگران، دهقانان وزحمتکشان شهری و روشنفکران انقلابی را سرکوب میکند ولی ضد امپریالیست هم - هرچند محدود - میباشد و از بیرون نمیتوانند ابزار مناسبی برای احیای سلطه امپریالیسم باشد، جناح دیگر بورژوازی لیبرالها هستند که نمایندگان سیاسی و ابزار عمده احیای سلطه بورژوازی کمپرادور هستند. در نتیجه این رژیم وابسته به امپریالیسم شده و با وجود آنکه رژیم سرمایه داری ضد انقلابی است ولی وابسته به امپریالیسم نمیباشد، و از همین رو که وابسته نیست وحتی ضد امپریالیست است و ضد آنکه بورژوا لیبرالها هم در آن سرکردگی را بدست آورند و خود ندارد امپریالیسم میخواهد آن را مسلحانه سرنگون کند. (این مطلب که رژیم جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیسم نمی باشد را رفقای رزمندگان در همین شماره حاضر چندین بار تکرار کرده اند) ما تئوری رزمندگان در مورد ساخت جامعه و ارزیابی از آرایش طبقات را در ضمیمه های پیکار مورد نقد قرار داده ایم. نکته مهم در اینجا اینکه رزمندگان مبتنی بر تئوری انحرافی خود میان سیاست خارجی و سیاست داخلی رژیم حاکم بر ایران نقاب انداخته و سیاست خارجی آنرا "ضد امپریالیست" و سیاست داخلی اش را "ضد خلقی" میدانند. اینها سرچشمه برداشتهای روبزیونیستی - تروتسکیستی رفقا از رژیم و طبقه حاکم بر ایران، و همین ها هست علت برداشتهای نادرست آنها در مسئله جنگ اخیر. از بسیاری در رابطه با تاکتیک نسبت به جنگ اخیر آن حلقه کلیدی که تحلیل متفاوت رزمندگان را با تحلیل رویزیونیست ها در عمل یک نتیجه واحد میرساند و دفاع از بورژوازی "خودی" می افتد همان تز "ضد خلق - ضد امپریالیست" رزمندگان و رابطه این تز با تز "ضد کمونیست - ضد امپریالیست"

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

چریکهای فدائی اکثریت و "حکومت ترقیخواه وضد امپریالیست" حزب توده در ارزیابی از قدرت سیاسی حاکم است.

اگر سیاست ها و تاکتیکهای ناشی از تز اول با سیاستها و تاکتیکهای مبتنی بر تزهای آشکارا رویزیونیستی اختلاف داشته اما بدلیل "ضد امپریالیست" بودن قدرت سیاسی حاکم (چرا که با ارزیابی رزمندگان هزمونی با خرده بورژوازی است) در مورد سیاست خارجی رژیم تاکتیک و سیاست رزمندگان (از جمله در مورد ارزیابی از ماهیت جنگ اخیر و تاکتیک نسبت به آن) عملا در تطابق با تاکتیک و سیاست رویزیونیست ها قرار میگیرد. چرا که در اینجا تز "ضدخلق ـ ضد امپریالیست" رزمندگان با تز رویزیونیست ها در تطابق با هم قرار می گیرد.

تز رویزیونیستی ـ تروتسکیستی "خرده بورژوازی ضدخلق ـ ضد امپریالیست" نقطه نظرتازه ای نیست که رفقای رزمندگان "تضادی" به دام آن افتاده باشند بلکه در نوشته های این رفقا و با حداقل گرایشی در درون این جریان از مدتها قبل وجود داشته و به حیات رو به رشد خود ادامه داده است. در نشریه رزمندگان شماره ۱۱ می خوانیم:

"قطع روابط سیاسی با اسرائیل و نیز با مصر ـ آنهم از بالای سر کابینه و وزارت امور خارجه ـ قطع فروش نفت به اسرائیل و آفریقای جنوبی، خروج از پیمان سنتو و فراخواندن نیروهای نظامی ایران از ظفار، و دفاع از جنبش های آزادیبخش و بهمرفته نمودهای حضور رکه قدیت با امپریالیسم ـ البته بصورت جزئی و ضعیف ـ درون هیئت حاکمه میباشد. حضور رکه های جزئی و ضعیف قدیت با امپریالیسم در مقابل تلاشهای همه جانبه تمامی هیئت حاکمه و جناحهای مختلف آن برای سرکوب مبارزات انقلابی توده ها و در جهت براه انداختن و تثبیت نظام سرمایه داری وابسته حکم گاهی را در مقابل کوه دارد و طبیعی است که اقدامات وسیع حساب

www.peykar.org

شده و همه جا شیوه رژیم حاکم برای تثبیت و ادامه حیات سرمایه ـ داری وابسته، کاملا روی مایه های رقیق ضدامپریالیستی و شعارهای استقلال طلبانه بخشی از هیئت حاکمه سابه سی ـ اندازد و آنرا تحت الشعاع قرار میدهد. درحقیقت آنچه که موجب ادامه حیات این مایه های رقیق استقلال طلبی و دوام کشمکش های درون هیئت حاکمه گردیده است، تلاطم عظیم جنبش توده ها است که زمینه قوی ماندن جناح خرده بورژوازی درهیئت حاکمه (که از نظر رزمندگان دارای "قدرت برتر" و هژمونی است ـ بیکار) و سوء استفاده وی را از غلیان توده ها برعلیه جناح دیگر، فراهم میسازد". (صفحه ۶۱)

تز "خرده بورژوازی ضدخلق ـ ضد امپریالیست تروتسکیستی است زیرا بر این درک تروتسکیستی از ساخت جامعه سرمایه داری وابسته ایران مبتنی میباشد که گویا سرمایه داری ایران "خودپو" بوده و درنتیجه خرده بورژوازی ایران میتواند در عین حال که در جلوی انقلاب ایستاده دارای گرایشهای استقلال طلبانه بوده و درمقابل امپریالیسم مبارزه کند، شانیا رویزیونیستی است زیرا سیاست خارجی یک دولت طبقاتی را که نمیتواند انعکاسی از سیاست داخلی آن کشور نباشد، جدا از سیاست داخلی و درضدیت با آن قرار میدهد که گویا هیئت حاکمه ایران در عین حال که ضدانقلابی است و در سیاست داخلی به سرکوب کارگران، زحمتکشان و ملت ها می پردازد ضد امپریالیست نیز هست ولذا تا درست در سیاست خارجی در قبال امپریالیسم ایستاده و علیه آن مبارزه کند، تعیین میکنید:

"هیچ عقیده ای نمیتواند شتابه تر با زیان بارتر از جدا کردن سیاست خارجی از داخلی باشد. بی اعتباری دد منشانه این جدائی در زمان جنگ حتی دد منشانه تر هم میشود. بدینسان بورژوازی دست به هر عمل ممکن و غیرممکنی میزند تا

www.peykar.org

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

قرار گرفته و مشخصا در مقابل انقلاب قرار گرفته و به سرکوب کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری دست میزنند طبعا دیگر نمیتوانند دارای گرایش ـ هرچند ضعیف ـ ضد امپریالیستی باشند. در میزان حمایت انقلابی یک طبقه نسبت وجود دارد یک طبقه مانند بورژوازی مرفه در انقلابی بودن ناپیگیر و موقتی است، ولی هیچگاه نمیتوان در آنتاگونیسم میان انقلاب و ضدانقلاب خدشه وارد کرده و یک نیروی ضدانقلابی را صاحب گرایشهای انقلابی دانست.

اگر ما رژیم ایران را فاقد هرگونه عنصر ضد امپریالیستی بدانیم و میان این رژیم و تمام جهان امپریالیستی تضاد ماهیتا مترقی قائل نشویم طبیعی است که در جنگ فعلی نیز نمی توانیم قائل به هیچگونه جنبه ضد امپریالیستی برای این رژیم گردیم. ولی اگر این رژیم را هم فاقد خلقی بدانیم و هم ضد امپریالیست، طبعا مجبور هستیم که در تحلیلهای خود برای آن سرشت دوگانه قائل شده و در نتیجه در این جنگ هم بنوعی جانب او را بگیریم.

مجموعه شرایط طبقاتی، مقتضیات عینی و تاریخی به ما نشان میدهد که این جنگ از هر دو طرف جنگ (ایران و عراق) ماهیت غیر عادلانه دارد. علاوه بر آن که هر دو رژیم برای سرکوب انقلاب در کشورهای خود دست به این جنگ خارجی زده اند، نیات توسعه طلبانه بورژوازی نیز در پشت عمل آنها نهفته است. عراق میخواهد موقعیت برتر در خلیج پیدا کند و ایران میخواهد موقعیتی را که شاه در خدمتگزاری به آمریکا برای ایران در خلیج دست و پا کرده بود تکرار کند و صدور انقلاب اسلامی "بپردازد و... طبعا امپریالیستها و بویژه آمریکا و روسیه نیز از این جنگ هم برای سرکوب انقلاب در منطقه و هم برای حفظ و تقسیم مناطق نفوذ و منافع غارتگرانه شان بهره برداری می نمایند. این تحلیل طبقاتی مشخص به نتیجه دیگری جز این نمی تواند منتهی شود که جنگ از

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

هردو سوغیرعادلانه میباشد.

اختلاف ما با رفقائی که این جنگ را نقشه آمریکا برای رشد "ضدانقلاب مغلوب" در ایران میدانند به ارزیابی از سطح جنبش توده‌ای یعنی به اختلاف در ارزیابی از تاکتیک برنمیگردد (اگر چه آن هم هست) بلکه در اساس اختلاف بر سر درک از ماهیت جنگ و درک از رژیم و طبقه حاکم بر ایران و همچنین عراق است. اختلاف ما بر سر این نیست که مثلا آیا سطح جنبش توده‌ای در ایران آنقدر بالا رفته که کمونیستها علیرغم جنگ غیرعادلانه‌ای که درگرفته است بتوانند با استفاده از این موقعیت دست به اسلحه برده علیه هر دو رژیم مبارزه کرده برای کسب قدرت سیاسی کوشش کنند یا نه؟ خیر، اختلاف بر سر درک از خود ماهیت جنگ است. "رزمندگان" به ما که جنگ را غیرعادلانه میدانیم لقب "اپورتونیست چپ" داده و پیش بینی میکنند که در نتیجه این موضعگیری از توده‌ها منزوی شده و در نتیجه به جنبش کمونیستی ضربه وارد می آید. بعبارت دیگر علت اینکه رزمندگان ما را "چپ" میخوانند، بدلیل اتخاذ شعار تاکتیکی زودرس از جانب ما نیست، چرا که روشن است که ما شعار ترویجی "جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی تبدیل کنیم" را نه بعنوان یک شعار برای عمل فوری و یک تاکتیک مشخص، بلکه بعنوان یک تاکتیک انقلابی مارکسیستی لنینیستی که کمونیستها همیشه برای تبدیل جنگهای ارتجاعی بورژوازی به جنگهای داخلی طبقات انقلابی علیه بورژوازی استفاده کرده‌اند، بکار میبریم. در نتیجه رزمندگان کاملا بحق است که به ما در رابطه با ارزیابی مان بر سر ماهیت جنگ و نه احیانا شعار تاکتیکی ما "ایراد" میگیرند. اتفاقا ما نیز با رزمندگان بر سر اینکه آنها نمی توانند در شرایط فقدان "موقعیت انقلابی" یک صف مستقل از توده مسلح بوجود آورند (یعنی توده‌ای که برای کسب قدرت سیاسی اسلحه بدست گرفته و حامل سیاست مستقل پرولتری است) مشاجره نمی کنیم، بلکه اختلاف ما با آنها را اساسا در نا درستی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

تحلیل و درک ما درست آنها از ماهیت جنگ و تاکتیک پوپولیستی و دفاع طلبانه آنها می دانیم.

جنگ نمی تواند دارای دو سرشت باشد. وقتیکه آلمان هیتلری به اتحاد شوروی استالینی اعلان جنگ داد، جنگ فاشیسم هیتلری که تا آن موقع از هیچیک از طرفین جنگ جنبه ترقیخواهانه نداشت پس از اینکه هیتلر به شوروی لشکرکشید از جانب شوروی خصلت ترقیخواهانه و دفاع طلبی انقلابی (یعنی دفاع از میهن انقلابی سوسیالیستی) پیدا کرد. اینک امپریالیست های آمریکائی و انگلیسی بصورت متفقین شوروی درآمده حتی طبقاتی این دول ارتجاعی را تغییر نداد، بلکه آنها در ائتلاف با شوروی علیه آلمان، مجبور شدند که سیاست ائتلافی فاشیستی را که ترقیخواهانه و متکی بر دفاع از شوروی سوسیالیستی بود بپذیرند.

درنتیجه در جنگ شوروی و متفقین علیه آلمان هیتلری و متحدینش، سرشت جنگ از جانب متفقین دوگانه نبود که مثلا از جانب انگلیس و آمریکا سرشت غیرعادلانه ولی از جانب شوروی سرشت عادلانه داشته باشد، بلکه برعکس جنگ از جانب متفقین یک سرشت عادلانه مشترک داشت و آن سرشت ضدفاشیستی جنگ بود.

اینک در جنگ ایران و عراق نیز نمیتوان درحالی که هنوز بیشتر توده ها نسبت به این رژیم دچار توهم بوده و سلطه آنرا می پذیرند، توده ایران را از رژیم ایران جدا کرده و مدعی شد که جنگ از زاویه رژیم ایران ارتجاعی ولی از جانب توده ایران انقلابی و دفاع است. (در آخر نشان خواهیم داد که نظرات رهنمودگان (در شماره ۳ خود) تحلیل داده و در همین بیانیه شماره ۲ هم تصریح می نمایند

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

کمونیستها و انقلابیون باید با هیئت حاکمه یا حداقل بخش سرکرده آن (که بقول رزمندگان خرده بورژوا هستند) علیه امپریالیسم اشتلاف ببندند که در این صورت با زهم جنگ از طرف ایران دارای یک سرشت واحد بوده و آن هم عادلانه بودن جنگ است. علاوه بر این، هم چنانکه قبلا نیز گفتیم جدا کردن توده یک ملت از رژیمی که بر آن ملت حکومت میکند و این توده هنوز نتوانسته نه جدا از آن رژیم یک "رژیم توده ای" بوجود آورد و به اینکه آنچنان موقعیت انقلابی وجود دارد که این توده برای کسب قدرت سیاسی دست به اسلحه برد، یک مثل رویزیونیستی و از همان نوع توجیهات رویزیونیستی کیا نوری است که در زمان قبل از قیام می گفت چون ۹۰ درصد پرسنل ارتش ایران از دهقانان و کارگران هستند پس ایران ارتش خلقی است!!

با وجود آنکه رفقای رزمندگان نیز در تحلیل از این جنگ و حرکت از تضاد انقلاب با ارتجاع برعکس از نیروهای دروغین ارتجاع شروع کرده اند، لیکن ما مطمئن هستیم که رفقای رزمندگان برخلاف رویزیونیستهای حزب توده ای و فدائی (اکثریت) و سه جریانی هنوز طالب انقلاب هستند. ما می دانیم که این مواضع به غایت انحرافی که در نهایت می تواند بدل به یک جریان رویزیونیستی شود هنوز انسجام نیافته و می تواند چنانچه با یک مبارزه ایدئولوژیک کمونیستی علیه این گرایش رویزیونیستی روبرو شکستی همراه گردد، تصحیح شده و به موضع واقعی دفاع از انقلاب و توده ها باز گردد. رفقای "رزمندگان" مواضع اخیرشان موضع دفاع از انقلاب و استقلال و مردم نبوده و برخلاف آنچه که در نیروانه شماره ۲ ادعا شده است منافع بورژوازی حاکم است. این مواضع دفاع طلبانه باید طرد گردد.

ب: "راه کارگر" ـ دفاع طلبی یا سوسیال شوینیسم؟

مواضع اخیر "راه کارگر" در مورد جنگ ایران و عراق را نمی توان "دفاع طلبی" بمفهوم واقعی خود، یعنی شرکت در جنگ از روی صمیمیت و اعتلاء انقلاب و توده ای و وحدت نیروی سلحانه به انتلاع

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

با تظاهر به حفظ صف مستقل نامید.

مواضع این سازمان را در عین حال نمی توان سوسیال ـ شوینیستی بمفهوم کامل کلمه، یعنی دفاع کامل از میهن در جمهوری اسلامی خواند (آن چنان که رسوایان رویزیونیست تبلیغ می‌ـ کنند) بلکه موضع این تشکیلات چیزی است میان دفاع طلبی و سوسیال شوینیسم ـ والبته بیشتر سوسیال شوینیسم تا دفاع طلبی. راه کارگر نه تنها دم از ایجاد "صف مستقل" هم نمی زند، بلکه حتی افشاگری علیه رژیم جمهوری اسلامی را در این شرایط کاری غیر عمده اعلام کرده و به حال رژیم دلسوزی کرده و از او میخواهد که به توده ها اعتماد کند و آن ها را در "شوراهای" کارگری، دهقانی و محلات تشکیل نماید!

فرمول "راه کارگر" در توضیح ماهیت جنگ نیز همان فرمول رزمندگان است که کمی پس و پیش شده و خوش آب و رنگ شده است. یعنی اینکه امپریالیسم امریکا نمی تواند رژیم جمهوری اسلامی را تحمیل کند و خواستار آن است که این رژیم را یا به شکل مستقیم (یعنی از قبیل همین "جنگ تجاوزکارانه") و یا به شکل غیر مستقیم (یعنی تقویت ارتش و جناح لیبرال ها) سرنگون یا رام نماید.

در ابتدا "راه کارگر" در توضیح علت اینکه چرا امپریالیسم امریکا نمی تواند رژیم را تحمل کند می گوید:

"حکومت اسلامی یک حکومت وابسته به امریکا و دست نشانده آن نیست بلکه حکومتی است مستقل. این استقلال سیاسی بدان ـ معنی نیست که رژیم اسلامی در جهت از میان بردن وابستگی نظام تولیدی کشور حرکت کرده است یا می کند." (راه کارگر ـ ضمیمه شماره ۴۳ ـ ص ۱) و بعد:

"تردیدی نیست که امپریالیسم امریکا از مدتی قبل برای سرـ نگونی جمهوری اسلامی تلاش میکند زیرا حکومت اسلامی در عین سرکوب انقلاب (توجه کنید: "راه کارگر" قبول می کند که انقلاب سرکوب شده و نکست دیده و اسلامی ارتجاعی است که ما را

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

از راه کارگر جدا می کند ـ پیکار) نتوانسته است اقدامات لازم را برای ـ اقتصاد کشور به عمل آورد. زیرا حکومت اسلامی نتوانسته است متناسب با سرکوب گانونهای حرکت انقلابی در بازسازی وتجدید سازمان سرمایه داری وابسته اقدام کند."
(ص ۲)

و اما شکل مستقیم سرنگونی رژیم:

"امپریالیسم امریکا موانع سابق را برای اقدام به سرنگونی شاه دی برطرف شده می بیند و شرایط مقتضی برای سرنگونی شاه دیگری موجود، و از اینجا است که برای سرنگونی رژیم اسلامی تلاش می کند." (ص ۲)

و اما شکل غیر مستقیم یا استحاله:

"در نتیجه این جنگ نیازمبرم حکومت اسلامی به ارتش مدرن و منظم احساس خواهد شد. ارتش ایران تماما به سازوبرگ امریکائی مجهز است و در یک درگیری کلاسیک، اولا" ارتش بدون و یا با زیاد بازسازی خواهد شد و در نتیجه یکی از اهرمهای اقدام امپریالیسم علیه ایران (ایران ؟!) نیرومند خواهد شد و احیاء خواهد گردید. و ثانیا" ارتش مدرن، تجهیزاتی لازم دارد که حکومت اسلامی برای تدارک و تهیه آنها ناگزیر خواهد شد روابط خود را با امریکا و متحدان آن بهبود بخشد." (ص ۳)

اما در رابطه با طرف دیگر که رژیم عراق باشد، راه کارگر در این "ضمیمه" خود برخلاف اعلامیه ۳۱ شهریور که رژیم عراق را "قرد نوکر امپریالیسم" میخواند اکنون به فرمول جدید "همکاری عراق با امریکا" همسوئی منافع آن ها در راه انداختن جنگ تجاوزکارانه علیه ایران تشبیث می شود:

"در این مسئله تردیدی نیست که عملیات رژیم عراق علیه حکومت اسلامی از حمایت مستقیم امپریالیسم امریکا بهره مند است و با همکاری مستقیم امریکا صورت می گیرد." (ص ۲)

این ادعائی است که بهمان اندازه "عراق قرد نوکر امریکا"

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

پوچ وخالی از حقیقت است .زیرا همچنان که قبلا" نشـــان داده ایم جنگ ایران وعراق دردرجه اول ادامه سیاستهای قبل از جنگ دورژیم است وامپریالیستهای مختلف وازجمله امریکا و روسیه از آن به نفع خود استفاده وبهره برداری می کنند وعراق را مؤتلف امریکا خواندن یک امر غیرواقعی است .

راه کارگر نه تنها جنگ رژیم ایران را علیه رژیم عراق جنگـی عادلانه وعلیه امپریالیسم می داند ،بلکه حتی با "زبانی" بورژوائی به دفاع از آن برمی خیزد ،زبانی که بیشتر به دردروزنامه هـــای بورژوا لیبرال می خوردحتم برای اقامه دعوا در دیوان بین المللی لاهه مناسب است :

"... حتی تاءسیسات غیرنظامی ما بمباران نموده اند بـ لاشگاه آبادان ،بنحوجنایت کارانه وبرخلاف تمام قراردادهای بین المللی که حمله به هدفهای غیرنظامی را منع میکند ،بمباران شده ـ است ." (ص ۱)

واقعا" که دفاع از مبین بورژوائی هم حزبا حقوق وآداب بورژوا ـ ئی امکان پذیرنیست . بمباران تاءسیسات نظامی وصنعتـــی عراق ومهمتر از آن بمباران مناطق مسکونی وکشتار زحمتکشان شهرهای عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی "جنایت کارانـــه" نیست ولی همین عمل از جانب عراق "جنایت کارانه" است .لابـد برای آن که عراق "اول" تجاوزکرده است! درجای دیگر رفقا مـــی ـ نویسند :

"بی شک ماهیت وخصلت جنگ عوض نشده است ولی مشخص است که کشور (!) ازطرف امپریالیسم ومتحدآن مورد تجاوز قرارگرفتـه است ." (ص ۳)

ماهیت دولت هرچه میخواهد باشد ولی "تجاوز به کشور" بالاتر از ـ همه مقدسات وحتی تقدس مبارزه طبقاتی پرولتاریا است تمام مقالات "راه کارگر" در این "مسئله" از همین روح حاکم منشـی درقبال "ارزشهای بورژوائی" سرشار است راه کارگر در دنباله این تحلیـل

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

رویزیونیستی از ماهیت جنگ ، از سوسیال شوینیسم به دفاع طلبی و از دفاع طلبی به سوسیال شوینیسم خوشان می کند . و داشمیان این دو در نوسان است . رژیم را ضد دمکراتیک می داند و جنگ عراق را با ایران از زاویه "خلق ایران" عادلانه میخواند (دفاع طلبی) ، امامجددا دم از دفاع از حکومت "ارتجاعی" در مقابل "ارتجاعی تر" می زند (سوسیال شوینیسم) ـ که این دیگر اوج رویزیونیسم و قلب مارکسیسم است . توجه کنید :

"چرا ما این جنگ را یک جنگ تجاوزکارانه از طرف عراق و امریکا می دانیم ؟ مسلماً نه بدلیل اینکه حکومت ایران یک حکومت انقلابی ، دموکراتیک و خلقی است . (چرا که قضیه درست عکس این است) بلکه دقیقا بدلیل اینکه جنگ عراق با حکومت اسلامی پیش از آنکه با حکومت اسلامی ما شدت خلقی ماست . زیرا در نتیجه این جنگ و از طریق این جنگ حکومت اسلامی سرکوب می شود . ایران استقلال سیاسی خود را نیز از دست خواهد داد و امریکا یک بار دیگر حضور سیاسی خود را در کشور ما سازمان خواهد داد و یک حکومت دست نشانده را در ایران بر سر کار خواهد آورد" (ص ۲) (تاکید از ماست)

و بعد اوج ماکتیک رویزیونیستی "لنگه کفش در بیابان غنیمت است" ! :

"ما یک دولت ناوابسته را هرچند که این دولت ضد موکراتیک باشد بر دولتی که تجاوز امپریالیسم روی کار خواهد آورد مسلما و قطعا ترجیح می دهیم . (سوسیال شوینیسم) ! از این رو معتقدیم که این تجاوز دقیقا" و قطعا" علیه خلق ماست (دفاع طلبی) (ص ۳)

رفقای راه کارگر ! پیشتر ها دمی کنیم که چندتا قبد دیگر از قبیل موکدا" و حتما" هم اضافه کنید تا ظلمت خود را در شکست طلبی صرف نظر کردن از انقلاب و اکتفا کردن به انتخاب مدل های رژیم های ارتجاعی و ارتجاعی تر ، بیشتر نشان دهید . اگر کار شما

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

فقط این باشد که میان یک مدل ارتجاعی با مدل ارتجاعی تر دیگر یکی را انتخاب کنید و دنباله رو یک جناح ارتجاع شوید، پس وظیفه انقلابیون در انتخاب انقلاب در راه انقلابی چه می شود؟! یا در این جنگ ماهیتاً ارتجاعی که از طرف دو رژیم ارتجاعی صورت گرفته است و سیاست ارتجاعی از هر دو طرف بر آن حاکم است نباید کمونیست ها طالب شکست رژیمهای بورژوائی "خودی" بوده و فعالانه طالب گسترش انقلاب توده ها و کسب قدرت سیاسی انقلابی باشند؟ این تاکتیک رویزیونیستی راه کارگر، تاکتیک صرف نظر کردن از انقلاب و چشم امید بستن به یک جناح ارتجاع علیه جناح دیگر آن می باشد. ریشه های عمیق و پربار بغه سیاسی ـ ایدئولوژیک در این رفقا دارد. مدتها قبل این رفقا اعلام داشتند که:

"در عین حال که رژیم کنونی ایران را خلقی نمیدانیم و معتقدیم که در صورتی که بازگشت رژیم منحوس شاهنشاهی و با امکان دخالت مستقیم امپریالیسم (از طریق کودتای نظامی و از طرق دیگر) مطرح باشد همه نیروهای ترقی خواه و انقلابی باید برای مبارزه با آن در کنار همین رژیم کنونی قرار بگیرند و با تمام نیرو از تحقق این فاجعه جلوگیری کنند." (راه کارگر ضمیمه شماره ۱۱) (تاکید از ماست)

این تاکتیک رویزیونیستی ادامه همان میراث رویزیونیستی بیژن جزنی است که مبارزه با دیکتاتوری شاه را از مبارزه با امپریالیسم جدا می کرد برای آن که به اصطلاح "دشمن عمده" را منفرد کند، غافل از اینکه بجای انفراد "دشمن عمده" "خود دنباله رو یک جناح از بورژوازی علیه جناح دیگر آن می شد. ما تبلور دیگر یعنی تاکتیک رویزیونیستی راه کارگر را در سطور زیر نیز می یابیم:

در مقطع کنونی، سنگر عمده مبارزه انقلابی در برابر تجاوز امپریالیسم و متحدان آن است. هر نوع عمده کردن مبارزه با ارتجاع کنونی در لحظات کنونی انحراف از الزامات مبارزه انقلابی است که در عمل به تضعیف مواضع (!) مردم (!) ما در

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

برابر امپریالیسم منتهی خواهد شد." (ص ۴)
ودر ادامه آن:
"نیروهای انقلابی با بستی ابتکار انقلابی توده ها را درجهت دفاع از میهن و استقلال سیاسی کشور (استقلال سیاسی همراه با وابستگی اقتصادی !آیا بیا دتزجدا کردن سیاست خارجی از سیاست داخلی نمی افتید؟ پیکار) بسیج کنند و سازمان دهند. ولی هرگز نباید در لحظات کنونی افشاگری علیه رژیم را عمده کنند." (ص ۴) (تاکید از ماست)

راه کارگر با وجود آن که دم از ماهیت ضدانقلابی رژیم جمهوری اسلامی می زند، ولی در واقع بنحو دیگری عمل می کند و از گرگ می خواهد که میش را ندرد چرا که در این شرایط بنفع گرگ نخواهد بود. در واقع راه کارگر بعنوان یک دستیار رژیم عمل کرده و بحال او "دلسوزی" می نماید:

"رژیم اسلامی تنها در صورتی می تواند بدون سازش در برابر تجاوزات طولانی امپریالیسم ایستادگی کند که از ابتکار انقلابی توده های زحمتکش هراسی نداشته باشد". (ص ۳)

وهمچنین:

"حکومت اسلامی از آنجا که عمدتاً نیروهای انقلابی و حرکتهای توده ها را سرکوب کرده است، و از آنجا که بنا به ماهیت و خصلت خود از تکیه به آگاهی انقلابی توده ها محروم و گریزان است، وقتی در برابر خطر توطئه های امپریالیسم قرار می گیرد نمی تواند به مردم روی آورد و از نیروی لایزال آن ها در برابر امپریالیسم برخوردار شده این عامل حکومت اسلامی را به شکل مفاعلی تضعیف میکند." (ص ۲)

ودر همین حاست که رفقای راه کارگر در رابطه با سیاست و تاکتیک خود طرح های خوش آب و رنگ خود را که با کلمات انقلابی آذین بندی شده است ولی در حقیقت در تمام روزنامه های رسمی صبح و عصر تهران بنحو خلی "زیبنده تر" و مشروح تری چاپ شده اند

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

رو می کند. طرح ایجاد شوراهای کارگری و محلات برای کنترل تولید و توزیع که از احتکار سرمایه داران جلوگیری کند و:

"زحمتکشان از طریق این شوراهای محلات باید مسلح شوند. شوراهای محلات برای مقابله با سو استفاده سوداگران و محتکران و رفع نیازهای زحمتکشان باید مسئولیت توزیع مواد مصرفی را در دست گیرند. تجربه انقلاب بهمن (انقلاب با قیام؟) نشان داد که این شوراهای محلات بهترین سازماندهی توده‌ای برای توزیع مواد مصرفی و مقابله با قحطی و احتکار و سوء استفاده سرمایه داران است." (ص ۲)

لنین گفت:

"ما همواره شاهد تلاشهائی - بویژه از جانب مطبوعات سرمایه‌داری اعم از سلطنت طلبان یا جمهوری خواهان - هستیم که سعی دارند برای جنگ کنونی یک مفهوم تاریخی بیشتر نسبت به آن نیست. بعنوان مثال: در جمهوری فرانسه به هیچ بهانه‌ای بیشتر از این توسل نمی جویند که این جنگ از جانب فرانسه، ادامه و المثنای جنگهای انقلاب کبیر ۱۷۹۲ جلوه میدهند. هیچ وسیله‌ای برای اغفال توده‌های فرانسوی، و کارگران سایر کشورها بیش از این شایع نیست که "اطلاعات" و بعضی از شعارها و رموز دوره‌ای دیگر را برای عصر ما بکار می گیرند و با اینکه می کوشند که مسئله چنین وانمود شود که گویا اکنون نیز فرانسه جمهوری در مقابل سلطنت، به دفاع از آزادی خود برخاسته است. در این صورت حقیقت "کوچکی" که نادیده گرفته می شود این است که در ۱۷۹۲ جنگ از جانب طبقه‌ای انقلابی برپا شد، بردگه انقلابی بی مانند را انجام رسانده و در نابودی کامل سلطنت و قیام علیه اروپای سلطنتی متحد با تنها و یگانه هدف پیشبرد اهداف انقلابی اش قهرمانی های بی نظیری به نمایش گذاشته بود..... اما امروزه ما با دو گروه مواجه هستیم، دو گروه از قدرتهای سرمایه

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

ـ داری ....." ("انقلاب وجنگ" به نقل از "درباره جنگ"
مجموعه مقالات جلد اول ـ صفحات ۴۶ و ۴۷)

براستی از "راه کارگر" باید پرسید که آیا شما میان قیام بهمن ۵۷ وجنگ اخیر ایران وعراق تفاوت نمی گذارید؟ در آن قیام توده های خلق در حال سرنگونی یک رژیم دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم بودند و در آن شرایط موقعیت انقلابی دست به ایجاد شوراهای محلات وکارخانه ها زدند. این شوراها که در ابتدا بصورت کمیته های اعتصاب در کارخانه ها و کمیته های خودیاری در محلات بوجود آمدند در واقع نطفه های حاکمیت آینده بودند که در اثر فقدان هژمونی پرولتاریا و خیانت وسازش رهبری انقلاب با امپریالیسم و بورژوازی لیبرال از میان رفته (جزو در مباحثی ما نفقه کردستان و ...) و اسمی هم که بعداً از آن ها به جا ماند دیگر با ـ محتوای سابق آن ها خوانائی نداشت. از "راه کارگر" باید پرسید: آیا این شوراهائی که این قدر از آن صحبت می کنید با زمانه و دارای ماهیت همان شوراها است؟ در این صورت "موقعیت انقلابی" هنوز ادامه دارد (و این دیگر با تحلیل راه کارگر که نه تنها اعتلاء انقلابی نمی بیند بلکه شکست و افت انقلاب را مدتها است که اعلام کرده است اصلاً جور نمی آید!) ولی در هر صورت چیزی که در این شعارهای منتویکی برای پیشبرد سیاست دفاع ـ طلبانه راه کارگر مطرح است همان حمایت از دولت بورژوازی تو سط "کمیته های مردمی" همان حرمت "بدولت بورژوازی از طریق اغفال توده ها با بکارگیری شعارها و "اطلاعات" روزهای قیام است. انحراف "راه کارگر" در این مورد امری نیست که تصادفی و یا بیمایه باشد. بسته این نوع رویزیونیستی مدتها است که از طرف این رفقا طرح می شود. در مقاله "درکجا ایستاده ایم؟" که در راه کارگر شماره ۲۲ مقارن تجاوز امریکا به طبس چاپ شده است می خوانیم:

"تنها راه سازمان دادن و متشکل کردن کارگران وزحمتکشان کشور است. نطفه های این تشکل هم اکنون وجود دارد. باید

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

آنرا گسترش ،عمق وتکامل داده وبه دیواری استوار در برابر تهدیدات امریکا مبدل ساخت .شوراهای کارگران،دهقانان وسایر زحمتکشان،شوراهای پرسنل انقلابی نیروهای مسلح شوراهای دانشکده ها ومدارس،تنها تشکل توده ای وانقلابی مردم ما درشرایط کنونی هستندومی توانند تکامل یابند .بنابراین ما نیروها باید درجهت تقویت این تشکل های انقلابی که بازمانده روزهای قیام برشکوه خلقمان هستند تلاش کرد. از این طریق میهن مان را می توانیم در برابر حملات دشمن امپریالیست به سنگر تسلیم ناپذیری تبدیل کنیم (ص ۶)

نه خیر اتصور نکنید که رفقای "راه کارگر" در انحراف شان تنها هستند ،آن ها مدتها است که در این مسیر انحرافی قدم زده ودر آن ثابت قدم هستند .گرایش های شدید روبزیونیستی آن ها که نه تنها در طرح شعار "شوراها" بلکه وبخصوص در دیدتزانقلابی ومارکسیست ـ لنینیستی "سوسیال امپریالیسم روسیه" از مدتها قبل خود را نشان داده بود ،اکنون به مرحله خطرناک وبحرانی خود رسیده است .ما تصور نمی کنیم که در میان نیروهای کمونیست هیچ نیروئی مثل "راه کارگر" تا این حد آغشته به شعارهای سوسیال نوپینیستی ودفاع ـ طلبی بورژوائی بوده وتا این حد به مرز رویزیونیسم نزدیک باشد. هشدار که خطر نزدیک است!

○ ج: "وحدت انقلابی" ودفاع از توده ها"

در بیانیه ای که "وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگر" ،درباره تجاوز ارتش امریکا "بتاریخ ۵۹/۷/۱ انتشار داده است ما مواجه با مواضع التقاطی این رفقا در رابطه با جنگ اخیر هستیم. از یک طرف "وحدت انقلابی" در تحلیل از ماهیت جنگ اخیر در مجموع تصویر درستی بدست داده وآنرا از جانب هر دو رژیم غیر عادلانه می ـ داند ،چنانچه می نویسد :

"جنگ بین دولتهای ایران وعراق یعنی جنگ بین رژیم فاشیستی عراق وحکومت ضدانقلابی (فقط ضدانقلابی و...

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

ارتجاعی! - پیکار) جمهوری اسلامی ایران جنگی غیرعادلانه و محکوم است. این جنگ باید هرچه زودتر قطع شود." (ص ۲)

اما از طرف دیگر توده ها را از رژیم ها جدا کرده و جنگ توده ایران را علیه "تجاوزات "رژیم عراق عادلانه می داند و از کمونیستها میخواهد که فعالانه در آن شرکت کرده و آنرا سازماندهی کنند:

"اما در شرایطی که تجاوزات فاشیستی عراق مستقیما" توده های میهن ما را هدف قرار داده، وظیفه کمونیست ها و نیروهای انقلابی این است که برای تسلیح وسیع و مستقل توده ها کوشش کرده و در کنار توده ها و مستقل از حکومت ضدانقلابی بر علیه تجاوز عراق و بپا هر دولت ارتجاعی دیگری قهرمانانه مقاومت نماید. این جنگ، یعنی جنگ توده های خلق در برابر تجاوزکران عراق جنگی عادلانه است" (ص ۲)

همین مفهوم را در آخر بیانیه چنین توضیح میدهد:

"...وظیفه کمونیست ها و دیگر نیروهای انقلابی است که با مسلح شدن بهر وسیله ای که ممکن باشد و با کنار زدن هر نیروئی که بخواهد در راه مبارزه و مقاومت مسلحانه توده ها شود به مبارزه مستقل بر علیه رژیم فاشیستی عراق دست زنند و بهمراه خلق با مبارزه علیه متجاوز بین به تدارم انقلاب دموکراتیک - ضد امپریالیستی هم میهنانمان کمک نماید. ما در این راه به هیچ وجه در کنار هیئت حاکمه ضدانقلابی ... قرار نگرفت بلکه از آنجا که مردم خواهان مبارزه هستند (این خواست مردم از چه سیاستی تبعیت می کند؟ شوینیسم بورژوازی یا استقلال طلبی ضدامپریالیستی؟! - پیکار) در مقابل بورژوازی متجاوز به سهم خویش و با سرحدا مکان (!) مستقل از حکومت با عراق و هر متجاوز دیگری می جنگیم. جنگ دولت ها غیرعادلانه و جنگ خلق ها علیه متجاوز بین عادلانه و برحق است!" (ص ۲)

در اینجا "وحدت انقلابی" خلق را از رژیمی که حاکم بر خلق است و جنگ توده هائی را که در جنگ کنونی علیرغم تمایلات و با ک-

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

نیستی خود در شیعیت از بورژوازی حاکم و تحت سیاست ارتجاعی حاکم بر جنگ انجام میدهد، از جنگ بورژوازی ارتجاعی جدا میسازد بدون آنکه در عالم واقعیت این جدائی وجود داشته باشد. بعبارت دیگر سیاستی که امروزه مردم در حال جنگ در خرمشهر و آبادان و ... بر علیه نیروهای نظامی عراق از آن پیروی میکنند نه سیاستی جدا از رژیم جمهوری اسلامی بلکه دقیقا" تابع سیاست این رژیم و مهمتر از آن این مردم فریبانی این سیاست بورژوائی وضدانسانی هستند. این همان سیاستی است که توده های خلق را با ایده های ناسیونالیسم بورژوائی و یا با "پان اسلامیسم" منحط و عقب مانده فریب میدهد و به یک جنگ غیر عادلانه می کشاند. از رفقای "وحدت انقلابی" سئوال می کنیم: آیا شما توانسته اید این توده ها را با یک سیاست مستقل از رژیم جمهوری اسلامی به جنگ با عراق بسیج بکند دم از ایجاد صف مستقل می زنید؟ و آیا آن نیروئی که مدام از "مبارزه مستقل" شما با رژیم دنباله میست عراق خواهد شد همین رژیم حاکم بر این توده های ایرانی نیست؟ و در این صورت جنگ شما با رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی که هنوز توده ها دچار توهم نسبت به آن هستند آیا به آشار شیسم و جدائی از توده نخواهد کشید؟ ولی در واقع آنچه که رفقای "وحدت انقلابی" مدتهاست از آن رنج می برند و خود بخصوص در نوع دیدگاهی که این رفقا بر اساس آن "وحدت" (در واقع اشتلاف) کردند نشان می دهد، همان درنظرنگرفتن عنصر سیاست و آگاهی، همان دنباله روی کورکورانه از تمایلات توده ای و خودبخودی است: فعلا" "وحدت" می کنیم بعدا" مبارزه ایدئولوژیک خواهیم کرد، فعلا" با شرکت در این جنگ از جان و مال توده ها در برابر تجاوز مستقیم عراق دفاع می کنیم و چون آن ها (مردم) خواهان مبارزه هستند همراه آن ها می رویم بعدا" به این توده ها سیاست مستقل را خواهیم داد. این انحراف در واقع نه جلوه ای از اکونومیسم، بلکه برعکس جلوه ای از رویزیونیسم و یک گرایش راست و انحرافی می باشد. این انحراف در اینجا در درک از ماهیت جنگ و اتخاذ تاکتیک

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

دفاع طلبانه تبا رزیافته است ما امیدواریم که رفقای "وحدت انقلابی" برا لتقاط در مواضع خود غالب آمده و با طرد نقطه نظرات رویزیونیستی و نفی مواضع دفاع طلبانه نسبت به جنگ اخیر و اقعا" بدفاع از مارکسیسم- لنینیسم و انقلاب توده ها بپردازند.

د: "سازمان چریکهای فدائی خلق" (اقلیت) و "دفاع مسلحانه"

موضعی که رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) در برخورد به جنگ اخیر ایران و عراق گرفته اند (بخصوص در بیانیه "ماهیت جنگ دولتهای ایران و عراق و موضع ما" مندرج در کار شماره ۷۸) از لحاظ برخورد به ماهیت جنگ دو رژیم که چیزی نیست جز ادامه سیاستهای طبقاتی قبل از جنگ آنها، تحلیلی است در مجموع مارکسیستی و مرزبندی شده با نقطه نظرات سوسیال شوونیستی و دفاع طلبانه بورژوائی، ولی از لحاظ برخورد به تاکتیک کمونیست ها در این جنگ موضع رفقا برخوردی دفاع طلبانه بوده و در تعارض با تحلیل تئوریک تاریخی رفقا از جنگ قرار دارد.

رفقای "اقلیت" در تحلیل از ماهیت جنگ بدرستی می- نویسند:

"به اعتقاد ما جنگی که اکنون بین دو دولت ایران و عراق درگرفته و میلیونها دلار بطرفین خسارت وارد آورده و هزاران نفر از توده های بی سلاح در آن کشته و رحمی شده اند و بسیاری از تاءسیسات صنعتی دو کشور در هم کوبیده شده است، خلاف منافع خلق های زحمتکش هر دو کشور است." (ص ۳ همان جا)

ولی وقتی که سوءت به اتخاذ تاکتیک در مقابل این جنگ می- رسد تاگهان به موضع دفاع طلبانه ای سقوط می نمایند:

"ما هرجنگی را محکوم می کنیم. ما در قبال هرگونه تجاوزی و از جمله تجاوزات عراق به تسلیح توده ها تحت رهبری ارگا- نهای توده ای معتقدیم و به ارتش ضدخلقی و رهبری بورژوازی" (ص ۴)

در اینجا این سئوال پیش می آید که مگر نه اینکه رفقا معتقد

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

هستندکه جنگ خصلت طبقاتی داشته وادامه سیاست است پس چگونه است که درآنجا بجای حرکت ازموضع طبقاتی، بیک موضع بورژوائی افتاده ومسئله "تجاوز" و "دفاع" را مطرح می نمایید؟ اگرقرار است که مردم ایران علیه تجاوز عراق ازخوددفاع کنندپس لازم است که توده های عراق نیزدرمقابل "تجاوزات" ایران ازخوددفاع کنند، که درچنین صورتی به راحتی می توان جنگ ارتجاعی دوبورژوازی را توجیه کرده و، توده ها را به شمشیرزنی درکرکاب آنها تشویق کرد..

لنین می گوید:

"کاراکتراجتماعی جنگ، معنی واقعی آن توسط موضع قوای دشمن تعیین نمی شود، آنچنان که اپی ارها ومنشویک ها می پندارند- این سرفرود آوردن درمقابل ابتذال یک نفهم کله پوک است) آنچه که این کاراکتررا تعیین می کندهمان خط مشی ای می باشدکه جنگ ادامه آن بوده ("جنگ ادامه سیاست است")، طبقه ای که به آن دست زده واهدافی که بخاطرآن ها به این جنگ دست زده می باشد." (نقل قول هائی ازلنین ص ۶)

اگر رفقا این رهنمودهای لنین را قبول دارندپس دیگرچرا می نویسند:

"...اما درایران که هنوزتوده های مردم به حاکمیت اعتقاد دارندهرگونه شعار "تبدیل جنگ به یک جنگ داخلی" ماجراجویانه وچپ روانه است. سیاست درست نیروهای انقلابی درایران این است که درعین افشاء ماهیت جنگ وحاکمیت، توده ها رادر تشکلهای خودنظیرشوراها وکمیته های محلی ودیگرارگانهای توده ای متشکل ومسلح سازندوتحت رهبری نیروهای انقلابی وارگانهای توده ای علیه هرگونه تجاوز و سیاست الحاق ارضی ازجمله متجاوزین عراقی به مبارزه برخیزند. تنها سیاست درست درمقطع کنونی بسیج توده ها درارگانهای توده ای است" (ص ۴)

اولا" آیا این جنگ علیه "هرگونه تجاوزوسیاست الحاق ارضی" صورت دیگری ازهمان "جنگ تدافعی" یا "جنگ بدون الحاق وغرامت"

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

کدا زطرف منشویکها وکلا "دفاع طلبان" مطرح می شدواین این قدر موردانتقاد لنین قرارمی گرفت نیست ؟اگرمنظورآن است که درادامه این جنگ تحت شرایط مشخصی(ازجمله اشغال کامل والحاق قسمتی ازایران،تحت حاکمیت ارتجاعی عراق مبارزه شود ها بر علیه اشغالگربرآمدکند)میتواندبه خصلت جنگ درآن مخدوش شده وخصلت ملی پیدا کندوماهم بارفقاهم عقیده می شویم ،ولی وقتی که ما ازرفقا می شنویم که به هوا داران خودرهنمود می دهدکه :

"با تشکیل دسته های مسلح بطور مستقل به دفاع مسلحانه ازشهرها ومنطق جنگ زده برخیزید." (ص ۴)

برای ما روشن می شودکه چیز ؟بطورروشن دفیقا" شرکت دراین جنگ منتها اززاویه "دفاع طلبی انقلابی" وبا "حفظ"صف مستقل است ،کدام چیزی سخت جزتکرار شعارها ونحرافات دفاع طلبانه ای که درلنین موردبررسی واستناد ما قرارگرفت .

ثانیا" اسکه رفقا شعار"تبدیل جنگ به جنگ داخلی"را دراین شرایط بدلیل فقدان"موقعیت انقلابی"ماجراجویانه می دانند به اعتقاد ما یک موضع ناقص ومبهم است .اگرمنظوررفقاآن است که این شعارجیروانه وآنارشیستی است ما نیزبا رفقا هم عقیده هستیم ،ولی اگررفقا طرح این شعاررابعنوان یک شعارتروتسکی که تاکتیک انقلابی پرولتاریا را درارتباط جنگهای ارتجاعی و امپریالیستی روشن می سازدردمی نمایند ما با این نظررفقا مرزبندی داریم .بلشویک ها ازکنفرانس سال در۱۹۱۲این شعاررا طرح میکردندولی منظورآنها این نبودکه درهمان موضع آن رابه مرحله اجرادرآورند.لنین می نویسد :

"لذین توضیح میدهد سال تاکتیکهای انقلابی مبارزه کارگران این تاکتیکهای انقلاب پرولتری را درسطح بین المللی علیه حکومت های خوددرجنگ کنونی بطورروشن ترتیح میکند.سال نیه سال گفته های قطع نامه اشتوتگاردمبنی برآنکه سوسیالیستها درصورت وقوع جنگ باید از"بحران سیاسی و

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

اقتصادی" منتج از آن بهره‌برداری کرده تا امر "سقوط سرما ـ یه‌داری را تسریع کنند" یعنی با بهره‌گیری از مشکلات زمان ! جنگ حکومت ها وخشم توده ها انقلاب سوسیالیستی را آغاز نماید" (سوسیالیسم وجنگ ص. ۱۰)

به عبارت دیگر اتخاذ شعار "تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی" بمفهوم مرزبندی با سیاسیم و رویزیونیستهای طرفدار صلح اجتماعی" ودشمنان انقلاب است. لنین می گوید:

"یک مارکسیست بنای کار خود را بر مبارزه طبقاتی و نه صلح اجتماعی می نهد. در دوران معینی از بحرانهای حاد اقتصادی وسیاسی، مبارزه طبقاتی به یک جنگ مستقیم تبدیل می شود. یعنی به مبارزه مسلحانه بین دو بخش از مردم. در چنین دورانی یک مارکسیست مجبور است که موضع جنگ داخلی را پیش گیرد. از نظرگاه مارکسیسم هر نوع محکوم نمودن اخلاقی جنگ داخلی مطلقاً غیرقابل بخشش است." (نقل قولهائی از لنین ص. ۱۱)

ما در عین حال نباید به "چپ" افتاده و شعار عملی "جنگ داخلی" را بدهیم، ولی باید در نظر داشتن این جنگ که هم اکنون در بخشی از ایران جریان دارد (کردستان) و در آینده نیز سراسر میهن را در بر خواهد گرفت، توده ها را پرورش داده و برای آن روز آماده سازیم.

به اعتقاد ما اتخاذ این تاکتیک دفاع قاطعانه از جانب رفقای "اقلیت" نمی تواند صرفاً محدود به تاکتیک باشد بلکه از تحلیل رفقا از ماهیت جنگ و دورانی که از آن طبقاتی که به این جنگ دست زده اند متاثر می باشد. رفقای اقلیت رژیم ایران را بدرستی یک رژیم بورژوائی می دانند که سرکردگی آن در دست جناحهای بورژوازی است و در عین حال بدرستی معتقدند که در درون این رژیم گرایش های خرده بورژوازی مرفه نیز وجود دارد، منتها به غلط تصور می کنند که این خرده بورژوازی علی ـ رغم آن که هژمونی بورژوازی را پذیرفته است در عین حال می ـ

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

توانائی برای گرایش های ـ هرچندضعیف ـ ضدامپریالیستی باشد، حتا اعتقاد ما وجودچنین اعتقادی تواندرصورت عدم برخورد انتقادی به آن رشدکرده وبه نقطه نظرات انحرافی تروتزاز جمله حمایت از این گرایش های "ضدامپریالیستی" منجرگردد. ازنظرما جنگی که حرکت بورژوازی مرفه سنتی درونی جناحهای مختلف بورژوائی را بشدت وبه صف ضدانقلاب وارد نکند، دیگرنمی تواند واجد گرایشهای "ضدامپریالیستی" باشد. آنچه که از گرایش های انقلابی سابق خودبه ارث برده فقط جنبه صوری داشته وخالی از محتوای انقلابی می باشد. آیا نمی توان وجودچنین گرایشی را در ارتباط با تاکتیک دفاع طلبانه رفقا قرارداد؟

مطلب دیگری که جای آن درتحلیل رفقا خالی است، درمورد برخورد به اوضاع منطقه وفراموش کردن نقش سال امپریالیسم شوروی می باشد. آیا برای رفقا امکان پذیر است که رژیمی که خود را "سوسیالیستی" میخواند و دورژیم ضدخلقی را "ضدامپریالیست" خوانده وبرای یک طرف جنگ منبع ذخیره تسلیحات باشد وبه دیگری هم قول کمک تسلیحاتی بدهد؟ (البته چون مسئله "بازار" از مسئله سیاست جدا است، "ضدامپریالیست" بودن هردورژیم بجای خود، ولی فروش اسلحه بهردوطرف نیزروا وجایز است!) ما امیدواریم که درپرتو مبارزه ایدئولوژیک فعال کمونیست ها علیه رویزیونیسم وسوسیال ـ امپریالیسم وافشای بیش ازپیش ماهیت ارتجاعی وامپریالیستی سیاست داخلی وعملکردهای سوسیال امپریالیسم شوروی درعرصه جهانی وازجمله منطقه ای که امپریالیسم شوروی درمنطقه سازی می کند، رفقای انشعاب از ارتقاء مواضع ایدئولوژیک به مرزبندی درجه ـ صریح تروقاطع ترباروریزیونیسم وسوسیال امپریالیسم رسیده وبرگرایش های انحرافی غلبه نمایند.

⊙ هـ: مواضع التقاطی ـ دفاع طلبانه دربیکار شماره ۲۳

قبل از اینکه درگیری های ایران وعراق به مرحله جدیدیعنی مرحله جنگ محلی برسد، نشریه، بیکار مقاله ای پیرامون این جنگ

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

وماهیت آن نوشت که گوا اینکه در روز دوشنبه ۳۱ شهریور (یعنی همان روز آغاز مرحله جدید) از چاپ درآمد، ولی قبل از آن تهیه شده بود.

ما در مقاله "پیرامون جنگ ایران و عراق" که در این شماره چاپ شده است با مواضع التقاطی - دفاع طلبانه روبرو هستیم که از یک طرف جنگ را بعنوان جزئی از توطئه امپریالیسم امریکا در اتحاد با رژیم بعثی عراق علیه انقلاب ایران و علیه رژیم جمهوری اسلامی دانسته و نقش امریکا را که نمی تواند بیش از یک نیروی "پشتیبان" باشد به سطح نیروئی که این جنگ را تحت کنترل خود دارد تعمیم می دهد، و از سوی دیگر به درستی ماهیت جنگ ایران و عراق را ارتجاعی و ناشی از ادامه سیاستهای قبلی این رژیمها میخواند که موضعی است مارکسیستی. اما در بخش "توطئه های امپریالیسم امریکا برای ایجاد و گسترش جنگ" میخوانیم که:

"جنگ بین دو دولت ایران و عراق سربخشی از نقشه های امپریالیسم آمریکا است که از طریق تقویت رژیم عراق توسط رژیمهای ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم مانند مصر و عربستان و برنامه ریزی امریکا و حمایت تسلیحاتی امپریالیستهای اروپائی از جمله ایتالیا از عراق انجام می گیرد از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی علی رغم کوشش در جهت حفظ و ترمیم و ایستگی رژیم کارگزار و حلقه بگوش امپریالیسم امریکا نیست، لذا سعی دارد با توسعه اش و سرکوب جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی خلق ها، از یک سو و داشتن برخی نهادهای حاکمی با امریکا - که رژیم این نهادها را در جهت فریب و سرکوب توده ها به کار می گیرد - و از سوی دیگر مورد خوشایند امپریالیسم امریکا نیست و همین خاطر امریکا برای سرکوب و خنثی نمودن جنبشهای ایران و تبدیل شرایط ایران به پایگاه سیاسی - نظامی برای خود لازم دارد که رژیمی کاملا" مردود در ایران برسر کار آید تا از هر جهت منافع او را برآورده سازد.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

برهمین پایه امپریالیسم امریکا علاوه بر طرح کودتاهای امپریالیستی و اقدام به تدارک مذاکره با سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در پی ایجاد اغتشاش و کشتار از بمب گذاری در شهرهای مختلف گرفته تا دامن زدن به جنگهای مرزی بین ایران و عراق می باشد، تا از این طریق بتواند نقشه های امپریالیستی خود را در ایران به مرحله اجرا درآورد. این همان هدفی است که رژیم بعث عراق در جهت تحقق بخشیدن بدان زحمتکشان مرزنشین ما را بسیار رنج کرده و به ستوه می آورد." (ص ۱۲۰)

از سوی دیگر در بخش "موضع ما در جنگ بین ایران و عراق" می خوانیم:

"جنگی که هم اکنون در مرز ایران و عراق جریان دارد جنگی است ارتجاعی بین دولتهای ارتجاعی و ضدخلقی دو کشور و جنگی بر ضد زحمتکشان ایران و عراق. ادامه این جنگ به هیچ وجه و تحت هیچ شرایطی مورد حمایت طبقه کارگر و توده های زحمتکش و نیروهای انقلابی نمی تواند قرار گیرد. جرا که هر دو رژیم آنان را در خدمت سرکوب طبقه کارگر و کشتن خلقها و توده های زحمتکش دو کشور که هر دو تحت سلطه امپریالیسم امریکا هستند بکار گرفته اند. از یکسو رژیم جمهوری اسلامی با سرکوب خلقهای تحت ستم، با کشتار زحمتکشان و نیروهای انقلابی نوزده کمونیستها با حفظ و ترمیم ماشین دولتی امپریالیسم یعنی سرمایه داری وابسته و از سوی دیگر رژیم ضدخلقی بعث عراق با کشتار و سرکوب خلقهای عراق و زحمتکشان مرزنشین ما توسط سلاحهای سوسیال امپریالیسم شوروی و دیگر امپریالیستها و با پیاده کردن شوونیسم های جنگ افروزانه و حمایتگرانه از قبیل بمب گذاری در خطوط و حملات هوایی به مرزهای ایران، هر دو رژیم دست در دست امپریالیسم بر ضد خلقهای ایران و عراق عمل می کنند. ماهیتهای بعث عراق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

که بموازات قتل عام زحمتکشان مرزنشین میهن ما بمباران توپخانه‌ای و قیحانه فریبکارانه خود را دیوبفدا در امنیتی بر اصطلاح حمایت از خلقها و زحمتکشان ایران در مقابل کشتار رژیم جمهوری اسلامی نمی توانند دوست و یاور خلقهای ایران باشند. رژیم جمهوری اسلامی نیز که زیر لوای "صدور انقلاب اسلامی" برادامه جنگ تاکید دارد و آنرا پوششی برای سرکوب مبارزات انقلابی خلقها و زحمتکشان و نیروهای انقلابی قرار داده است نمی تواند مورد حمایت طبقه کارگر و نیروهای انقلابی قرار گیرد. طبقه کارگر و کمونیستها وظیفه اصلی ما هیت این جنگ و اهداف امپریالیستی و ضد انقلابی رژیم‌های ایران و عراق را از ادامه آن برای توده‌های زحمتکش افشا کرده و آنرا محکوم نمایند.

ما بهمراه توده‌های زحمتکش آگاه و پیشرو خواستار نیروهای انقلابی ضمن محکوم نمودن حملات نظامی و عملیات خائنانه رژیم عراق و ضمن افشاء و محکوم کردن سیاستهای فریبکارانه هیئت حاکمه ایران در این زمینه ادامه این جنگ را برضد خلق های ایران و عراق ارزیابی می کنیم." (ص ۱۲۰)

اما ملاقاطعه از این موضع گیری مارکسیستی و اتخاذ یک تاکتیک کمونیستی در قبال جنگ، بلافاصله مواجهه با تاکتیک کاملا" متناقض با این تاکتیک کمونیستی یعنی یک تاکتیک دفاع طلبانه می شویم:

"نبردبدی نیست برای مبارزه با تجاوزات دولت ضدخلقی عراق برای دفاع از انقلاب و میهن خلقهای خود بدون ذره‌ای حمایت از رژیم جمهوری اسلامی پاسدار طبقه کارگر و زحمتکشان ایران و در بستر همبستگی خلقهای ایران با زحمتکشان عراق در مقابل تجاوزات عراق خواهیم ایستاد." (ص ۱۲)

همانطورکه ملاحظه می شود در یک مقاله یک صفحه‌ای، دو تحلیل کاملا" متفاوت از ماهیت جنگ و هم چنین دو تاکتیک کاملا"

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

متفاوت درقبال آن به چشم میخورد، و این بی گمان نه تصادفی بلکه نشانه التقاط مواضع درنزد رفقای هیئت تحریریه نشریه "پیکار" می باشد.

بدین ترتیب ما شاهد التقاط در تحلیل از ماهیت جنگ و نیز تاکتیک کمونیست ها نسبت به جنگ هستیم. ما ضمن پذیرش انتقاد بخود لازم بتوضیح میدهیم که ارائه این تحلیل التقاطی و تاکتیک دفاع طلبانه بدون شک بیان یک موضع انحرافی است که در نشریه سازمان انعکاس یافته ضمن اینکه این موضعگیری برپایه برخورد همه جانبه و از نظرات مرکزیت سازمان هم اتخاذ نشده بود. بدون شک "پیکار" ارگان مرکزی سازمان علی العموم مواضع سازمان را منعکس می نماید اما مواردی پیش می آید که از طرف رفقای سازمانی مبتلا تشخیص میشود و از طرف رفقای هیئت تحریریه "پیکار" اجازه بابت می یابد در حالی که مواضع سازمانی تطابق ندارد و یا در مواردی استثنائی خود رفقای هیئت تحریریه در مقالاتی اتخاذ موضع نموده و در پیکار درج می نمایند که "الزاما" مواضع سازمانی نیست. با این توضیح، ضمن وارد دانستن انتقاد به خود و توضیح واقعیت امر که در هر حال بیان ضعف ها و انحرافات تلاش خواهیم کرد انحرافات و ضعف های جنبش مـ ل و خود را نیز مورد اشاره قرار دهیم. کما اینکه در مورد خود مان این مواضع التقاطی ـ دفاع طلبانه خود را صحیحانه بلافاصله پس از شروع جنگ در بیانیه های توضیحی سازمان منتفع مواضع و تاکتیک مارکسیستی تصحیح شده و با مواضع دفاع طلبانه مرزبندی گردید. ما امیدواریم که بیانیه ها و رسالاتی که پس از این مقاله از طرف سازمان در رابطه با جنگ ایران و عراق منتشر شده بتواند مرزبندی ایدئولوژیک ـ سیاسی ما را با آن نقطه نظرات التقاطی و دفاع طلبانه تصحیح کرده و از بروز بقایای این نقطه نظرات در آثار سازمانی جلوگیری نماید.

******

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

ضمیمه شماره ۱

سیر روابط ایران و عراق
از زبان اخبار و گزارشات سال ۵۸

برای آنکه تصویر دقیقتری از آنچه که در طول مقاله بیان کردیم، بدست آید، ضروری دیدیم که مهمترین اخبار و حوادث مربوط به روابط ایران و عراق را، در طول دو سال گذشته یعنی پس از اقرار رژیم جمهوری اسلامی، از زبان مطبوعات رسمی و .... بدون هیچ تفسیری در اینجا درج نمائیم. مطالعه این اخبار و گزارشات می تواند تصویری زنده و گویا از حوادث دو ساله و مسائل و موضوعاتی که در مقاله مطرح شده بدست دهد. تعدادی از این اخبار و گزارشات، در طول مقاله مورد استفاده قرار گرفت، اما درج مجدد آن را، برای حفظ تداوم اخبار و حوادث، ضروری دیدیم. آن اخباری که در تحلیل مورد اشاره و استفاده قرار گرفته و به این ضمیمه رجوع داده شده است، در اینجا با همان شماره پاورقی مشخص می شود. منبع خبر و روزنامه ها نیز که نام آنها بکرات در موارد معدودی که در متن مشخص می شود.

سال ۵۸

۱۲ فروردین

"در رای خارجه و اقتصاد کشورهای عضو جامعه عرب در سفر دیگر دمآمده است تا با زائیهای اقتصادی و سیاسی علیه رژیم سادات، رئیس جمهوری مصر، تصمیم گیرند.

در سفر دیگر اخیرات عظمی علیه امضای معاهده صلح مصر و اسرائیل سر باشد. مقامهای جزب سعث عراق گفته اند حداقل نیم میلیون

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

نفر در این تظاهرات شرکت کردند. عراق که یکی از سرسخت ترین خرده‌گیران سیاست سادات است هنوز درباره امضای معاهده صلح مصر و اسرائیل رسماً اظهارنظری نکرده اما مقامهای رسمی گفتند دولت عراق سادات را بخاطر امضای معاهده صلح با اسرائیل "خائن" خواهد خواند.

۱۲ فروردین

"سعدون حمادی وزیر خارجه عراق در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت سفرای عرب را فراخوانده می شوند و مجازاتهای اقتصادی علیه این کشور اعمال خواهند شد. این مجازاتها عبارتند از بستن سبزده بولی اعراب در بانکهای مصر و قطع کامل کمکهای اقتصادی اعراب به رژیم سادات. تحریم اقتصادی مصر تا شیر زیادی بر این کشور نخواهد داشت چون مصر فقط ۶ درصد تجارت خود را با جهان عرب انجام می دهد. از نظر تولیدات نفتی خودکفا است و از نظر نفت خام صادر کننده است."

۱۴ فروردین

"پرزیدنت حسن البکر، رئیس جمهور عراق، دیروز تاگهان برای زیارت اماکن مقدس مکه و مدینه، وارد عربستان شد. انتظار می رود که البکر با ملک خالد ملاقات و مذاکره کند."

۳ خرداد (۱۴ و ۱۵)

"مصاحبه با حجت الاسلام دعائی سفیر جدید جمهوری اسلامی ایران "عراق"

- س: آنچه را که او اخر اقامت اما در عراق مشاهده کردید چگونه تفسیر می کنید؟

ج: (دعائی) باید توجه داشت که عراق به شخصیت والای بنی صدر تا پذیر، آشتی تا پذیر ضد استعماری، ضد امپریالیستی و بالاخره موقعیت ممتاز مردمی و جهانی اما موافق بودند و بدانجا که تا شیری در روابطشان با ایران نمی گذاشت، خدا به آن احترام می گذاشتند آنچه که او اخر صورت گرفت محظوری بود که عراقیها در رعایت

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

شمه‌ها تشان نسبت به رژیم ایران بدنبال مذاکرات وتوافق الجزیره داشتند ،شخصا" معتقدم عراقیها کاملا" ماهیت استعماری و امپریالیستی رژیم شاه را می شناختند وآرزوی سرنگونی آنرا داشتند ، اما با ورنمی کردند مبارزات ما به این زودی ها به ثمر برسد ،بارها از مسئولین نسبتا" عالیمقام عراق شنیده بودم که موضع اصولی واستراتژیک حزب حاکم درست درجهت مردم ایران است نه رژیم شاه ،اما سیاست مرحله‌ای دولت عراق اقتضا می کرده روشی این چنین اتخاذ کنند . هرچند اصول موافقت نامه الجزایر را شورای مرکزی حزب هم تصویب کرده بود ،احترام به تعهدات و عدم نقض عهد ،اصلی اخلاقی و انقلابی بود که عراقیها شدیدا" به آن پایبند بودند .درست است که رعایت این اصل اخلاقی سرانجام رژیم شاه را درآسودگی و امنیت دلخواهش مخصوص در خوزستان و کردستان قرار داد اما اینک که انقلاب مردم ایران به پیروزی رسید ،اکنون که دشمنان مشترک خلق های ایران و عراق ـ صهیونیست ها و امپریالیست های جهانی ـ درصدد ضربه زدن وسلب امنیت وآسایش مردم و رژیم انقلابی و اسلامی ایران است ،بقینا" رعایت همان اصل اخلاقی و انقلابی پای بندی به پیمانها و توافقنامه های مرزی و قبره می تواند پشتوانه آسودگی خاطر ،نسبت به مرزهای مشترکمان با همسایگانمان باشد .رژیم انقلابی و همسایه و همکیش که پای بندی اش به اصول انقلابی سالها ست شاه و اربابانش را آسوده ـ خاطر کرد ،قابل تصور نیست که اکنون انقلاب و انقلابیون همسایه و برادرش ایران مسلمان امور را نگران وخدای نکرده پیمان شکنی ونقض قراردادهای فی مابین کند...

س :بعقیده شما رابطه رژیم و مردم عراق با انقلاب ایران چه‌گونه است ؟

ج :رابطه دوستانه و صمیمانه ،نمونه آن هم تهنیت و تبریک گرم مقامات بلندپایه و رسمی عراق به رهبر کبیر خلق ما و دولت موقت جمهوری اسلامی ما .

اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

... "بهرحال امیدواریم که رژیم عراق مردم ایران را - که هم موضع در تمام نهادهای انقلابی و ضد امپریالیستی خود می‌داند فراتر از ناسیونالیسم عربی که مورد ستایش و احترام ماست، به وحدت امت اسلامی هم توجه نماید و گامی فراتر در امکان سریع زیارت زوار ما در عتبات مقدسه و افتخار اتمان در کربلا، نجف، سامرا، کاظمین بردارد.

۱۲ خرداد:

"مدنی استاندار خوزستان و فرمانده نیروی دریائی در یک مصاحبه پیرامون درگیری های خوزستان"

- استاندار خوزستان در اینجا به مسائل مطرح شده از سوی رادیوهای کشورهای همسایه اشاره کرد و گفت ما از کشور عراق و کویت گله داریم که حقوق ما را حفظ نمی کنند اسلحه قاچاق از کشور عراق می آید و کویت علنا" دعوت به طغیان علیه حکومت اسلامی ایران می کند.

۱۳ خرداد: (۱۸)

"- عبدالحلیم خدام وزیر امور خارجه سوریه و شارک عزیز فرستاده ویژه شورای انقلاب عراق عصر دیروز در دمشق مذاکرات مهمی درباره مراحل مختلف طرح وحدت عراق و سوریه انجام دادند. خدام و عزیز از جانب دو کشور ریاست کمیته امور سیاسی فرهنگی و اطلاعاتی عراق و سوریه را بعهده دارند. این کمیته پس از امضای معاهده وحدت عراق و سوریه در اکتبر ۱۹۷۸ بعد از بازدیدها از رئیس جمهوری سوریه از عراق تشکیل شد..."

۱۴ خرداد:

"صدام حسین نایب رئیس شورای انقلاب عراق به ایالات متحده امریکا اخطار کرد در صورتیکه آنکشور به فکر تهاجم به یک کشور عربی و یا کشورهای صادر کننده نفت باشد آنها تمام چاههای نفت را در منطقه به آتش خواهند کشید و با این گام قدم بر هر چیز دیگر سرویهای مهاجمین را خواهند سوزانید صدام حسین که

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

در مراسم سالروز ملی کردن صنایع نفتی عراق صحبت می کرد ضمن اظهار مطالب فوق گفت: امپریالیسم جهانی و در راس آن ایالات متحده امریکا در حال حاضر بحران نفتی جاری که طبق نقشه کارتلهای نفتی امریکا بوجود آمده است سود خود بهره برداری کرده - و از آن برای تشدید کشورهای عربی و کشورهای صادرکننده نفت و تضعیف قدرت مخالف آن نسبت به توطئه آمریکا - مصر - اسرائیل بر علیه مردم فلسطین استفاده میکنند.

صدام حسین همچنین بدلزوم سپیر روش اقتصاد جهانی بمنظور مبارزه و مجادله با ترور و براندازی منافع کشورهای تولید کننده و مصرف کننده تاکید کرد."

۱۶ خرداد:

"دفتر نخست وزیری طی اطلاعیه ای درباره حمله هواپیماهای عراقی به دهکده های مرزی ایران: برابر گزارش واصله ساعت چهار و دقیقه بامداد جاری ۴ فروند هواپیمای عراقی از نوع ساخت منطقه سردشت را بمباران کردند که در این ماجرا چند نفر کشته و زخمی شدند."

- احمد صدر حاج سیدجوادی وزیر کشور اظهار داشت که سفیر عراق در ایران احضار شده و رسما" نسبت به این عمل عراق از طرف دولت ایران بدولت عراق اعتراض شد."

۱۹ خرداد: (۲۳)

"در تظاهراتی که توسط سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی برگزار شد دولت عراق محکوم گردید. در این راهپیمائی که علیه عراق و دخالت های این کشور در امور داخلی ایران انجام شد، تظاهر کنندگان با شعارهای "مرگ بر عراق، الله اکبر، دشمن توست." "مرگ بر مسلمان کش، خمینی رهبر توست" "توطئه سیئی ها هرگز ثمر ندارد." راهی سفارت عراق شده و در مقابل سفارت عراق ضمن محکوم کردن رژیم عراق قطعنامه ای بشرح زیر صادر کردند:

...حزب بعث هم از نمونه های این شگرد است که به حمله امپریالیسم غرب پرداخته شد، مثل غغلق، در سالهای پس از جنگ دوم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

درلبنان که نقطه تمرکز جاسوسان بین‌المللی امپریالیسم غرب بود، پایه‌گذار حزب سوسیالیستی بعث شد.

حزب بعثی که اکنون در عراق حکومت می‌کند، همواره در شعار و موضعگیریهای مخفی، جبن‌ترین و سازش‌ناپذیرترین شعارها را داده ولی در عمل راست‌ترین و ارتجاعی‌ترین حرکتها را اتخاذ کرده است. رابطه‌اش با فلسطین و عدم دخالت مستقیم در عمل مثبت و همواره درکنار گود رجزخوانی کردن و همچنین سازش رسوا و سند انقلابی و خائنانه‌اش با محمدرضا پهلوی و اقدامات تجاوزکارانه‌اش علیه انقلاب اسلامی ایران، ماهیت او را بیشتر نشان می‌دهد. با وجود به حکومت استبدادی و جوخه‌قتلی موجود در عراق انقلاب اسلامی ایران از نخستین روزهای تحمیل کننده‌اش، عامل اساسی وحشت بر دمداران دمکتاتور عراق شد. بیش از آن در یک زد و بند و سازش امپریالیستی جهانی، که لکه ننگ تاریخ عراق و ایران است در معالجه‌ساشاه دو طرف کردها و حتی طالبرانی کردند، عراق و همچنین یمن جنوبی، حمایت خود را از قطار قطع کردند و حکومت ایران هم کردهای عراق را ساحوا بمرداد به برادرشان آورد. از آن پس عراق، آنکارا حامی رژیم حلادشاه شد و سعی امکانات انقلابیون ایرانی را در عراق از بین برد. سرانجام شبرپا اخراج امام، آن هم درحساسترین روزهای شکوفائی انقلاب ایران، خشم و نفرت آزادگان جهان را بر علیه خویش برانگیخت و هویت ارتجاعی و ضد اسلامی ـ انقلابی‌اش بر همگان آشکار گشت.

شعله‌های سرکش و فروزان انقلاب اسلامی ـ چونان معمار راستین حکومتهای جهان را به ارزیابی کشاند و در این میانه، رسوا تر از عراق، کمتر دیده شده. آنها با به‌های سلطه‌جوئشان را بر مردم ستم‌کشیده و محروم عراق لرزان می‌دیدند. ولذا قلب تپنده انقلاب، امام خمینی را نتوانستند تاب آورند. اکنون سراز تمامی امکانات حیله‌ها و توطئه‌ها بر علیه این کانون مشتعل منطقه استفاده میکنند. در خوزستان مستقیماً به پخش اسلحه و تحرک برداخته و برای معنی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

ی دست نشانده امکانات توطئه وتجزیه را فراهم می نماید. واز طرفی اینک با بمباران کردن وتجاوز به مرزایران که بهردلیل محکوم است پای خونین به کردستان نهاده است.

عراق گمان می کند با این اعمال می تواند از زیر ضربات کوبنده وتعیین کننده انقلاب توفنده ایران جان سالم بدربرد. اما تظاهرات خشمگین مسلمانان در نجف، کوفه، کاظمین نخستین طلیعه ظهور اثرات حیاتبخش انقلاب اسلامی است...

۲- ما توطئه وتجاوزات پی درپی وجنایتکارانه رژیم بعثی عراق را درخوزستان وکردستان ایران بشدت محکوم می کنیم و در این مورد به رژیم دیکتاتور عراق، شدیداً" اخطار می نمائیم که این حزب بعث نیز، سرنوشت حزب محکوم رستاخیز ورهبران را در پی خواهد داشت.

۳- حمایت بیدریغ خود را از خلق مستضعف ومسلمان عراق و جنبش اسلامی آن ابراز داشته، اعتماق وفشار روحوا ستبدادی حزب بعث را بر مردم بر اد در عراق شدیداً" محکوم می نمائیم.

۴- ما ضمن تائید عمل انقلابی دولت در مورد ملی کردن کلیه بانکها، انتظار داریم که قاطعانه در مقابل اینگونه اعمال ضد انقلابی وجنایت بار نیز موضعگیری قاطع کرده هویت پرشکوه انقلاب اسلامی را همچنان خدشه ناپذیر وسرافراز حفظ نماید.

۲۰ خرداد"

"خبرگذاری پارس: روز جمعه ۱۸ خرداد دما ه یک فروند هواپیمای عراقی به حریم هوائی ایران تجاوز کرده وبر فراز شهر پاوه به پرواز درآمده است.

فرماندار خرمشهر: روز ۱۹ خرداد مرزبانان عراقی بر روی پاسداران یک پاسگاه در دهکده مرزی شمجه واقع در ۱۵ کیلومتری خرمشهر آتش گشودند."

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

۲۰ خرداد

"دعوت براهپیمائی علیه رژیم بعث عراق درروز دوشنبه ۲۱ خرداد ماه توسط سازمان فجر اسلام، سازمان امت اسلامی، پیشتازان انقلاب اسلامی."

۲۱ خرداد

"تظاهرات ۲۱ خرداد که بدعوت سازمان فجر اسلام برگزار شد شعارهای زیر داده میشد، "اسلام پیروز است، الیکرنا بودا ست"، "مرگ بر صدام حسین".

وقطعنامه پایان راهپیمائی:

۱ - ملت مسلمان ایران پشتیبانی کامل خود را از جنبش اسلامی مردم عراق وروحانیت مترقی و مبارز آن کشور که خواهان جمهوری اسلامی هستند، اعلام می نماید.

۲ - ما ضمن ابراز تنفر و انزجار از حکومت بعث عراق حالیه خصمانه آن رژیم را در برابر انقلاب اسلامی ایران محکوم مینمائیم

۳ - توطئه وتحریکات دولت عراق در حوادث خوزستان بویژه در مشهر که آشکارا ردپای آن کشور را نشان میدهد و حمله های وحشیانه به دهکده های مرزی ایران را اقدامی خصمانه وضد انسانی دانسته وقاطعانه محکوم می کنیم..."

۲۲ خرداد

"خبرگزاری پارس اعلام کرد بنا به اخبار رسیده از منابع موثق در بیروت آیت الله العظمی سید محمد باقر صدر از جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی حکومت بعث عراق تضییقات وفشار بر ایشان وارد کرد. ایشان قصد خروج از کشور نمود و از این جهت رهبر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی تلگرافی مبنی بر بقا وحفاظت از حوزه علمیه نجف اشرف با ایشان ارسال داشتند... در دو روز اخیر ۱۹ و ۲۰ خرداد سازمان امنیت عراق منزل سید باقر صدر، را در محاصره خود قرار میدهد و ماموران مسلح را در اطراف منزل آیت الله صدر افرادی را که از منزل

www.peykar.org

خارج میشدند دستگیر می کنند..."

۲۳ خرداد

"مصاحبه با "نماینده جنبش اسلامی عراق"

- حزب بعث عراق بعنوان حزب مخالف از نظر ایدئولوژیکی کاملا مخالف اسلام است ... افکار حزب بعث مخالف اسلام است و از طرفی چون ضعف بوده و پیوسته سعی میکند با یک سلسله کارهای غیر منتظره و کوبنده انقلابی را کند کرده است ، البته بنظر خودش ، ولی بنظر ما ضد انقلاب ما در کند به کشورهای دیگر ، کما اینکه در گذشته در افغانستان این کار را انجام داده و اینک میخواهد به ایران بکشد..."

- روزنامه "النهار عربی": ژوئن ۸۰ (خرداد ماه ۵۸)

- قطب زاده به کشورهای عربی منطقه مسافرت میکند ، بنابه نوشته این روزنامه ، هدف قطب زاده بیطرف کردن کشورهای منطقه در رابطه با اختلافات میان ایران و عراق است .

- رهبران کویت به قطب زاده خاطرنشان کرده اند که ما در نزاع شما با آمریکا ، شما را تائید می کنیم ، اما در نزاع شما با عراق ، نمیتوانیم شما را تائید کنیم . آنها پیشنهاد میکنند که دو کشور اختلافات خود را رفع کنند تا این در گیریها ، منطقه را متشنج نکند و اثرات آن از منطقه خارج شوند .

- قطب زاده در مذاکرات با رهبران کویت ، روی عدم قبول درگونه مسائلی مانند ایران و عراق تاکید می کند .

- موضع کویت از اینکه در اختلافات ایران و عراق درکنار ایران قرار نگرفته است مورد تائید و خشنودی عراق قرار میگیرد .

روزنامه ارگان حزب بعث عراق در مقاله ای پیرامون روابط ایران و عراق : (استنل از خبرگزاری فرانسه)

۲۳ خرداد : (۲۱)

- ... در مناسبات ایران و عراق قدم به جای پای شاه سابق نگذارید . به گفته این روزنامه رهبران فعلی ایران نیز همان

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

تبلیغات ضدعراق زمان شاه را دوباره تکرار می کنند.

... شاه در مبارزات ضدعراقی خود همیشه از مذهب و بعضی رهبران مذهبی در این مورد سوء استفاده می جسته است و عجیب است که مقامات تازه ایران نیز دقیقا همان بازی را پیاده میکنند. در این مقاله تاکید شده است که مهمترین خطراتی که در زمان شاه اتحاد اعراب را تهدید می کرد از دو عامل برمی خیزند:

اول آنکه همیشه وانمود میکرد قوی ترین نیروی نظامی شرق آسیا را در همسایگی ملی و میهنی خود برای مواجهه با مهمونیسم برپا میدارد. دوم آنکه ایران همیشه نقش ژاندارم منطقه را داشت و با اشغال جزایر تنب و ابوموسی این ادعا را ثابت کرد.

... این روزنامه به رهبران ایران پیشنهاد کرد که این سه جزیره را به اعراب بازگردانند و همچنین به رهبران ایران اخطار کرد که در سیاست خارجی راه شاه سابق را دنبال نکنند و پیشنهاد کرد که رهبران ایران برای تغییر روش خود در تعقیب سیاست شاه تمام تلاش سیاسی خود را به نبرد سیاسی، افتضاحی علیه مهمونیسم بسیج کنند.

... ایران با پدید برای نشان دادن حسن نیت خود در قبال اعراب سه جزیره تنب کوچک و بزرگ و ابوموسی را به اعراب که مالکان واقعی آنها هستند بازگردانند و از این طریق نشان دهد که این کشور دیگر ژاندارم منطقه نیست.

... ما همانطور که در سال ۱۹۶۹ این گزارا کردیم به رهبران ایران در شهرهای تهران و قم اخطار می کنیم که در مورد روابط خود با عراق با آتش بازی نکنند".

۲۶ خرداد

"خبرگزاری پارس، روز ۲۴ خرداد، دو هواپیمای عراقی به حریم هوائی ایران تجاوز کردند و بر فراز پاسگاههای انجیره، طائه، نیخور به پرواز در آمدند و سپس بسوی یک پاسگاه مرزی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

آتش گشودند." (کیهان ۲۶ خرداد ۵۸)

۲۷ خرداد

"عبدالملک یاسین سفیرعراق درایران پس ازملاقات با دکتر ابراهیم یزدی وزیرامورخارجه ایران، تهران را به قصد بغداد ترک کرد".

۲۸ خرداد

"ازمنابع موثق داخل کشورعراق کسب خبرشدکه تعداد بازداشت شدگان توسط دولت بعثی عراق روبه ازدیاد است وتا کنون ۳ هزارنفراست که درمیان آنان زنان بسیارزیربچشم میخورد. همچنین اکثرعلمای مناطق وشهرستانهای عراق در زندانها بسر میبرند".

بعضی ازعلمای ایران نیزبه روحانیون عراق پیام فرستادند.

۲۹ خرداد:

"حافظ اسدبرای مذاکره با احمدحسن البکررئیس جمهوری عراق بصورت تشکیل یک اتحادیه فدرال وارد بغداد شده است. مقامهای سوری وعراقی گفتندعراق وسوریه با تشکیل اتحادیه میکوشندخلا دفاعی ناشی ازخروج مصرازمغرب عرب را پرکنند. سوریه وعراق مجموعا ۲۱ میلیون نفرجمعیت خواهد داشت ونیروهای مسلح آنها شامل ۱۲۹ هزارسرباز و ۱۳۰۰ تانک و ۷۳۱ هواپیمای جنگی است.

۲۹ خرداد

"آیت الله سیدمحمدشیرازی ازعلمای حوزه علمیه کربلادرمصاحبه با روزنامه کیهان:

س: چه موقع وحرا شما را ازعراق نمیدیکردند؟

ج: ...سخنرانیهای زیادی علیه استعمارشرق وغرب نموده ایم. موسسات زیادی دراین رابطه داشتیم که همه موسسات را بستند و دولت عراق حتی فرشهای نمازراکه روی آن وقف نوشته شده بود، فروخت وخودما نیزبیرون کردوا موال ما را هم مصادره کردند...

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

س : آیا می خواهید همیشه در ایران بمانید؟

ج : اگر دیدیم انشاء الله عراق حکومتش ساقط شد به عـــــراق برمی گردیم ، اگر بتوان در اینجا بهتر خدمت کرد می مانیم یا به کویت برمی گردیم .

س . اخبار رسیده حکایت از شروع انقلاب اسلامی در عراق میکند...؟

ج : در اواخر سلطنت پادشاهان عراق یک نهضت اسلامی برهبری علماء در عراق شروع شد بر ضد پادشاه عراق که نزدیک بود به نتیجه خود برسد و ما شروع فعلی ایران کار در دست روحانیون را ستین غرار گیرد . لیکن دولت انگلستان با مشارکت روس با موجـــود آوردن کودتای عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸ میلادی این موضوع را خنثی کرد . بازحمه های اسلامی عراق و برهبری علماء از جمله آیت الله حکیم و آیت الله شیرازی و سایرین به مخالفت بـــا عبدالکریم قاسم ادامه دادند تا رژیم وقوط کرد ولی استعمار بصورت عبدالسلام عارف و بعد عبدالرحمن عارف ظاهر شد... تا رژیم بعثی فعلی روی کار آمد که سرانجام این مخالفت به کشتن جماعتی از علماء مانند شیخ عبدالعزیز بدری از علماء اهل تسنن و شیخ عارف نصری از شیعه ها منجر شد و سبب تبعید و زنـــدان هزاران نفر از روحانیون و دیگر طبقات شد و سبب تبعید را تنها بدون اغراق هیچکس در عراق خواهان رژیم فعلی این کشـــور نیست و اوضاع سیاسی عراق درست مانند دوسال پیش ایـــران کاملا مستعد و آماده انفجار و انقلاب است . تنها کمی همت در نیروی ملت عراق میتواند طومار رژیم عراق را درهم بپیچد .

۳۰ خرداد (۳۵)

"دولت های عراق و سوریه سرانجام تصمیم گرفتند اتحاد در کشور را به مرحله عمل درآورند . یعنی یک دولت واحد با یک قدرت مرکزی یک رئیس کشور یک هیئت دولت ، یک ارتش واحد تشکیـــل دهند" .

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

۲۰ خرداد

"خبرگزاری فرانسه از روزنامه‌های الشوره والجمهوریه نقل کرده است:

...رهبران جدید ایران امپراطوری هستند که سعی دارند امپراطوری کهنه ایران را احیاء کنند.

...ما با آنها آنطور که شایسته است رفتار خواهیم کرد حتی با اسلحه و آتش.

...رهبران جدید ایران با ابداع دشمنی خیالی درصدد انحراف اذهان از بحران داخلی هستند و بدین ترتیب عراق را سرکرم مسائل ناچیزی می کنند و این کشور را از مبارزه با صهیونیسم باز میدارند.

...رهبران ایران را متهم به ادامه حمایت از منافع آمریکا. تحویل نفت به این کشور و حفظ قراردادهای محرمانه منعقده با واشنگتن کرده است. الشوره معتقد است که رهبران جدید ایران سیاست اختناق سرکوبی و شوینیست شاه را نسبت به اقلیتها بخصوص در منطقه عرب زبان اعمال میکنند.

۳۱ خرداد

"جمعیت حرکت اسلامی عراق اعلام کرد که طبق اخبار واصله از عراق آیت الله رفوانی نماینده خمینی در نجف اشرف بوسیله ماموران دولت بعث عراق دستگیر شدند. همچنین آیت الله خاتمی یزدی از نزدیکان امام خمینی متواری شده است و ۶۰۰ نفر از اهالی عراق دستگیر شده اند و در نجف حکومت نظامی برقرار گردیده است و نیز محاصره منزل آیت الله صدر هنوز ادامه دارد..."

۲ شهریور ماه

"یاسر عرفات رهبر و رئیس کمیته اجرائی سازمان آزادی بخش فلسطین در ریاض پایتخت عربستان سعودی رسما اعلام کرد که سازمان آزادیبخش فلسطین هم اکنون تمام تلاش خود را بکار

ارشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

میبردتا اختلافات ایران و عراق را حل کند".

۷ شهریور ماه

"آیت الله رضوانی نماینده خمینی در عراق پس از بازگشت به ایران در مصاحبه‌ای چنین گفت:

...مقامات عراقی از بودن من در عراق احساس نگرانی کردند بگمان اینکه من در اوضاع عراق دخالت دارم... روحانیون عراق بسیار ناراحت هستند بجز عده معدودی بقیه در فشار و ناراحتی بسر می برند. نماینده امام در مورد تغییر روش حکمرانان عراق نسبت به انقلاب ایران گفت: من جهت آنرا نمیدانم اما از ابتدای انقلاب ایران اینها بطور ظاهری روی خوش نشان میدادند و میخواستند در لفافه کار خودشان را بکنند... مدت ۲۰ سال من در عراق بودم بیش از آن حضرت امام خمینی بعراق مشرف بشوند و در آنجا مشغول تحصیل و تدریس بودم و هیچ تغییر رویه‌ای نداده بودم. و فعالیت های سیاسی هم نداشتم".

- النهار عربی: ۲۹ ژوئن ۸۰ (تیر ۵۸):

این روزنامه مصاحبه‌ای با سدون حمادی انجام داده است که برخی نکات آن چنین است (نقل به مفهوم):

- در مورد سوریه میگوید: ما نمی خواهیم مسائل دو کشور، مصالح قومی (عربی) ما را تحت الشعاع قرار دهد.

- او گفت که بعید است برای جزایر سه گانه به زور متوسل شود. او معتقد بود که روابط ایران و عراق ممکن است متشنج تر شود، و ی فکر نمی کند که نزاع بین دو کشور به جنگ تبدیل شود. او همچنین گفت که ما ادعای ارضی در عربستان (خوزستان) نداریم ولی تاکید کرد که عراق خود مختاری قومیت ایران را تائید میکند. او همچنین اضافه کرد که پشتیبانی عراق از اقلیت عرب در خوزستان درست است و برکسی پوشیده نیست. اما این مسئله را هم بنهان نمی کنیم که حل کردن این مسئله پیچیده خود ایران است که باید آن را حل کند و به اعراب خود مختاری بدهد.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

سعدون حمادی میگوید: موضوع اشغال جزایر سه گانه توسط ایران، موضوع و اشکال عمده بین ایران و کشورهای عربی است.

او همچنین اضافه میکند که بطور کلی دو موضوع اختلاف میان ایران و عراق وجود دارد: یکی جزایر و قرارداد شط العرب. او در پاسخ به سئوال خبرنگار در مورد خوزستان میگوید: اگر منظور شما این است که ما ادعای ارضی بر آنجا داریم این نادرست است. او همچنین گفت که انگیزه اختلافات ایران و کشورهای عربی، دخالت ایران در امور داخلی عراق و کشورهای عربی است. این وضع ممکن است تشنج بیشتر ایجاد کند.

۱۳ تیرماه: (۲۶)

"صدام حسین رئیس جمهوری عراق در مصاحبه‌ای با هفته نامه اشپیگل در مورد روابط ایران و عراق

... بحفظ مناسبات حسن همجواری با ایران علاقمندیم.

... رهبران جدید ایران تمدد اردر روابط ایران با کشورهای عربی را بهبود بخشند و به اسلام روح و توان تازه‌ای ببدهند.

۲۵ تیرماه: (۲۷)

"دکتر یزدی وزیر خارجه ایران پس از گفتگو با سفیر تازه عراق در ایران اعلام کرد، موافقت شده است که برای بهبود بخشیدن به روابط ایران و عراق در نخستین مرحله حملات تبلیغاتی بین دو کشور قطع شود... بنا به پیشنهاد دولت عراق و پذیرش ما قرار شده است که برای برطرف ساختن سوء تفاهماتی که بوجود آمده در نخستین مرحله، حملات تبلیغاتی بین دو کشور نسبت به یکدیگر قطع شود. دولت عراق قول داده است که از بکار بردن عنوان حسن مجبول درباره خوزستان و سایر نقاط خلوگیری کند و ما نیز به قول و حسن نیت مقامات عراقی اعتماد داریم.

... دولت عراق در خاک خود مانورهائی دارد و یا برخی از سرزمینهای مرزی خود را سمبارن میکند، در این شرایط امکان دارد که اشتباهاتی برخی از نواحی مرزی ایران نیز مورد اصابت

www.peykar.org

سمت قرار گیرد. درگذشته که چنین اتفاقی رخ داد، دولت عراق رسماً و کتباً ضمن پوزش خواهی اعلام کرد که این واقعه به سهو رخ داده است و آمادگی خود را برای جبران خسارت اعلام کرد.

۲۵ تیرماه: (۲۸)

ـ سفیر تازه عراق در ایران نیز در یک گفتگو با نمایندگان رسانه‌های گروهی چنین گفته است: "... ایران و عراق مرزهائی طولانی دارند و ممکن است گاه پیش آمدهائی رخ دهد، ما در این موارد با توجه به کلیه قراردادهای بین دو کشور به بررسی مسئله می پردازیم و در رفع آنها می کوشیم.... موضع انقلاب اسلامی ایران را در قبال مسئله فلسطین تائید می کنیم و در قبال مسئله کشورهای غیر متعهد و مبارزه علیه سرسپردگی درکنار انقلاب ایران هستیم.... ما چون اجازه نمی دهیم که کشوری در امور داخلی ما دخالت کند، در امور داخلی کشورهای دیگر به بهانه کشور همسایه ـ ای چون ایران دخالت نخواهیم کرد".

۲۶ تیرماه

"حسن البکر رئیس جمهور عراق در یک تلویزیونی اعلام داشت که بعلت ضعف مزاج از مقام خود کناره گیری و قدرت را به صدام حسین می سپارد"... "البکر که رئیس شورای فرماندهی است، مقام نخست وزیری و نیز دبیرکلی حزب سوسیالیست بعث عراق را نیز بعهده دارد. وی گفت که این سمت ها را نیز به صدام حسین واگذار خواهد کرد".

۶ مردادماه

"خبرگزاری خاورمیانه گزارش داد که دوشنبه گذشته توطئه یک گودتای کمونیستی علیه صدام حسین رئیس جمهوری عراق کشف وخنثی شده است... ۵۰۰ تن از اعضای حزب بعث عراق و عده‌ای از افسران ارتش در پی کشف این کودتای نافرجام دستگیر شدند".

۷ مردادماه:

"خبرگزاری عراق که به یک اعلامیه مشترک فرماندهی منطقه

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

ـ ای حزب وشورای فرماندهی انقلاب استناد میکند مینویسد ۵ نفرعضو این دوفرماندهی که عبارتند از: محمد عایش، عدنان حسین غانم عبدالجلیل، محمد محجوب، محی الدین عبدالحسین، توطئه ـ گران را رهبری میکردند.

...توطئه‌گران بدون توجه به سمتهای آنها در یک دادگاه فوق العاده بریاست نعیم حداد عضو شورای فرماندهی انقلاب و به عضویت شش تن از اعضای این شورا، محاکمه خواهند شد."

۹ مرداد ماه

"معاجبه با حجت الاسلام دعائی پیرامون روابط ایران و عراق:

...مقامهای عراقی از تبلیغات رادیو ایران و بویژه حملات خشن وتندبخش عربی این رادیو بسیار ناراحت بودند. بخصوص که این حملات ومطالبی که عنوان میشد، آنطورکه ما بدوشاید بـا واقعیت تطبیق نداشت، وبیشتر دارای جنبه احساسی وبدور از منطق بود. بهمین خاطر قرار شدکه حملات تبلیغاتی دوکشور علیه یکدیگر در یک روز معین، قطع شود. واز سوی ایران، چنین هم شد. وتبلیغات عراق نیز کاهش یافت... حملات همچنان که قبلا نیز اعلام شده به سه صورت گرفته و مقامهای عراقی نیز رسما اعلام کرده ـ اندکه آماده برای جبران هرگونه خسارتی هستند. رهبران عراق اصولا انتظار نداشتندکه این اتفاق مورد استفاده تبلیغاتی قرار گیرد و تا این اندازه بزرگ شود.

دعائی درپاسخ به این سئوال که آیا عراقیها به آشفتگی های خوزستان دامن میزنندگفت: طبیعی است که یک دولت عصبانی برای حمله به طرف خود برنقاط ضعف طرف مقابل دست بگذارد. وعراق نیز درتبلیغات چنین کرد. آنها تصور میکردندکه مسئله اقلیت های ایرانی بسیار مهم است ودقیقا برآن تکیه می کردند.

سفیر ایران درعراق پیرامون واردکردن اسلحه از مرزهای غربی وبویژه از مرزهای عراق اظهار داشت: ممکن است این

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

اقدامات ازسوی بعضی های حاکم درعراق نباشد ما عراق می ـ
تواند این مسئله را کنترل کند... مسلما کشوری که سفارت در آن
قرار دارد، راضی نیست که در امور داخلی اش دخالت شود و از نظر
اخلاقی حق هم دارد و در مجموع آنچه که اکنون در عراق میتوان
استنباط کرد سکون و سکوت است.

۱۶ مرداد

"خبرگزاری رسمی عراق امروز چهارشنبه اعلام کرد دادگاه
ویژه‌ای که توسط صدام حسین رئیس جمهوری عراق بمنظور رسیدگی
به وضع مشهمین توطئه برای سرنگونی وی تشکیل گردیده بود ۲۲
نفر از مقامات ارشد دولتی را محکوم به مرگ توسط جوخه آتش
کرد و ... سی و سه نفر دیگر را به یک تا ۱۵ سال زندان محکوم و ۱۳
نفر دیگر را تبرئه نمود".

۷ شهریور ماه

"منابع مطلع عرب اظهار داشتند در شرایطی که شکاف بین
سوریه و عراق گسترش می یابد، صدام حسین سوگند یاد کرده است که
از حافظ اسد شخصا انتقام خواهد گرفت. روزنامه الاهرام بنقل از
این منابع گزارش داد "تغییرات بسیار مهمی در روابط بین دو
کشور در چند روز آینده حاصل خواهد شد".

۱۲ شهریور ماه

"الاهرام نوشت دولت عراق تصمیم گرفته است صدور نفت به هند
را تحریم کند تا این کشور مجبور شود موضع خود را در کنفرانس
کشورهای غیر متعهد مبنی بر حمایت از سیاست مصر تغییر دهد".

۱۶ شهریور

"یزدی گفت که من گفتگوی صادقانه و مستقیمی با برزیدنت
صدام حسین درباره مسائل موجود میان ایران و عراق داشتم.
من از وی دعوت کردم به ایران بیاید و نتایج انقلاب ایران را
شخصا مشاهده کند".

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

۱۹ شهریور

"مجله بررسیهای خاورمیانه گزارش داد عراق به تعدادی از خریداران نفت خام این کشور اطلاع داده است که در آخر سال تجاری قراردادهایشان به پایان خواهد رسید و قراردادهای جدید تحت شرایط و ضوابط جدید منعقد خواهد شد. این مجله می افزاید که میان شرکتهائی که اخطار را دریافت کرده اند نام بریتیش پترولیوم، گلف اویل، موبیل، آکسان و احتمالا آموکو را میتوان نام برد. هیچیک از قراردادهای فروش نفت از طرف دولتهای کشورهای خارجی شامل این سه قرارداد ها نشده است."

۲۷ شهریور

"دکتر یزدی" در معاهده ای رئوس مذاکرات خود به سران کشورهای غیر متعهد از جمله عراق را بر شمرد... در ملاقات با صدام حسین مسائل مادر باره موضع عراق نسبت به ایران پس از پیروزی انقلاب مطرح شد و اینکه چرا در حالیکه همه اعراب از انقلاب ایران پشتیبانی و استقبال میکنند، عراق نسبت به ایران چنین موضعی دارد. عراقی ها نیز در این گفتگو نگرانی های خود را بیان کردند. نگرانی های آنها مقداری ناشی از توهمات و مقداری هم ناشی از تاثیر طبیعی انقلاب ایران در جهان است ... ولی دولت ایران و انقلاب ایران هیچگونه دخالتی در هیچ کشوری و منجمله عراق نکرده و نخواهد کرد.

... عراق همچنین مشغول تقویت جبهه آزادیبخش خوزستان که سالها است آنرا بوجود آورده است. ما به عراق این مسئله را توضیح دادیم و گفتیم اگر ایران استاد دخالت آن کشور را منتشر نکرده است، به این جهت است که نخواستیم افکار عمومی را بیش از آنچه بر علیه آن کشور است تحریک کنیم. علاوه بر این قبل از این ملاقات نیز ما مسائل را به سفیر عراق گفته بودیم و آنها گفته بودند که مسئله خوزستان و کردستان باید یکجا حل شود که ما نپذیرفتیم... بعد از حادثه پاوه و وقایع اخیر کردستان دست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

عراق در این حوادث درگیر بود که این مسائل با صدام حسین مطرح شد و گفتیم که آنها نیز نگرانیهای خود را گفتند. و زیر خارجه سپس گفت نتیجه این صحبت ها این بود که به عراق گفتیم که اگر دست از اقدامات خود برندارید، ما هم مجبور به اتخاذ تدابیر دیگری خواهیم بود.

... حزب بعث عقیده دارد که مسئله عراق از مسئله اعراب جدا نیست، اما ما به آنها گفتیم که آنها را به عنوان نماینده و سخنگوی اعراب نمی شناسیم و بهرحال صحبت ما در مورد نگرانی های دوطرف بود. ضمناً آنها اشاره داشتند که چرا امام رهبر شیعیان جهان است که گفتیم این را مردم پذیرفته اند و خواست مردم را ما نباید پای بخکوب باشیم..."

۲۱ مهرماه

دکتر ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه در گفتگوئی پیرامون روابط ایران با کشورهای عضو عربی بخصوص عراق گفت آنچه که صدام حسین رئیس جمهوری عراق گفته شاید دنیا له بحثی باشد که در کنفرانس ما را نا با ایشان مطرح شد ولی بسا قاطعیت در برابر بعضی از مطالبی که صدام حسین عنوان کرد ایستادیم و گفتیم هرگز انقلاب ایران تسلیم یک چنین مسائلی نخواهد شد اما اینکه صدام چنین گفته است که هر انقلابی که اسلامی باشد لاجرم باید پشتیبان انقلاب اعراب باشد این ناشی از تفکری است که حزب حاکم بعث در عراق دارد و مشعشع از فلسفه حزب بعث است... انقلاب مردم عزب هرگز قادر نیست به پیروزی برسد مگر از طریق اسلام. در واقع استناد صدام حسین هدف حمله اش انقلاب ایران به تنهائی نیست. هدف حمله صدام حسین کل حرکت اسلامی است که در دنیای اسلام و بخصوص در کشورهای عربی بیش از هرکجا امروز در خود عراق مطرح است. صدام حسین با یک چنین برداشتی که از فلسفه بعث دارد میخواهد انقلاب اسلامی را در کلیت خویش مورد حمله قرار دهد.

www.peykar.org

یزدی در مورد مندرجات روزنامه الثوره که در آن از حکومت ایران بعنوان حکومت توسعه طلب و تئوفاشیست نام برده شده گفت ما شیم یک معنا دارد و نباید گرچنانچه پرونده حکومت بعث را ما در عراق بررسی کنیم و نحوه عملکرد را مورد بررسی قرار دهیم دقیقا مشخص میشود که چه حکومتی دمکراتیک است و چه حکومتی استبدادی است.

یکی از مسائلی که در ها و انا با اینها برخورد داشتیم این بود که اینها می گفتند چرا بعضی از روزنامه های شما به رهبران عراق فحش میدهند و باید می گویند و انتظار آنها از ما این بود که ما این روزنامه ها را تعطیل کنیم یا مسئولین این روزنامه ها را تغییر بدهند... بنابراین دولت عراق آن چیزی که از ما انتظار داشته و چندین بار تکرار کرده است که اگر صداهای مخالفی در ایران علیه آنها است ما در اینجا این صداها را خاموش کنیم. جواب ما منفی است، ما چنین کاری نخواهیم کرد..."

۲۲ مهرماه: (۲۹)

"صدام حسین اظهار داشت عراق، سوریه، اردن و ساف بایستی جبهه مشترکی را تشکیل دهند تا بتدریج بتوانند با برکشورهای عرب را هم جذب کنند... او آنکارا به سخنان برخی از رهبران روحانی ایران اشاره میکرد که راجع به برخی از مسائل خلیج اظهار نظر کرده بودند.

... اگر انقلابی قرار است اسلامی باشد باید بستی در ابتدا دوستی برای انقلاب اعراب باشد".

۸ آبان

تفسیر سیاسی از اکونومیست:

"... بدنبال رفتار با ما هرانه ای که اخیرا صدام حسین رئیس جمهوری عراق نسبت به "اسد" نشان داده دشمنان رژیم سوریه تبدیل گشته اند. ادعای عراق این بود که سوریه علیه آن کشور دست به توطئه زده است اما خود صدام حسین بهتر از همه میداند که

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

هیچ توطئه‌ای از جانب سوریه علیه عراق صورت نگرفته است.

اما بقدری از این مسئله و این اتهام عصبانی شده بود که برای اثبات بیگناهی خود به قرآن و جان فرزندانش قسم خورد. از وقتیکه سوریه روابط خود را با ایران گسترش داده عراقیها بیشتر علیه سوریه به انواع اتهامات مبادرت می ورزند".

۱۲ آبان

"...خبر رسیده که تعدادی از برادران مسلمان ما در عراق اعدام شده‌اند. نقشی را که محمد رضا در اینجا اجرا میکرد، حالا آن آقا در عراق دارد میکند، دارد زاندارم خاورمیانه میشود. علیه ایران توطئه میکند. سفیرش در بیروت علیه ایران اعلامیه صادر کرده است. جای پای آنها در کردستان عربزوخوزستان پیدا شده به آنهائی که اسلحه داده و کارهای دیگری که علیه انقلاب ما مرتکب شده است. ای آقائی که در عراق حکومت میکنی کمی از آن قدرتی که داری پائین تر بیا. ملت عراق هم ملت مسلمانند. ملت مسلمان تاکی میتوانند صبر کنند؟ برگرد بما ملت آشتی کن، طغیان یعنی چه؟... بیا بیدهما نطور که امام خمینی ارشاد کرده‌اند با اسلام آشتی کنند، در آمد کشور را خرج ملت و اسلام نمایند، از مقام سوء استفاده ننمایند..."

(از سخنان منتظری در خطبه نماز جمعه)

۱۲ آبان: (۳۰)

"دکتر یزدی در بابان مذاکرات با رئیس جمهوری و وزیر خارجه سوریه چنین گفت: دولت عراق قیم و وکیل و وصی اعراب نیست و اعراب نیز چنین حقی را به آن نداده‌اند و مسئله سه جزیره خلیج فارس هیچ ارتباطی به دولت عراق ندارد... اگر دولت عراق هر مسئله عربی را مسئله خود عنوان کند ایران نیز به خود حق خواهد داد تا هر مسئله اسلامی را مسئله خود دانسته و علیه آن جبهه فعالی بگشاید و اگر عراق بخواهد این بازی را شروع کند باید بداند که در چنین کاری قبل از همه بخشم خود او خواهد رفت.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

بزدی افزود: عراق مسئول خلیج فارس نیست و دولتهای عربی خلیج این را تائید می کنند. دولت عراق بهتر است بجای اینکه جبهه ضد انقلاب ایران را همگام با ایادی شاه تقویت کند به تقویت جبهه ضد اسرائیل در منطقه بپردازد."

۱۲ آبان

"صدها نفر از مردم خرمشهر ساعت ۳ بعد از ظهر دیروز در برابر کنسولگری عراق اجتماع کردند و ضمن دادن شعار علیه عملیات و گفتارهای حکومت بعث عراق را محکوم ساختند."

اول آذر

"استاندار کرمانشاه اعلام کرد:

تظاهرات گسترده ای علیه حکومت بعثی عراق و صدام حسین رئیس جمهور عراق در ناحیه کردستان عراق انجام شد... در مقابله با این وضع، عراقیها نیز اخیرا شروع به اخراج ایرانیان مقیم عراق کردند. دو روز پیش ۲۰ تن ایرانی از مرز خسروی و چند روز پیش تعدادی دیگر از مرز ایلام به خاک ، کوچ داده شدند..."

۱۳ آذر

"استاندار کرمانشاه در مصاحبه مطبوعاتی:

... اگر کشور عراق طالب همکاری بود علاوه بر اینکه به مزدوران منطقه در خاک خود پایگاه نمیداد، می کوشید که مرز خود را با ایران کنترل کند و اجازه ندهد که عوامل امپریالیسم و صهیونیسم جهانی در این نقاط مرزی ایجاد آشوب کنند."

۲۸ آذر

"روابط دیپلماتیک ایران و عراق در شورای انقلاب مطرح شد و مورد بررسی قرار گرفت. تصمیم شورای انقلاب پس از تایید امام مورد اجرا گذاشته خواهد شد... پس از انجام عملیات ایذائی عراق و حملاتی که به پایگاه های مرزی کشور گردید سفیر ایران در

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

عراق (دعائی) به ایران اخطار شد."

۸ دی ماه: (۳۳)

"کرمانشاه، نیروهای عراقی با توپخانه و خمپاره انداز و سایر سلاحهای سنگین از ساعت ۳/۵ تا چهار بامداد روز پنج شنبه منطقه "تنگ هوان" واقع در مرز ایران و عراق را زیر آتش گرفتند... این حمله به تلافی حمله‌ای بوده است که طی آن جوان‌مردان فدائی امام خمینی چند روز قبل در تعقیب مهاجمین پنج‌تن از آنها را در این محل کشتند..."

۱۶ دی ماه

"مقامات فرانسوی اعلام کردند، عراق سفارش خرید ۲۴ سمت‌فکن میراژ را به آن کشور داده است. این مقامات گفتند با این سفارش تعداد کل میراژهائی که عراق تاکنون از فرانسه خریداری کرده به ۶۰ فروند می‌رسد. عراق اخیرا" برای متنوع کردن منابع خرید سلاح خود به فرانسه روی آورده و چندین فروند هواپیما از این کشور خریداری کرده است."

۱۷ دی ماه

"نماینده عراق در کنفرانس جنبش های آزادیبخش که به دعوت دانشجویان پیرو خط امام در تهران برگزار شد:

"ملت ما در عراق در شرایط بسیار سختی بسر می برد. شرایطی که استعمار بزور سرنیزه بر ما تحمیل کرده است. ما با سلاح اسلام که زیر بار ظلم نمیرود دهها سال است که با طاغوت مبارزه می کنیم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی شرایط ما در عراق سخت‌تر شد و پیرو جوان در زندان رژیم عراق هستند. این حکومت به هیچ کس رحم نمی کند..."

۳ بهمن ماه

"حجت الاسلام سید اصغر ناظم‌زاده رئیس دادگاه انقلاب اسلامی کرمانشاه در گفت وگویی در مورد درگیریهای اخیر در مرز ایران و عراق گفت: ظاهرا" دولت عراق عمدا" مرضد انقلاب را تحریک می-

www.peykar.org

کنند تا به پاسگاههای ایران حمله کنند... تا کنون همه حملات عناصر تحریک شده توسط دولت عراق را ماموران ژاندارمری و افراد سپاه پاسداران انقلاب رفع گرده و عده زیادی از مهاجمان را کشتند.

۸ بهمن ماه

"عراق در اشاره به سفر لرد "کارینگتون" وزیر امور خارجه انگلیس بخلیج فارس یادآور شد که انگلیس می کوشد با احیای دسته بندی نظامی کهنه، سلطه از دست داده خود را احیاء کند."

۱۴ فروردین (۳۱) و (۳۲)

"در یک سوء قصد که نسبت به جان طارق عزیز معاون نخست وزیر عراق و یا نزدیک صدام حسین صورت گرفت چندتن جراحات کمی برداشته و فارب (فارب ایرانی والاصل بوده است) به قتل رسید و محافظان او نیز کشته شدند... صدام حسین در محل سوء قصد اظهار داشته که "خون ریخته شده بدون قصاص نخواهد ماند." "ما از تروریسم وحشتی نداریم. دولت سوسیالیستی عراق بیش از هر کشور دیگر در خاورمیانه مورد تهدید فرمان آیت الله خمینی برای تدور انقلاب ایران قرار دارد. ایران یک کشور شیعه بوده و نیمی از جمعیت ۱۳ میلیونی عراق را نیز شیعیان تشکیل میدهند." صدام حسین گفته می شود از ترور روز گذشته به شدت ترسیده بود. اشاره به جنگ تا دسیه کرد که در آن امپراطوری ساسانیان از اعراب شکست خورد.

۱۸ فروردین

"... هزاران تن از ایرانیان مقیم عراق توسط عمال رژیم بعث از آن کشور رانده شدند. هرچند علت توسط... وجود اختلافات ایران و عراق و همچنین سوء قصد بجان معاون نخست وزیر عراق را انگیزه اصلی ماجرا میدانند. براساس آخرین گزارشهای رسیده تاکنون ۱۵ هزار تن از هموطنان ما از عراق رانده شده اند اساس درحالی است که رژیم بعث عراق به اخراج ایرانیان همچنان ادامه

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

می دهند.

...آیت الله مهدوی کنی عضو شورای انقلاب و سرپرست وزارت کشور امروز در تماسی با خبرنگاران در رابطه با تهدیدات و تحریکات دولت بعث عراق علیه ایران اعلام کرد که ارتش ایران برای مقابله با هرگونه تهدید و تحریک به حالت آماده باش در آمد و کمیسیون امنیت ملی برای رسیدگی و هرگونه تصمیم تشکیل شده است.

(۳۴) ...عراق خواهان خروج هرچه زودتر نیروهای نظامی ایران از سه جزیره ابوموسی تنب بزرگ و کوچک در خلیج فارس شد. این درخواست طی یک نامه رسمی از سوی سعدون حمادی وزیر امور خارجه عراق به کورت والدهایم دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم شد. سعدون حمادی طی این نامه از کورت والدهایم با استناد به روحیه "توسعه طلبی" دولت ایران در مطالبه خواستار خروج نیروهای ایرانی از این سه جزیره شده است. در این نامه همچنین به "دخالت" ایران در امور داخلی کشورهای ساحل خلیج فارس و بخطر افتادن استقلال این کشورها اشاره شده است...

خبرگذاری عراق شنبه دیروز اعلام کرد به دبیر دوم سفارت ایران در بغداد ۲۴ ساعت مهلت داده شده است تا سفارت ایران در بغداد را ترک کند...مقامات ایرانی دیروز دولت عراق را متهم به خرابکاری و انفجار در نواحی نفتی جنوب ایران کردند و مدعی شدند که خرابکاران و گروههای ضد انقلاب را دولت عراق مجهز و تامین میکند.

(۲۲) قطب زاده درباره موضع ایران در قبال ادعای دولت بعثی عراق گفت:

مسئله جزایر تنها مطرح نیست، مسئله خلیج عمیق تر از آنست. در هرحال همانطور که میدانید، هر روز مواجه توطئه های امپریالیستی و ایرقدرتها در سطح منطقه هستیم خصوصا" انقلاب اسلامی، شدیدا" مورد تهدید امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بین المللی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

قرار گرفته است.

دولت عراق بعد از جریان اختلافی که در دوره شاه مخلوع با ایران داشت در حقیقت واسطه اصلی رفع اختلاف اسرائیل بود. دولت جنایتکار عراق از همان زمان به بعد در بست در اختیار صهیونیسم و پنتاگون صهیونیستها عمل کرد. البته رنگ و روغنش این بود که صدام حسین و شاه مخلوع در الجزایر بتوافق رسیدند.... انقلاب ایران عکس العمل و بازتاب عجیبی در عراق داشت و روز به روز سطح مقاومت مردم در مقابل دولت خائن بعث عراق وسیعتر گردید تا جائی که تقریباً" عرصه را بر حکومت غاصب و خونخوار تنگ کرد.

... حالا هم اعلام میکنیم که یک وجب و یک سانتیمتر از خاک مقدس سرزمین مان را که امروز متعلق به جمهوری اسلامی است و پرچم اسلام و ایران بر فراز آن در اهتزاز است به احدی در روی کره زمین نخواهیم داد."

۱۹ فروردین

در سراسر ایران علیه رژیم عراق تظاهرات شد.

... بعد از ظهر دیروز گروههای مختلف مردم با در دست داشتن عکسهائی از امام خمینی و آیت الله صدر از مسجد امام حسن عسگری بسوی حرم حضرت معصومه براه پیمائی پرداختند و اعمال دولت عراق را محکوم کردند و خواستار عکس العمل دولت در برابر یاوه گوئی های بعثی ها شدند.

... بعلاوه آیت الله شیرازی اعمال رژیم بعثی عراق را محکوم کرده و بعنوان اعتراض به دولت بعثی عراق، درس حوزه علمیه مشهد را تعطیل کرد... در پایان درس آخرین روز حوزه علمیه مشهد از مردم میخواست تا بر کناری رژیم دست نشانده امپریالیسم غرب و شرق در عراق و برقراری حکومت اسلامی صحیح بر هبری روحانیت از پای ننشینند.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

ـ واکنش گروههای سیاسی وشخصیتها پیرامون روابط ایران وعراق :

■ روحانیت مبارز

... مابیک وجب ازخاک کشورخودرا به هیچ کشوری نخواهیم داد ...

اظهارات وزیرخارجه عراق را تحریکات امپریالیسم آمریکا دانسته که بصورت ظاهر ازطرف صدام حسین وانورسادات اعمال میشود... خشن محکوم کردن ادعای ارضی عراق نجاوزحکومت این کشوررا به شیعیان وآزارشاگردان مدارس ایرانی درعراق بشدت تقبیح کرد.

■ جبهت الاسلامها شمس وقسمتانی

... درخواست رژیم بعثی عراق ازایران مبنی برتخلیه قسمتی ازجزیره ایرانی تنب بزرگ وکوچک وابوموسی راحلقه ای ازتحریک توطئه های آمریکا دانست وگفت :کارتر خیال میکند با این چیزها میتواند ما را وادار به عقب نشینی کند.

■ سخنگوی جبهه ملی ایران

اظهارات دولت بعثی عراق نشانه آنست که این دولت آلت دست استعمار وارتجاع است وبخاطر ضربه زدن به انقلاب شکوهمند ملت ایران است ... دنیا میداند این جزایرازاول متعلق به ایران بوده ومسئله اشغال نظامی میبودوفقط دولت ایران حاکمیت خودرا درآنجا اعمال کرد... دولت باید بداند با این ادعا اعتراض کنندوبهرنحوی که لازم میدانند تکلیف نشان دهندودراین میان ملت وهمه گروهها فارغ ازهرگونه نظروجهت سیاسی پشتیبان دولت خواهندبود.

■ جنبش مسلمانان مبارز

"موضع اخیردولت عراق را درمراحل بحرانی کنونی دایر برسرسمیت نشناختن حق حاکمیت ایران برسه جزیره تنب بزرگ و کوچک وابوموسی درخلیج فارس یک تحریک امپریالیستی دردامن

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

زدن به اختلافات داخلی منطقه میدانیم و فشار جدیدی بر انقلاب ایران که ملت قهرمان ما را از حمایت ملتهای عرب مسلمان در مقابل امپریالیسم محروم میکند. طرح این مسئله دامن زدن به تضادهای فرعی در مقابل تضاد اصلی است که امپریالیسم جهانخوار فراموش شود و ملت ایران در مقابل ملت عرب و عرب در مقابل ملت ایران قرار بگیرد.

■ بنی صدر

نظر ما اینست که دولت عراق در بازی هائی که میکند و در انتظار هائیکه ایجاد میکند مستقل نیست این بازی از بسر قدرتها و اسیاب آنست .... ما خواهیم دید که ملت عراق این رژیم دست نشانده را بزانو درخواهد آورد و مردم ما در مقابل تحریکات ضدانسانی آنها به مبارزه خود ادامه میدهند و در این راه مصمم هستیم، ما حرف نا حساب نداریم ما می کوشیم همه ملتها مستقل زندگی کنند و اگر دشمنی حملاتی به کشور ما بکند ما نمیتوانیم آنرا تحمل کنیم و اگر برادر منهم باشد باید با قاطعیت با آنها رفتار کرد..."

■ دکتر بهشتی

ما همواره خواهان روابط سالم با همه همسایگان بخصوص با کشورهای مسلمان برادر هستیم و تلاش خواهیم کرد از هرگونه برخوردی که برای ملتهای برادر بوجود ببیاید جلوگیری کنیم ولی یک ملت انقلابی با همان نیروی عظیمی که توانسته است انقلاب را تا اینجا به پیروزی به جلو ببرد در برابر هر دسیسه ای که از جانب دولتهای خائن حاکم بر ملتهای مظلوم مسلمان همسایه ما بوجود بیاید با قدرت مقابله خواهد کرد... با کمال تاسف برای سرزمین های محاور و این ملتهای برادر ما دولتهائی حکومت نمی کنند که مورد قبول این ملتها باشند، بخصوص اقدامات خصمانه عراق را گوشه ای از توطئه شیطان بزرگ آمریکا علیه ملت ایران و انقلاب اسلامی خودمان میدانیم و دولت تحمیلی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

عراق باید بداند که ملت ما در برابر این توطئه‌ها با تمام توانش خواهد ایستاد و آنرا در اولین مرحله نابود خواهد کرد.

■ سپاه پاسداران انقلاب

...رژیم بعثی عراق که صدای ریزش کاخ ستم و جور سالهای دراز حکومت بعثی خویش را در بیداری امت برادر در عراق احساس نموده برای رهائی از مرگ و انحرافات افکار عمومی منطقه از تداوم و پویائی انقلاب اسلامی، تلاشهای مذبوحانه خویش را آغاز نموده است.

...در واقع صدام حسین با این ادعاهای پوچ، قصد خدمت به اربابان آمریکائی خود را دارد و امت اسلامی ایران به رهبری امام خمینی نیز دشمنان همه توکران امپریالیسم و اربابان را پیش‌بینی نموده و برای رسیدن به آرمان الهی با تمام وجود به استقبال شهادت میرود. ما آغاز این نبرد را به امت برادر در عراق، تبریک می گوئیم.

۲۰ فروردین

■ "بدنبال قطع رابطه سیاسی با آمریکا حزب جمهوری اسلامی با انتشار اطلاعیه‌ای چهار شنبه و پنج شنبه هفته جاری را روزهای جشن و روز جمعه آینده را به نشانه وحدت و حمایت از ملت مستضعف عراق روز اعلام کرد".

۲۳ فروردین

امام جمعه تهران در نماز جمعه:

رژیم بعثی عراق در مقابل اسلام و قرآن صف آرائی نموده است... توپ‌های که در رده‌های بالای حکومت عراق و نیز پی در پی در سطح ارتش صورت میگیرد نشانگر آنست که بیکمان این رژیم سرنگون خواهد شد.

۲۳ فروردین

پیام صدر در مراسم نماز جمعه وحدت:

...ما انقلاب کرده و یک آدم فاسد و خائن را از مملکتمان

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

بیرون انداخته ایم نقش تو در این میان چیست .معلوم میشود تو
از خودت میترسی چون رژیمت مردمی نیست .تو رخت داری مردم
عراق هم چون ما قیام کنند بهمین دلیل این بازیها را درآورده
ـ ای ...چه می گوئی ؟میگوئی ما مردم عراق را به رژیم فاسد
تو بفروشیم ،این غیرممکن است ما مردم عراق را نمی فروشیم...
اما یقین بدان که ملت اسلام و فرزندان واقعی قادسیه تـــرا
سرنگون خواهند کرد.

۲۵ فروردین

"فرمانده ناحیه ژاندارمری کرمانشاه گفت :آقای رئیـــس
جمهور همچنین در مورد برخورد احتمالی نیروهای عراقی بـــا
نیروهای ایران گفتند که در این مورد شدت عمل نشان خواهیـــم
داد و هرنوع تجاوز و تعرض به خاک ایران را با عمل متقابل شدید
دفع می کنیم".

۲۰ فروردین

"صادق قطب زاده عضو شورای انقلاب و وزیر خارجه شرایط ایران
برای حل مسئله ایران و عراق اعلام داشت :

۱ ـ نابودی رژیم اسرائیلی صدام حسین

۲ ـ پیوستن عراق به کشورهای غدا مپریالیستی و ضد صهیونیستی

۳ ـ آزادی تمام زندانیان سیاسی عراق و مردم این کشور و در
راس آنها آزادی حضرت آیت الله العظمی صدر.

شرایط عراق که صبح امروز اعلام شد:

۱ ـ خروج بی قید و شرط از سه جزیره

۲ ـ بازگرداندن دنباله شط العرب به قبل از قرارداد ۱۹۷۵

۳ ـ برسمیت شناختن عرب بودن مردم عربستان (خوزستان)

۲۰ فروردین

خمینی:دولت عراق از اول دولتی نبود .اینها مجلس هم ندارند .
حال خیال میکنند اینها دولت هستند...صدام حسین عقلش هـــم
درست نیست پوسیده است ...باید ملت شریف عراق خودش را از

www.peykar.org

چنگ اینها بیرون بیاورد این ارتش عراق هم باید همانطور که در ارتش ایران وقتی که فهمیدند او دارد بهشت اسلام را سلام جنگ میکند، همانطور که قیام کردند و ارتش ملحق شد به مردم، ارتش عراق هم باید همین کار را بکنند این جنگ با اسلام است ارتش عراق حاضر است با اسلام جنگ کند ـ حاضر است سر نیزه را بر قرآن بزنند ـ این سر نیزه به قرآن زدن است، واجب است بر ملت و ارتش عراق که پشت کنند به این حزب شیعه اسلامی و افراد غیر اسلامی که مردکمی هستند... ارتش عراق باید توجه داشته باشد به این معنا که اینها را خودش سرکوب کند و خودش از بین ببرد، خب صاحب منصب های خوب ما داریم در عراق ـ صاحب منصب های صحیح و متدین در عراق هستند خود آنها کودتا کنند و این را از بین ببرند ـ و حرام است مر آنها که یک قدم در این راه بردارند و با این شخص لعین باشند و باید قیام کنند بر ضد او و حکومت و مملکت خودشان را اسلامی کنند و فوا عدهم اسلامی باشد و مثل حالا که چهار نفر بنشینند و سرنوشت یک ملت اسلامی را چهار نفر کافر که تابع میشل عفلق که حتی معلوم نیست مسیحی هم باشد برخلاف ما و برخلاف اسلام کار میکنند".

۱۳ اردیبهشت

پیام خمینی درباره شهادت آیت الله صدر

"...عجب تر آنکه ارتش عراق و سایر قوای انتظامی آلت دست این جنایتکاران واقع شوند و در عدم اسلام و قرآن کریم با آن کمک کنند من از رده بالای قوای انتظامی عراق مایوس هستم لیکن از افسران و درجه داران و سربازان مایوس نیستم و از آنان چشمداشت دارم که با دلاورانه قیام کنند و اساس ستمکاری را برچینند و همانسان که در ایران واقع شد و با از پا درآمدن سربازخانه ها فرار کنند و ننگ ستمکاری حزب بعث را تحمل نکنند من از کارگران و کارمندان دولت غاصب بعث مایوس نیستم و امیدوارم که با ملت عراق دست بدست هم دهند و این لکه ننگ را از کشور عراق بزدایند..."

دانشیو اشاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

- شورای انقلاب بمنظور اعلام انزجار علیه جنایات بعثی های عراق و شهادت آیت الله صدر:

"...این جنایت بزرگ چهره شیطانی ورذیلانه حکومت مزدور عراق را برملاکرد و ماهیت ضداسلامی اش را آشکارساخت. ملت رزمنده و مسلمان عراق این جنایت بزرگ را بردولت بعثی نخواهد بخشید و انتقام این خون پاک را تا سرحد ریشه کن کردن رژیم خائن عراق خواهد گرفت. شورای انقلاب قبل از ظهر مردم را دعوت میکند تا برای اعلام انزجار علیه جنایات دولت بعثی عراق به سوی دانشگاه راهپیمائی نمایند". در راهپیمائی شعارهائی مانند: "مرگ برصدام حسین جلاد، لعنت هر مسلمان بر این پلید خونخوار" داده میشد.

۱۷ اردیبهشت

- حمله مهاجمان عراقی سپاه وکرند، مهاجمان مسلح بعث عراق در دو روز گذشته به پاسگاه ژاندارمری سرسیل کرند و شهر پاوه حمله کردند.

- پیام امام خمینی بارتش عراق درجهان بازتاب گسترده ای داشت. در سراسر عراق حالت فوق العاده اعلام شد و مسلمانان در مسجد عام علیه هیئت حاکمه عراق بسر میبرند. پیام رهبر جمهوری اسلامی از بعضی شبکه های رادیوئی جهان پخش گردید و در نقاط ممنوع پیام دست بدست میگردد در خیابانها، کوچه ها، در منازل، ادارات، مدارس، دانشگاهها و کارخانه ها و در یک کلمه همه جا سخن از مبارزه در رژیم بعث است. در سازمان امنیت عراق جنب وجوش عجیبی بچشم میخورد. در ارتش عراق نشانه های شکست بچشم می خورد.

۲۰ اردیبهشت

- حمله بعثیهای عراق به بیمارستان امل وشیعیان لبنان، بنجشته گذشته بعثی های وابسته به عراق (مرکب از عراقیان و فلسطینی های طرفدار عراق) از سفارت عراق روبروی بیمارستان

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

مربوط به سازمان امل وشیعیان لبنان جنب سفارت ایران برای چندمین بار به بیمارستان حمله کردندو از نیمه شب تا ساعت ۴ صبح بیمارستان را زیرآتش گرفتند.

ـ گروهی از افسران ودرجه داران عراق از ارتش فرار کردند، طی دوروز گذشته ۲۷۸ نفر دیگر از خواهران وبرادران رانده شده از عراق از طریق مرزهای مهران ودهلران وارد ایران شدند.

۱۰ خرداد

ـ دهها شیعه لبنانی توسط بعثی های عراق قتل عام شدند.

ـ حزبهات نیرد زمینی وهوائی ایران وعراق ـ براساس گزارشهای رسیده نیروهای ارتش عراق با استفاده از مواضع پاسگاههای مثلث، نفتان، شقلاوی، ارامی وزرنیوک و دشت سلاحهای سنگین وسبک خود بجاده به پشتیبانی نیروی هوائی پاسگاه مرزی پیرانشهر، آبادگمرک، فرح آباد و شهر مدرن از توابع استان ایلام را زیرآتش قرار دادند.

۱۲ خرداد

ـ ۱۲۰ نظامی عراق در نبرد با ایران کشته شدند، عراق در سه نقطه قصر شیرین را بمباران کرد.

ـ پاسگاههای مرزی عراق با خاک یکسان شد، قصر شیرین زیر آتش مستقیم توپهای عراق قرار دارد.

۱۴ خرداد :

عراق با ۲۵۰ تانک حملات فرسایشی علیه ایران را آغاز کرد.

۱۸ خرداد ۵۹

بخاطر مخالفت با جنگ ایران یک تیپ زرهی عراق دست به شورش زد.

۵ تیر

عراق دست به حمله و اشغالات جدیدی در خوارمرزی ایران زد.

۱۰ تیر

ـ ارتش بعث عراق یک روستای قصر شیرین را منهدم ساخت.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

۱۹ تیر ۵۹

- میگ های عراق سردشت را بمباران کردند.
- آتشبارهای ایران جنگنده عراقی را سرنگون کردند.
- غنی بلوریان : مزدوران عراق میخواهند در کردستان دولت آزاد اعلام کنند.
- اعضای جنبش زنده شدگان از عراق عمر دیروز با برپائی اجتماعی در مدرسه عالی شهید مطهری ضمن محکوم کردن اعمال و رفتار دولت بعث عراق مراتب انزجار و تنفر خود را از امپریالیسم اعلام کردند. در این کنفرانس که با حضور سازمانهای اسلامی عراق بمنظور اعتراض به رژیم فاشیستی این کشور برگزار شد نمایندگان روحانیون مبارز و مسلمان انقلابی عراق، حرکت مسلمانان عراق، جنبش زنده شدگان عراق، حرکت مسلمانان عراق، جبهه اسلامی آزادیبخش بحرین و حجت الاسلام حمیدزاده سخنانی ایراد کردند.
- حجت الاسلام حمید زاده در این کنفرانس گفت: عراق می خواهد خواسته های خود را به ملت ایران تحمیل کند که در این مورد روشهای گوناگون بکار میبرد است.
۱ - ضربه زدن به انقلاب اسلامی از داخل
۲ - ایستادگی در برابر نفوذ انقلاب اسلامی به خارج و سرکوب کردن نهضت های اسلامی در کشورهای اسلامی.
- اجراح شیمیائی عراق که تاکنون به ۴۰ هزار نفر رسیده است.
۲۲ تیر ۵۹
- سه ستون نظامی عراق قرار بود به کودتاچیان کمک کند.
- بنا به تائید منابع آگاه در غرب کشور ۳ ستون نظامی ارتش عراق با تجهیزات فراوان در مرز ایران مستقر شده بودند به محض شروع تحرکات کودتا با تمام قوا به مناطق غرب کشور حمله کنند.
براساس گزارش دریافت شده از سپاه پاسداران قصر شیرین و زاندارمری از حدود یکماه پیش تاکنون نیروهای عراقی روضد

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

انقلاب در منطقه تقویت شده و ارتش بعث عراق در دو هفته اخیر دست به تقویت نیروهای خود در مرز زده است.

۲۲ شهریور ماه

- اوضاع مرزی غرب کشور بعد از ۲۴ ساعت آرامش مجددا از ساعت ۵ صبح امروز متشنج شد.

۲۵ شهریور

- نیروهای ایران حملات شدید میگهای عراق را دفع کردند.

- وزیر دربار مصر وارد تهران شد. اظهار داشت بعدا از اخراج هجده دیپلمات عراقی از مصر، عراق نیز دست به اقدام تلافی جویانه زده و نه تن از دیپلمات های مصری را از کشور خود اخراج نمود. به این ترتیب تعداد دیپلمات های هر کدام به ۵ نفر رسید.

۲۸ شهریور

- پس از ۲ روز آرامش در کلیه بهای مرزی ایران و عراق دیشب از سر گرفته شد.

۸ مرداد

- درگیری شدید در نوار مرزی ایران و عراق از سر گرفته شد (درگیری در قصر شیرین).

- تاسیسات نفتی عراق توسط نیروهای ایرانی به آتش کشیده شد.

۱۶ مرداد

ایران بزرگترین انبار مهمات عراق را منهدم کرد.

۱۹ مرداد

نیروهای عراقی روز گذشته مجددا با توپخانه مناطق مسکونی ها شهر نفت و اطراف قصر شیرین را بمدت ۱۰ ساعت زیر آتش گرفتند.

۲۰ مرداد

عراق برای گسترش جنگ ۳۰۰ تانک در مرز ایران مستقر کرد.

۲۲ مرداد

- کمک مالی عربستان به عراق برای جنگ با ایران.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

- نیروهای اردن و مصر به ارتش عراق در مرز ایران پیوستند.
- صدها زندانی عراقی در درگیری با افراد حزب سوسیالیست متحد عراق کشته شدند.

* * *

بدین ترتیب درگیریهای نظامی در کشور، پیوسته افزایش می یابد و بتدریج از حالت جنگ فرسایشی به یک درگیری نظامی آشکار و همه جانبه تبدیل میشود. حمله عراق به پایگاههای نظامی و فرودگاههای ایران در روز ۳۱ شهریور ماه، تا قوس این جنگ تمام عیار نظامی در هوا و دریا و زمین، بصدا در می آورد و جنگ گسترده و کلاسیک میان دو رژیم آغاز میگردد.

******

تاریخ نگارش ۵۹/۷/۲۵

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org